

بسم الله الرحمن الرحيم

<http://www.ciw8.net>

<http://www.ciw8.net>

سیری در جنگ ایران و عراق - ۶

# آغاز تا پایان

(سالنمای تحلیلی)

بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش بس



مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سیری در جنگ ایران و عراق - جلد ششم

آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی)

تدوین و نگارش: محمد درودیان

ویرایش محتوایی: بهاءالدین شیخ‌الاسلامی

ویرایش نهایی و مدیر آماده‌سازی: مهدی انصاری

طراحی و ترسیم نقشه‌ها: اسدالله احمدی، علی محمد تقیئی

طرح روی جلد: حشمت‌الله شمس، حمیدرضا دانشفر

آماده‌سازی (حروفچینی، صفحه‌آرایی، استخراج و تنظیم فهرست موضوعی):

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مدیریت بهره‌دهی

لیتوگرافی: الوان چاپ و صحافی: پژمان

ISBN:964-6315-21-6

شابک: ۹۶۴-۶۳۱۵-۲۱-۶

قیمت: ۷۵۰ تومان

استفاده از مطالب کتاب در نشریات و کتب فقط با ذکر مأخذ مجاز است.

ستادمشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - اداره عملیات - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان  |
|------|--|
| ۷    | پیشگفتار   |
| ۱۳   | فصل ۱: زمینه‌های تهاجم   |
| ۲۹   | فصل ۲: جنگ در سال اول ( شهریور ۱۳۵۹ تا شهریور ۱۳۶۰ )<br>تجاوز و اشغال                    |
| ۴۵   | فصل ۳: جنگ در سال دوم ( شهریور ۱۳۶۰ تا شهریور ۱۳۶۱ )<br>آزادسازی مناطق اشغالی، تداوم جنگ |
| ۶۹   | فصل ۴: جنگ در سال سوم ( شهریور ۱۳۶۱ تا شهریور ۱۳۶۲ )<br>بن‌بست و توقف                    |
| ۸۳   | فصل ۵: جنگ در سال چهارم ( شهریور ۱۳۶۲ تا شهریور ۱۳۶۳ )<br>تشدید فشار به ایران            |
| ۱۰۵  | فصل ۶: جنگ در سال پنجم ( شهریور ۱۳۶۳ تا شهریور ۱۳۶۴ )<br>گسترش جنگ                       |
| ۱۳۱  | فصل ۷: جنگ در سال ششم ( شهریور ۱۳۶۴ تا شهریور ۱۳۶۵ )<br>تغییر توازن به سود ایران         |

|     |   |
|-----|---|
|     | <b>فصل ۸ : جنگ در سال هفتم ( شهریور ۱۳۶۵ تا شهریور ۱۳۶۶ )</b>   |
| ۱۵۹ | تثبیت توازن به سود ایران  |
|     | <b>فصل ۹ : جنگ در سال هشتم ( شهریور ۱۳۶۶ تا شهریور ۱۳۶۷ )</b>   |
| ۱۸۵ | پایان جنگ   |
| ۲۱۹ | <b>ضمیمه : فهرست راهنمای موضوعی</b>                             |
|     | <b>نقشه‌ها</b>  |
| ۴۴  | آخرین حد پیشروی دشمن و مناطق آزادشده در سال اول جنگ             |
| ۶۸  | مناطق آزادشده و تحت اشغال دشمن در پایان سال دوم جنگ             |
| ۸۱  | راهنمای عملیات‌های سال دوم جنگ                                  |
| ۸۲  | راهنمای عملیات‌های سال سوم جنگ                                  |
| ۱۰۴ | راهنمای عملیات‌های سال چهارم جنگ                                |
| ۱۲۹ | راهنمای عملیات‌های سال پنجم جنگ                                 |
| ۱۵۸ | راهنمای عملیات‌های سال ششم جنگ                                  |
| ۱۸۲ | راهنمای عملیات‌های سال هفتم جنگ                                 |
| ۲۱۶ | راهنمای عملیات‌های سال هشتم جنگ                                 |
|     | آخرین حد پیشروی نیروهای خودی در خاک عراق و مناطق تحت اشغال دشمن |
| ۲۱۷ | تا قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی ایران            |
| ۲۱۸ | مناطق تحت اشغال عراق در آخر جنگ که قبل از آتش‌بس آزاد شد        |

# پیشگفتار

<http://www.ciw8.net>

<http://www.ciw8.net>



## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیشگفتار

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران از زمان تاسیس تاکنون به عنوان یک تکلیف انقلابی و دینی با بهره‌برداری از مجموعه اسناد و نوارهای صوتی منحصر به فردی که **راویانش** در طول هشت سال دفاع مقدس با حضور در سطوح مختلف فرماندهی جنگ و جلسات طراحی عملیات‌های گوناگون و میدان‌های نبرد با دشمن جمع‌آوری و ثبت و ضبط کرده‌اند و همچنین با استفاده از دیگر اسناد و منابع نظامی و سیاسی مرتبط با جنگ تحمیلی که جمع‌آوری کرده است، مجموعه‌های گوناگونی همچون: مجموعه بزرگ "روزشمار جنگ ایران و عراق"، مجموعه بزرگ "اطلس جنگ"، مجموعه "سیری در جنگ ایران و عراق" و مجموعه "گزارش عملیات" را طراحی کرده است که با توفیق الهی از هر مجموعه (به جز **اطلس جنگ**) آثاری تهیه و منتشر شده است و به یاری خداوند این تلاش ادامه خواهد یافت.

مجموعه "سیری در جنگ ایران و عراق" عهده‌دار توضیح، بررسی و تجزیه و تحلیل رخدادهای سیاسی - نظامی جنگ هشت‌ساله می‌باشد. در این مجموعه جنگ به پنج دوره زمانی تقسیم شده و هر دوره در یک جلد گنجانده شده است که عنوان‌های آن به ترتیب سیر زمانی چنین

است :

۱ - خونین‌شهر تا خرمشهر ( از آغاز تهاجم سراسری عراق تا فتح خرمشهر در عملیات بیت‌المقدس ) با سه بار چاپ و جمعاً ۱۵۰۰۰ نسخه .

۲ - خرمشهر تا فاو ( پس از عملیات بیت‌المقدس تا فتح فاو در عملیات والفجر ۸ ) با چهار بار چاپ و جمعاً ۳۰۰۰۰ نسخه .

۳ - فاو تا شلمچه ( پس از عملیات والفجر ۸ تا فروریختن دیوارهای دفاعی عراق در شرق بصره در عملیات کربلای ۵ ) یک بار چاپ در ۵۰۰۰ نسخه .

۴ - شلمچه تا حلبچه ( پس از عملیات کربلای ۵ تا انتقال منطقه نبرد از زمین به دریا و از جنوب به شمال غرب و تصرف حلبچه در عملیات والفجر ۱۰ ) چاپ ۱۳۷۶ در ۵۰۰۰ نسخه .

۵ - حلبچه تا مرصاد ( پس از عملیات والفجر ۱۰ تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و آخرین عملیات جمهوری اسلامی ایران در منطقه چارزبر و انهدام منافقین ) که در حال آماده‌سازی برای چاپ است .

به موازات تهیه جلد پنجم این مجموعه ، اقدام جدیدی برای بررسی کلی و اجمالی جنگ و گنجاندن آن در یک جلد صورت گرفت که حاصل آن کتاب حاضر است . این کتاب در حالی که به دلیل تشابه کلی در روش بررسی رخدادهای جنگ در امتداد مجموعه پنج‌جلدی " سیری در جنگ ایران و عراق " محسوب می‌شود و آن را می‌توان ششمین جلد از این مجموعه به شمار آورد لیکن به لحاظ موضوع‌بندی جدید و سبک و سیاق فصل‌بندی آن و مهمتر از همه بیان جنگ از آغاز تا پایان در یک جلد ، نمی‌تواند در ادامه مجموعه یادشده باشد و بیشتر به عنوان یک کتاب مستقل قابل ارزیابی است .

کتاب حاضر در عین حال در مقایسه با مجموعه پنج جلدی "سیری در جنگ ایران و عراق" و سایر کتابهای منتشر شده مرکز از تفاوت‌هایی برخوردار است که به منزله ویژگیها و وجه تمایزهای آن محسوب می‌شود.

۱- در جلدهای یک تا پنج، حوادث سیاسی - نظامی جنگ به صورت موضوعی تقسیم‌بندی شده است، اما در این کتاب برخلاف روشهای پیشین، سال ملاک تقسیم‌بندی و عنوان‌گذاری می‌باشد و سعی شده عناوینی انتخاب شود که وضعیت کلی حاکم بر هر سال جنگ را بیان نماید.

۲- برای هر فصل تنها یک عنوان انتخاب شده که در ابتدای فصل قرار می‌گیرد و از انتخاب عناوین فرعی اجتناب شده است، لذا سعی بر این بوده است که انسجام مطالب هر فصل از آغاز تا پایان به گونه‌ای باشد که نیاز به عناوین فرعی را برطرف سازد.

۳- در پایان هر فصل یک سؤال طرح شده است که نمایانگر مسئله اصلی جنگ در همان سال است. این سؤال در واقع مبنای توضیح رخدادهای جنگ در سال بعد می‌باشد. به عبارت دیگر، غیر از فصل اول که بررسی زمینه‌های شکل‌گیری تجاوز عراق است و سؤال اصلی بحث در مورد امکان اجتناب‌پذیری از وقوع جنگ می‌باشد و در ابتدای فصل طرح شده است، هر فصل پاسخ به یک سؤال است که در پایان فصل قبلی طرح شده است.

پس از هر فصل کتاب (به جز فصل اول) نقشه‌ای برای راهنمایی مطالب‌کنندگان آمده است. همچنین در پایان کتاب ضمیمه‌ای با عنوان "فهرست راهنمای موضوعی" اضافه شده است که در آن موضوع‌های گوناگون کتاب به تفکیک دسته‌بندی و تنظیم شده و راهنمای بسیار

خوبی برای پژوهشگران است تا به سادگی به موضوع مورد نظر خود دست یابند .

× × ×

مجموعه سیری در جنگ ایران و عراق با تلاش گروه کاری این مجموعه به ثمر رسیده است که بار اصلی یعنی تحقیقات و تدوین آن را برادر محمد درودیان بردوش داشته است . ویرایش محتوایی آن را برادر بهاءالدین شیخ الاسلامی ، ارزیابی نظامی را سردار غلامعلی رشید و ویرایش فنی و آماده سازی برای چاپ را برادر مهدی انصاری ، تهیه نقشه ها را برادران اسدالله احمدی و علی محمد تقیئی به عهده داشته اند . جلد های یک تا چهار از این مجموعه و کتاب حاضر در زمان فرماندهی سردار محسن رضایی و با مجوز ایشان منتشر گردیده است . ضمناً جلد دوم از این مجموعه در زمان تصدی و مسئولیت برادر ابراهیم حاجی محمدزاده در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و بقیه در زمان مسئول فعلی مرکز انتشار یافته است .

مرکز مطالعات بر خود لازم می داند ضمن سپاسگزاری از دست اندرکاران اصلی این مجموعه ، از کلیه همکارانی که در مراحل مختلف تهیه و آماده سازی کتاب این مرکز را یاری کرده اند ، بویژه مدیریت اطلاع رسانی و مدیریت بهره دهی مرکز که سرویس دهی اطلاعاتی و تحقیقاتی و آماده سازی کتابهای این مجموعه را به عهده داشته اند ، تشکر کند .

**مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ**

**محسن رشید**

**۱۳۷۶**

## فصل ۱

زمینه‌های تهاجم

<http://www.ciw8.net>

با گذشت هفده سال از آغاز جنگ و نه سال از اتمام آن ، بررسی ابعاد حقوقی ، سیاسی ، نظامی و اقتصادی جنگ ، همچنان ادامه دارد . جنگ ایران و عراق با مشخصه طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین درگیری نظامی در تاریخ معاصر منطقه خاورمیانه <sup>(۱)</sup> که دو قدرت جهانی و هم‌پیمانانشان در دوران جنگ سرد در حمایت از یک طرف جنگ اتفاق نظر داشته‌اند و مهمتر از همه عدم حل و فصل نهایی آن با برقراری صلح میان دو کشور ایران و عراق و بسیاری مسائل دیگر ، سبب شده است علت ، نحوه و نتایج جنگ تا سال‌هایی مدید همچنان مورد بحث و بررسی قرارگیرد . <sup>(۲)</sup>

شکل‌گیری زمینه‌ها و مجموعه عواملی که امکان وقوع جنگ را فراهم ساخت ، به دلیل ابعاد و نتایج نظامی ، سیاسی و حقوقی آن ، همواره به عنوان یکی از جدی‌ترین مباحثی بوده است که از زمان وقوع جنگ و پس از آن مورد بحث و بررسی قرار داشته و خواهد داشت . اهمیت این بحث بدین دلیل است که می‌تواند به این سؤال پاسخ دهد آیا وقوع جنگ اجتناب‌ناپذیر بود ؟ با بیان ساده‌تر ، آیا این امکان وجود داشت که از وقوع جنگ جلوگیری شود ؟ طبیعتاً بدون توصیف و تشریح اوضاع حاکم بر ایران انقلابی پس از سقوط رژیم شاه و التهاب و نگرانی‌های موجود در مورد نتایج و تأثیرات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه و سپس کالبد شکافی دلایل عراق برای

تجاوز به ایران ، نمی توان به درک و پاسخ درستی در این زمینه دست یافت .  
 محققین غربی عموماً بر این باور هستند که وقوع انقلاب اسلامی و آثار و  
 نتایج آن بیشترین تاثیر را در وقوع جنگ داشته است .<sup>(۳)</sup> بدین معنا که با  
 پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه ، بنای استراتژی آمریکا که بر دو ستون  
 ایران و عربستان سعودی پی ریزی شده بود ، فرو ریخت<sup>(۴)</sup> و این مسئله  
 مناسبات میان دو کشور ایران و عراق را دستخوش تغییر و تحول کرد .<sup>(۵)</sup>  
 بدین ترتیب که " موازنه نسبی قوا " که بین ایران و عراق حاکم بود ، تغییر  
 کرد<sup>(۶)</sup> و با پیدایش خلاء قدرت در منطقه ، " موج اسلامی " می توانست ثبات  
 منطقه را مورد تهدید جدی قرار دهد .<sup>(۷)</sup> در نتیجه اعاده نظم پیشین ، لازمه  
 تأمین منافع آمریکا و غرب در منطقه بود .

دریافت موجود در غرب از علل وقوع جنگ و ماهیت آن ، که به اعتباری  
 نشان دهنده نحوه نگرش غربیها و مفهوم سازی آنها در مورد جنگ ، با هدف  
 توضیح و تشریح رخداد وقایع آن می باشد ، ناظر بر این معناست که  
 انقلاب اسلامی نظم موجود و حاکم بر منطقه و ایران را برهم زد و نتایج ناشی  
 از این تحول ، زمینه های وقوع جنگ را بوجود آورد .<sup>(۸)</sup> در واقع در غرب  
 جنگ ایران و عراق از زاویه " تجاوز و دفاع " که بیان کننده واقعیات جنگ و  
 مبین دیدگاه و نظریات ایران می باشد ، مورد بررسی قرار نمی گیرد و بیشتر  
 وضعیتی که منجر به وقوع جنگ شد ، مورد نظر می باشد .<sup>(۹)</sup> در این نگرش  
 مفهوم جنگ به عنوان یک امر نامطلوب پس از جنگ جهانی دوم ، در  
 چارچوب " نظریه توسعه و تکامل " مورد بررسی قرار می گیرد . به همین دلیل  
 جنگ یک عامل بالقوه " مغایر با نظم مطلوب جهان "<sup>(۱۰)</sup> ارزیابی می شود . بر  
 پایه این مفهوم ، غربیها وقوع انقلاب اسلامی و تاثیرات ناشی از آن را برای  
 منافع غرب ( شامل : نفت ، ثبات کشورهای مرتجع منطقه ، امنیت اسرائیل و  
 همچنین مقابله با نفوذ شوروی ) به عنوان جنایتی علیه نظم جهانی<sup>(۱۱)</sup>

قلمداد می‌کنند .

چنین باوری در مورد انقلاب اسلامی ، مقابله با آن را با استفاده از زور و کلیه ابزار و وسائل مورد لزوم ، نه تنها ضروری بلکه اجتناب‌ناپذیر می‌نمایاند . زیرا مسئله اصلی مفهوم درگیری و جنگ نیست ، بلکه در این جنگ هدف ، به عنوان هسته مرکزی ضرورت ، واژگون ساختن نظام انقلابی حاکم بر ایران و با " تعدیل و مهار " آن به منظور اعاده نظم پیشین بوده‌است . آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت ایران با درک روشن از هدف جنگ ، در این باره اظهار داشت :

« این جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران و به منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی سازماندهی شد . » ( ۱۲ )

**در همین زمینه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی ، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی گفت :**

« شروع جنگ تحقیقاً برای نابودی انقلاب بود و از آن رو که شرقی‌ها و غربی‌ها از این انقلاب راضی نبودند ، غرب که بیشترین منافع را در ایران داشت ، انقلاب را مستقیماً علیه منافع خود دانست ، باید در ایران شرایطی به وجود می‌آمد که دیگران ناامید شوند و بگویند نمی‌شود بدون اتکا به شرق و غرب انقلابی باقی بماند و یکی از اهداف جنگ ، تحقق این امر بود و برای سرکوبی و مهار انقلاب ، مارکسیسم شرق و امپریالیسم غرب در این هدف به تلاقی رسیدند و صدام نقطه تقاطع خطوط فوق بوده و از آنجا شروع کردند و بر روی ایران فشار آوردند . » ( ۱۳ )

**جیمز بیل یکی از کارشناسان مسائل منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در مورد دلیل واقعی جنگ در کتاب خود می‌نویسد :**

« دلیل واقعی جنگ درگیری سیاسی برای دست یافتن به برتری و سلطه یافتن بر خلیج فارس بود . در این روند عراق امیدوار بود انقلاب ایران را در نطفه خفه کند



و نابود سازد که این برای کشورهای منطقه نظیر عربستان سعودی و  
 شیخ‌نشینهای خلیج فارس، هدف چندان ناخوشایندی نبود. « (۱۴)

عراقیها در توضیح علل شروع جنگ بر مفهوم حقوقی "پیشگیری" (۱۵) تاکید می‌کنند و در اظهارات خود بدون آنکه دلایل روشن و درستی ارائه نمایند، می‌گویند پس از پیروزی انقلاب اسلامی در برابر وضعیتی قرار داشتند که «به جز مقاومت و برخورد با تجاوزگری راهی برای حفظ کشور خود نداشتند». « (۱۶) در نهمین کنگره حزب بعث - که برای نخستین بار مباحث آن در مورد جنگ ایران و عراق منتشر شد - تاکید می‌شود که «در برابر رهبران عراق تنها اختیار یک راه وجود داشت یا مقاومت و جلوگیری از تجاوزات دشمن و یا اینکه تسلیم شدن به برنامه‌های (امام) خمینی». « (۱۷) همچنین مجید خدوری، عراقی‌الاصول مقیم آمریکا، در کتاب خود، در توجیه علل تجاوز عراق به ایران می‌نویسد: «عراق در موقعیتی قرار داشت که ناگزیر شد برای دفاع از خود دست به اقدام بزند». « (۱۸) وی در عین حال به دلیل اینکه چنین ادعایی فاقد مبانی حقوقی روشن و مشخص می‌باشد، × اضافه می‌کند: «البته مناسب بود که عراق به شورای امنیت متوسل می‌شد و خود رأساً دست به کار نمی‌شد». « (۱۹)

در هر صورت، وجود اختلاف مرزی و ارضی میان ایران و عراق - که با انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر حل و فصل شده بود - و حتی وقوع تنش مجدد میان دو کشور - که مبانی و راه‌حلهای رفع اختلافات در قرارداد الجزایر تعیین شده بود - به تنهایی نمی‌توانست انگیزه و علت اصلی تجاوز عراق به ایران باشد، زیرا پیش از این، دو کشور ایران و عراق در اوضاع بسیار حادثتری

× البته تاکنون سازمان ملل این مفهوم را به رسمیت نشناخته است ولی در برخی از مخاصمات (رخدادهایی که به منازعه نظامی منتهی شده است) کشور تجاوز کننده برای مشروعیت، مورد استفاده قرار می‌دهد.

قرار داشته‌اند که هرگز به یک جنگ تمام عیار متوسل نشده‌اند. <sup>(۲۰)</sup> مهمتر آنکه ایران به دلیل وضعیت انقلابی و منازعات داخلی - که به طور طبیعی انقلابها پس از پیروزی درگیر آنها هستند - فرصت و امکان آن را نداشت که عراق را تحریک و یا مورد تهاجم قرار دهد آقای هاشمی با اشاره به اوضاع ایران پس از انقلاب و امکان تحریک کردن عراق می‌گوید:

« ما ترورها و انفجارهایی روزانه و کودتا داشتیم. کودتای نوزده چند هفته قبل از آغاز جنگ اتفاق افتاد و در کل تصور این امر که ایران این همه بر خود مسلط باشد که به این زودی عراق را تحریک کند، از نظر آشنایان به تاریخ و سیاست محال است. اینکه بخواهیم در یک کشور همسایه برنامه‌ای پیاده کنیم محققاً انقلاب ما آماده نبود و همه به این امر اذعان دارند. در آن زمان حتی ارتش ما نیز آماده نبود و بنابراین ادعای عراق که ما قصد تحریک این کشور را داشتیم پذیرفتنی نیست. البته ما مواضع انقلاب را اعلام کرده بودیم که در هیچ منطق، مکتب و در هیچ جایی اعلام نظرات یک انقلاب و مکتب به دنیا، نمی‌تواند جرم تلقی شود. » <sup>(۲۱)</sup>

**در عین حال اظهارات مقامات رسمی عراق اهداف عراق را از تهاجم به ایران روشن می‌سازد. در آبان ۱۳۵۹ صدام طی مصاحبه‌ای گفت:**

« ما از تجزیه و انهدام ایران ناراحت نمی‌شویم و صریحاً اعلام می‌داریم در شرایطی که این کشور دشمنی بوزد هر فرد عراقی و یا شاید هر عربی مایل به تقسیم ایران و خرابی آن خواهد بود. » <sup>(۲۲)</sup>

**طارق عزیز نخست‌وزیر وقت عراق نیز اعلام کرد:**

« وجود پنج ایران کوچکتر بهتر از وجود یک ایران واحد خواهد بود... ما از شورش ملت‌های ایران پشتیبانی خواهیم کرد و همه سعی خود را متوجه تجزیه ایران خواهیم نمود. » <sup>(۲۳)</sup>

**طه یاسین‌رمضان معاون نخست‌وزیر عراق نیز طی مصاحبه<sup>x</sup> با الثوره**

## تاکید کرد :

« این جنگ به خاطر عهدنامه ۱۹۷۵ و یا چند صد کیلومتر خاک و یا نصف شطالعرب نیست. این جنگ به خاطر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. » (۲۴)

بنابراین گرچه عراق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و درخواست لغو آن را بهانه تهاجم به ایران قرار داد ولی " تجزیه ایران و براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی " هدف نهایی رژیم بعثی محسوب می شد. » (۲۵)

بررسی اوضاع داخلی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر چند به صورت اجمالی و گذرا، نشان دهنده این معناست که ایران نه تنها برای جنگ که حتی برای دفاع نیز آمادگی نداشته است، زیرا علاوه بر منازعه‌ای که در داخل کشور بلافاصله پس از پیروزی انقلاب میان نیروهای انقلابی و لیبرالها آغاز شد، اقتصاد کشور فوق‌العاده ضعیف شده بود و بسیاری از جریان‌های ضدانقلابی در مناطق مختلف کشور برای تضعیف دولت مرکزی تلاش می‌کردند. (۲۶) منابع تسلیحاتی ایران به دلیل ماهیت ضدآمریکایی قطع شده بود و در مجموع ایران بسیار آسیب‌پذیر به نظر می‌رسید. (۲۷) در این میان وضعیت نیروهای ارتش که وظیفه دفاع از مرزهای ایران را برای مقابله با تهدیدات و تهاجم دشمن بیگانه بر عهده داشتند بسیار نامطلوب بود. گروه‌های سیاسی شعار انحلال ارتش را سر می‌دادند که با درایت و هوشمندی امام خمینی خنثی شد (۲۸) ولی در عین حال ارتش با مشکلات اساسی که بسیاری از آنها ریشه در " ساختار"، " هویت"، " آموزش" و " فرماندهی و کنترل" × داشت، برای انتقال از یک ارتش طاغوتی به ارتش

× آنتونی کردزمن از مسئولین وزارت دفاع آمریکا، در مورد مشکلات اساسی ارتش در کتاب خود می‌نویسد: «هیچ یک از دو کشور ایران و عراق ساختار فرماندهی عالی کارآمد نداشتند، شاه ایران دائماً فرماندهی عالی ارتش را تغییر می‌داد - با سقوط شاه حتی این رکن شکننده فرماندهی و کنترل ارتش ایران نیز فروپاشید.»

(درسهایی از جنگهای مدرن، ترجمه حسین یکتا، ص ۷۳)

اسلامی دست و پنجه نرم می کرد. این روند همچنان ادامه یافت و حتی جریان ضدانقلابی در درون ارتش برای اعاده وضعیت پیشین، کودتای نوژه را در تیرماه ۱۳۵۹ و تنها ۵۰ روز قبل از آغاز تجاوز دشمن، سازماندهی و اجرا کرد. × آقای هاشمی در تشریح وضعیت نظامی ایران می گوید:

«... ما هنوز مشغول تصفیه ارتش بودیم و افراد ارتش فرار کرده و بسیاری از آنها محبوس بودند و جای کارشناسان آمریکایی را که از ایران رفته بودند، کسی نگرفته بود. تعداد بسیاری از قراردادهای تسلیحاتی که مکمل قدرت ارتش بود در همان روزهای قبل از انقلاب توسط بختیار لغو شده بود و بسیاری از امکانات ما بدون پشتیبانی مانده بود و نیروی نظامی دیگری نیز هنوز در ایران شکل نگرفته بود.» (۲۹)

سپاه پاسداران در این وضعیت با ماموریت دفاع از انقلاب، درگیر ماموریت‌های امنیتی در داخل کشور و در شهرها بود و بخشی از توان آن در کردستان در مصاف با گروه‌های ضدانقلاب صرف می شد. بسیج نیز که پس از تصرف لانه جاسوسی آمریکا با فرمان امام خمینی در ششم آذر ۱۳۵۸ تشکیل شد به دلیل موانع موجود، فاقد هویت نظامی بود. (۳۰) رژیم بعثی حاکم بر عراق دقیقاً به چنین وضعیت آگاه بود. احمد زبیدی سرهنگ سابق ارتش عراق در مورد درک رهبری عراق از وضعیت داخلی ایران پس از سقوط شاه می نویسد:

«رهبری عراق معتقد بود پس از سقوط شاه، ایران و خصوصاً ارتش ایران پس از انجام تصفیه و پاکسازی در آن، ضعیف شده

× افراد شرکت کننده در کودتای نوژه علاوه بر نیروی هوایی در غالب یگانها و نیروهای ارتش حضور داشتند. چنانکه شهید فکوری در نامه‌ای به امام خمینی برای کمک به خانواده‌های معدومین کودتا می نویسد: معدومین نیروی زمینی که اکثراً از افسران زرهی و توپخانه، لشکر گارد (سابق)، لشکر ۹۲ زرهی، لشکر ۱۶ قزوین و لشکر ۶۴ پیاده ارومیه و تیپ نوهد بوده‌اند...

(صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۳۴)

است. « (۳۱)

وضعیت نظامی ایران نشان‌دهنده کاهش توان دفاعی کشور و در نتیجه از میان رفتن "قدرت بازدارندگی ایران" در برابر عراق بود و این مسئله قطعاً نقش بسیار اساسی در تصمیم‌گیری عراق برای تجاوز به ایران داشته است.

رژیم عراق به منظور دستیابی به نقش جدید در منطقه و در فضای برخورد خصومت آمیز آمریکا و غرب علیه نظام انقلابی ایران، بی‌ثباتی ناشی از انقلاب در داخل ایران را به مثابه یک فرصت استثنائی، برای "تسلط بر خلیج فارس"، به سود خود ارزیابی می‌کرد. (۳۲) در واقع روند تحولات ظاهراً به نفع عراق تمام شده بود، زیرا به جای یک ایران قوی در مقابل یک عراق ضعیف و منزوی، یک عراق قوی در مقابل یک ایران ضعیف و متفرق قرار گرفته بود. (۳۳)

در این مرحله گرایش سیاسی عراق که به طور سنتی به سوی شرق بود، تدریجاً به سمت غرب به چرخش درآمد، زیرا برای عراق، مقابله با انقلاب اسلامی در چارچوب منافع و سیاستهای غرب، در مقایسه با شرق عملی و امکان‌پذیر بود. عراقیها احتمال قطع ارسال تسلیحات روسی را پیش‌بینی کرده بودند و با توجه به سلاحهایی که پیش از این خریداری کرده و انعقاد قراردادهای تسلیحاتی چهار میلیارد دلاری با فرانسه، تصور می‌کردند در یک "جنگ سریع و کوتاه مدت" دچار مشکلات اساسی نخواهند شد. البته این مسئله نیز قابل پیش‌بینی بود که روسها هم با تهاجم عراق به ایران موافق باشند. زیرا این مسئله علاوه بر اینکه تمرکز و انرژی ایران را به جنگ با عراق منتقل می‌کرد، می‌توانست، جمهوری اسلامی ایران را به گسترش روابط بویژه در زمینه نظامی با مسکو، سوق دهد.

شمارش معکوس برای شروع جنگ، متعاقب ناامیدی آمریکاییها از حل معضل گروگانها (در تسخیر لانه جاسوسی) در سال ۱۳۵۸ آغاز شد. در

بهمن ۱۳۵۸ برگزاری انتخاب ریاست‌جمهوری و انتخاب بنی‌صدر به عنوان اولین رئیس‌جمهور و کلاً تلاشهایی که وی انجام داد، هیچکدام منجر به حل معضل گروگانهای آمریکایی نشد. با فرارسیدن زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا، "کارتر" که عملاً در کمند گروگانها به گروگان گرفته شده بود، به تدریج تدریجاً فشار بر ایران را افزایش داد. در فروردین ۱۳۵۹ آمریکا ضمن اعلام قطع رابطه با ایران، به تحریم اقتصادی ایران اقدام کرد.<sup>(۳۴)</sup> ضمن اینکه پیش از این ارسال هرگونه تجهیزات نظامی به ایران قطع شده بود. صدام نیز در این فضای روانی جدید ناشی از فشارهای سیاسی و نظامی اعلام کرد عراق آماده است تمام اختلافات خود با ایران را، با زور حل کند.<sup>(۳۵)</sup> موضع‌گیری صدام آشکارترین اعلام آمادگی عراق برای فشار به ایران در جهت سیاست واشنگتن بود. رژیم عراق بلافاصله بر نقل و انتقالات و تجاوزات مرزی افزود به گونه‌ای که بسیاری از ناظران، وقوع جنگ میان دو کشور را محتمل ارزیابی کردند و در نتیجه بخشی از نیروهای نظامی ایران در مرز مستقر شدند.<sup>(۳۶)</sup> خبرگزاری رویتر در گزارش خود، اوضاع نظامی را در وخیم‌ترین برخوردها میان دو کشور پس از جنگهای سال ۱۹۷۴ اعلام کرد.<sup>(۳۷)</sup>

عملیات طبس با هدف آزادسازی گروگانهای آمریکایی در ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ (۲۳ فروردین ۱۳۵۹) در جلسه ویژه شورای امنیت ملی آمریکا تصویب و ۱۳ روز بعد (۵ اردیبهشت ۱۳۵۹) اجرا شد. زیرا برژینسکی معتقد بود زمان تیغ زدن به دُم‌ل فرا رسیده است.<sup>(۳۸)</sup> عراقیها از این اقدام چنین برداشت کردند که آمریکا در مرحله بعد به اقدام نظامی به مراتب بزرگتری علیه ایران دست خواهد زد. «<sup>(۳۹)</sup>

برژینسکی به عنوان مغز متفکر و تصمیم‌گیرنده آمریکا برای مقابله با ایران، در تیرماه ۱۳۵۹ برنامه مذاکره محرمانه مقامات عالی‌رتبه آمریکا و عراق

را طراحی کرد. <sup>(۴۰)</sup> به گزارش نشریه نیویورک تایمز هدف از این دیدار بحث و مذاکره درباره راههای هماهنگ کردن فعالیتهای آمریکا و عراق در مخالفت با سیاستهای ایران بود. <sup>(۴۱)</sup> برژینسکی صدام را "نیروی متعادل کننده" آیت‌الله خمینی تلقی می‌کرد. <sup>(۴۲)</sup> ملاقات محرمانه صدام و برژینسکی در مرز اردن به منزله "چراغ سبز آمریکا" <sup>(۴۳)</sup> به عراق برای آغاز جنگ بود و این تلقی را در صدام به وجود آورد که در صورت حمله به ایران مورد حمایت آمریکا قرار خواهد گرفت. <sup>(۴۴)</sup> سه ماه پس از تجاوز عراق به ایران و گرفتارشدن عراقیها در سرزمینهای اشغالی، طارق عزیز طی سفر به فرانسه خبر ملاقات صدام و برژینسکی را در اختیار مجله فیگارو قرار داد تا به عنوان اعتراض عراق به سیاستهای آمریکا در قبال عراق منتشر شود. گزارش فیگارو چنین است:

«جریان جنگ ایران و عراق در واقع از ژوئن گذشته (تیرماه ۱۳۵۹) زمانی آغاز شد که برژینسکی به اردن سفر کرد و در مرز دو کشور اردن و عراق با شخص صدام ملاقات کرد و قول داد که از صدام حسین کاملاً حمایت نماید و این امر را تفهیم کرد که آمریکا با آرزوی عراق در مورد شطالعرب (اروندرو) و احتمالاً برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه مخالفت نخواهد کرد و بالاخره کلیه اقدامات به کشاندن عراق به جنگ علیه ایران منجر شد و پیش‌بینی‌ها چنین بود که اگر بغداد پیروز بشود، ایران بی‌ثبات می‌شود و رژیم جمهوری اسلامی از میان می‌رود و یک دولت طرفدار غرب جای آن به قدرت می‌رسد و در صورتی که عراق با شکست مواجه گردد، آمریکا می‌تواند خود را به عنوان حامی و مدافع ایران قلمداد نماید.» <sup>(۴۵) ×</sup>

× پس از آنکه عراق تصمیم به استقرار در مواضع اشغالی گرفت نماینده آمریکا در سازمان ملل اعلام کرد: اراضی نباید با زور تصرف شود و اختلافات به جای توسل به جنگ با مسالمت حل شود (رادیو لندن ۵۹/۷/۳۰).  
ماسکی وزیر خارجه آمریکا نیز اعلام کرد: آمریکا با تجزیه ایران مخالف است (رادیو آمریکا ۵۹/۸/۳). حال آنکه ←



در تیرماه ۱۳۵۹ برابر اعترافات رکنی،<sup>(۴۶)</sup> یکی از عناصر کودتای نوژه، آمریکاییها در مورد تقدم و تأخر کودتا و جنگ به بحث و بررسی پرداختند و اجرای کودتا را در تقدم اول قرار دادند. زیرا در صورت موفقیت کودتا دیگر نیازی به تهاجم نظامی عراق نبود. ضمن اینکه شکست کودتا با توجه به نقش محوری ارتش در اجرای آن، می‌توانست موقعیت روحی و روانی آن را بطور کامل متزلزل نماید. بنابر برخی گزارشها رهبران عراق از ناحیه نیروی هوایی ایران بسیار نگران بوده‌اند،<sup>(۴۷)</sup> لذا وقوع کودتا می‌توانست تا اندازه‌ای نگرانی عراق را که در اندیشه تجاوز به ایران بود، نیز برطرف سازد.

با شکست کودتای نوژه و فرار عناصر کودتاچی به عراق و تشریح وضعیت نظامی ایران، عراقیها که از چند ماه قبل برای تجاوز به ایران در آمادگی به سر برده و همزمان با کودتای نوژه نیز در ۲۰ نقطه مرزی درگیری ایجاد کرده بودند،<sup>(۴۸)</sup> بر نقل و انتقالات خود افزودند و سرانجام در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تهاجم سراسری خود را آغاز کردند.

با توجه به آنچه که توضیح داده شد، تهاجم عراق به ایران در واقع تهاجم به یک انقلاب بود. به عبارت دیگر ایران بهای انقلاب خود را پرداخت زیرا راه‌حلهایی که فراروی خود داشت امکان ممانعت از وقوع جنگ را از میان برده بود. ایران برای جلوگیری از وقوع جنگ که زمینه‌های آن به نحو اجتناب‌ناپذیری در حال شکل‌گیری و تکوین بود سه راه‌حل شامل: "بازدارندگی"، "یارگیری سیاسی" و "ارائه امتیاز" فراروی خود داشت. قدرت بازدارندگی ایران ظاهراً به دلیل وضعیت نیروهای ارتش کاهش یافته بود و نیروهای انقلابی نظیر سپاه و بسیج نیز از لحاظ امکانات در وضعیت

□ برابر خبر منتشره فیگارو در واقع عراقیها از مواضع آمریکاییها چنین استنباط می‌کردند که آمریکاییها با تجزیه ایران موافق هستند. بنابراین تغییر موضع آمریکاییها مورد گلایه و انتقاد عراق قرار گرفت.



مناسبتی قرار نداشتند. حضور لیبرالها در رأس هرم قدرت سیاسی در این مقطع، عوارض نامطلوب و غیرقابل جبرانی به دنبال داشت، زیرا لیبرالها به لحاظ بینش و تفکر و عدم درک ماهیت و مبانی انقلاب، قادر به حل معضلات انقلاب نبودند. بنی‌صدر در حدفاصل اسفند ۱۳۵۸ تا شهریور ۱۳۵۹ علاوه بر ریاست‌جمهوری به عنوان فرمانده کل‌قوا منصوب شده بود، لیکن نه تنها نیروهای انقلابی را منزوی کرد بلکه در به کارگیری ارتش برای بازدارندگی در برابر عراق نیز ناتوان بود. نماینده وقت امام‌خمینی در شورای عالی دفاع، در این مورد در نمازجمعه تهران اظهار داشت:

«نزدیک به هفت ماه قبل از جنگ، شما فرمانده کل‌قوا بودید چرا نیروهای نظامی ما هنگام شروع جنگ نتوانست مقاومت کند؟ حضرت امام شما را در اول اسفند ۱۳۵۸ به فرماندهی کل‌قوا برگرداند. در اول مهرماه ۱۳۵۹ یعنی هفت‌ماه تمام بعد از فرماندهی کل‌قوا شما جنگ شروع شد. در این هفت‌ماه شما چه کردید؟ چرا ارتش را مرمت نکردید. چرا نظامیان را آموزش ندادید. آیا اینها را چه کسی می‌بایست انجام می‌داد؟ چرا شما وقتی جنگ شروع شد و خرابی کار شما در هفت‌ماه گذشته آشکار شد، تقصیرها را به گردن این و آن می‌اندازید؟ وقتی از ایشان می‌پرسند چرا ارتش را سر و سامان نداده‌اید می‌گویند چون کسان دیگری در ارتش دخالت کرده‌اند. منظور ایشان دادگاههای انقلاب در ارتش است چون افراد متهم به کودتا را دستگیر کرده‌بودند. آقای بنی‌صدر توقع داشتند در ارتش علیه جمهوری اسلامی کودتا شود و کودتاچیان آزاد گردند و دستگیر نشوند.» (۴۹)

"یارگیری سیاسی و مشارکت در یک ائتلاف سیاسی منطقه‌ای یا جهانی" نیز به دلیل فقدان ثبات سیاسی در کشور برای تصمیم‌گیری و همچنین به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی عملی نبود، زیرا وضعیت کشور مانع از شکل‌گیری روابط سیاسی پایدار بود. ضمن اینکه "ارائه امتیاز آشکار" نیز

کاملاً با خط‌مشی انقلاب در تضاد بنیادین بود و عملاً هیچ‌گونه تاثیری در ممانعت از وقوع جنگ نداشت و تنها می‌توانست زمان آن را به تأخیر اندازد. در نتیجه مردم ایران بر پایه هویت جدیدی که با انقلاب اسلامی کسب کردند، تهاجم عراق را در چارچوب سیاست‌های آمریکا و با هدف براندازی نظام انقلابی حاکم بر ایران تفسیر و به دفاع در برابر متجاوزین مبادرت کردند.

ماهیت تجاوز عراق و مقاومت مردمی جمهوری اسلامی نشان‌دهنده پیوستگی عمیق اهداف جنگ با انقلاب اسلامی بود. تاثیرات و تعاملات جنگ و انقلاب بر یکدیگر، تا پایان جنگ همچنان ادامه یافت. در عین حال دست‌یابی به درک روشن و عمیق‌تر در مورد تأثیرات انقلاب در دفاع و در نتیجه ناکامی دشمن نیاز به بررسی جداگانه‌ای دارد و شاید پاسخ به سؤال زیر تا اندازه‌ای ابعاد این موضوع را روشن نماید:

« اگر شروع جنگ از جانب رژیم عراق به دلیل وقوع انقلاب در ایران و فقدان توان نظامی جمهوری اسلامی برای بازدارندگی دشمن بوده است، پس چه عامل یا سلسله عواملی منجر به ناکامی و عدم تحقق اهداف دشمن پس از تجاوز به ایران شد؟ »

## منابع و مأخذ فصل ۱ (زمینه‌های تهاجم)

- ۱- روابط عمومی فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن "مطبوعات جهان"، نیمه دوم فروردین ۱۳۶۴، ص ۲۶ | مقاله "جنگ ایران و عراق: تضادهای بنیادین" از نشریه میدل ایست اینسایت چاپ امریکا، ۱۹۸۵، نوشته رضائی | .
- ۲- پیشین .
- ۳- محمد درودیان، "علل تهاجم و توقف اولیه عراق: بررسی نظریه‌های موجود"، مجله سیاست دفاعی (ویژه نامه جنگ تحمیلی) سال چهارم، شماره ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۵ .
- ۴- مایکل لدین و ویلیام لوئیس، هزیمت یا شکست رسوای امریکا، ترجمه احمد سمعی (گیلانی)، (تهران: نشر ناشر، سال ۶۲)، ص ۳۰۱ .
- ۵- افرایم کارش، جنگ ایران و عراق آثار و مفاهیم (شامل سلسله مقالات ارائه شده در کنفرانسی که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ که در تل آویو - سپتامبر ۱۹۸۸ - برگزار شد، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، شهریور ۱۳۶۸ .
- ۶- پیشین، مقاله شهرام چوبی .
- ۷- کنت تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، (تهران: مؤسسه فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۶)، ص ۱۶۲ .
- ۸- مأخذ شماره ۵ .
- ۹- دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع - جلد دوم، مقاله "مسئله تجاوز و نقش دریافت جهانی از جنگ ایران و عراق" نوشته ژوهانس دیسنر (تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸)، ص ۲۵۹ .
- ۱۰- پیشین، ص ۲۹۸ .
- ۱۱- مأخذ شماره ۹، ص ۳۰۱ .
- ۱۲- دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع،
- بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع - جلد اول، مراسم افتتاحیه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، سخنان آقای هاشمی رفسنجانی (تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸)، ص ۱ .
- ۱۳- پیشین، ص ۴۱ .
- ۱۴- جیمز بیل، عقاب و شیر، ترجمه مهوش غلامی (تهران: انتشارات شهرآشوب، بهار ۱۳۷۱)، ص ۴۸۵ .
- ۱۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ویژه‌نامه "گزارش نهمین کنگره حزب بعث درباره جنگ"، ۱۳۶۲/۲/۲۴، رادیو و بغداد، اسفند ۱۳۶۱ .
- ۱۶- پیشین .
- ۱۷- مأخذ شماره ۱۵ .
- ۱۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، معرفی کتاب جنگ ایران و عراق ریشه‌ها و عواقب منازعه ایران و عراق، ترجمه گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۲/۱۱، ص ۷ .
- ۱۹- پیشین .
- ۲۰- آنتونی کردزمن و آبراهام آر. واگنر، درسهایی از جنگ مدرن - جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۵۰ .
- ۲۱- مأخذ شماره ۱۲، ص ۴۶ .
- ۲۲- محمد جوادی پور، علی نیکفرد، سید یعقوب حسینی، نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس - جلد اول: نبردهای غرب دزفول (سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی، ۱۳۷۲) ص ۵۱ و ۵۲ (تاریخ مصاحبه ۱۳۵۹/۸/۲۱ برابر با ۱۲ نوامبر ۱۹۸۰) .
- ۲۳- پیشین، ص ۵۲ .
- ۲۴- مأخذ شماره ۲۲، ص ۴۱، (تاریخ مصاحبه دی‌ماه ۱۳۶۰ برابر با ژانویه ۱۹۸۲) .
- ۲۵- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین‌شهر تا

- خرمشهر (چاپ دوم، خرداد ۱۳۷۳)، صص ۲۴ و ۲۵.
- ۲۶ - مأخذ شماره ۱۴.
- ۲۷ - مأخذ شماره ۲۰، ص ۵۴.
- ۲۸ - آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، مصاحبه با مجله پیام انقلاب، ۱۳۶۰/۱۲/۲۵.
- ۲۹ - مأخذ شماره ۱۲، ص ۴۶.
- ۳۰ - مأخذ شماره ۲۰، ص ۵۴.
- ۳۱ - سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، به نقل از روزنامه السفير، ۱۹۸۹/۸/۲۹، سال ۱۳۶۸.
- ۳۲ - مأخذ شماره ۲۰، ص ۴۳.
- ۳۳ - مأخذ شماره ۹، مقاله "تحلیل خطرات جنگ" نوشته کیث‌مک‌گلان، ص ۱۳۹.
- ۳۴ - مأخذ شماره ۲۵، صص ۱۹ و ۲۰.
- ۳۵ - مأخذ شماره ۲۵، ص ۲۰.
- ۳۶ - مهدی انصاری، محمد درودیان، هادی نخعی، خرمشهر در جنگ طولانی (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سال ۱۳۷۵)، ص ۹۶.
- ۳۷ - پیشین، ص ۹۳، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۱/۲۱.
- ۳۸ - مأخذ شماره ۱۴، ص ۴۸۰.
- ۳۹ - خبرگزاری پارس، "گزارشهای ویژه"، نشریه شماره ۲۹۳، ۱۳۵۹/۱۰/۱۷، رادیو و آمازونیکا، ۱۳۵۹/۱۰/۱۶، به نقل از مجله فارین افروز.
- ۴۰ - مأخذ شماره ۷، ص ۱۶۵.
- ۴۱ - مأخذ شماره ۷، ص ۱۶۵.
- ۴۲ - مأخذ شماره ۷، ص ۱۶۳.
- ۴۳ - مأخذ شماره ۷، ص ۱۶۶.
- ۴۴ - مأخذ شماره ۷، ص ۱۶۵.
- ۴۵ - روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۹/۱۷.
- ۴۶ - مأخذ شماره ۲۵، صص ۲۱ و ۲۲.
- ۴۷ - اسرای عراقی، "تحلیل نبردهای بین ایران اسلامی و بعثیان عراق"، ترجمه اطلاعات نیروی زمینی سپاه، ص ۸.
- ۴۸ - مأخذ شماره ۳۶، ص ۹۶.
- ۴۹ - آیت‌الله خامنه‌ای، نماز جمعه تهران، ۱۳۶۰/۳/۲۹.

## فصل ۲

جنگ در سال اول

### تجاوز و اشغال

شهریور ۱۳۵۹ تا شهریور ۱۳۶۰

تجاوز ارتش عراق به ایران با استعداد ۴۸ یگان سازماندهی شده در قالب تیپ‌ها و لشکرهای زرهی، مکانیزه و پیاده، با برخورداری از پشتیبانی ۸۰۰ قبضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی، ۳۶۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ فروند هلی‌کوپتر<sup>(۱)</sup> صورت گرفت. مقصود رهبران عراق از تجاوز این بود که با شکست نظامی ایران<sup>(۲)</sup> اهداف خود مبنی بر لغو قرارداد ۱۹۷۵، تجزیه استان خوزستان<sup>(۳)</sup> و در نهایت براندازی نظام جمهوری اسلامی را تأمین نماید.

مقاومت اندک نیروهای نظامی در برخی خطوط مرزی سبب گردید نیروهای دشمن به سهولت با عبور از خطوط مرزی، برخی از شهرهای ایران را محاصره کنند. اهمیت و جایگاه خوزستان در استراتژی تهاجمی عراق، منجر به تمرکز توان اصلی ارتش عراق در این منطقه شد. لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی با پیشروی در منطقه غرب رودخانه کرخه، در عرض چهار روز، × فاصله ۸۰ کیلومتری مرز تا رودخانه را پشت سر گذاشتند.<sup>(۴)</sup> در محور بستان - سوسنگرد لشکر ۹ زرهی در همان خیز اول با اشغال بستان و محاصره

× لشکر ۱۰ ارتش عراق در این محور از ۱۳۵۹/۷/۱ تجاوز خود را آغاز کرد و در ساعت ۹ صبح ۵۹/۷/۵ در کنار پل نادری مستقر شد.

سوسنگرد و حمیدیه ، به نزدیکی اهواز رسید که با شبیخون برادران سپاه و بسیج اهواز به فرماندهی شهید غیور اصلی ، اقدام به عقب‌نشینی کرد .

در محور جنوب غربی اهواز لشکر ۵ مکانیزه عراق بعد از تصرف جفیر و پادگان حمید تا منطقه نورد در ۱۵ کیلومتری جنوب اهواز پیشروی کرد و سپس از حرکت ایستاد و لشکر ۳ زرهی همراه با تیپ ۳۳ نیروی مخصوص برای اشغال آبادان و خرمشهر وارد عمل شدند که بر اثر مقاومت مردم ، بسیج و سپاه در خرمشهر تا چهارم آبادان ۵۹ ( به مدت ۳۴ روز ) دشمن نتوانست این شهر را تصرف کند . نیروهای لشکر ۳ در ۱۹ مهر ۱۳۵۹ با عبور از رودخانه کاروان در موقعیتی که هیچ‌گونه مواضع دفاعی در این منطقه وجود نداشت ، شهر آبادان را به محاصره در آوردند . عراقیها در این مرحله بیش از ۱۵۰۰۰ کیلومترمربع از اراضی ایران را به اشغال خود در آوردند . (۵)

نواقص و کاستیهای دفاعی ایران ، هنگامی که فرماندهی کل قوا بر عهده بنی صدر بود ، نقش زیادی در سهولت پیشروی نیروهای متجاوز عراقی در عمق مناطق ایران و محاصره و اشغال شهرها داشت . آرایش دفاعی نیروهای ایران به صورت سنتی ( یعنی طبق آئین‌نامه‌های رسمی و بدون در نظر گرفتن وضعیت جدید ) صورت گرفته بود . به عبارت دیگر بررسی دقیق و یا در نظر گرفتن احتمالات گوناگون بود . ( ۶ ) در آرایش نیروها پوشش مرز در نظر گرفته شده بود ، حال آنکه باید به صورت متحرک عمل می‌شد و نیروهای ایران با تمرکز در شمال حسینییه از جبهه اهواز و خرمشهر دفاع می‌کردند . (۷) بنابراین گسترش عملیاتی و تاکتیکی نظامی ایران دچار نقص بود . معابر مسدود نشده بود و درک روشنی از تلاش اصلی عراق وجود نداشت . (۸)

" کردزمن " دلائل عدم آمادگی جنگی ایران را در " فقدان قرارگاه فرماندهی " در مناطقی که جنگ جریان داشت و عدم استقرار توپخانه و هلی‌کوپترهای

### تهاجمی و کلیه یگانهای ارتشی در مرز ذکر می کند و می نویسد :

« ایران هیچ گونه آرایش نظامی در مناطق بسیار حساس نزدیک خرمشهر و آبادان نداشت. نزدیکترین لشکر ایران به منطقه عملیاتی در اهواز مستقر بود که ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر تا صحنه جنگ فاصله داشت. » (۹)

### وی سپس سهولت پیشروی نیروهای عراقی را به عنوان نشانه عدم آمادگی دفاعی ایران دانسته و می نویسد :

« در واقع حتی اعلامیه های نظامی عراق نیز نشان می داد که ارتش عراق در طول یکی دو روز اول جنگ با مقاومت زیادی روبه رو نشده، بنابراین تمامی شواهد حکایت دارند که این عراق بوده است که با آمادگی کامل و به کارگیری نیروهای نظامی، تهاجم همه جانبه ای را علیه ایران سازمان داد، در حالی که ایران حتی از آمادگی دفاعی کامل برخوردار نبود. » (۱۰)

### نماینده وقت امام در شورای عالی دفاع آیت الله خامنه ای در تشریح وضعیت دفاعی ایران و ناتوانی در بهره برداری از توان و امکانات موجود اظهار می دارند :

«... از جمله شهرهایی که بشدت تهدید می شد دزفول بود، در حالی که ما آنجا نیرو کم داشتیم و وقتی به فرماندهان ارتش می گفتیم، می گفتند نیرو کم داریم و یا نیرو و تجهیزات هر دو را با هم نداریم، درست هم بود، به این معنا که آمادگی لازم را برای خودشان در این جنگ تهیه ندیده بودند. در صورتی که ابزارهای زیادی داشتیم ولی از کار افتاده بود و مهمات زیادی داشتیم که اینها از وجودش خبر نداشتند. افراد زیادی هم داشتیم که اینها در پادگان ها حضور نداشتند و لذا وضعمان خیلی بد بود. » (۱۱)

” مقاومت نیروهای مردمی و انقلابی ” بویژه در شهرها، بسیاری از کاستیها و نواقص را جبران کرد و همین امر نقشی بسیار تعیین کننده در ناکامی ارتش عراق داشت. به عنوان مثال پس از آنکه تیپ سوم از لشکر ۹۲ زرهی اهواز



تنها سه روز<sup>x</sup> در مرز در برابر لشکر ۹ زرهی ارتش عراق پدافند فعال کرد،<sup>(۱۲)</sup> نیروهای این لشکر با عبور از شهرستان بستان، سوسنگرد و حمیدیه در آستانه ورود به اهواز قرار داشتند که بر اثر شبیخون نیروهای مردمی و انقلابی به عقب‌نشینی مبادرت کردند و سرانجام در پشت دیوارهای غربی شهر سوسنگرد زمین‌گیر شدند.<sup>(۱۳)</sup> ارتش عراق برای پاکسازی و تصرف خرمشهر نیز تیپ ۳۳ نیروی مخصوص را در نظر گرفت ولی به دلیل همین مقاومت مردمی، سرانجام پس از ۳۴ روز جنگ و گریز و با اختصاص ۲ لشکر موفق به اشغال خرمشهر شد.<sup>(۱۴)</sup> مقاومت‌های مردمی علاوه بر "ایجاد فاصله میان یگانهای عراق و ناهماهنگی در پیشروی، "منجر به "تأخیر و کندی در حرکت" و سرانجام "تأخیر در سقوط خرمشهر و حفظ آبادان" شد.<sup>(۱۵)</sup>

دلایل ناتوانی عراق برای بهره‌برداری از وضعیت سیاسی - نظامی ایران و عدم دستیابی به پیروزی "قاطع و روشن" علی‌رغم توضیحات و نظریاتی که ناظران و تحلیل‌گران نظامی تاکنون ارائه کرده‌اند، همچنان مبهم است اما آنچه بیشتر مورد تأکید است "عدم وجود یک استراتژی نظامی روشن"<sup>(۱۶)</sup> است که آن را مرکز ثقل ناکامی عراق می‌دانند. زیرا رفتار نظامی عراق نشان‌دهنده این مسئله است که نیروهای عراقی نمی‌دانستند تا چه حد باید پیشروی کنند و اهداف آنها مشخص نبود.<sup>(۱۷)</sup> به همین دلیل عراق با دستور توقف به ارتش در حال پیشروی، دچار یک اشتباه نظامی غیرقابل جبران شد.<sup>(۱۸)</sup> همچنین اطلاعات غلط و نادرست و اشتباه در محاسبات اوضاع داخلی ایران،<sup>(۱۹)</sup> بخش دیگری از توضیح علل ناکامی عراق می‌باشد که تحلیل‌گران

<sup>x</sup> زمان یاد شده در منابع منتشره از ارتش ذکر شده است. حال آنکه بنابر گزارش‌های واصله تیپ ۳ بدون درگیری عقب‌نشینی کرده است.

نظامی مورد اشاره قرار داده‌اند. در واقع آنچه که پس از تهاجم عراق در داخل ایران روی داد "ظهور جنگ مردمی در شهرها" و "تحکیم موقعیت سیاسی ایران" بود. حال آنکه عراقیها چنین تصور می‌کردند که حمله نظامی سراسری در زمین و هوا، به مثابه یک شوک، منجر به سقوط نظام انقلابی ایران خواهد شد!

یکی از نظامیان سابق ارتش عراق بر این باور است که رهبری عراق از روح انقلابی مردم که شاه را ساقط کرده و آماده بودند تا به دفاع از انقلاب برخیزند، غافل بوده‌است.<sup>(۲۰)</sup> وی معتقد است اگر رهبری عراق وضعیت داخلی ایران را به خوبی بررسی کرده بود، حمله خود را به تأخیر می‌انداخت و راههای دیگری را در پیش می‌گرفت.<sup>(۲۱)</sup> بنابر این توضیح، در واقع رهبری عراق تنها به مشاهده ظواهر و تکیه بر منابع اطلاعاتی آمریکا و غرب و اطلاعات عناصر فراری ضدانقلاب اکتفا کرده است، برای همین "قدرت پنهان ایران"<sup>(۲۲)</sup> را درک نکرده و از همین نقطه دچار آسیب‌پذیری شده است.

تنها یک هفته پس از شروع جنگ صدام طی سخنانی خطاب به ملت عراق اعلام کرد: «عراق به مقاصد ارضی خود نائل شده و کشورش مایل است خصومتها را کنار گذارد و به مذاکره بپردازد.»<sup>(۲۳)</sup> ارائه این پیشنهاد را برخی از تحلیل‌گران به مثابه شکست عراق ارزیابی کردند.<sup>(۲۴)</sup> دبیرکل سازمان ملل در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ و در شرایطی که ایران مورد تجاوز قرار گرفته بود به دولت ایران و عراق پیشنهاد کرد مساعی جمیله خود را در جهت کمک به حل مسالمت‌آمیز برخورد میان دو کشور به کار بندند. روز بعد نخستین جلسه شورای امنیت سازمان ملل برگزار شد و اولین موضع‌گیری خود را در قبال جنگ تحمیلی اعلام کرد.<sup>(۲۵)</sup> حاصل این جلسه صدور بیانیه‌ای بود که در آن شورای امنیت به جانبداری از عراق، در حالی که این کشور با اقدام به زور از مرزهای ایران عبور کرده بود، از طرفین متخاصم می‌خواهد «از

استفاده بیشتر از زور خودداری کنند و پیشنهاد صحیح میانجیگری و مصالحه را بپذیرند. «<sup>(۲۶)</sup> چنانکه مشخص است شورای امنیت ضمن اجتناب از صدور قطعنامه، تنها بیانیهای صادر کرد که در آن هیچ‌گونه اشاره‌ای به نقض تمامیت ارضی ایران نشده است.

جمهوری اسلامی با توجه به تردد هیأت‌های میانجیگری و درخواست‌هایی که برای برقراری صلح ارائه می‌شد، شرایط خود را اعلام کرد:

- ۱ - محکومیت متجاوز.

- ۲ - عقب‌نشینی نیروهای اشغالگر به مرزهای بین‌المللی.

- ۳ - پرداخت غرامت.

- ۴ - بازگشت پناهندگان.<sup>(۲۷)</sup>

در وضعیتی که دشمن در مناطق اشغالی حضور داشت، کلیه هیأت‌های صلح ابتدا از ایران درخواست می‌کردند آتش‌بس را بپذیرد! حال آنکه ایران "عقب‌نشینی" و اعلام "محکومیت متجاوز" را مقدم بر هر اقدام دیگری می‌دانست. آنچه که بعدها امام خمینی بیان کردند، مواضع برحق ایران را نمایان ساخت:

«ایران می‌گوید که تا از خانه ما بیرون نروید و تا جرم‌هایی که کرده‌اید معلوم نشود که شما مجرم هستید و تا ضررهایی که به ایران زدید جبران نشود و حکم به جبران نشود، صلح معنی ندارد.»<sup>(۲۸)</sup>

رهبری عراق متعاقب "عدم نیل به اهداف نظامی" و "ناکامی در تحمیل صلح به ایران" بیشترین تلاش نظامی ارتش خود را پس از هفته اول جنگ، روی اشغال شهرهای سوسنگرد، خرمشهر و آبادان، متمرکز کرد. مقاومت نیروهای مردمی و سپاه و عناصر ژاندارمری و ارتش در سوسنگرد و فرمان امام برای شکستن محاصره شهر آبادان، طرح دشمن را عقیم گذاشت. تداوم مقاومت در خرمشهر توان زیادی از دشمن گرفت و اشغال شهر با تأخیر و

خسارات فراوان برای دشمن همراه شد. در این مرحله بیشترین فشار ارتش عراق بر " اشغال آبادان " متمرکز شد. صدام امیدوار بود با این اقدام و تصرف ساحل شمالی رودخانه اروندر، به حداقل اهداف خود مبنی بر لغو قرارداد ۱۹۷۵ دست یابد. امام خمینی با درکی که از ماهیت تلاش‌های سیاسی - نظامی عراق در مرحله جدید داشتند، فرمان " شکستن حصر آبادان " را در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۵۹ صادر فرمودند. (۲۹) تشدید مقاومت در آبادان و عقب‌راندن نیروهای مهاجم عراق از نخلستانهای کوی ذوالفقاری آبادان و شکست نیروهای عراقی در عبور از رودخانه بهمنشیر، در واقع استراتژی عراق را در نقطه اصلی آن با شکست همراه کرد. (۳۰)

رژیم عراق که از " جنگ تحمیلی " برای " صلح تحمیلی " نتیجه‌ای نگرفته بود، دو راه‌حل " عقب‌نشینی " یا " استقرار در مواضع اشغالی " را فرا روی خود داشت. رهبری عراق برای عقب‌نشینی توضیح روشنی نداشت زیرا بدون اینکه از تهاجم به ایران نتیجه‌ای کسب کرده باشد، باید به داخل خاک عراق عقب‌نشینی می‌کرد. استقرار در مواضع اشغالی بر پایه این تصور که قوای نظامی ایران قادر به بیرون راندن متجاوزین نخواهند بود و اوضاع سیاسی داخل ایران نیز شدیداً بی‌ثبات است، مورد توجه قرار گرفت. صدام در توضیح اقدام خود می‌گوید: « اگر تاکتیک نظامی و امنیت ارتش خودمان اقتضا نماید که در این سرزمینها باشیم، آن را تحت اشغال خود قرار خواهیم داد. » (۳۱) در واقع ناتوانی نظامی ایران برای حمله به نیروهای عراق، ضامن امنیت آنها بود به همین دلیل رهبری عراق تصمیم به اشغال مناطق و حضور در آن گرفت.

عراقیها در مرحله جدید با اطمینان از " تضمین امنیت نیروهای عراقی " در مواضع اشغالی، در انتظار تشدید بحران در داخل ایران و سرانجام مجبور شدن جمهوری اسلامی به پذیرش " صلح تحمیلی " بودند. در عین حال عراقیها برای

تقویت توان نظامی و کسب حمایت‌های سیاسی، بر تلاش‌های خود افزودند. طارق عزیز حداقل سه بار به فرانسه سفر کرد که یکی از موضوعات اصلی این ترردهای دیپلماتیک دریافت میراژهای جنگنده بود. (۳۲) سفر طارق عزیز به مسکو نیز با هدف ترمیم روابط و رفع تحریم تسلیحاتی عراق انجام گرفت که نتیجه مطلوبی نداشت. (۳۳)

جمهوری اسلامی ایران پس از متوقف کردن دشمن با "مقاومت و دفاع همه‌جانبه و مردمی"، در مرحله جدید لزوماً می‌بایست متجاوزین را از سرزمین‌های اشغالی عقب می‌راند.

تداوم استقرار نیروهای متجاوز در مناطق اشغالی، سرنوشت سیاسی بنی‌صدر (فرمانده کل قوا) را تحت تأثیر قرار داده بود. بنابراین آزادسازی این مناطق و کسب پیروزی در جنگ می‌توانست موقعیت سیاسی بنی‌صدر را ارتقا و بهبود بخشد. از طرف دیگر بنی‌صدر می‌پنداشت با اتکا به نیروهای ارتش و با تأکید بر روش‌های کلاسیک تحت عنوان روش‌های علمی و تخصصی می‌تواند این مهم را تحقق بخشد. (۳۴) ضمن اینکه بنی‌صدر به دنبال حذف نیروهای خط‌امام از صحنه سیاسی کشور بود، به همین دلیل راه‌حلهای پیشنهادی نیروهای انقلابی و مردمی را که در مرحله "دفاع و مقاومت" در برابر دشمن، نقش اساسی و تعیین‌کننده داشتند، نادیده می‌گرفت.

در این مرحله با هدف "آزادسازی مناطق اشغالی" چهار عملیات طرح‌ریزی و اجرا شد:

۱ - عملیات نیروهای ارتش در ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در منطقه غرب رودخانه کرخه که با هدف آزادسازی این منطقه انجام‌گرفت ولی تا قبل از ظهر همین روز به دلیل ناکامی، به اتمام رسید و نیروها به مواضع خود عقب‌نشینی کردند. (۳۵)

۲ - در سوم آبان ۱۳۵۹، متعاقب محاصره آبادان، نیروهای ارتش برای شکستن محاصره این شهر به اجرای عملیات اقدام کردند<sup>(۳۶)</sup> ولی بنا به دلایلی از جمله "عدم وجود اطلاعات کافی و حتی اطلاعات کاذب" با ناکامی روبه‌رو شدند. پیدایش این وضعیت "توان اجرای عملیات بعدی" را در نیروهای ارتش ضعیف کرد.<sup>(۳۷)</sup>

۳ - در شانزدهم دی‌ماه ۱۳۵۹ عملیات "نصر" که بعدها به عملیات هویزه مشهور شد در منطقه غرب رودخانه کارون و با هدف آزادسازی خرمشهر اجرا شد. این عملیات علی‌رغم موفقیت اولیه، با شکست همراه شد. صرف‌نظر از نتیجه نظامی این عملیات، به دلیل شهادت تعداد بسیاری از دانشجویان پیرو خط‌امام که پس از تحویل گروگانها، عازم جبهه‌های نبرد شده بودند، این عملیات انعکاس نسبتاً وسیعی در داخل کشور و در صحنه مناقشات سیاسی داشت.

۴ - در بیستم دی‌ماه ۱۳۵۹ عملیات "توکل"، با هدف شکستن محاصره آبادان و آزادسازی خرمشهر<sup>(۳۸)</sup> انجام شد که نتیجه‌ای همانند عملیاتهای پیشین داشت.

نتایج سلسله تلاشهایی که در این مرحله انجام‌گرفت در بُعد نظامی سبب گردید تفکر "تهاجم گسترده" به دشمن کنار گذاشته شود. چنانکه در کتاب منتشره ارتش جمهوری اسلامی ایران آمده است:

«پس از انجام ناموفق عملیات آفندی توکل، از روز ۲۱ دی‌ماه وضعیت کلی منطقه عملیاتی آبادان - ماهشهر به حالت قبل از اجرای حمله بازگشت و الزاماً نیروهای فرماندهی ارونند وضعیت پدافندی را پذیرفتند و نیروهای طرفین مجدداً به حالت نبرد توپخانه بازگشتند و مبادله آتش به جریان خود ادامه داد و طرفین به تقویت و تحکیم مواضع پرداختند و مرحله دیگری از عملیات در جبهه ماهشهر - آبادان آغاز شد که پدافند در مواضع و اجرای تک‌های محدود

و محلی بود. این مرحله از عملیات حدود ۸ ماه ادامه داشت. « (۳۹)

پیدایش این وضعیت تا اندازه‌ای بدیهی بود زیرا آنچه که با هدف آزادسازی مناطق اشغالی انجام گرفت بر اساس بضاعت و توان فکری و کلیه امکانات نیروهای ارتش به فرماندهی بنی صدر بود. لذا پس از مواجه شدن با ناکامی جز "اندیشه پدافندی" و اجرای "تکهای محدود و محلی" راه حل دیگری تصور نمی شد. ضمن اینکه با گذشت چهار ماه از تجاوز دشمن نیروهای اشغالگر همچنان در مواضع خود حضور داشتند و جز اتلاف وقت و نابودی امکانات موجود (که جایگزینی آنها عملی نبود) نتیجه‌ای حاصل نشد. ضمن آنکه به صورت اساسی "تفکر تکیه بر مانور زرهی" با استفاده از تانک و نفربر، منسوخ شد، به گونه‌ای که پس از آن از تانک تنها به عنوان پشتیبانی نیروی پیاده یا توپخانه استفاده شد. (۴۰)

بنی صدر با مشاهده ناکامی‌های نظامی وضعیت سیاسی خود را در مخاطره می‌دید، برای همین آنچه را که در صحنه نظامی نتوانست به دست آورد با "گسترش دامنه مناقشات داخلی" پس از ائتلاف با منافقین و چپهای آمریکایی و سایر عناصر واخورده سیاسی، جستجو می‌کرد. (۴۱) غائله ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ در دانشگاه تهران نقطه آغاز مرحله جدید منازعات سیاسی بود. عراقیها با مشاهده "بن بست نظامی" در جبهه‌ها و "بحران سیاسی" در داخل کشور، بر صحت ارزیابی خود از ناتوانی نظامی ایران پافشاری می‌کردند طوری که اندیشه عملیات آفندی دوباره در آنها قوت گرفت و در همین جهت ارتش عراق به دنبال اجرای عملیات در منطقه آبادان و اشغال این شهر به صورت کامل بود. ×

× یکی از فرماندهان عراق در این زمینه می‌گوید: «ما تصور می‌کردیم که نیروهای ایرانی از انجام یک عملیات دقیق و برنامه‌ریزی شده در سطحی گسترده ناتوان هستند، لذا بر موضع خود کاملاً اصرار داشتیم... ما این ذهنیت را از شکست نیروهای ایرانی در تاریخ ۸/۱۱/۵۹ (۵۹/۱۰/۱۶) در هویزه بدست آوردیم.»

[فصلنامه بررسیهای نظامی (دانشکده دافوس سپاه پاسداران) شماره ۱ صص ۲۳ و ۲۹]



تداوم "بحران سیاسی" در داخل کشور، در هنگامی که جبهه‌های نبرد از وضعیتی نامطلوب برخوردار بود و امام خمینی به صورت مکرر و بر "اصلی بودن جنگ" تاکید می‌فرمودند، سرانجام در خرداد ۱۳۶۰ به درگیری مسلحانه منجر شد. امام خمینی، بنی‌صدر را از فرماندهی کل‌قوا خلع کردند و مجلس شورای اسلامی "کفایت سیاسی" وی را به بحث گذاشت و در نتیجه عدم کفایت بنی‌صدر به اتفاق آرا - در هنگامی که عناصر نهضت آزادی از شرکت در مجلس خودداری کرده بودند - به تصویب رسید.

وزیر خارجه وقت فرانسه کلودشسون طی مصاحبه‌ای رسماً اعلام کرد:

«اگر بنی‌صدر از فرانسه تقاضای پناهندگی سیاسی بکند، چون فرانسه کشور حقوق بشر است!، به وی پناهندگی خواهیم داد و از او حمایت خواهیم کرد.» (۴۲)

صدام نیز طی مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد:

«چنانچه بنی‌صدر تمایل داشته‌باشد، عراق آماده دادن پناهندگی سیاسی به وی می‌باشد.» (۴۳)

سرانجام بنی‌صدر به اتفاق رجوی با خلبان پیشین شاه به فرانسه متواری شدند و سازمان منافقین موجی از ترور و انفجار به امید براندازی نظام جمهوری اسلامی، در سراسر کشور به راه انداخت. با حادثه هفتم تیرماه ۱۳۶۰ آیت‌الله بهشتی و ۷۲ تن از یارانش شامل مسئولین اجرایی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی به شهادت رسیدند و در هشتم شهریور همان سال آقای رجایی که پس از خلع بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شده بود و به همراه حجت‌الاسلام باهنر در حادثه انفجار ساختمان نخست‌وزیری به شهادت رسیدند.

صدام که پیش از این حوادث در دیدار با کمیته حسن‌نیت آمادگی خود را برای برقراری آتش‌بس و مذاکره سیاسی اعلام کرده بود، (۴۴) پس از مشاهده



## وضعیت سیاسی - نظامی ایران در تیرماه ۱۳۶۰ طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد :

« اگر می‌خواهید نظر ما را بدانید ، باید بگوییم ، ما ترجیح می‌دهیم ، در حالی که جنگ ادامه دارد ، با ایرانیان به قصد رسیدن به توافق به مذاکره بنشینیم .  
زمانی که به توافق دست یابیم می‌گوییم جنگ خاتمه یابد ! » ( ۴۵ )

**بدین ترتیب سال اول جنگ در وضعیتی به پایان رسید که هیچ‌گونه پیروزی نظامی در جهت آماده‌سازی سرزمینهای اشغالی به دست نیامد و کشور در گرداب عمیقی از بحران سیاسی و امنیتی فرورفته بود . بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران دورنمای سیاسی ایران را پس از حذف بنی‌صدر و آغاز ترور و انفجار ، براندازی نظام ارزیابی می‌کردند . یکی از نشریات چاپ آمریکا در همین زمینه نوشت :**

« دولتمردان متعصب ایران ضعیف‌تر از آن هستند که اشغالگران عراقی را از خاک خود بیرون برانند و بسیاری از کارشناسان خاورمیانه معتقدند که با پایان دادن به جنگ ایران و عراق ، رژیم جنگزده آیت‌الله خمینی باید سقوط کند ... سقوط سران حکومت ( امام ) خمینی گاهی بسیار نزدیک به نظر می‌آید و رهبر رژیم کنونی با بمب‌گذاریهای گروه مخالفان بسیار ضعیف شده است . » ( ۴۶ )

**بنابراین مهمترین سئوالی که بعدها فراروی ناظران و تحلیل‌گران امور سیاسی - نظامی ایران قرارگرفت و همواره در جستجوی یافتن پاسخ مناسب آن بودند ، این بود که « ایران تحت چنین وضعیتی چگونه توانست ضمن " تثبیت اوضاع سیاسی " روند آزادسازی مناطق اشغالی را آغاز و سرانجام جشن پیروزی را در مسجد جامع خرمشهر برگزار نماید ؟ »**

## منابع و مأخذ فصل ۲ ( جنگ در سال اول )

- ۱- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین شهر تا خرمشهر ( چاپ دوم، خرداد ۱۳۷۳ )، ص ص ۲۳ و ۲۶
- ۲- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بولتن سفارت جمهوری اسلامی در مسکو، ۱۳۵۹/۸/۸، به نقل از روزنامه ستاره سرخ مسکو.
- ۳- دفتر حقوقی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، تحلیلی از جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران ( تهران: انتشارات دفتر حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۱ )، ص ۱۰۲، روزنامه القیس به نقل از مقامات عراقی، آوریل ۱۹۸۱ ( فروردین ۱۳۶۰ ).
- ۴- سند شماره ۲۸۹۶۶۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اظهارات معاون تیپ ۱۷ از لشکر ۱۰ عراق، ص ۵.
- ۵- محمد پاکپور، " آخرین وضعیت خطوط مرزی ایران و عراق " ( پایان نامه فوق لیسانس )، مرداد ۱۳۶۷، ص ۱.
- ۶- سردار محسن رضایی، " تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق "، دانشکده دافوس سپاه پاسداران ( دوره عالی جنگ )، ۱۳۷۴/۴/۱۵.
- ۷- پیشین.
- ۸- مأخذ شماره ۶.
- ۹- آنتونی کردزمن و آبراهام آر. واگنر، درسهایی از جنگ مدرن - جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۵۴.
- ۱۰- پیشین.
- ۱۱- انتشارات سروش، مجموعه مصاحبه‌های سال ۶۱ و ۶۲ ( تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۶ )، مصاحبه آیت‌الله خامنه‌ای درباره شهادت شهید چمران، ۱۳۶۱/۳/۱۲، ص ص ۶۵ - ۶۴.
- ۱۲- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، دفاع مقدس - نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال جنگ، اسفندماه ۱۳۷۱، ص ۸.
- ۱۳- مأخذ شماره ۱، ص ۲۹.
- ۱۴- مأخذ شماره ۱، ص ص ۵۰ - ۴۹.
- ۱۵- مأخذ شماره ۶.
- ۱۶- گزارش سفارت جمهوری اسلامی در بیروت ( ۱۳۶۸ )، به نقل از مقاله روزنامه السفير، نوشته احمد زبیدی ( سرهنگ سابق ارتش عراق )، ۱۹۸۹/۱۱/۲۰.
- ۱۷- پیشین.
- ۱۸- افرایم کارش، " جنگ ایران و عراق، یک تحلیل نظامی "، ( نشریه اولفی پی پر، مؤسسه بین المللی مطالعات استراتژیک لندن، بهار ۱۹۸۷ )، ترجمه دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ ستاد کل نیروهای مسلح ( سال ۱۳۷۰ )، ص ص ۴۱ - ۴۰.
- ۱۹- کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین ( تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳ )، ص ص ۱۷۷ - ۱۷۶، به نقل از مارنشه ( رئیس وقت سازمان اطلاعاتی فرانسه ).
- ۲۰- مأخذ شماره ۱۶.
- ۲۱- پیشین.
- ۲۲- جی دال - مکی لیپ، " نگرشی جدید به استراتژی عراق در جنگ خلیج فارس "، ترجمه علیرضا کاوه، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲، دانشگاه امام حسین (ع)، بهار ۱۳۷۵، ص ۳۳.
- ۲۳- مأخذ شماره ۱، ص ۵۱.
- ۲۴- پیشین.
- ۲۵- عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران ( تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰ )، ص ۶۹.
- ۲۶- پیشین، ص ۷۰.
- ۲۷- وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، " طرح سیاسی جمهوری اسلامی ایران برای خاتمه جنگ "، آذر ۱۳۶۶، ص ۱.

- ۲۸ - مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور :  
مجموعه رهنمودهای امام خمینی - جلد ۱۶ (تهران :  
وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱)، ص ۷۶، سخنرانی  
۱۳۶۰/۱۲/۲۴.
- ۲۹ - مأخذ شماره ۱، ص ۷۳.
- ۳۰ - مأخذ شماره ۱۵، ۱۳۷۴/۴/۲۲.
- ۳۱ - روزنامه میزان، ۱۳۵۹/۷/۱.
- ۳۲ - کنت آر . تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین  
(تهران : مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳)،  
ص ۱۸۵.
- ۳۳ - پیشین، ص ۱۷۸.
- ۳۴ - ابوالحسن بنی‌صدر، روزها بر رئیس‌جمهور چه  
می‌گذرد؟ (تهران : انتشارات آموزش انقلاب اسلامی،  
۱۳۶۰).
- ۳۵ - محمد جوادی پور، علی نیکفرد و سید یعقوب  
حسینی، ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال  
دفاع مقدس - جلد اول : نبردهای غرب دزفول (تهران :  
سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران -  
دفتر سیاسی، ۱۳۷۲) ص ۱۳۹ - ۱۳۵.
- ۳۶ - سید یعقوب حسینی، محمد جوادی پور، ارتش  
جمهوری اسلامی ایران، در هشت سال دفاع مقدس - جلد  
سوم : اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان (تهران :  
سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران،
- ۱۳۷۳) ص ۱۵۹.
- ۳۷ - تیمسار اسدالله میرمحمدی، مصاحبه با روزنامه  
کیهان، ۱۳۷۵/۵/۲۵.
- ۳۸ - مأخذ شماره ۳۶.
- ۳۹ - مأخذ شماره ۳۶، ص ۲۰۷.
- ۴۰ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ویژه‌نامه "گزارش  
نهمین کنگره حزب بعث درباره جنگ"، ۱۳۶۲/۲/۲۴،  
رادیو بغداد، اسفند ۱۳۶۱.
- ۴۱ - مأخذ شماره ۱، ص ۵۹ - ۵۸.
- ۴۲ - دفتر سیاسی سپاه، "بولتن رویدادها و تحلیل"،  
شماره ۱۹، ۱۳۶۰/۴/۱۴، خبرگزاری فرانسه  
۱۳۶۰/۳/۲۹.
- ۴۳ - وزارت ارشاد اسلامی، "بولتن بررسی مطبوعات  
جهان"، شماره ۸۹، ۱۳۶۰/۷/۷، نشریه السیاسه چاپ  
کویت، ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۱.
- ۴۴ - ستاد تبلیغات شورای عالی دفاع، ستیز با صلح، به  
نقل از رادیو بغداد ۱۳۵۹/۱۲/۱۲، ص ۱۲۳.
- ۴۵ - پیشین، به نقل از مصاحبه مطبوعاتی صدام در تاریخ  
۱۹۸۱/۷/۲۲ (۱۳۶۰/۴/۳۱)، ص ۱۲۳.
- ۴۶ - خبرگزاری پارس، "گزارشهای ویژه"، شماره  
۱۹۱، ۱۳۶۰/۷/۵، رادیو اسرائیل، ۱۳۶۰/۷/۴، به  
نقل از هفته‌نامه نیوزورلدر پپورت.



آخرین حد پیشروی دشمن و مناطق آزادشده در سال اول جنگ ( شهریور ۵۹ - شهریور ۶۰ )

## فصل ۳

جنگ در سال دوم

### آزادسازی مناطق اشغالی ، تداوم جنگ

شهریور ۱۳۶۰ تا شهریور ۱۳۶۱

تجزیه و تحلیل علل ناکامی تلاش‌های بنی‌صدر برای آزادسازی مناطق اشغالی که با تکیه بر نیروها و روش‌های کلاسیک انجام گرفت ، بسیار حائز اهمیت است . زیرا پس از حذف بنی‌صدر ، طی عملیات‌هایی مناطق اشغالی با انهدام دشمن ، پاکسازی و آزاد شد . لذا بررسی دلایل ناکامی در مرحله پیشین و موفقیت در مرحله جدید ، می‌تواند " زمینه‌ها و علل تحول در جنگ " را که برای بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران امور ایران شگفت‌آور بود ، روشن نموده و توضیح دهد .

کانون مرکزی و نقطه ثقل تحول در جنگ را بدون شک باید حضور جدی و همه‌جانبه سپاه و بسیج دانست . مسلماً این حضور صرفاً به معنای حضور فیزیکی نیروهای سپاهی و یا بسیجی در جنگ نیست زیرا که بیش از این و در مرحله مقاومت و دفاع در برابر متجاوز ، نیروهای انقلابی و مردمی در صحنه حضور داشته و نقش و تأثیر تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده بودند در مرحله جدید برپایه درک روشن از ناکامی‌های بنی‌صدر و ارتش در آزادسازی مناطق اشغالی و همچنین ضرورت شکستن بن‌بست نظامی حاکم بر جنگ و حمله به دشمن که با تغییر استراتژی جنگ قابل تحقق بود ، با حضور سپاه تأمین و آغاز شد .<sup>(۱)</sup> شهید حسن باقری در فروردین ۱۳۶۰ پس از بحث با برخی از مسئولین سپاه در مورد ضرورت تغییر استراتژی

## جنگ می گوید :

« باید به خود جرأت داد که این نوع جنگیدن به درد نمی خورد و لازم است استراتژی جنگ عوض شود. » (۲)

تأکید بر ضرورت تغییر استراتژی جنگ<sup>(۳)</sup> به موازات ایجاد تردید در مورد فرماندهی بنی صدر در سطوح بالای کشور و شورای عالی دفاع<sup>(۴)</sup>، بخشی از موانع موجود برای برخورداری سپاه از نقش تعیین کننده در جنگ را برطرف ساخت. سردار رضایی در این زمینه می گوید :

« استراتژی نظامی بطور کلی در ایران از هم پاشید. در اینجا استراتژی جدید نیروهای حزب الله آغاز شد. نیروهای حزب اللهی آمدند و جنگ انقلابی را تدوین کردند و بر اساس آن یک سری عملیتهای محدود انجام شد. » (۵)

آموزه × جدید نیروهای انقلابی (سپاه و بسیج) در مرحله نخست شامل اصولی بود که بطور بنیادین با تفکر و روش فرماندهی بنی صدر در تعارض قرار داشت :

- ۱ - حملات پی در پی با دشمن به اجرای عملیات محدود.
- ۲ - تکیه بر عوامل معنوی همچون وحدت، ایمان و عشق به شهادت.
- ۳ - جذب نیرو و گسترش سازمان نیروهای انقلابی با سازماندهی نیروهای بسیجی.
- ۴ - همکاری با نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران و بکارگیری نیرو و امکانات آنها.

× آموزه : واژه دکترین (آموزه) از اصطلاح لاتین دکترینا و دکتر به معنای تعلیم و تعلم و علم گرفته شده است. در استعمال رایج، دکترین (آموزه) به معنای چیزی که آموخته شده و تعلیم می شود به کار می رود و اغلب بطور اخص چیزی که تحت عنوان اصول، عقیده، قاعده، نظریه، اصل قانونی و یا بیان رسمی سیاست ملی تعلیم شده را نیز دربر می گیرد.

(فئولت و گووالنیک ۱۹۸۸، کتاب تئوری عملیات و جنگ، ترجمه معاونت

تحقیق و پژوهش دانشکده فرماندهی و ستاد، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۳۳.)

۵ - اتخاذ تاکتیکهای جدید با اتکاء بر نیروهای پیاده و اجرای عملیات در شب .

ستاد عملیات سپاه در جنوب ، در تیرماه ۱۳۶۰ طی تحلیلی در مورد ضرورت اتخاذ تاکتیکهای جدید و اتکا به نیروی پیاده در عملیات می نویسد :

« با طولانی شدن جنگ ، توجه سپاه و نیروهای مردمی روی این نکته متمرکز شد که با توجه به محدودیت و آسیب پذیری وسایل نظامی و عدم امکان جایگزینی آن ( با موقعیت فعلی انقلاب اسلامی ایران ، به علت مخالفتش با ابرقدرتهای سازنده این وسایل ) بهترین راه تاکید بر نیروی پیاده می تواند باشد . » (۶)

در مرحله جدید و با در نظر گرفتن تجارب پیشین و با شناخت نسبتاً عمیق از دشمن و مطابق با توان و مقدرات موجود و فارغ از روشهای کلاسیک - که اساساً حاصل ترجمه آیین نامه های ارتش آمریکا بود - در فاصله زمانی اسفند ۱۳۵۹ تا مهر ۱۳۶۰ مجموعاً بیش از ۲۰ عملیات محدود طرحریزی و اجرا شد . مشخصه این عملیاتها دستیابی به روشهای جدید برای شکستن خطوط دفاعی دشمن با اتکا به نیروهای بسیجی و سپاه بود . در روش نظامی منطبق با آیین نامه های ارتش ، مواضع دفاعی دشمن عمدتاً با اتکا به آتش و نیروهای زرهی در هم شکسته می شود و سپس پیشروی در عمق صورت می گیرد . در روش جدید به منظور غافلگیری دشمن و جبران کمبود امکانات ، عملیات در شب و با تکیه بر نیروی پیاده که از روحیه شهادت طلبی برخوردار بود ، طرحریزی شد . در این مرحله مقدمات ارتش شامل توپخانه و زرهی تنها نقش آتش پشتیبانی کننده داشت .

نتایج حاصله از اجرای عملیاتهای محدود علاوه بر نمایاندن ضعفهای دشمن و توانایی و قابلیت های نیروهای انقلابی ، صحت استراتژی جدید را



مورد تاکید قرار داد . ضمن اینکه روحیه یأس و ناامیدی در نیروهای نظامی و مسئولین سیاسی پس از شکست تلاشهای نظامی بنی صدر ، برطرف شد و در عین حال زمینه را برای پشت سر نهادن بحران بی ثباتی سیاسی در کشور آماده ساخت .

همچنین اندیشه‌های دفاعی سپاه تدریجاً شکل گرفت و زمینه‌های طرحریزی عملیات گسترده و آزادسازی کلیه مناطق اشغالی را فراهم ساخت به موازات این تحولات دشمن نیز تدریجاً بخشی از تغییرات تاکتیکی را درک کرد و برای ممانعت از غافلگیری دستورالعملهای جدیدی صادر کرد که در آن بر آمادگی دفاعی تاکید شده بود .<sup>(۷)</sup> آیت‌الله خامنه‌ای هنگامی که به عنوان نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع از نزدیک تحولات جنگ را پیگیری می‌کردند پس از فتح خرمشهر طی تحلیلی از روند جنگ ، به مسائلی اشاره کردند که قابل توجه و حائز اهمیت است :

« کلاً تا قبل از عملیات ثامن‌الائمه ، عملیات ما غالباً موفق نبوده‌است و شاید یک یا دو عملیات را بتوان نشان داد که تا حدودی موفق بوده و علتش هم این است که تا قبل از عملیات ثامن‌الائمه نیروهای مردمی به‌کارگرفته نمی‌شد یعنی از بسیج و سپاه در عملیات به صورت کامل خبری نبود و سپاه امکانات نداشت و گذشته از این ، مسئولان نظامی حاضر نبودند حتی سپاه را در حیطة کار نظامی راه بدهند و لذا یکی از درگیریهایی ما با بنی‌صدر همین مسئله بود . نیروهای محدود ارتش هم طبیعی بود که با فرماندهی مثل بنی‌صدر شانس موفقیت بسیار کمی را داشت و عملاً هم موفق نبود . »

در این جمع‌بندی روی دو مسئله تاکید شده‌است : نخست اینکه نیروهای سپاه و بسیج به صورت کامل در صحنه حضور نداشتند و دیگر اینکه نیروهای محدود ارتش با فرماندهی بنی‌صدر قادر به کسب پیروزی نبودند و در عمل هم موفق نشدند . آیت‌الله خامنه‌ای در جایی دیگر با اشاره

**به تأخیر در فتح خرمشهر فرمودند :**

« به اعتقاد من یک سال دیر برگشت چون می توانست خرمشهر در سال گذشته ، یعنی یک سال پیش آزاد شود . » (۹)

**ایشان در مورد علت این تأخیر و تفاوت آن با سال گذشته می فرمایند :**

« سال گذشته در این وقت سپاه پاسداران جدی گرفته نمی شد و وجود سپاه در صحنه رزم فرض نمی شد . » (۱۰)

**در عین حال به دلیل بحران سیاسی در کشور و حتی پس از فرار بنی صدر همچنان برای اجرای فرمان امام موانعی وجود داشت که سردار رضایی درباره آن می گوید :**

« حضرت امام مدتها بود که دستور داده بودند که حصر آبادان باید شکسته شود اما مدیریت اولیه جنگ بهای لازم را به این کار نمی داد و حتی بقایای این مدیریت هم با اینکه آقای بنی صدر کنار رفته بود ، باز به سختی زیر بار حمله به این منطقه می رفتند . بطوری که طرح اولیه سپاه در اوایل فروردین سال ۶۰ آماده شد ولی شش ماه طول کشید تا عملیات اجرا شود . » (۱۱)

**تأخیر در اجرای عملیات شکستن محاصره آبادان با توجه به وضعیت سیاسی کشور به گونه ای بود که امام مدتی بعد از حادثه هفتم تیز خطاب به شورای عالی دفاع که در محضر ایشان تشکیل شد ، فرمودند :**

« چرا حمله نمی کنید . بنی صدر هم همیشه امروز و فردا می کرد و می گفت یک ماه دیگر طراحی داریم . . . . اگر نمی خواهید بجنگید بگویید تا ما تکلیف خودمان را بدانیم . » (۱۲)

**بدین ترتیب عملیات ثامن الائمه با هدف شکستن محاصره آبادان در تاریخ ۵ مهر ۱۳۶۰ در شرق رودخانه کارون آغاز شد و پس از ۴۸ ساعت نبرد ، کلیه مواضع دشمن در هم کوبیده شد و کلیه اهداف عملیات تأمین شد ، توپخانه تدریجاً در کنار سازماندهی جدید به کار گرفته شد و پس از**

عملیات فتح‌المبین عملاً توپخانه سپاه شکل گرفت. همچنین سپاه با جذب و به کارگیری نیروهای مردمی توانست ۱۵ گردان نیرو سازماندهی کرده و وارد عمل نماید. این اقدام به منزله افزایش توان سازماندهی سپاه به میزان ۱۰ برابر بود. (۱۳)

اولین نتیجه کلی و برجسته عملیات ثامن‌الائمه عبارت بود از "درهم شکستن استراتژی دشمن در نقطه اصلی آن"؛ (۱۴) بدین معنا که دشمن پس از ناکامی اولیه در آغاز جنگ با هدف برخورداری از برگ برنده برای مذكرات صلح، تلاش اصلی خود را روی اشغال خرمشهر و آبادان متمرکز کرد. تداوم مقاومت در خرمشهر منجر به حفظ آبادان شد. در عین حال دشمن در فرصتهای متفاوتی در انتظار اشغال آبادان بود ولی موفق به این کار نشد. بنابراین در منطقه‌ای که دشمن بر اساس استراتژی خود برای اشغال آبادان تلاش می‌کرد، شکستن محاصره آبادان به معنای عقیم گذاشتن برنامه‌های دشمن بود. نتیجه دوم "کسب اعتماد به نفس برای برداشتن گامهای بلندتر" بود. در واقع پیروزی در عملیات ثامن‌الائمه نیروهای انقلابی را برای ادامه جنگ مطمئن کرد و وضعیت روانی مناسبی در جامعه به وجود آمد و امید و اعتماد برای کسب پیروزی حاصل شد. در نتیجه این تحول موقعیت و زمینه لازم را برای طرحریزی "استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی" (۱۵) براساس ساختار و ترکیب جدید نیروها و استراتژی و تاکتیکهای جدید فراهم ساخت. × یکی از کارشناسان نظامی خارجی بر این مسئله تاکید کرد که «این پیروزی این حقیقت را آشکار ساخت که برتری در قدرت زرهی و

× سردار رضایی در این زمینه می‌گوید: «در گلف (پایگاه منتظران شهادت) جلسه داشتیم. شهید باقری، آقارحیم و رشید بودند. به آنها گفتم برای عملیات بعدی طرحی بدهید که حجم به کارگیری نیروها دو برابر عملیات ثامن‌الائمه باشد و عملیات بعدی هم دو برابر و - چون مشکل نیرو وجود داشت گفتم تأمین نیرو بر عهده من، در این مرحله ۱۴ عملیات طرحریزی شد که اولین آن عملیات طریق‌القدس بود.

[دانشکده دافوس سپاه پاسداران (دوره عالی جنگ) (۱۳۷۵/۲/۲۷)]

هوایی می تواند بی معنا باشد . «<sup>(۱۶)</sup> این کارشناس همچنین با اعتراف در مورد ماهیت ناشناخته تاکتیکهای جدید و نحوه کسب پیروزی نظامی ایران می نویسد : « هنوز مشخص نشده است که ایرانیان چگونه به این پیروزی دست یافتند ! »<sup>(۱۷)</sup>

پیروزیهای حاصله در صحنه سیاسی کشور با انتخاب آیت الله خامنه‌ای به ریاست جمهوری و گذر از مرحله بحران و بی ثباتی همراه با پیروزی در عملیات ثامن الائمه ، منجر به دو اقدام اساسی شد ؛ نخست اینکه سپاه سازمان رزم جدید خود را توسعه داد و دیگر اینکه به موازت گسترش سازمان رزم ، اقدامات جدی و اساسی برای طرحریزی یک سلسله عملیات به منظور آزادسازی کلیه مناطق اشغالی را آغاز کرد .<sup>(۱۸)</sup> ×

سال دوم جنگ را برای سپاه در مقایسه با سال اول ( که سال " تولد در مقاومت " بود ) ، در واقع باید سال " رشد و تثبیت " نامگذاری کرد .<sup>(۱۹)</sup> در این سال ضرورت تشکیل تیپ تدریجاً مورد توجه قرار گرفت و سپاه با سازمان تیپ وارد عمل طریق القدس شد .

در این مرحله مجموعاً ۱۲ عملیات شامل کربلای ۱ تا ۱۲ طرحریزی شد . ×× اهداف مورد نظر در استراتژی جدید با ترکیب و هماهنگی سپاه و ارتش عبارت بود از :

× سردار رضایی در توضیح این مطلب می گوید : « ما بچه‌های سپاه را کاملاً جدا کردیم و گفتیم شما یک تیمی بشوید طراحی عملیات بکنید و برادران ارتش هم یک تیم درست کنند . به صورت جداگانه طراحی عملیات کنید ولی بعد در جلسه مشترکی نظراتان را بگویید ، آنها هم نظرشان را بگویند . علت این تفکیک این بود که می‌خواستیم به سپاه شکل بدهیم ، یک سازمان درست بکنیم . . . گفتیم سپاه با هویت سپاه باید طرحریزی کند . . . » [ دانشکده دافوس سپاه پاسداران ( دوره عالی جنگ ) ۱۳۵۷/۷/۱۲ ]

×× در سال ۱۳۶۵ پس از فتح فاو و بعد از عملیاتهای عراق موسوم به استراتژی دفاع متحرک ، سلسله عملیاتهای جدیدی تحت عنوان کربلای ۱ در مه‌ران ، کربلای ۲ در حاج‌عمران ، کربلای ۳ در خلیج فارس و . . . انجام گرفت که تنها در به کارگیری کلمه " کربلا " اشتراک داشت .

۱ - انهدام نیرو و امکانات دشمن به منظور تقلیل توان نظامی عراق .  
 ۲ - آزادسازی نیروهای خودی که در خطوط پدافندی استقرار داشتند .  
 ۳ - کسب آمادگی برای حمله تعیین کننده و نهایی به دشمن .  
 در چارچوب استراتژی جدید و با ترکیب و هماهنگی نیروها و سازماندهی سپاه در شکل تیپ ، عملیات طریق القدس با هدف قطع ارتباط دشمن از شمال به جنوب با تصرف و تأمین تنگه جزابه و همچنین آزادسازی شهر بستان و ۷۰ روستای دیگر آن ، در هشتم آذر ۱۳۶۰ آغاز شد .  
 غافلگیری دشمن نسبت به تاکتیک ویژه عملیات ( عبور از زمینهای رملی ) ، زمینه‌های انهدام دشمن و کسب پیروزی را فراهم ساخت .<sup>×</sup>  
 برجسته‌ترین ویژگی عملیات طریق القدس " نقش بسیار مهم نیروهای مردمی " (۲۰) بود و در واقع برای نخستین بار نیروهای مردمی در سطح گسترده‌ای سازماندهی و به کار گرفته شدند . (۲۱) و مسلماً همین مسئله امکان اجرای تاکتیک عبور از منطقه رملی را به وجود آورد . زیرا بدون خلاقیت و ابتکار عمل و شجاعت نیروهای مردمی و انقلابی اجرای این تاکتیک عملی نبود .

همچنین نتیجه حاصله از پیروزی در این عملیات به مثابه وارد ساختن ضربه قاطع و اساسی بر دشمن بود ، چنانکه بر اثر این ضربه ، دشمن تعادل خود را از دست داد و هرچه تلاش کرد نتوانست مجدداً این تعادل را بازیابد . « (۲۲)

برخی از تحلیل‌گران نظامی که روند تحولات جنگ را پیگیری می‌کردند با مشاهده ابعاد و نتایج عملیات طریق القدس ، بازیابی قدرت برنامه‌ریزی

× ویژگی عملیات طریق القدس اجرای همین تاکتیک بود که با پیشنهاد سپاه و با تلاش نیروهای سپاه اجرا شد .  
 موفقیت عملیات در سایر محورها اساساً متکی به پیروزی در این محور بود که حاصل شد .

عملیات و مهارت‌های فرماندهی و کنترل نظامی ایران را که پیش از این کاملاً از بین رفته بود، مورد توجه و تأکید قرار دادند. <sup>(۲۳)</sup> به کارگیری اصطلاح " تاکتیک‌های موج انسانی " <sup>(۲۴)</sup> برای توضیح تاکتیک جدید ایران و حضور گسترده نیروهای مردمی، پس از این عملیات در رسانه‌های غربی رواج و گسترش یافت، طوری که یکی از فرماندهان نظامی ارتش آمریکا تغییر استراتژی و تاکتیک‌های ایران را مورد توجه قرار داد و نوشت:

« در این عملیات که ایرانیها آن را عملیات طریق‌القدس نامگذاری کردند یک تغییر استراتژیکی عمده به چشم می‌خورد. ایرانیها به استراتژی استفاده از نیروهای پیاده و سرمایه‌گذاری روی احساسات آنها، جهت غلبه بر کمبود تجهیزات نظامی روی آورده‌اند. » <sup>(۲۵)</sup>

عراقیها که پیش از این پیروزی ایران در عملیات ثامن‌الائمه را با اکراه و تأخیر پذیرفته و اعلام کرده بودند، چنین تصور می‌کردند که شکست ارتش عراق به دلیل مواضع نامناسب نیروهایشان در شرق رودخانه کارون بوده‌است، به همین دلیل احتمال تکرار پیروزی ایران در یک منطقه دیگر را بعید می‌پنداشتند. مهم‌تر آنکه تسلسل اجرای عملیات‌های پیروز، اصلی‌ترین دغدغه و منشأ نگرانی عراقیها بود. برای همین با تهاجم ارتش عراق به تنگه چزابه از تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۷ به مدت ۱۳ روز، عراقیها امیدوار بودند ضمن نمایش قدرت نظامی خود و جبران تأثیرات روحی و روانی ناشی از شکست در دو عملیات پیشین، از اجرای عملیات بعدی ایران ممانعت یا در آن " تأخیر " ایجاد کنند.

درک و تشخیص فرماندهی سپاه از ماهیت تحرکات نظامی عراق در تنگه چزابه، سبب گردید بلافاصله کلیه تلاش‌های ایران در منطقه عمومی غرب رودخانه کرخه و با هدف اجرای عملیات فتح‌المبین، متمرکز شود. <sup>(۲۶)</sup> آزادسازی منطقه غرب رودخانه کرخه می‌توانست ضمن انهدام نیروهای

دشمن ، شهرهای شوش ، اندیمشک ، دزفول و پایگاه چهارم شکاری را از برد آتش توپخانه دشمن خارج سازد . علاوه بر این با موفقیت در این عملیات ، مناطق و تاسیسات مهم منطقه شامل سایت و رادار ، جاده اندیمشک - اهواز و چاههای نفتی ابوغریب از برد توپخانه و یا اشغال نیروهای دشمن خارج می شد .

متعاقب تلاشهایی که در زمینه طرحریزی ، مهندسی و پشتیبانی انجام گرفت ، سرانجام در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۸ ، عملیات فتحالمبین آغاز شد و تنها پس از یک هفته ، کلیه مواضع دشمن منهدم و منطقه بطور کامل پاکسازی شد . اسارت هفده هزار نفر از نیروهای دشمن نشان دهنده موفقیت عملیات و مهمتر از آن فروپاشی اردوگاه دشمن بود . در این عملیات غنائم بسیاری از جمله ۱۶۵ قبضه توپ و ۳۲۰ دستگاه تانک و نفربر دشمن به دست رزمندگان افتاد و بخش زیادی از تجهیزات عراقیها نیز منهدم گردید .

عملیات فتحالمبین به لحاظ وسعت ، میزان نیروهای شرکت کننده و سرعت عمل نیروهای در تأمین اهداف و نتایج و دستاوردها بسیار برجسته و چشمگیر بود . برخی از کارشناسان از این عملیات به عنوان پیچیده ترین تلاش ایران در جنگ تا آن زمان<sup>(۲۷)</sup> که " خفت بارترین شکست را از آغاز جنگ تاکنون نصیب عراق کرده است " <sup>(۲۸)</sup> یاد کردند .

برجسته ترین ویژگی و نتیجه کلی عملیات در دو زمینه قابل مشاهده است ، نخست اینکه عملیات فتحالمبین نمایش جنگ فراگیر مردمی بود . <sup>(۲۹)</sup> بدین معنا که سازمان رزم سپاه با تشکیل تیپ و قرارگاه واجد تحول جدی شد . <sup>(۳۰)</sup> همین مسئله علاوه بر فراهم نمودن زمینه افزایش جذب و به کارگیری نیروهای مردمی و برتری قوای ایران بر عراق ، امکان فرماندهی و کنترل و هدایت را به نحوی مناسب فراهم ساخت .

تحمیل وضعیت جدید به دشمن ، دومین نتیجه قابل توجه در این



عملیات بود. ویژگی تاکتیکی عملیات فتح‌المبین در طرح‌مانور عملیات با توجه به زمین منطقه و آرایش دشمن، در نظر گرفته شد. آرایش قوای دشمن بر " تنگه رقابیه "، " تپه‌های عین‌خوش "، و " ارتفاع برغازه " متکی بود و نزدیکی به این نقاط می‌توانست تمام جبهه دشمن را متزلزل کند. به همین دلیل با پیشروی نیروها در محور قرارگاه قدس و تصرف عین‌خوش، تعادل دشمن به هم خورد و با پیشروی در محور قرارگاه فتح و تصرف تنگه رقابیه تیر خلاص به دشمن شلیک شد. در نتیجه با پیروزی در عملیات فتح‌المبین، ذهنیت و باورهای دشمن از تواناییهایش، درهم شکسته شد. (۳۱)

اگر تا پیش از این دشمن تصور می‌کرد با تکیه بر نیروهایش قادر به حفظ مواضع اشغالی خواهد بود، با شکست در عملیات فتح‌المبین، باورهای دشمن درهم شکست و اندیشه عقب‌نشینی از همین زمان در ذهن دشمن شکل گرفت.

گسترش پیروزیهای ایران و تزلزل در وضعیت نظامی دشمن، حامیان منطقه‌ای و جهانی عراق را مضطرب و نگران ساخت. برخی از سران کشورهای عربی فشارهای بسیاری به آمریکا وارد ساختند تا به حمایت از عراق اقدام نماید. یکی از مقامات وزارت دفاع آمریکا طی سخنانی صریحاً اظهار داشت کمک به عراق، برای واشنگتن در جهان عرب منافع زیادی به همراه خواهد داشت. (۳۲) رادیو اسرائیل به منظور پافشاری بر ضرورت تغییر موضع آمریکا برای جانبداری از عراق، بهبود موقعیت ایران برای " صدور انقلاب " را مورد تاکید قرار داد. (۳۳)

متعاقب تحولات جدید، دولت آمریکا با اعزام واینبرگر وزیر دفاع خود به منطقه و مذاکره با سران کشورهای عرب تصمیم به افزایش فروش تسلیحات به کشورهای منطقه گرفت. آمریکاییها که تا پیش از این بطور سنتی تهدید شوروی را خطر اصلی برای منافع خود ارزیابی می‌کردند، ایران را به عنوان



یک تهدید منطقه‌ای جایگزین آن کردند. این تغییر فراتر از تأثیرات کوتاه مدت آن، به عنوان یک استراتژی جدید، آثار و نتایج بلندمدتی را بر جای نهاد که پس از فتح خرمشهر به صورت تدریجی نمایان شد.

طرحریزی و اجرای عملیات بیت‌المقدس در فضایی کاملاً متفاوت با عملیاتهای پیشین انجام گرفت. نخست آنکه دشمن در مورد منطقه عملیات هوشیار بود زیرا تنها منطقه‌ای که در جنوب همچنان در اشغال دشمن قرار داشت، منطقه غرب رودخانه کارون بود و طبیعی به نظر می‌رسید که قوای نظامی ایران این منطقه را برای عملیات انتخاب کنند. بنابراین امکان غافلگیری دشمن در مورد مکان عملیات وجود نداشت.

عملیات بیت‌المقدس<sup>\*</sup> در موقعیتی کاملاً حساس طرحریزی شد. <sup>\*\*</sup> از نظر نظامی سپاه بر این باور بود که تلاش اصلی عملیات باید در عبور از رودخانه کارون و تصرف سرپل بزرگ متمرکز شود. حال آنکه برادران ارتش بر اساس تفکر کلاسیک، همانند عملیات قبلی (هویزه در ۵۹/۱۰/۱۵) در این منطقه، بر این نظر بودند که تلاش اصلی باید با اتکاء به جاده اهواز - خرمشهر انجام شود. <sup>(۳۴)</sup> متعاقب بحثها و بررسیهای طولانی، سرانجام بر اساس نظر سپاه عملیات در ساعت ۳ بامداد دهم اردیبهشت ۱۳۶۱ آغاز شد و پس از اجرا در چهار مرحله به پیروزی رسید. در این عملیات نوزده هزار نفر از نیروهای دشمن به اسارت قوای ایران درآمدند. <sup>(۳۵)</sup>

فتح خرمشهر صرفنظر از بازتاب و نتایج سیاسی آن، از نظر نظامی نیز

\* تشدید تهاجمات اسرائیل به جنوب لبنان و مناسبات بحرانی اعراب و اسرائیل سبب گردید نام عملیات با الهام از این اوضاع "بیت‌المقدس" انتخاب شود.

\*\* احتمال فروپاشی نظام حاکم بر عراق بر اثر تداوم پیروزی‌های نظامی ایران، مهمترین دغدغه و نگرانی حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق بود ضمن اینکه رژیم اشغالگر قدس نیز برای حمله به جنوب لبنان در آمادگی به سر می‌برد.

بسیار حائز اهمیت بود. عوامل مؤثر در پیروزی ایران علاوه بر استراتژی برتر، اجرای تاکتیک ویژه عملیات عبور از رودخانه کارون و افزایش توان رزمی سپاه بود. در این عملیات سپاه ۱۰۰ تا ۱۲۰ گردان نیرو در قالب تیپ (ولی با استعداد لشکر) وارد عملیات کرد که در مقایسه با عملیات ثامن الائمه، تنها در فاصله ۹ ماه، توان رزمی سپاه نزدیک به ۱۰ برابر رشد و افزایش را نشان می‌دهد. در واقع گرچه سپاه به عنوان یک نهاد انقلابی به تناسب ضرورت‌های انقلاب متولد شد ولی «در خوزستان و در لابلای حوادث جنگ تحمیلی به رشد و بالندگی رسید»<sup>(۳۶)</sup> و موقعیت آن تثبیت شد.<sup>(۳۷)</sup>

خرمشهر در روند تحولات جنگ تحمیلی به عنوان نماد و مظهر "مقاومت سرسختانه ایران و پیروزی بر عراق" به‌شمار می‌رفت.<sup>(۳۸)</sup> به همین دلیل عملیات بیت‌المقدس و نتایج آن به یک معنا می‌توانست سرنوشت جنگ و موقعیت سیاسی رژیم عراق را مشخص نماید. مواضع و استحکامات عراق در خرمشهر و آمادگی برای مقابله با تهاجم رزمندگان اسلام، این امیدواری را برای حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق به وجود آورده بود که عراق با حفظ خرمشهر و با ایجاد تأخیر در آزادسازی آن، ضمن فرسایش توان نظامی ایران، فرصت لازم را برای آمادگی ارتش عراق جهت مقابله با وضعیت جدید فراهم خواهد ساخت.

سرعت عمل قوای نظامی ایران با اتکا به تاکتیک ویژه عملیات عبور از رودخانه کارون و سقوط موانع عراق و آزادسازی زودهنگام خرمشهر، نه تنها تمامی امیدهای حامیان عراق را بر باد داد، بلکه دامنه نگرانی و اضطراب آنها را در مورد سرنوشت سیاسی رژیم صدام و آینده منطقه گسترش داد. روزنامه آلمانی دویچه سائتونگ طی تحلیلی در همین زمینه نوشت:

«خط پیروزی ایران و در نتیجه درهم ریختن عراق، نظام‌های حاکم منطقه را پس از سقوط رژیم بعثی بغداد، تهدید می‌کند و احتمال مداخله ابرقدرتها را نیز

به دنبال دارد. « (۳۹)

از نظر نظامی اجرای چهار عملیات پیروز طی ۸ ماه نشان‌دهنده تجدید قوای نظامی ایران بود. متقابلاً ناتوانی عراق برای دفاع از مواضع و استحکامات خود، به منزله از میان رفتن توان نظامی این کشور و در نتیجه سقوط احتمالی رژیم عراق ارزیابی می‌شد.

از بُعد سیاسی، در واقع عراق با از دست دادن خرمشهر تکیه‌گاهش را برای مذاکره از دست داد. (۴۰) به عبارت دیگر خرمشهر برای عراق به عنوان "برگ برنده" (۴۱) محسوب می‌شد که با آزادسازی آن به دست رزمندگان اسلام و "عقب‌نشینی تحقیرآمیز" (۴۲) و مفتضحانه ارتش دشمن، رژیم عراق به نقطه پایان نزدیک می‌شد.

روزنامه لوموند با توجه به روند تحولات جنگ که به بن‌بست رسیده بود و بی‌ثباتی داخل کشور با فرار بنی‌صدر به پاریس، موقعیت جدید ایران و پیروزی این کشور را از زاویه دیگری مورد بررسی قرار داده و می‌نویسد:

«جنگ به رژیم ایران اجازه داد که ضمن برقراری مجدد اتحاد مقدس، به پاسداران بازوی نیرومند انقلاب اسلامی و عمده‌ترین نیروهای نظامی کشور، اهمیت خاصی داده شود و جناحهای مختلف "لیبرال" و "چپی" تصفیه شوند و این خود نشانه‌ی یکی از عمده‌ترین پیروزیهای جمهوری اسلامی ایران در مقابل رژیم بعثی بغداد بود. « (۴۳)

در واقع تثبیت اوضاع داخلی و مهار بحران و بی‌ثباتی سیاسی، منشأ دستیابی به پیروزی نظامی بود و متقابلاً این پیروزیها روند تثبیت اوضاع داخلی را تسریع کرد. کمیته روابط خارجی سنای آمریکا نیز طی گزارشی پیروزیهای ایران را نتیجه تجدید قوای نیروهای مسلح ایران، نیروی انسانی بیشتر ایران و هماهنگی بهتر بین ارتش منظم و پاسداران انقلابی ارزیابی می‌کند. (۴۴)

پیدایش وضعیت جدید در صحنه سیاسی - نظامی جنگ و تحولات احتمالی در منطقه ، آمریکا را بشدت نگران ساخت . با فتح خرمشهر در واقع آمریکا دچار همان مخاطراتی شد که با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه با آن روبه‌رو گردید ، با این تفاوت که با بی‌ثباتی داخل ایران و شروع جنگ ، آمریکا امیدوار بود انقلاب در درون کشور مضمحل یا تعدیل شود ، ولی پیروزیهای پی‌درپی ایران و سرانجام فتح خرمشهر و احتمال سقوط رژیم عراق ، دامنه نگرانی آمریکا را در سطح منطقه گسترش داد . زیرا این تحول اساسی و چشمگیر به منزله تهدید منافع آمریکا در منطقه ارزیابی شد . (۴۵)

به همین دلیل واینبرگر وزیر دفاع وقت آمریکا اعلام کرد پیروزیهای ایران به نفع آمریکا نخواهد بود . (۴۴)

هیگ وزیر خارجه وقت آمریکا نیز اعلام کرد که آمریکا در برابر هرگونه تغییر اساسی در منطقه خلیج فارس که ناشی از جنگ ایران و عراق باشد ، بی تفاوت نخواهد بود . (۴۷) کیسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا طی تحلیلی چالشهای موجود در منطقه را به چهار دسته تقسیم کرد : « رادیکالیسم شیعه ، نهادگرایی اسلامی ، انقلاب ایران و امپریالیسم شوروی . » (۴۸) وی در عین حال ضرورت " توان قوا در منطقه " را مورد تاکید قرار داد .

بازنگری استراتژی منطقه‌ای آمریکا در خلیج فارس که با آشکارشدن برتری نظامی ایران بر عراق پس از عملیات فتح‌المبین آغاز شده بود ، منجر به اتخاذ سه ابتکار دیپلماتیک از سوی آمریکا شد . هیگ وزیر خارجه وقت آمریکا در همین زمینه می‌گوید :

« اگر بخواهیم به یک نظم مسالمت‌آمیز بین‌المللی امیدی داشته باشیم ، باید وقایع خاورمیانه را شکل دهیم و اکنون لحظه ورود آمریکا به منطقه است . آمریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق ، فعال کردن مذاکرات خودمختاری فلسطین رفع تهدید از آغاز جنگ اقدام خواهد کرد . این ابتکارها

به یکدیگر مربوط و با کشورهای دیگر نیز هماهنگ خواهد بود. (۴۹)

### وی همچنین یادآور شد :

« بیم آن می‌رود که درگیری ایران و عراق به کشورهای همسایه گسترش پیدا کرده و موجب تغییرات گسترده و غیرقابل پیش‌بینی در توازن نیروهای منطقه بشود. » (۵۰)

بدین ترتیب آمریکاییها به دلیل نگرانی از سقوط رژیم عراق که حاصل اخطار آژانسهای متعدد جاسوسی این کشور بود، کمکهای حیاتی به بغداد را آغاز کردند. (۵۱) آمریکا برای رفع محدودیتهای موجود × نام عراق را از لیست کشورهای به اصطلاح تروریست خارج ساخت و محدودیت فروش تسلیحات به عراق لغو شد و برای برقراری روابط دیپلماتیک میان دو کشور توافقاتی به عمل آمد. مصر و کشورهای شورای همکاری ×× برای کمک به عراق ترغیب و تشویق شدند. کمکهای اطلاعاتی و حمایت‌های سیاسی و تبلیغاتی آمریکا از عراق به نحو چشمگیری افزایش یافت. ××× مشاور کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در توضیح فروش تسلیحات آمریکا به عراق در همان زمان گفت :

« این عمل آمریکا به منظور تنبیه ایران و بازکردن راهی برای عراق از بن‌بست موجود می‌باشد و ایران در جنگ با عراق از برتری محسوسی برخوردار است و

---

× الکساندر هیگ وزیر امور خارجه وقت آمریکا پیش از این در مارس ۱۹۸۱ (اسفند ۶۰) در کنگره آمریکا گفت که عراق تمایل به شوری را تا حدی تغییر داده است. چند هفته بعد منع فروش پنج بوئینگ ۷۴۷ به عراق از میان برداشته شد. (نشریه مسلم میدیا - چاپ لندن - ژانویه ۱۹۸۵).

×× شفیق ناظم‌الغبراء استاد دانشگاه کویت در تهران طی سخنانی اعلام کرد: کویت در ابتدای جنگ بی‌طرف بود. اما پس از فتح خرمشهر توسط نیروهای ایران، عربها بر خود لرزیدند و بی‌صبرانه به حمایت از صدام حسین برخاستند. (سمینار بحران و توسعه همکاری کشورهای منطقه، دی‌ماه ۱۳۷۵)

××× ر. ک. به: کتاب سوداگری مرگ، نوشته کنت آرتیمرمن.

این واقعه ناخوشایندی برای آمریکا است. « (۵۲)

آمریکاییها به منظور فراهم‌سازی زمینه‌های حمایت سیاسی و تبلیغاتی از عراق، این کشور را متقاعد کردند آمادگی خود را برای عقب‌نشینی از خاک ایران اعلام نماید. رژیم بعثی و صدام که بیش از این به لحاظ سیاسی و نظامی در موقعیت برتری قرار داشتند و از تجزیه ایران سخن می‌گفتند با پیدایش وضعیت جدید در جنگ و اوضاع جنوب، آمادگی خود را برای برقراری آتش‌بس اعلام کردند. « (۵۳)

در اجلاس چهار روزه کنگره بعث عراق، صدام با پذیرش مسئولیت شکست استعفا داد<sup>\*</sup> ولی مجدداً به اتفاق آرا به مقام دبیرکل حزب بعث انتخاب شد. (۵۴)

صدام در موقعیت جدید تغییرات نسبتاً گسترده‌ای را به وجود آورد؛ بدین شکل که اعضای شورای فرماندهی انقلاب را از ۱۷ تن به ۱۰ تن کاهش داد و در کابینه عراق ۸ تن از وزیران (از جمله وزیر نفت) سمتهای خود را از دست دادند و ۱۰ وزیر جدید وارد کابینه عراق شدند. (۵۵) بسیاری از تحلیل‌گران تحولات داخلی عراق را نتیجه شکستهای اخیر<sup>(۵۶)</sup> این کشور و با هدف از میان بردن "هرگونه انتقاد در سطح بالا"<sup>(۵۷)</sup> و فراهم‌سازی تحکیم موقعیت صدام<sup>(۵۸)</sup> ارزیابی کردند.

آمریکاییها برای مهار نتایج ناشی از پیروزیهای ایران علاوه بر اقدامات فوق‌الذکر، سعی داشتند به هر نحو ممکن از ارائه امتیاز به ایران جلوگیری کنند تا جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر نشود. در جهت این سیاست سازمان ملل نیز با وجود برتری جمهوری اسلامی، شرایط

\* استعفای صدام در منابع رسمی عراق منتشر نشد و تنها پس از تصفیهای که مجدداً انجام گرفت، این خبر منعکس گردید.

ایران مبنی بر محکومیت متجاوز و پرداخت غرامت به ایران را نپذیرفت و همچنان بر تقدم آتش‌بس به هر اقدام دیگری تاکید کرد. ایران در وضعیت جدید و با توجه به موقعیت برتر سیاسی و نظامی سه راه‌حل فراروی خود داشت:

۱ - آغاز مذاکره سیاسی با رژیم عراق و قدرتهای حامی وی که لازمه آن امتیاز به ایران بود ولی سازمان ملل و قدرتهای حاکم بر شورای امنیت، این اقدام را به منزله به رسمیت شناختن قدرت انقلاب ایران در منطقه خلیج فارس می‌دانستند. لذا با بی‌توجهی به درخواستهای برحق ایران، عملاً درهای مذاکره را مسدود کردند زیرا "عدم واگذاری امتیاز به ایران" به منظور جلوگیری از برتری این کشور، مورد توافق کلیه رژیمهای ذینفع در جنگ بود.

۲ - ترک مخاصمه بدون اتمام جنگ راه‌حل دیگری بود که فراروی ایران قرار داشت. در این صورت قوای نظامی ایران می‌بایست در حالت نه جنگ و نه صلح در مرزها مستقر باشند و این امر جز فرسایش قوای سیاسی و نظامی ایران نتیجه‌ای نداشت. روزنامه گاردین درباره این راه‌حل می‌نویسد:

«توقف ایران در داخل خاک خود به گفته تحلیل‌گران نمی‌تواند ضامن آن باشد که صدام حسین به دادن امتیاز بیشتری تن در دهد. ضمن اینکه نباید این احتمال را از نظر دور داشت که نیروهای عراقی پس از گذراندن یک دوره استراحت و بازسازی به تهاجم مجدد اقدام نکنند.» (۵۹)

۳ - صلح شرافتمندانه و تضمین‌شده تنها راه حلی بود که در برابر ایران قرار داشت. (۶۰) "شرافتمندانه" به این معنا که حقوق ایران تأمین می‌شد و "تضمین‌شده" به معنای جلوگیری از جنگ مجدد بود. این راه‌حل با توجه به سیاست قدرتها در جلوگیری از ارائه هرگونه امتیاز به ایران، سرآغاز دوره جدیدی از جنگ بود (۶۱) که به تصمیم‌گیری نیاز داشت. لذا جلسه شورای عالی دفاع در حضور امام خمینی برگزار شد و سرانجام مسئولین



سیاسی و نظامی کشور راه حل سوم را هر چند با تأخیر برگزیدند .  
 از بُعد سیاسی در حالی که جمهوری اسلامی در موقعیت برتر قرار داشت و از ارائه هرگونه امتیاز مناسب به ایران از جمله محکوم کردن متجاوز خودداری می‌شد ، آیا ایران راه حل دیگری جز آنچه برگزید ، می‌توانست انتخاب کند ؟ از نظر نظامی نیز نظامیان به عنوان متولیان اصلی صحنه جنگ بر این اعتقاد بودند که به لحاظ نظامی امکان پدافند با توقف روی خط مرزی وجود ندارد زیرا در اغلب نقاط خط مرزی هیچ‌گونه مانع طبیعی وجود نداشت . ضمن اینکه ایجاد استحکامات نیز یک سال به طول می‌انجامد و طی این مدت احتمال تجدید قوای دشمن و حمله مجدد وجود داشت . مهمتر از همه اینکه با تکیه بر اصل " تعقیب دشمن " ، هرگونه توقف پس از فتح خرمشهر یک حرکت غیراصولی بود . امام خمینی پس از تردید اولیه در مورد تداوم جنگ در خاک عراق ، با استماع دلایل نظامیان ، به ادامه جنگ متقاعد شدند و حمایت‌های لازم را به عمل آوردند . \*

موقعیت برتر نظامی ایران و پیروزی‌های پی‌درپی ، در ایجاد اعتماد لازم برای پیروزی بر عراق تاثیر بسزایی در تصمیم‌گیری برای تداوم جنگ در داخل خاک عراق داشت . ورود به داخل خاک عراق از نظر نظامی نیز اجتناب‌ناپذیر بود و با هدف تأمین ساحل شرقی رودخانه اروند انجام گرفت .<sup>(۶۲)</sup> این اقدام حاصل نگرانی و در عین حال بی‌اعتمادی به سیاست‌های آمریکا و مجامع بین‌المللی بود . تنها راه حل این بود که قوای نظامی ایران با تکیه بر عوارض طبیعی و تهدید شهر بصره و در تیررس قراردادن منطقه عظیم نفتی رمیله و صفوان ، عراق را وادار به تأمین خواسته‌های

\* این توضیحات بر اساس دست نوشته سردار غلامعلی رشید بر حاشیه متن دستنویس همین کتاب تنظیم شده است .



ایران کند. <sup>(۶۳)</sup> بدین ترتیب در مرحله جدید جنگ، عملیات رمضان در چارچوب تجربیات و تاکتیکهای پیشین طرحریزی و در تاریخ ۲۳ ماه ۱۳۶۱ به اجرا گذاشته شد. در این مرحله تغییرات بسیاری در زمین منطقه و نحوه آرایش دشمن به وجود آمده بود. متقابلاً عدم آمادگی نیروهای خودی برای مواجهه با وضعیت جدید، سبب گردید نیروها را با وجود موفقیت در شکستن مواضع و استحکامات دشمن، سرانجام به مواضع خود مراجعت نمایند. <sup>(۶۴)</sup>

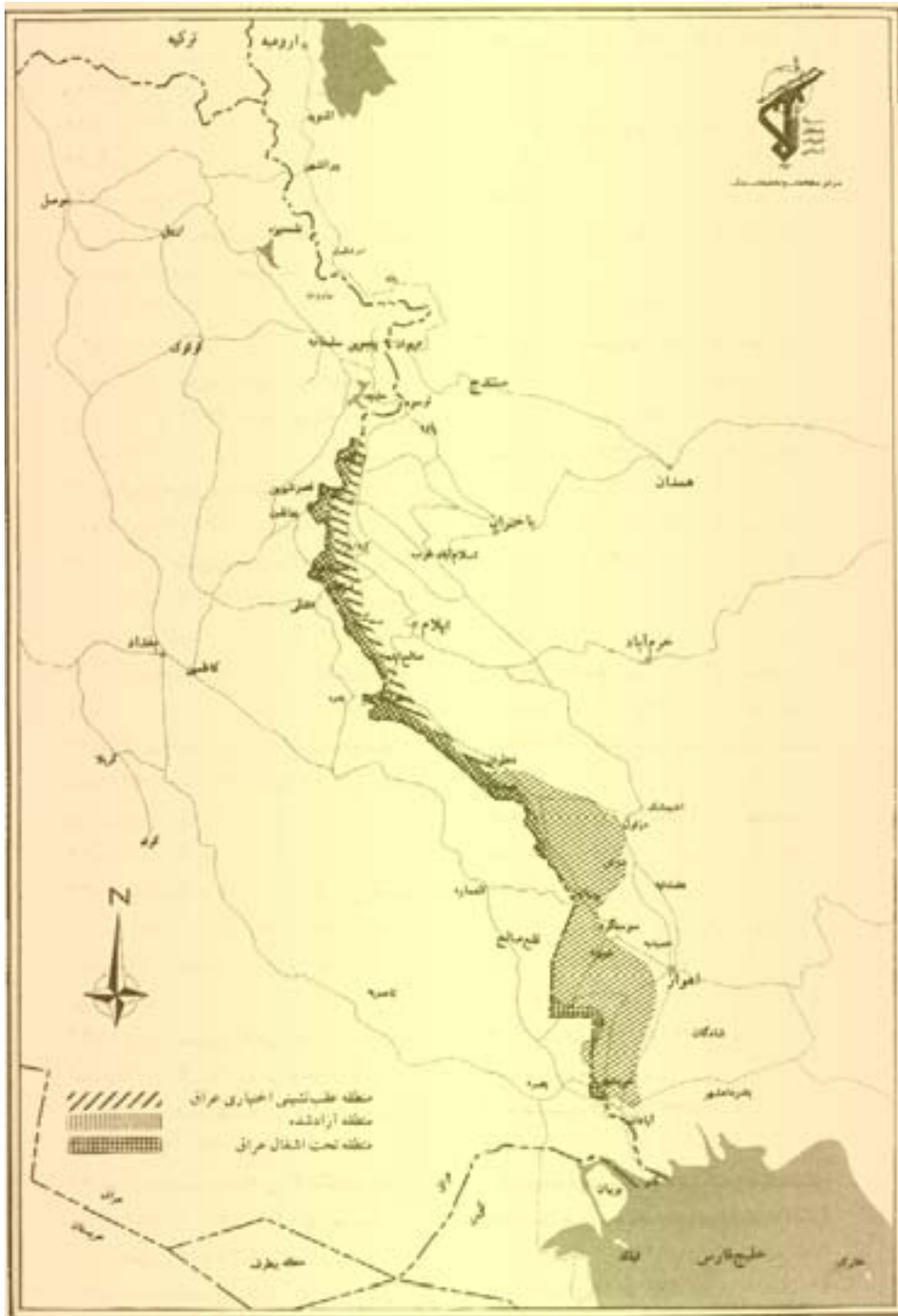
نتیجه عملیات رمضان نشان داد که هیچ‌گونه آمادگی لازم در داخل عراق برای برپایی یک نهضت انقلابی به حمایت از انقلاب اسلامی ایران و مبارزه با رژیم بعثی عراق وجود ندارد (۶۵) و از نظر نظامی نیز وضعیت جدیدی فراروی ایران قرار دارد که دورنمای آن روشن نیست.

سال دوم جنگ در وضعیتی پایان یافت که کلیه مناطق اشغالی از لوث وجود متجاوزین پاک شده بود و ایران به منظور تأمین " صلح شرافتمندانه و تضمین شده " عملیات رمضان را طرحریزی و اجرا کرد. مهمترین سئوالی که در این مرحله وجود داشت این بود که « چه علل یا عواملی مانع از تبدیل پیروزی ایران در خرمشهر به یک پیروزی استراتژیک برای پایان بخشیدن به جنگ شد ؟ »

## منابع و مأخذ فصل ۳ (جنگ در سال دوم)

- ۱- سردار غلامعلی رشید "شرایط و ضرورت‌های تولد و رشد و تثبیت نقش سپاه در جنگ"، مصاحبه ۱۳۷۵/۶/۲۵، ص ۳، پیاده شده نوار مصاحبه.
- ۲- شهید حسن باقری، "دفترچه یادداشت‌های روزانه"، یادداشت مورخه ۱۳۶۰/۵/۱۷، سند شماره ۵۰۲، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۳- مأخذ شماره ۱.
- ۴- سردار محسن رضایی، "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق"، در دانشکده دافوس سپاه پاسداران، (دوره عالی جنگ)، ۱۳۷۴/۵/۱۹.
- ۵- پیشین.
- ۶- ستاد عملیات سپاه در جنوب، تیر ۱۳۶۰.
- ۷- سپاه پاسداران خوزستان، واحد اطلاعات "گزارش ستاد عملیات جنوب از وضعیت جبهه‌های جنگ"، ۱۳۶۰/۴/۲۵، ترجمه اطلاعیه‌های محرمانه دشمن.
- ۸- انتشارات سروش، مجموعه مصاحبه‌های سالیهای ۶۲-۱۳۶۱ (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۶)، ص ۱۱۹، مصاحبه آیت‌الله خامنه‌ای با مجله پیام انقلاب، ۱۳۶۲/۶/۱۶.
- ۹- پیشین، مصاحبه با گروه تلویزیونی سپاه پاسداران، ۱۳۶۱/۳/۴.
- ۱۰- پیشین.
- ۱۱- مأخذ شماره ۴، ۱۳۵۷/۷/۱۲.
- ۱۲- مأخذ شماره ۲.
- ۱۳- سید یعقوب حسینی، محمود جوادی پور، ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس - جلد سوم: اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان (تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳) ص ۲۶۱.
- ۱۴- مأخذ شماره ۴، ۱۳۷۴/۴/۲۷.
- ۱۵- پیشین.
- ۱۶- آنتونی کردزمن و آبراهام آر. واگنر، درسهایی از جنگ مدرن - جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۱۴۶.
- ۱۷- پیشین.
- ۱۸- مأخذ شماره ۴، ۱۳۷۵/۷/۱۲.
- ۱۹- مأخذ شماره ۱، ص ۸.
- ۲۰- مأخذ شماره ۸، ص ص ۴۰-۳۹.
- ۲۱- سردار غلامعلی رشید، "بررسی روند شکل‌گیری استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی"، مجله سیاست دفاعی (پژوهشکده علوم دفاعی - استراتژیک دانشگاه امام حسین (ع))، سال چهارم، شماره ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۵، ص ۳۱.
- ۲۲- مأخذ شماره ۴، ۱۳۷۵/۷/۱۲.
- ۲۳- افرایم کارش، مقاله "جنگ ایران و عراق، یک تحلیل نظامی"، (نشریه اولفی پی‌پر، مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن، بهار ۱۹۸۷)، ترجمه دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۷۰، ص ۲۵.
- ۲۴- پیشین، ص ۲۶.
- ۲۵- ویلیام اف. هیگمن، مقاله "ارتش ازم پاشیدن و از نو متولد شده"، ۱۹۸۲، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۱۲/۲۰، ص ۳۱.
- ۲۶- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین‌شهر تا خرمشهر (تهران: چاپ دوم، ۱۳۷۳)، ص ۸۰.
- ۲۷- پیشین، ص ۸۲.
- ۲۸- پیشین.
- ۲۹- مأخذ شماره ۲۱.
- ۳۰- مأخذ شماره ۴، ۱۳۷۵/۷/۱۲.
- ۳۱- مأخذ شماره ۲۱.
- ۳۲- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۱۱/۱۷.
- ۳۳- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، شماره

- شماره ۹۸، ۱۳۶۱/۴/۵.
- ۴۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۶۸، ۱۳۶۱/۳/۶، یونایتد پرس، ۱۳۶۱/۳/۵.
- ۵۰- پیشین.
- ۵۱- روزنامه نیویورک تایمز ۲۶ ژانویه ۱۹۹۲ (۶ بهمن ۱۳۷۰).
- ۵۲- مأخذ شماره ۲۶، ص ۱۸۶.
- ۵۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۶۶، ۱۳۶۱/۴/۴، روزنامه هردالتربون.
- ۵۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۰۱، ۱۳۶۱/۴/۸، رادیو آمریکا، ۱۳۶۱/۴/۷.
- ۵۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۰۲، ۱۳۶۱/۴/۹، رادیو آمریکا، ۱۳۶۱/۴/۸.
- ۵۶- پیشین.
- ۵۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۰۴، ۱۳۶۱/۴/۱۱، رادیو آمریکا، ۱۳۶۱/۴/۱۰.
- به نقل از روزنامه کریستین ساینس مانیتور.
- ۵۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۰۳، ۱۳۶۱/۴/۱۰، آسوشیتد پرس، ۱۳۶۱/۴/۹.
- ۵۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۹۹، ۱۳۶۱/۴/۶، روزنامه گاردین، ۱۳۶۱/۴/۵.
- ۶۰- مأخذ شماره ۴، ۱۳۷۴/۵/۱۹.
- ۶۱- مأخذ شماره ۵۹.
- ۶۲- مأخذ شماره ۴، ۱۳۷۴/۶/۱۶.
- ۶۳- پیشین.
- ۶۴- محمد درودیان از خرمشهر تافاو (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۷۵) ص ۲۴-۳۴.
- ۶۵- مأخذ شماره ۱۶، ص ۱۷۸.
- ۳۲۶، ۱۳۶۰/۱۱/۲۰، به نقل از رادیو اسرائیل، ۱۳۶۰/۱۱/۱۹.
- ۳۴- مأخذ شماره ۲۶، ص ۱۱۳.
- ۳۵- مأخذ شماره ۲۶، ص ۱۲۱.
- ۳۶- آیت الله خامنه‌ای در جمع مسئولین استان خوزستان، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵/۱۲/۲۶.
- ۳۷- مأخذ شماره ۱، ص ۳۲.
- ۳۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۴۱، ۱۳۶۱/۲/۱۰، به نقل از روزنامه تایمز مالی، ۱۳۶۱/۲/۹.
- ۳۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۶۳، ۱۳۶۱/۳/۱.
- ۴۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۶۷، ۱۳۶۱/۳/۵، به نقل از روزنامه دوپچه سایتونگ چاپ آلمان.
- ۴۱- روزنامه اطلاعات ۶۱/۳/۱۹، به نقل از روزنامه گاردین.
- ۴۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۵۹، ۱۳۶۱/۲/۲۸، به نقل از خبرنگار وال استریت ژورنال در واشنگتن.
- ۴۳- مأخذ شماره ۲۶، ص ۱۷۸-۱۷۷.
- ۴۴- روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، "گزارش رسمی کمیته روابط خارجی سنای آمریکا پس از سفر به منطقه"، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، دی‌ماه ۱۳۶۳، ص ۱۲.
- ۴۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۷۸، ۱۳۶۱/۳/۱۶، لوس آنجلس تایمز.
- ۴۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۶۳، ۱۳۶۱/۳/۱، رویتر، ۱۳۶۱/۲/۳۱.
- ۴۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۶۰، ۱۳۶۱/۳/۱، خبرگزاری آلمان به نقل از روزنامه مصری الاهرام، ۶۱/۲/۲۸.
- ۴۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"،



مناطق آزادشده و تحت اشغال دشمن در پایان سال دوم جنگ (شهریور ۶۱)

توجه: نقشه راهنمای عملیاتیهای سال دوم جنگ را در صفحه ۸۱ ملاحظه نمایید

## فصل ۴

جنگ در سال سوم

### بن بست و توقف

شهریور ۱۳۶۱ تا شهریور ۱۳۶۲

روند تحولات جنگ در سال سوم براساس دو شاخص آغاز شد. نخست آنکه پیروزیهای پی در پی با آزادسازی مناطق اشغالی<sup>x</sup> به منزله ظهور قدرت نظامی جدیدی در ایران انقلابی با محوریت سپاه در منطقه و سقوط احتمالی رژیم عراق ارزیابی شد. تهدیدات ناشی از این تحولات برای منافع آمریکا و غرب، زنگ خطر را به صدا درآورد و کلیه منابع و امکانات سیاسی و تبلیغاتی غرب برای مقابله با پیدایش وضعیت جدید در منطقه و تغییر توازن به سود ایران، بسیج شد. امتناع از ارائه امتیاز و به رسمیت شناختن حقوق جمهوری اسلامی و خودداری از معرفی عراق به عنوان متجاوز<sup>xx</sup> و عدم قبول پرداخت غرامت به ایران، بخشی از روشهای مقابله با موقعیت برتر ایران بود و همین مسئله عملاً مانع از خاتمه جنگ شد.

شاخص دوم در واقع درک ایران از موقعیت نظامی خود و اوضاع بین‌المللی برای نادیده انگاشتن آن بود. به عبارت دیگر، امکان دستیابی به پیروزی سریع و زودهنگام بر عراق سهل و آسان پنداشته می‌شد. لذا با تکیه

<sup>x</sup> طی چهار عملیات گسترده بیش از ۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع آزاد شد.

(پایان نامه سردار محمد پاکپور، آخرین وضعیت خطوط مرزی ایران و عراق، مرداد ۶۷، ص ۱)

<sup>xx</sup> البته سالها بعد از آتش‌بس و پس از تجاوز عراق به کویت، سازمان ملل عراق را به عنوان متجاوز در جنگ ایران و عراق معرفی کرد.

بر همان تاکتیکهای پیشین<sup>(۱)</sup> عملیات رمضان آغاز گردید .

عراق در مرحله جدید جنگ و پس از شکستهای پی‌درپی ، در برابر وضعیت دشواری قرار داشت . در واقع سرنوشت عملیات رمضان با سرنوشت رژیم سیاسی حاکم بر بغداد گره خورده بود . برای همین ، مقابله با تهاجم ایران می‌توانست تزلزل روحی - روانی موجود در ارتش عراق و موقعیت سیاسی صدام را برطرف ساخته و مجدداً اعتماد به نفس را به ارتش عراق و حامیان منطقه‌ای عراق بازگرداند .

در این حال عراق با استفاده از فرصت کوتاهی که ذهنیت و تلاش مسئولین جمهوری اسلامی به تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان معطوف شده بود ، موانع و استحکامات قابل توجهی × - که با گذشته تفاوت آشکاری داشت - در منطقه شرق بصره ایجاد کرد .<sup>(۲)</sup>

با تغییر زمین منطقه نبرد و آرایش و استحکامات جدید دشمن و آمادگی دفاعی نسبتاً مطلوب ارتش عراق ، نیروهای ایران در عملیات رمضان با وجود درهم شکستن خطوط دفاعی عراق به دلیل عدم برخوردارگی از امکانات مناسب مهندسی و زرهی برای تثبیت مواضع جدید ، سرانجام به مواضع قبلی خود مراجعت کردند . گرچه در این عملیات تلفات قابل توجهی به دشمن وارد شد ولی ابتکار عمل در اختیار قوای نظامی ایران نبود .<sup>(۳)</sup>

نتایج عملیات رمضان تأثیرها و پیامدهای استراتژیک برای طرفین درگیر در جنگ به دنبال داشت و روند جنگ در سال سوم و سالهای بعد را شکل داد . عراق در این عملیات برتری زرهی و استحکاماتش را به نمایش گذاشت و همین مسئله مهمترین عامل موفقیت دفاعی عراق در

× البته برخی از این موانع و استحکامات در سالهای قبل از انقلاب ایجاد شده بود . مانسند کانال پرورش ماهی به

طول ۴۰ کیلومتر ، عرض ۱ کیلومتر و عمق ۲ متر که چون سدی در مقابل بصره خودنمایی می‌کرد .

سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ بود. <sup>(۴)</sup> حال آنکه قدرت زرهی ایران که برای آخرین بار در عملیات هویزه به فرماندهی بنی صدر به نمایش گذاشته شده بود، به دلیل نتایج نامناسب عملیات و از دست دادن امکانات زرهی و عدم جایگزینی آن و مهمتر از آن با تغییر تاکتیکهای رزمی در مرحله آزادسازی مناطق اشغالی، هرگز بازسازی و احیا نشد و زرهی تنها نقش پشتیبانی و اجرای آتش داشت و این وضعیت تا پایان جنگ ادامه یافت. <sup>(۵)</sup>

بنابراین با اجرای عملیات رمضان کاستیهای موجود در قدرت زرهی، مهندسی و توپخانه ایران نمایان شد و همچنین این تصور به وجود آمد که سازمان رزم ایران از نظر حجم و شکل سازمانی دچار کاستی است و برای دستیابی به پیروزی نیاز به بازسازی و گسترش دارد. <sup>(۶)</sup> این برداشت منجر به اقداماتی شد که در آستانه عملیات والفجرمقدماتی نتایج آن با "تغییر در سازمان رزم سپاه و گسترش آن" آشکار شد. <sup>(۷)</sup>

جمهوری اسلامی پس از عملیات رمضان در وضعیت بسیار دشوار قرار گرفت. بدین معنا که پس از فتح خرمشهر با راه حل سیاسی و مذاکره قادر به تأمین خواسته‌های برحق خود نبود و با عملیات رمضان نیز نتوانست در تداوم پیروزی‌های مرحله پیشین و تبدیل آن به یک پیروزی استراتژیک، جنگ را با پیروزی نظامی و قاطعانه در کنار شهر بصره خاتمه دهد. <sup>(۸)</sup>

پیدایش وضعیت جدید برای ایران تا اندازه‌ای نتیجه نادیده‌انگاشتن تغییر اوضاع جنگ و اقتضائات گذر از مرحله پیشین به مرحله جدید و همچنین خوش بینی در مورد آسیب‌پذیری عراق بود. <sup>(۹)</sup> بنابر واقعیت‌های موجود ایران برای ادامه جنگ و ورود به داخل خاک عراق ناگزیر بود ولی آنچه که اوضاع را به زیان ایران تغییر داد، تأخیر در تصمیم‌گیری و عدم فراهم‌ساختن شرایط و امکانات لازم در مرحله جدید برای تداوم جنگ در خاک عراق بود. دشمن از نظر تاکتیکی و عملیاتی، دشمن پیشین نبود و ضرورت داشت که



تاکتیکهای جدیدی اتخاذ شود ولی این ضرورت با تأخیر درک شد. (۱۰)

همچنین به نظر می‌رسد با وجود اجماع نظر مسئولین سیاسی و نظامی برای ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، در مورد چگونگی این حرکت و مراحل بعدی و همچنین خاتمه آن، نظریات به صورت یکسان، هماهنگ، شفاف و روشن نبوده‌است و به دلیل وضعیت خاصی که برای تصمیم‌گیری وجود داشته است، فرصت لازم برای بحث و بررسی در این زمینه فراهم نشده است.

صرف‌نظر از احتمال مذکور، پس از عملیات رمضان بتدریج این مسئله روشن شد که استراتژی جمهوری اسلامی برای دستیابی به صلح با کسب یک پیروزی می‌باشد. (۱۱) بدین شکل که ایران با یک عملیات پیروز دشمن را در وضعیتی قرار دهد که سرانجام جز ارائه امتیاز به ایران و پایان دادن به جنگ راه‌حل دیگری نداشته باشد. این تفکر تدریجاً بر جنگ سایه افکند و تا پایان جنگ همچنان حاکم بود.

برخلاف ایران که با عملیات رمضان و بطور مشخص پس از عملیات رمضان برای دستیابی به صلح و با تمایل به اتمام سریع جنگ، می‌جنگید و بازسازی مناطق و شهرهای مرزی را نیز براساس همین برداشت آغاز کرده بود، عراق با اندیشه جنگ طولانی، اقدامات نسبتاً گسترده و اساسی را آغاز کرد. نخست آنکه سازمان ارتش عراق را بازسازی و به تشکیل تیپهای سه‌رقمی × اقدام کرد و برای مقابله با تاکتیکهای ایران آرایش دفاعی خود را تغییر داد و مواضع و استحکامات جدیدی ایجاد کرد. (۱۲)

همان‌طور که اشاره شد آمریکاییها عمیقاً از روند پیروزیهای رو به

× ضرورت گسترش سازمان رزم عراق سبب گردید عراقیها با جمع‌آوری نیرو به تشکیل تیپهای جدیدی اقدام کنند. شماره این یگانهای جدید تماماً سه‌رقمی بود لذا به تیپهای سه‌رقمی مشهور شدند. وجه تفاوت یگانهای جدید با یگانهای قبلی ارتش عراق، ضعف در توانایی دفاعی و تهاجمی آنها بود.

گسترش ایران و تداوم در خاک عراق و سقوط احتمالی صدام نگران بودند. سولیوان سفیر سابق آمریکا در ایران طی تحلیلی حتی پیش‌بینی کرد صدام تا سال ۱۹۸۳ سقوط خواهد کرد. سفیر وقت آمریکا در عربستان (ریچارد مورفی) در توضیح علل نگرانی آمریکا، بر این مسئله تأکید کرد: «ما نگران گسترش شیعه‌گرایی تندرو بودیم.»<sup>(۱۳)</sup>

آمریکا برای مقابله با تأثیرات احتمالی ناشی از پیروزی ایران، تمهیدات جدیدی اتخاذ کرد. گرچه نتایج عملیات رمضان به منزله بازیابی توانایی دفاعی عراق برای مقابله با تهاجمات ایران ارزیابی شد و به اطمینان خاطر آمریکا منجر شد و همین مسئله موجب‌گردید جنگ ایران و عراق از دستور کار ریگان به عنوان اولویت‌های اول سیاست خارجی، خارج شود.<sup>(۱۴)</sup> ولیکن تداوم جنگ به عنوان یک واقعیت و ضرورت کنترل و مهار آن، سیاست منطقه‌ای آمریکا را شکل داد. استراتژی جدید آمریکا در مورد جنگ ایران و عراق بر این پایه قرار داشت که "جنگ را در یک محدوده معین نگاه دارد."<sup>(۱۵)</sup> و ضمن ممانعت از این پیروزی ایران، حمایت‌های لازم را از عراق به عمل آورد. امریکاییها برای توجیه این سیاست بر این مسئله تأکید می‌کردند که "سیاست نه شکست نه پیروزی" را دنبال می‌کنند. آمریکا برای تحقق این استراتژی از کشورهای عرب متحد خود درخواست کرد از لحاظ مالی به عراق کمک نمایند. ریگان متحدین آمریکا را تشویق کرد سلاحهای بیشتری در اختیار عراق قرار دهند وی طرحی نیز آماده کرد تا در صورت سقوط رژیم عراق، آمریکا با مداخله سریع اوضاع را کنترل نماید. از طرف دیگر، امریکاییها تنها به دلیل اهمیت و حساسیت مسئله اسرائیل، بیشترین تلاش و توجه خود را روی حل بحران جنوب لبنان و ممانعت از تأثیرگذاری ایران بر حوادث لبنان متمرکز ساختند.

سیاست جانبدارانه آمریکا از عراق که مشاور امنیت ملی ریگان رسماً آن

را در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۷ مورد تأیید قرار داد \* سبب گردید پس از حذف نام عراق از لیست کشورهای به اصطلاح تروریست ، وزارت خارجه آمریکا طرحی را برای کمک به عراق ( از جمله صدور غله به این کشور ) تهیه نماید . بر همین اساس در آذر ۱۳۶۱ بنگاه اعتبار کالا ( شاخه‌ای از وزارت کشاورزی آمریکا ) اعتباری به مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار برای خرید برنج و گندم در اختیار دولت عراق قرار داد . دولت آمریکا تضمین داد اگر عراق تا سه سال آینده پول غله را نپرداخت راساً صورت حساب طلبکارهای عراق را خواهد پرداخت . این اعتبار در مرحله بعد به یک میلیارد دلار افزایش یافت .<sup>(۱۶)</sup> آمریکاییها با این اقدام مرحله جدیدی از کمک به عراق را آغاز کردند که بتدریج به همکاری در زمینه‌های اقتصادی ، اطلاعاتی و حمایت‌های سیاسی - تبلیغاتی و نظامی منجر شد .

در مرحله جدید جنگ ، شوروی که ظاهراً پس از تهاجم عراق به ایران ارسال سلاح به این کشور را قطع کرده بود ، با بهبود مناسبات ، مجدداً ارسال سلاح به عراق را از سرگرفت . در نوامبر ۱۹۸۲ تعداد ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ مستشار نظامی شوروی به عراق مراجعت کردند و ۴۰۰ تانک تی - ۵۵ و ۲۵۰ تانک تی - ۷۲ به عراق تحویل شد و مقدار زیادی موشک و تعدادی جنگنده‌های میگ ۲۵ شناسایی و هلیکوپترهای توپدار به عراق ارسال گردید .<sup>(۱۷)</sup> ارسال تانک‌های تی - ۷۲ به عراق توان دفاعی عراق را برای مقابله با تهاجمات ایران به نحوی چشمگیر تقویت کرد طوری که برخی از ناظران ، تجهیزات ارسالی به عراق را صرف‌نظر از ابعاد سیاسی آن ، به لحاظ نظامی دارای " اهمیت استراتژیکی " ذکر کردند .<sup>(۱۸)</sup>

فرانسویها که از سالها قبل بخشی از نیازمندیهای عراق را تأمین می‌کردند ،

\* وی در تاریخ یادشده رسماً اعلام کرد : آمریکا در جنگ جانب عراق را گرفته است .

تلاش قابل توجهی برای تقویت قدرت تهاجمی هوایی و واحدهای ضد هوایی عراق انجام دادند. بنابر برخی گزارشها فرانسه نخستین جنگنده بمبافکن میراژ را بلافاصله پس از آزادی گروگانهای آمریکایی از ایران (در بهمن ۱۳۵۹) به عراق تحویل داد. دقیقاً ۱۰ روز پس از آنکه گروگانهای آمریکایی ایران را ترک کردند (بهمن ۱۳۵۹) چهار فروند میراژ فرانسوی با هدایت خلبانان نیروی هوایی فرانسه وارد قبرس شد و از آنجا توسط خلبانان عراقی به عراق منتقل گردید.<sup>(۱۹)</sup> پس از آن هم بتدریج میراژهای فرانسوی در پی سفارش عراق به این کشور تحویل شد. همچنین فرانسویها با تحویل موشک اندازهای رولاند شبکه دفاع هوایی عراق را تقویت کردند. همچنین ۱۳ دستگاه موشک انداز متحرک، علاوه بر سکویهای ثابت به عراق تحویل شد.<sup>(۲۰)</sup>

بازسازی راکتور هسته‌ای ازی‌راک - که در سال ۱۹۸۱ به دست اسرائیلیها منهدم شده بود - از جمله کمک‌هایی بود که کلودشسون وزیر خارجه وقت فرانسه در دیدار ژانویه ۱۹۸۳ با طارق عزیز قول آن را داد.

احداث شبکه پناهگاههای پرهزینه زیرزمینی بخش دیگری از تلاشهای عراق بود که در ژوئن ۱۹۸۲ با تصمیم صدام و مشارکت مهندسان انگلیسی آغاز شد. کالین‌گرافت رئیس فدراسیون مشاوران و مقاطعه‌کاران پناهگاههای هسته‌ای انگلیس می‌گوید: «شرکتهای انگلیسی طرحهایی ارائه کردند که به موجب آن برای ۴۸۰۰۰ سرباز پناهگاه امن ساخته‌شد. هر پناهگاه تونل پولادین داشت و می‌توانست تا ۱۲۰۰ نفر را در خود جای دهد. در هر پناهگاه پست‌های فرماندهی، محل بیماران، اتاقهای ضد آلودگی، آشپزخانه، انبار غذاهای خشک، آب و قورخانه، یعنی تمامی ملزومات یک اقامت بلندمدت پیش‌بینی شده بود.»<sup>(۲۱)</sup>

در مجموع با اقداماتی که رژیم عراق پس از فتح خرمشهر و بویژه بعد از

عملیات رمضان در جهت تقویت بنیه دفاعی خود انجام داد ، چنین به نظر می‌رسید که موقعیت سیاسی صدام نیز تحکیم شده است .

ضرورت ادامه جنگ پس از عملیات رمضان و تأکید امام خمینی بر ضرورت حضور نیروهای مردمی در جبهه ، به عنوان واجب‌کفایی ، تحرک لازم را برای بازنگری وضعیت حاکم بر صحنه جنگ و اتخاذ تدابیر ضروری فراهم ساخت . طی جلساتی که در همین زمینه در قرارگاه کربلا با حضور فرماندهان ارتش و سپاه تشکیل شد ، اجرای عملیات محدود به منظور اخذ فرصت از دشمن تا آماده شدن شرایط لازم برای عملیات گسترده مورد تأکید قرار گرفت .<sup>(۲۲)</sup> در واقع از یک سو ادامه جنگ ضرورت داشت و از سوی دیگر با توان موجود امکان دستیابی به پیروزی با دشواریهای بسیار همراه بود .

استراتژی نظامی ایران در این مرحله اجرای عملیات محدود در مناطق غرب و جنوب کشور با هدف ایجاد فشار نظامی و تجزیه قوای دشمن و ممانعت از ایجاد فرصت حمله برای دشمن بود .<sup>(۲۳)</sup> این امیدواری وجود داشت که با اجرای سلسله عملیات محدود ، فرصت و زمینه لازم برای اجرای عملیات گسترده فراهم شود .<sup>(۲۴)</sup> در این چارچوب " عملیات مسلم‌بن‌عقیل " در منطقه غرب سومار طرح‌ریزی و در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۹ اجرا شد و " عملیات محرم " در جنوب شرقی دهلران در غرب عین‌خوش ، یک ماه بعد در تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱۰ انجام شد که هر دو عملیات با موفقیت همراه بود .

موقعیت دشمن در منطقه عمومی العماره و موفقیت‌های حاصله در عملیات محرم منجر به طرح‌ریزی " عملیات والفجر " با هدف تصرف پل غزیه و رسیدن به حلفائیه شد . انتخاب نام " والفجر " علاوه بر تقارن زمانی با دهه فجر ، اساساً با این ذهنیت انتخاب شد که در آستانه برگزاری کنفرانس غیرمتعهدها ، سرنوشت جنگ با شکست عراق مشخص شود . عملیات والفجر در موقعیتی که بسیاری از مسئولین کشور با امیدواری به صحنه جنگ

می‌نگریستند در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۸ آغاز شد. مواجه‌شدن رزمندگان با خطوط دفاعی جدید عراق و قرارگرفتن بیش از ۱۶ رده از موانع مختلف در برابر آنها و سایر مشکلات و ناهماهنگی‌ها مانع از دستیابی به اهداف عملیات شد.<sup>(۲۵)</sup> ضمن اینکه اختلاف نظر ارتش و سپاه در مورد طرح‌ریزی، فرماندهی و اجرای عملیات برای نخستین بار آشکار گردید.

ناکامی مجدد در عملیات والفجر با وجود اقداماتی که پیش از این با گسترش سازمان رزم سپاه انجام گرفته بود و توقف در پشت دیوارهای دفاعی عراق و ناتوانی از تثبیت مواضع تصرف شده، بر پیچیدگی اوضاع سیاسی و نظامی جنگ افزود.

عملیات والفجر با توجه به نتایج آن به "الفجرمقدماتی" تغییر نام یافت و عملیات جدیدی با عنوان "الفجر ۱" بر پایه نظریات و تفکرات برادران ارتش در شمال غربی منطقه والفجرمقدماتی - در ارتفاعات حمیرین تا فکه - طرح‌ریزی و در تاریخ ۱۳۶۲/۱/۲۱ اجرا شد. ناکامی مجدد در این عملیات، دامنه اختلاف نظر میان ارتش و سپاه را گسترش داد<sup>x</sup> و به عبارتی

x سردار محسن رضایی در این زمینه اظهار داشت: عملیات رمضان را که انجام دادیم و عدم‌الفتح حاصل شد، دیگر همه برادران ارتش آمدند و گفتند که بایستی از اصول جنگ ارتش و جداول کلاسیک استفاده شود و نباید همه نیروهای بسیج را به سپاه بدهند بلکه از نیروهای بسیج به ارتش هم باید بدهند. قبل از عملیات والفجرمقدماتی همین نوع بحثها منجر به تعویق زمان عملیات به مدت یک ماه شد. سپاه به امام نامه نوشت و نظر ارتش را برای کنترل عملیاتی سپاه توضیح داد و پیشنهاد کرد یک نفر فرمانده برای حل مسائل سپاه و ارتش مشخص شود. امام به آیت‌الله خامنه‌ای حکم دادند و دو گروه کار تشکیل شد برای تمشیت امور سپاه و ارتش، ولی مسائل حل نشد. مجدداً پس از عملیات والفجر ۱ بحث شد و سپاه بر تشکیل دو قرارگاه و انجام عملیات به صورت جداگانه تاکید کرد. سپاه عملیات خیبر را پیشنهاد کرد که ارتش در زید و سپاه در منطقه هور وارد عمل شد و آقای هاشمی برای نخستین بار به قرارگاه آمد و از سوی امام به عنوان فرمانده عالی جنگ منصوب شد.

(سند شماره ۱۵۳۱۰/پ ن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه با راویان، ۱۳۶۵/۵/۳، ص ۸)



اندیشه اجرای عملیات به صورت مستقل توسط سپاه و ارتش که عملاً پس از عملیات بدر آغاز شد، در این مرحله ریشه گرفت.

از میان رفتن امکان غافلگیری دشمن و از دست دادن ابتکار عمل و بسیاری از مشکلات دیگر، مانع از غلبه بر استحکامات عراق و تثبیت مواضع تصرف شده بود. قدرت زرهی ارتش و آتش توپخانه به عنوان دو عامل تعیین کننده، توانایی برابری و غلبه بردشمن را نداشت، برای همین ناکامی در دو عملیات والفجرمقدماتی و والفجر ۱ سبب گردید کلیه راه کارهای عملیات در منطقه جنوب مسدود، ارزیابی شود.

پس از آنکه اجرای عملیاتهای محدود به عنوان مقدمه و واسطه اجرای عملیات بزرگ و پیروز با موفقیت همراه نشد، اجرای عملیات در منطقه غرب کشور در دستور کار قرار گرفت. بدین ترتیب که عملیات والفجر ۲ در غرب پیرانشهر، در حدفاصل ارتفاعات قمطره و تمرچین در ۲۹ تیر ۱۳۶۲ اجرا و منطقه حاج عمران به وسعت ۳۰ کیلومترمربع آزاد شد. همچنین عملیات والفجر ۳ در منطقه عمومی مهران طرحریزی و در تاریخ ۱۳۶۲/۵/۷ اجرا شد. با اجرای این عملیات دشت مهران و جاده مهران - دهلران از اشغال دشمن آزاد شد و ارتباط جبهه میانی با جنوب برقرار گردید. (۲۶)

گرچه جنگ در سال سوم به نتیجه روشنی منتهی نشد، لیکن در عین حال "نقطه قوت جمهوری اسلامی" در این مرحله، برخورداری از "روحیه تهاجمی و تداوم تلاشهای نظامی" با اجرای عملیاتهای محدود و گسترده در جبهه های میانی و شمالی بود. متقابلاً گرچه عراق موقعیت دفاعی خود را با مهار تهاجمات پی در پی ایران بهبود بخشید و تثبیت کرد، لیکن این نگرانی و اضطراب همواره برای حامیان جهانی و منطقه ای عراق وجود داشت که احتمال درهم شکستن خطوط دفاعی عراق و وقوع حوادث غیرمترقبه وجود دارد. این باورداشت هسته مرکزی نگرشها و ساماندهی سیاستهای

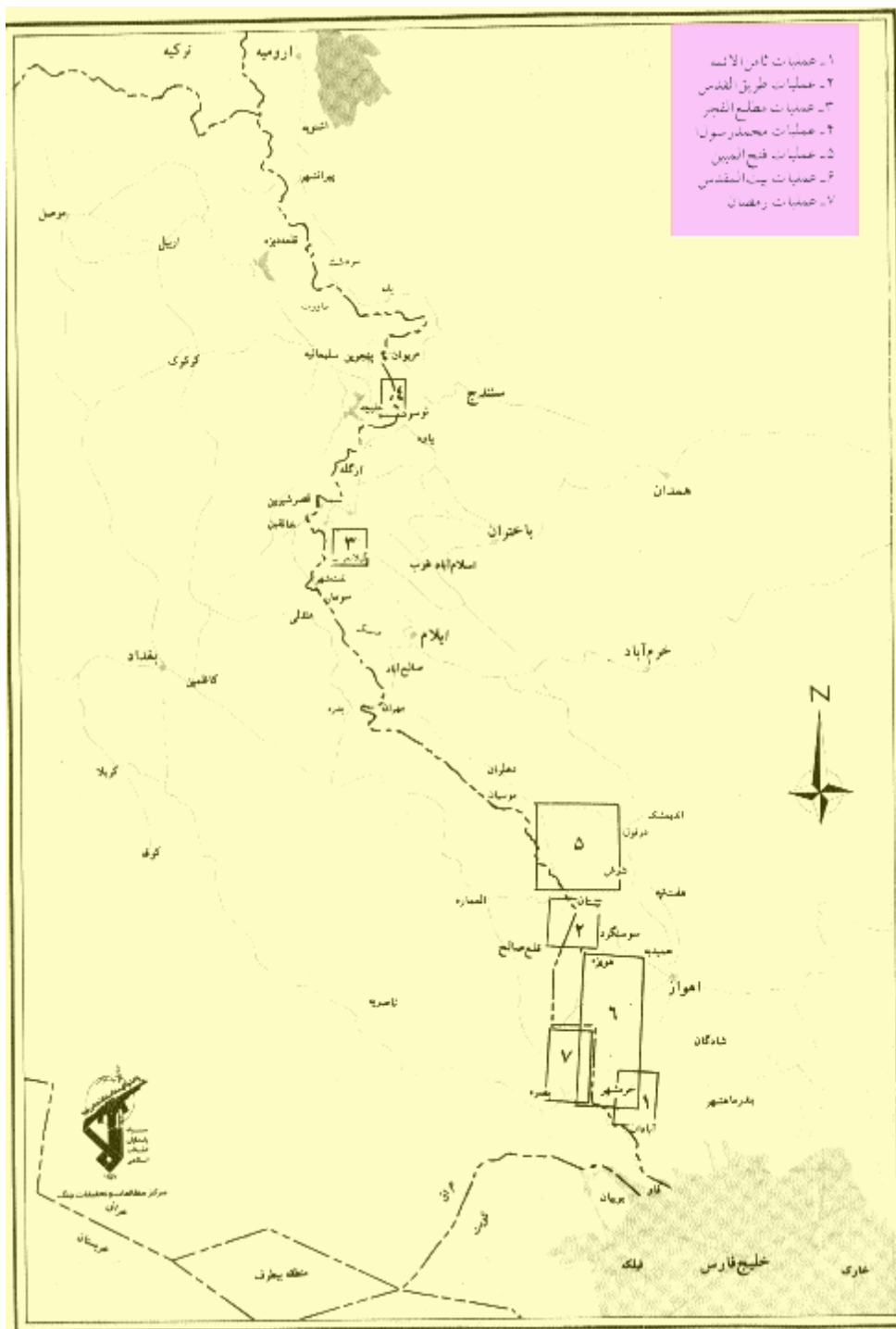
## حمایت آمیز از عراق و تشدید فشار به ایران بود .

در هر صورت ، عدم گشایش بن بست جنگ به سود ایران با عدم دستیابی به پیروزی نظامی ، این سؤال را به وجود آورد که « ایران برای رهایی از بن بست موجود و شکستن آن چه راه‌حلهایی را فراروی خود دارد و چه اقداماتی را باید انجام دهد ؟ »

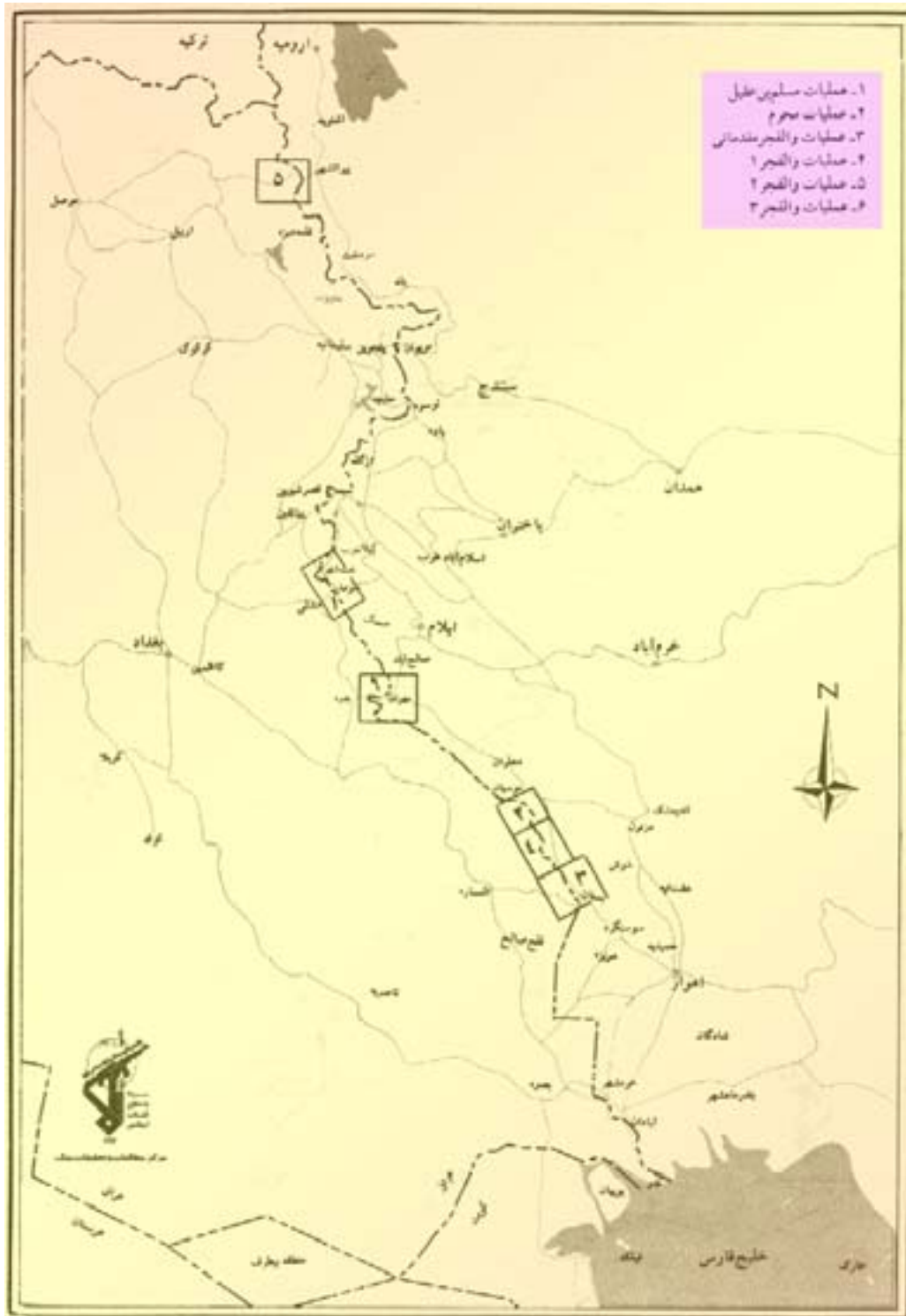
## منابع و مأخذ فصل ۴ ( جنگ در سال سوم )

- ۱- محمد درودیان ، از خرمشهر تا فاو ( تهران : مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، چاپ چهارم ۱۳۷۵ ) ص ۲۹ .
- ۲- پیشین ، ص ۲۶ .
- ۳- سردار محسن رضایی ، " تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق " در دانشکده دافوس ( دوره عالی جنگ ) ، ۱۳۷۴/۶/۲۶ .
- ۴- آنتونی کردزمن و آبراهام . آر . واگنر . درسهایی از جنگ مدرن . جلد دوم : جنگ ایران و عراق ، ترجمه حسین یکتا ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، ص ۲۱۵ .
- ۵- پیشین .
- ۶- مأخذ شماره ۶ ، ص ۲۱۴ .
- ۷- مأخذ شماره ۱ ، ص ۵۰ .
- ۸- مأخذ شماره ۳ .
- ۹- مأخذ شماره ۴ ، ص ۲۱۴ .
- ۱۰- مأخذ شماره ۳ ، ص ۱۳۷۵/۲/۲۰ .
- ۱۱- پیشین .
- ۱۲- مأخذ شماره ۱ ، ص ۳۴ .
- ۱۳- کنت آر . تیمرمن ، سوداگری مرگ ، ترجمه احمد تدین ( تهران : مؤسسه خدمات فرهنگی رسا ، ۱۳۷۳ ) ، ص ۲۳۵ .
- ۱۴- پیشین ، ص ۱۹۱ .
- ۱۵- مأخذ شماره ۱۳ ، ص ۲۳۵ .
- ۱۶- مأخذ شماره ۱۳ ، ص ۲۵۸ و ۲۵۹ .
- ۱۷- مأخذ شماره ۱۳ ، ص ۲۴۹ .
- ۱۸- مأخذ شماره ۱۳ ، ص ۳۷۰ .
- ۱۹- مأخذ شماره ۱۳ ، ص ۱۹۳ .
- ۲۰- مأخذ شماره ۱۳ ، ص ۱۹۴ .
- ۲۱- مأخذ شماره ۱۳ ، ص ۲۴۰ .
- ۲۲- مأخذ شماره ۳ .
- ۲۳- مأخذ شماره ۳ .
- ۲۴- مأخذ شماره ۱ ، ص ۳۹ - ۳۶ .
- ۲۵- مأخذ شماره ۱ ، ص ۵۲ .
- ۲۶- مأخذ شماره ۱ ، ص ۵۲ .





راهنمای عملیات سال دوم جنگ ( شهریور ۶۰ - شهریور ۶۱ )



راهنمای عملیات سال سوم جنگ ( شهریور ۶۱ - شهریور ۶۲ )

## فصل ۵

جنگ در سال چهارم

### تشدید فشار به ایران

شهریور ۱۳۶۲ تا شهریور ۱۳۶۳

تداوم توقف قوای جمهوری اسلامی در پشت دیوارهای دفاعی عراق و صرفاً ایجاد رخنه‌هایی در آن و کاهش توان نظامی ایران<sup>x</sup> در درازمدت، به منزله تغییر ماهیت جنگ از "تهاجمی" به "فرسایشی" بود. لازمه مقابله ایران با حاکم شدن این وضعیت، علاوه بر حملات پی‌درپی به مواضع دفاعی عراق، که در سال سوم جنگ انجام گرفت، برخورداری از ابتکار عمل برای شکستن بن‌بست حاکم بر جنگ بود. در واقع تجارب جنگ در سال سوم حاوی این معنا بود که بدون "ابتکار عمل نظامی"، امکان غافلگیری دشمن و در نتیجه دستیابی به پیروزی همانند مرحله آزادسازی مناطق اشغالی، فراهم نخواهد شد.

توجه به این مسئله برای نخستین بار پس از عملیات رمضان برای فرماندهی سپاه حاصل شد. به همین دلیل فرمانده کل سپاه بلافاصله مسئولان و فرماندهان یگانهای سپاه را فراخواند و پس از بحثها و بررسیهای طولانی، منطقه هور برای نخستین بار به عنوان منطقه عملیاتی مورد توجه

---

<sup>x</sup> کاهش بنیه دفاعی ایران در مقایسه با عراق، علاوه بر حمایت بین‌المللی از عراق و فشار به ایران، اساساً متأثر از استراتژی دو کشور بود. عراقیها با در اولویت نخست قرار دادن جنگ، کلیه منابع خود را برای همین هدف بسیج کرده بودند، حال آنکه در ایران منابع و امکانات اصلی کشور تا سال ۱۳۶۵ که فو فتح شد، در خدمت جنگ نبود.

قرار گرفت.<sup>(۱)</sup> لیکن مجموع اوضاع حاکم بر صحنه جنگ و ضرورت اجرای عملیات مشترک سپاه و ارتش و امیدواری به موفقیت برپایه تجارب پیشین و مهمتر از همه عدم تطابق توان و تجهیزات موجود با آنچه که برای عملیات در هور لازم بود، در مجموع مانع از توجه جدی به این منطقه شد. پس از عملیات والفجر ۱ و بروز دیدگاههای متفاوت در ارتش و سپاه، فرماندهی سپاه با تشکیل یک قرارگاه در منطقه هور، شناسایی منطقه را بطور مستقیم کنترل و هدایت کرد.<sup>(۲)</sup>

با تغییر زمین منطقه عملیات از خشکی به آب با ویژگیهای "هور" از جمله وجود آبراههای مختلف و امکان استتار در نیزارها، این امیدواری به وجود آمد که با غافلگیری در مکان و تاکتیک و احتمالاً در زمان، امکان غلبه بر دشمن و تصرف و تأمین منطقه فراهم شود. زیرا عدم درک دشمن از عملیات در هور به لحاظ تاکتیکی و عدم سازمان و توانایی مناسب برای مقابله با تهاجم نظامی ایران، به گونه‌ای بود که دورنمای دستیابی به پیروزی را روشن می‌نمایاند.

سپاه بنا بر تجارب دو عملیات والفجرمقدماتی و والفجر ۱ بر اجرای عملیات به صورت مستقل از ارتش تأکید می‌کرد ولی شورای عالی دفاع این مسئله را نپذیرفت.<sup>(۳)</sup> لذا پس از توافق حاصله، مقرر شد ارتش یا به کارگیری لشکرهای ۷ ولیعصر و ۱۴ امام حسین (ع) از سپاه به عنوان دو لشکر قوی و خط‌شکن به همراه تیپ‌زرهی ۷۲ محرم (سپاه) در منطقه زید به عملیات بپردازد<sup>(۴)</sup> و دیگر یگانهای سپاه در منطقه هور به اجرای عملیات مبادرت کنند.

عملیات خیبر در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۳ در منطقه هورالهیوزه آغاز شد و با تصرف جزایر مجنون - که دارای حوزه‌های نفتی زیرزمینی بود - به پایان رسید.<sup>(۵)</sup> لیکن عملیاتی که با فرماندهی ارتش در منطقه زید انجام گرفت با

موفقیت توأم نبود .

عملیات خیبر از نظر نظامی بسیار حائز اهمیت بود زیرا در وضعیتی که روند جنگ ، فرسایشی ارزیابی می‌شد ، قوای نظامی ایران با ابتکار عمل در منطقه‌ای که به زعم دشمن عملیات در آن غیرقابل اجرا بود ، در شمال منطقه بصره حضور یافته و جاده بصره - العماره را تهدید کردند . مسلماً در صورتی که امکانات مورد نیاز برای عملیات تأمین می‌شد ، نتیجه عملیات و جنگ چیزی غیر از آن بود که به دست آمد . در صورت تصرف شرق رودخانه دجله و منطقه "القرنه" به همراه جزایر مجنون و گشایش محور طلائیه به نشوه ، بصره در خطر جدی قرار می‌گرفت ، اما متأسفانه به دلیل عدم واگذاری امکانات مورد نیاز ، بخش کمی از اهداف عملیات خیبر تأمین شد . مثلاً اگر به جای ۴۵۰ الی ۵۰۰ قایق ، ۲۰۰۰ قایق واگذار می‌شد و یا چنانچه در زمینه هلی‌کوپتر اعم از هجومی و ترابری مشکل جدی وجود نداشت و نیرو به میزان مورد نیاز در جزیره شمالی - به جای ۳ گردان ، ۱۸ گردان مانوری پیاده می‌شد ، دستیابی به یک پیروزی اساسی و تعیین‌کننده قطعی بود .<sup>(۶)</sup>

غافلگیری دشمن در این عملیات و ناتوانی او در عقب‌راندن نیروهای خودی از جزایر مجنون ، مجدداً توانایی دفاعی عراق را مورد تردید قرار داد و متقابلاً شگفتی ناظران را از قابلیت‌های طرح‌ریزی عملیات تهاجمی و دفاعی جمهوری اسلامی برانگیخت .

به گزارش رادیو آمریکا ، دیپلمات‌های غربی ، عرب و آسیایی در تهران تاکتیک‌های جنگی جدید ایران را مورد ستایش قرار دادند .<sup>(۷)</sup> ناظران بر این عقیده بودند که نتیجه نبرد در جزایر مجنون هر چه باشد ، تاکتیک‌های نظامی ایران از نظر جسارت و شهامت ، در تاریخ مورد استفاده قرار خواهد گرفت . این عملیات به مثابه اقدامی جسورانه از سوی ایران ، ارزیابی شد .<sup>(۸)</sup>

عراق به دلیل نگرانی از نتایج عملیات ، برای نخستین بار نوعی از

سلاحهای شیمیایی محصول کارخانه سامره ( به نام گاز خردل ) را با استفاده از هلی‌کوپترهای ساخت شوروی و فرانسه ، به کار گرفت .<sup>(۹)</sup> پیش از این در عملیات والفجر ۲ در منطقه حاج‌عمران ، عراق به صورت محدود از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده بود ، ولی آنچه که در عملیات خیبر صورت گرفت ، بسیار گسترده و فاجعه‌آمیز بود . گاز خردل با ایجاد تاولهای بزرگ روی پوست بدن و اختلال دستگاه تنفسی ، آثار مخرب روحی و جسمی فراوانی را بر رزمندگان اسلام به صورت کوتاه‌مدت و درازمدت داشت . شورای امنیت سازمان ملل در واکنش به این اقدام عراق ، در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۱۰ با صدور بیانیه‌ای استفاده از گازهای سمی را محکوم کرد اما مسئولیت استفاده از آن را به هیچ یک از طرفین نسبت نداد . صدور بیانیه ، به جای قطعنامه ، بنابر تحلیل منابع دیپلماتیک به دلیل اجتناب از مباحث شدید و اشاره به هر یک از دو طرف جنگ بوده‌است .<sup>(۱۰)</sup> در هر صورت ، این نخستین اقدام سازمان ملل بود که حداقل گرچه به سود ایران نبود ولی به زیان آن نیز تنظیم نشده بود .

به‌کارگیری سلاحهای شیمیایی از یک سو نشان‌دهنده ضعف دفاعی ، نومیدی و درماندگی ارتش عراق بود<sup>(۱۱)</sup> و از سوی دیگر این مسئله را روشن می‌کرد که عراق با ایجاد زیرساختهای جدید در زمینه تولید سلاحهای شیمیایی با کمک کشورهای اروپایی بویژه آلمان ، استراتژی جدیدی را برای مقابله با تهاجمات پی‌درپی و گسترده ایران برگزیده است .

مسئله دستیابی به تمامی اهداف عملیات خیبر می‌توانست جنگ را به وضعیت تعیین‌کننده‌ای نزدیک سازد . لیکن عدم تحقق این امر مانع از تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران و کسب برتری بر عراق شد . نشریه نیویورک تایمز پس از آشکارشدن نتایج عملیات خیبر طی تحلیلی در مورد ادامه بن‌بست در جنگ و دلایل آن به‌نقل از تحلیل‌گران آمریکایی و غربی

## نوشت :

« به نظر منابع اطلاعاتی آمریکا و دیگر منابع غربی ، جنگ ایران و عراق ظاهراً به یک بن‌بست رسیده و هیچ یک از دو طرف قادر به برتری بر دیگری نیست . به نظر می‌رسد ایرانیها قادر به شکستن مرز طولانی عراق نباشند و عراقیها نیز نتوانند به موفقیت‌های دفاعی دست یابند .

منابع اطلاعاتی غرب گفتند ناتوانی ظاهری ایران در اجرای یک تهاجم تعیین‌کننده تنها یکی از دلایل ادامه بن‌بست جنگ ۴۳ ماهه است . آنها می‌گویند دلیل دوام و ادامه این بن‌بست شکست مداوم ارتش عراق در امر دفاع و عدم استفاده از برتری کمی و کیفی نیروی هوایی عراق علیه هدفهای مهم در جبهه و پشت جبهه است . » (۱۲)

**بنابر نظریه مذکور بن‌بست حاکم بر جنگ حاصل دو وضعیت جداگانه است . به این ترتیب که ایران با وجود تهاجمات پی‌درپی ، قادر به اجرای " تهاجم تعیین‌کننده " نیست و عراق نیز در مواضع دفاعی قادر به دفاع کامل نیست ، ضمن اینکه عراقیها فاقد قابلیت‌های لازم برای استفاده از برتری تکنولوژیک خود در هوا می‌باشند . یکی از نشریات خارجی در همین زمینه با توجه به نتایج عملیاتی ایران نوشت :**

« مقدرات نظامی طرفین با اهدافشان تناسبی ندارد . عراق تجهیزات لازم برای دست زدن به حمله را دارد اما فاقد انگیزه و نیروی انسانی است در حالی که ایران بر دست‌زدن به حمله تاکید می‌ورزد ولیکن از تجهیزاتی که مؤثر واقع شود ، برخوردار نیست . » (۱۳)

**در هر صورت ، عدم دستیابی ایران به پیروزی کامل در عملیات خیبر - که همواره باید از آن به عنوان یک فرصت استثنایی و بی‌نظیر که از دست رفت یاد کرد - متأثر از عوامل مختلفی بود : " تعجیل در اجرای عملیات " (۱۴) به دلیل اسارت چند تن از نیروها ، " افزایش تردد قایق‌ها و احتمال هوشیاری**



دشمن " و مهمتر از آن " به پایان رسیدن زمان ماموریت نیروها " و همچنین نگرانی از تأخیر عملیات به دلیل احتمال لو رفتن آن ، منجر به نوعی شتاب در اجرای عملیات شد . حال آنکه بنابر تحلیل فرماندهی سپاه ، با توجه به درکی که از زمین منطقه و نیز وضعیت دشمن وجود داشت .<sup>(۱۵)</sup> سپاه باید برپایه ابتکار عمل جدید به صورت " مستقل " از ارتش ، عملیات را اجرا می کرد و دو لشکر خط شکن و قوی سپاه را از سازمان خود خارج نمی کرد و تحت کنترل عملیاتی ارتش قرار نمی داد .<sup>(۱۶)</sup>

در هر صورت ، با اجرای عملیات خیبر قابلیت و توانایی های فوق العاده سپاه در طرحریزی ، فرماندهی و دفاع ، بیش از گذشته آشکار شد . نتایج عملیات خیبر منجر به دستیابی سپاه به تجارب جدید نظامی و برخورداری از سازمان مناسب و به دست آوردن جای پا در منطقه هور ( تصرف جزایر ) شد . ضمن اینکه زمینه های لازم برای اجرای عملیات در منطقه هور به عنوان یک عملیات آبی - خاکی ، فراهم گردید .

اگرچه ایران با تصرف جزایر مجنون در عملیات خیبر برای نخستین بار پس از ورود به داخل خاک عراق مناطقی را تصرف کرد که قابل توجه بود ، لیکن با وجود شکسته شدن خطوط دفاعی دشمن ، توازن تغییر نکرد زیرا هنوز در برخی از زمینه ها از جمله پشتیبانی ، هوایی ، توپخانه و مهندسی کاستیها و نقایص زیادی وجود داشت که لزوماً باید برطرف می شد .

دشمن پس از هوشیاری در مورد پیچیدگیهای عملیات و نتایج احتمالی آن ، سازمان رزم خود را با تشکیل یک سپاه برای هور با عنوان سپاه ششم تکمیل کرد . ضمن اینکه ارتش عراق در حدفاصل عملیات رمضان تا خیبر و مدتی پس از آن ۱۰ لشکر جدید تشکیل و برتوان نظامی خود افزود .<sup>(۱۷)</sup>

به موازات عملیات خیبر و ابعاد سیاسی و نظامی آن ، انفجار مقرر آمریکاییها در بیروت ، وضعیت جدیدی را در منطقه به وجود آورد .

آمریکاییها که در سال ۱۹۸۲ پس از فتح خرمشهر، عمیقاً در اندیشه تسلط بر لبنان بودند، انتظار داشتند با "فرسایشی شدن جنگ" از فرصت لازم برای حل بحران ناشی از پیروزی ایران بر عراق از طریق تجاوز اسرائیل و تشکیل یک دولت مسیحی و وابسته در لبنان برخوردار شوند.

حضور اولیه نیروهای سپاه برای مقابله با تجاوز اسرائیل و گسترش و تعمیق این حضور با سازماندهی حزبالله لبنان تدریجاً بافت و ساختار قدرت در لبنان را دستخوش تغییر کرد و اسرائیل و آمریکا پس از اجرای عملیات استشهادی حزبالله لبنان و انفجار مقر آمریکاییها در بیروت،<sup>×</sup> با شکست صحنه لبنان را ترک کردند. در واقع شکست آمریکاییها در سلطه بر لبنان و تشکیل یک دولت مسیحی، ضربه استراتژیک را به آنها وارد ساخت.

در اوضاع جدید آمریکا در موقعیتی قرار گرفت که می‌بایست استراتژی جدیدی را طرح‌ریزی کند. بر این اساس "بنیاد هریتیج" طرحی را مبنی بر از بین بردن "اصل امید" به ریگان ارائه کرد. این سیاست به منزله تشدید فشار به ایران با هدف از میان بردن امیدواری ایران برای دستیابی به پیروزی بود. عناصر اصلی این استراتژی که در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد، به شرح ذیل می‌باشد:

۱ - تقویت وضعیت اقتصادی عراق؛

۲ - ایجاد محدودیت در منابع ارزی ایران؛

۳ - اجرای عملیات استانچ<sup>××</sup> با هدف جلوگیری از فروش سلاح به ایران؛

× کاسپر واینبرگر وزیر دفاع وقت آمریکا پس از انفجار مقر آمریکاییها در بیروت، به کنگره آمریکا گفت: دخالت ایران در این انفجار تایید کننده این امر است که آمریکا باید به عراق کمک کند.

(نشریه مسلم میدیا، چاپ لندن، ژانویه ۱۹۸۵)

×× عملیات استانچ (operation staunch) عملیاتی بود که آمریکاییها طرح‌ریزی کردند تا از دسترسی

ایران به تجهیزات نظامی و سلاح جلوگیری کنند. این عملیات از پاییز ۱۹۸۳ شروع شد. به این ترتیب که ←

#### ۴ - ایجاد محدودیت در استخراج و فروش نفت ایران .

قبل از عملیات خیبر ، روزنامه واشنگتن پست طی تحلیل با اشاره به اهمیت مسائل اقتصادی بر سرنوشت جنگ ، بر این مسئله تاکید کرد که عراق به دلیل از دست دادن بخش اعظم صادرات نفت خود با دشواری روبه‌رو شده است .<sup>(۱۸)</sup> آمریکاییها پیش از این اقداماتی را به منظور تقویت موقعیت اقتصادی عراق با تشویق روابط بازرگانی میان عراق و کشورهای اروپایی ، تعمیر چاههای نفتی عراق و فراهم کردن زمینه صدور نفت عراق انجام داده بودند ،<sup>(۱۹)</sup> ولی با توجه به روند تحولات جنگ ، تلاش برای افزایش کمکهای آمریکا به عراق به منظور جلوگیری از سقوط صدام منجر به سفر معاون وزارت خارجه آمریکا به عراق در دی‌ماه ۱۳۶۲ شد . واشنگتن پست این سفر را به منزله برقراری روابط کامل سیاسی با عراق و آمریکا ارزیابی کرد .<sup>(۲۰)</sup>

بنابر گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا از سال ۱۹۸۲ که عراقیها بدون هیچ پیش شرطی حاضر به مذاکره با آمریکا شدند ، آمریکا برای تقویت عراق و جلوگیری از پیروزی ایران ، اقدامات ذیل را به عمل آورد :

۱ - تخصیص حدود یک میلیارد دلار به صورت اعتبار غیرنقدی برای خرید محصولات کشاورزی ؛

۲ - تصمیم بانک صادرات و واردات آمریکا برای ضمانت ۸۵ درصد از ۵/۷ میلیارد دلار مورد لزوم جهت ساخت خط لوله نفتی عقبه ؛

---

← امریکاییها با جمع‌آوری اطلاعات در مورد خریدهای سلاح و وسائل نظامی ایران ، از طریق دولت یا واسطه‌ها و بازار سیاه ، بلافاصله وارد عمل می‌شدند و به کشور فروشنده تذکر می‌دادند و یا بعضاً اقدام به دستگیری فروشنده و واسطه و یا خریدار می‌کردند . این اقدام امریکاییها چند نتیجه داشت : ۱ - مسیر دستیابی ایران به سلاح طولانی می‌شد . ۲ - سلاح با قیمت بالاتر خریداری می‌شد ، ضمن اینکه برخی از این وسائل از رده خارج و فاقد کیفیت لازم بودند .

۳ - حمایت آمریکا از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل که ایران را به خاطر حملاتش به کشتیرانی در خلیج فارس تقبیح نموده است ؛  
۴ - حمایت شدید آمریکا از تحریم فروش تسلیحات به ایران . ( ۲۱ )

جورج شولتز - که قبل از انتصاب به سمت وزارت خارجه در سال ۱۹۸۲ برای شرکت مهندسی ساختمانی گروه بجتل که به عنوان یکی از بزرگترین شرکتهای ساخت پالایشگاه و احداث لوله نفت محسوب می شد ، کار می کرد - مقدمات قرارداد یک میلیارد دلاری بجتل را با عراق برای احداث لوله نفتی از عراق به بندر عقبه فراهم ساخت . آمریکاییها موافقت اسرائیل را در این زمینه به دست آوردند و به عراقیها در مورد امنیت خطوط لوله نفت عراق که به بنادر مدیترانه و دریای سرخ متصل می شد ، اطمینان دادند . ( ۲۲ )

در عین حال دولت ریگان به دلیل مشکلاتی که وجود داشت با نگرانی چشم به موفقیت خطوط لوله نفت عقبه دوخته بود . ( ۲۳ )  
عراقیها امیدوار بودند با توجه به عدم صدور نفت از اسکله‌های البکر و العمیه و قطع صدور نفت از طریق سوریه ، صادرات نفت خود را از ۷۵۰ هزار بشکه در روز به بیش از یک میلیون بشکه افزایش دهند تا بدینوسیله مشکلات عراق و کمبود نقدینگی این کشور برطرف شود . ( ۲۴ )  
ضمن اینکه عربستان و کویت متعهد شدند روزانه نیم میلیون بشکه نفت به حساب عراق بفروشند . این موضوع را کویت در اجلاس اوپک اعلام کرد . ( ۲۵ )

عراقیها به موازت تلاش برای رفع تنگناهای اقتصادی خود و فشار به ایران برای پایان دادن به جنگ ، در چارچوب موافقت آمریکا ، ضربه‌زدن به توانایی‌های صدور نفت ایران با موشکهای آگزوسه و هواپیماهای سوپراتاندارد را طرح‌ریزی و اجرا کردند . ( ۲۶ )  
در واقع عراق با توجه به تمایل برای محدود کردن درآمد نفتی ایران و بین‌المللی کردن مسئله جنگ ،

جنگ نفتکش‌ها را آغاز کرد. عراقیها در نظر داشتند محل صدور نفت ایران در جزیره خارک را مورد حمله قرار دهند. چنانکه خبرگزاری رویتر از بغداد در مورد تهدید عراق برای حمله به خارک، خبر زیر را مخابره کرد:

«عراق گفت اگر تهران دست به حمله زمینی جدیدی در جبهه جنگ خلیج فارس بزند این کشور تأسیسات حیاتی نفتی ایران در جزیره خارک را مستقیماً مورد حمله قرار خواهد داد.» (۲۷)

ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه آمریکا که در آستانه عملیات خیبر در اسفند ۱۳۶۲ به خاورمیانه و بغداد سفر کرده بود،<sup>×</sup> صراحتاً اعلام کرد: آمریکا انجام یک حمله گسترده به جزیره خارک را ناممکن نمی‌داند. (۲۸)

فارین ریپورت چاپ آمریکا نیز طی تحلیلی نوشت: تشدید فشار به ایران و گسترش جنگ، نتیجه طبیعی حمله عراق به خارک است. (۲۹)

همچنین روزنامه نیویورک تایمز طی تحلیلی در مورد هدف این اقدام نوشت: حمله به خارک برای شکستن بن‌بست جنگ است. (۳۰) ایران با درکی که از ماهیت تلاشهای جدید عراق داشت، رسماً هشدار داد اگر عراق نقل و انتقالات نفتی ایران را قطع کند، تنگه‌هرمز در دهانه خلیج فارس بسته خواهد شد.

بعدها طی اجلاسی که هفت کشور عمده صنعتی در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۱۷ برگزار کردند، تحلیلی که درباره عواقب جنگ روی جریان

× روزنامه وال استریت ژورنال در مورد سفر مورفی به منطقه نوشت: ریگان که از تضعیف تدریجی عراق در جنگ با ایران دچار هراس شده است، دستور تهیه طرحهای جدیدی را برای تقویت عراق در جنگ با ایران به دستیارانش صادر کرده است. دولت ریگان هیأت عالی‌رتبه‌ای را به کشورهای حوزه خلیج فارس اعزام داشته است. مورفی رئیس هیأت از بحرین و عراق و برخی از کشورهای منطقه دیدن کرد. به توصیه ریگان نقش وزارت خارجه آمریکا در تهیه طرحهای جدید، چاره‌اندیشی در مورد جلوگیری از سقوط صدام است. مستقار ساختن اردن و فرانسه برای افزایش کمک به عراق بخش دیگری از این طرح است.

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۲۴، ۶۳/۱/۲۴)

نفت جهان ارائه شد × نشان دهنده این معنا بود که حملات عراق کنترل شده و تنها برای فشار به ایران می باشد. ضمن اینکه پیش از این با افزایش تولید نفت عربستان؛ پیش بینی های لازم برای جایگزینی کاهش صادرات نفت ایران در بازار نفت، صورت گرفته بود؛ طوری که به موازات تشدید حملات عراق به پایانه های صدور نفت ایران و نفتکشها، قیمت نفت تدریجاً کاهش یافت!

بدین ترتیب عراقیها با حمایت امریکا و غرب برای نخستین بار با استفاده از هواپیماهای فرانسوی سوپراتاندارد ضمن حمله به خارک، نفتکشهای حامل نفت ایران را در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۳ مورد حمله قرار دادند. طارق عزیز در دیدار با شولتز وزیر خارجه وقت آمریکا در مورد اقدام عراق چنین استدلال کرد که این حمله سبب پایان یافتن جنگ خواهد شد. زیرا اگر ایران پول نفت را نداشته باشد نمی تواند اسلحه مورد نیاز خود را از بازارهای سیاه تهیه کند. (۳۱)

واکنش ایران در برابر اقدامات جدید عراق با اتخاذ سیاست "مقابله به مثل محدود" منجر به اعتراض کشورهای شوروی همکاری خلیج فارس و برگزاری جلسات پی در پی و نامه به شورای امنیت سازمان ملل شد. اعضای شورای امنیت پس از برگزاری جلسه با ۱۳ رای موافق و ۲ رای ممتنع (زیمبابوه و نیکاراگوئه) ایران را به دلیل حمله به کشتیهای کویت و عربستان محکوم کردند. (۳۲) سازمان ملل که پیش از این در برابر حملات شیمیایی عراقیها تنها

---

× در این تحلیل آمده است: «ما همچنین عواقب این جنگ روی جریان نفت جهان را در چارچوب اصول اقتصادی کنفرانس مورد بحث و کنترل و بررسی قرار دادیم و به این نتیجه رسیدیم که بازار نفت جهان از ثبات نسبی برخوردار می باشد. ما معتقدیم که سیستم بین المللی قابلیت مقابله با هرگونه مشکلات آینده را از طریق ادامه تماسهای صحیح و منطقی دارا می باشد.

(روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، گزارش عملیات خیبر و پیامدهای جهانی آن "آبان ۱۳۶۳، ص ۶۵)

به صدور بیانیه ( به جای قطعنامه ) بدون ذکر نام عراق اقدام کرد ، در اینجا با صدور قطعنامه و ذکر نام ایران ماهیت سیاست جانبداری این سازمان از عراق را بیش از گذشته آشکار ساخت .

آمریکا در روند تشدید فشار به ایران و تنگ کردن حلقه محاصره اقتصادی این کشور ، نام ایران را در فهرست کشورهای که به اقدامهایی تروریسم بین‌المللی کمک می‌رساند ، افزود . این اقدام تایید آشکار رژیم عراق و تشدید فشار برای به زانو در آوردن جمهوری اسلامی بود . (۳۳)

تلاش برای جلوگیری از ورود سلاح به ایران تحت عنوان عملیات استانچ بخش دیگری از اقدامات آمریکا برای فشار به ایران بود که پس از عملیات خیبر آغاز شد . (۳۴) عملیات استانچ و محدودیتهای قانونی برای فروش سلاح به ایران ، فروشندگان بین‌المللی اسلحه را بیش از گذشته به بازار عراق امیدوار و جذب کرد . (۳۵) ضمن اینکه ایران پس از این باید برای تهیه نیازمندیهای خود علاوه بر پرداخت پول بیشتر ، مسیر طولانی‌تری را برای تهیه نیازمندیهای خود طی نماید . در گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در مورد تأثیر عملیات استانچ آمده است :

« تحریم فروش تسلیحات علیه ایران در توانایی این کشور به ادامه جنگ تأثیر محسوس داشته است . از نظر عراقیها تحریم فروش تسلیحات احتمالاً مهمترین علت گرمی روابط ایالات متحده با عراق است . » (۳۶)

با گسترش روابط آمریکا و عراق ، شوروی نیز متعاقب تغییر اوضاع جنگ پس از فتح خرمشهر و احتمال سقوط رژیم عراق ، با واگذاری تجهیزات مدرن به عراق ، بر میزان کمکهای خود به این کشور افزود . (۳۷) در فروردین ۱۳۶۳ یک هیأت بلندپایه به ریاست پاکوف ریابوف × رئیس

× پاکوف ریابوف از افسران بلندپایه کا . گ . ب بود که در سال ۱۹۸۶ به سمت سفیر شوروی در فرانسه منصوب شد .



کمیته روابط اقتصادی خارجی به بغداد اعزم شد و فروش ۴/۵ میلیارد دلار اسلحه شوروی به عراق را پیشنهاد داد. این بزرگترین پیشنهاد فروش سلاح بود که تاکنون شورویها به عراق می‌دادند.<sup>(۳۸)</sup> ریابوف که از میزان عصبانیت صدام به خاطر از دست دادن جزایر مجنون در عملیات خیبر مطلع بود، به عراق اطلاع داد شوروی حاضر است میگهای ۲۳ و ۲۱، هلی‌کوپترهای توپدار و ۳۵۰ موشک اسکاد. بی در اختیار عراق قرار دهد. سرانجام طه یاسین رمضان معاون اول صدام این قراردادهای و قرارداد وام ۲ میلیارد دلاری شوروی به عراق را در ۲۷ آوریل ۱۹۸۴ (اردیبهشت ۱۳۶۳) در سفر به مسکو امضا کرد.<sup>(۳۹)</sup>

در تیرماه ۱۳۶۳ در کنفرانس بررسی اثرات جنگ بر صلح و امنیت که در بغداد گشایش یافت، اظهارات یکی از مقامات شوروی تا اندازه‌ای ماهیت و دامنه پیوند عراق و شوروی را آشکار ساخت. وی گفت که شوروی درباره جنگ ایران و عراق عمیقاً نگران است و کشور متبوعش مصمم است عراق را با سلاحهای گوناگون مجهز سازد، چون این تصمیم تلاش مشترک عراق و شوروی برای پایان یافتن جنگ و برقراری صلح را تقویت می‌کند.<sup>(۴۰)</sup> روزنامه الخلیج چاپ اماراتی مدتی بعد اعلام کرد: عراق هواپیماهای پیشرفته میگ ۲۹ از شوروی دریافت کرده است.<sup>(۴۱)</sup>

تهدیداتی که صدام و وزیردفاع عراق - پس از این حمایت‌های همه جانبه غرب و شرق - در مورد ایران ابراز کردند مسلماً بدون ارتباط با تجهیزات واگذار شده به عراق نبود، زیرا تجهیزات نظامی سنگین مانند تانک، نفربرهای زرهی و هواپیماهای عراق دو برابر شده بود.<sup>(۴۲)</sup> صدام طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: سلاحهای جدید دریافت‌شده، طی روزهای آینده علیه منافع ایران مورد استفاده قرار خواهد گرفت.<sup>(۴۳)</sup> وزیردفاع وقت عراق نیز گفت عراق بزودی صاحب سلاحهای تهاجمی خواهد شد که قادر است



هدفهای داخل ایران را مورد حمله قرار دهد. <sup>(۴۴)</sup> بدون تردید این تهدید برای حمله به شهرها بود که در ماههای پایانی سال ۱۳۶۳ انجام گرفت. عراقیها در مورد نتایج فشار به ایران چنان امیدوار بودند که رئیس خبرگزاری عراق طی مصاحبه‌ای اعلام کرد رهبران و مردم فکر می‌کنند در سال جاری مسیحی بین دو کشور آتش‌بس برقرار شود. <sup>(۴۵)</sup>

گسترش دامنه فشار، جمهوری اسلامی را برای ادامه جنگ در وضعیت بسیار دشواری قرار داده بود. در واقع به همان میزان که دستیابی به پیروزی در جبهه‌های نبرد با موانع بسیاری مواجه شده بود، مقاومت در برابر فشار نیز به سهولت امکان‌پذیر نبود. اظهارات فرمانده عالی جنگ در این زمینه به خوبی گویا و روشن است:

«توان کشور برای ادامه جنگ محدود است و دشمن محاسبه کرده و امکان ارزی ما را می‌داند. بعد از زدن کشتیها درآمد ما پایین آمده، ۲/۵ میلیون بشکه صدور نفت به زیر ۲ میلیون رسیده، قیمت هر بشکه ۲۴ دلار است که ۲/۵ دلار ارزانتر شده است. اسلکه خوارک زده شده و خسارات زیادی داشته‌است و فشار دشمن روز به روز بر ما بیشتر خواهد شد.» <sup>(۴۶)</sup>

نظر به ضرورت تحرک در میدان نبرد و با توجه به فشارهای سیاسی - اقتصادی گسترده به ایران، تلاش برای اجرای عملیات آغاز شد. نخست مناطق زید و کوشک در شمال ایستگاه حسینیّه برای اجرای عملیاتی با عنوان "والفجر ۷" انتخاب شد لیکن موقعیت منطقه و استحکامات دشمن و مهمتر از آن، دشمن با رها کردن آب امکان اجرای عملیات در این منطقه را از بین برد. <sup>(۴۷)</sup>

در انتخاب بعدی برای عملیات، منطقه فاو در مقابل جزیره مینو تا پاسگاه خسروآباد و با عنوان "والفجر ۸" بود. با توجه به محدودیت در وسایل عبور و موقعیت دشمن، با وجود بحث و بررسیهای فراوانی که برادران ارتشی

و سپاه انجام دادند ، به نظر می‌رسید اجرای عملیات در این منطقه با توان نیروهای خودی تطابق ندارد ، لیکن نظر به ضرورت اجرای عملیات ، آقای هاشمی ( فرمانده عالی جنگ ) با حضور در منطقه عملیاتی در تلاش بود تا با تأکید بر ضرورت حمله به دشمن ، زمینه و تجهیزات لازم را برای اجرای عملیات فراهم سازد . ایشان با اشاره به اقدامات جنون‌آمیز دشمن در منطقه ، اظهار داشت :

« اگر ما بازنده شویم و اگر روزی به عقب برویم ، عقب‌نشینی در مواضع سیاسی جمهوری اسلامی فشار را شدیدتر خواهد کرد . ما همه امیدمان و همه تلاشمان و همه غم و غصه‌مان این است که یک جایی را پیدا کنیم و دست به اقدام ( عملیات ) بزنیم و یک حمله مجدد بکنیم ولو با ۳۰٪ موفقیت و با ۴۰٪ ، تا جنگ را از این حالت نجات بدهیم . » (۴۸)

آقای هاشمی همچنین بر این مساله تأکید داشت که اگر عملیات ناموفق باشد ، علاوه بر از میان رفتن اعتبار نظامی ایران ، تأمین خواسته‌های ایران نیز دشوار خواهد شد . (۴۹) پس از پیشنهاداتی که فرماندهان ارتش و سپاه در مورد مشکلات اجرای عملیات و نیازمندیهای لازم برای تأمین پیروزی ارائه کردند ، ایشان اظهار داشت :

« عملیات ناموفق به صلاح ما نیست ، این به عنوان یک اصل است . انجام عملیات با تمام امکانات لازم تا آنجایی که من می‌دانم مقدور نخواهد بود ، عملیاتی را پیشنهاد کنید تا بتوانیم بپذیریم . » (۵۰)

فرمانده عالی جنگ با توجه به ترکیب جلسه و نظریات متفاوت در مورد اجرای عملیات و مشکلات موجود اظهار داشت :

« این برای این است که فقط بخواهیم کلاسیک فکر کنیم . حفظ جزیره مجنون بدون هیچ یک از امکاناتی که در اینجا مطرح است انجام شد .

ایشان سپس تأکید کرد :

در صورت موفقیت در اجرای این عملیات، تمام زحمات ما این خواهد شد که این طرف آب (در منطقه فاو) باقی بمانیم و فشار سیاسی مان را به دنیا از همین جا وارد خواهیم کرد، ما در هیچ کدام از جنگهایمان این اطمینانهای را که شما می‌خواهید نداشته‌ایم... اگر بخواهیم کاری کنیم همین است که اینجا بکنیم. باید یک جنگ حزب‌اللهی را اینجا کرد. (۵۱)

### **آقای هاشمی در ادامه با اشاره به حملات دشمن به اسکله نفتی خارک و افزایش این فشارها و ضرورت اجرای عملیات، گفت:**

فرماندهان راه ما را مشخص کنند. اگر پیشنهاد دارید به ما بگویید در کجا خواهید جنگید. من تصورم از شما این بوده که ۵۰ کیلومتر می‌توانید جلو بروید، ولیکن در پلائیه (عملیات خیبر) ۱۳ کیلومتر بیشتر جلو نرفتید... اگر کسی نظرش این است که نمی‌شود بجنگیم حالا باید تصمیم گرفت. زمان امروز برای ما بسیار مهم است چون دنیا پیروزی مطلق ما را نمی‌پذیرد، لذا به مرور بر ما فشار می‌آورد. در مورد صلح، نظر امام مطرح است و ایشان می‌گویند. بدون جنگ، صلح امکان ندارد و اگر ما هم نتوانیم بجنگیم [امام] به مردم می‌گویند بروید بجنگید. « (۵۲)

**به هر صورت، اجرای عملیات در منطقه فاو با امکانات موجود امکان‌پذیر نبود و نوعی اتفاق نظر در مخالفت با عملیات در این منطقه وجود داشت و به این ترتیب اجرای این عملیات منتفی شد و بعدها به "عملیات والفجر ۸ انجام‌نشده" موسوم گردید.**

از سوی دیگر، عملیات در منطقه‌ای دیگر با برآورد صحیح و پس از تأمین نیازمندیها، نیاز به زمان داشت و در نیمه نخست سال ۱۳۶۳، اجرای آن عملی نبود.

در واقع سرنوشت عملیات خیبر به دلیل عدم تطابق بین ابتکار و امکانات مورد نیاز، منجر به عدم حصول نتیجه مطلوب و ظهور نوعی

سرگردانی شد . پیدایش وضعیت جدید دو نتیجه آشکار به دنبال داشت ؛ نخست عدم ابتکار عمل و بازگشت به وضعیت قبل از عملیات خیبر و دیگری عدم تطابق امکانات موجود برای اجرای عملیات پیروز . بدین ترتیب در بهار و تابستان ۱۳۶۳ با وجود بحث و بررسیهایی که انجام گرفت شرایط لازم برای عملیات فراهم نشد . در این جلسات برای نخستین بار فرماندهی عالی جنگ در برابر توضیحاتی که فرماندهان و طراحان عملیات در مورد مشکلات و نیازمندیهای پشتیبانی برای اجرای عملیات بیان کردند ، به مسائلی اشاره نمود که تا اندازه‌ای سؤال برانگیز بود . در واقع با توجه به مجموع مسائلی که بیان شد برای نخستین بار مشکلات ادامه جنگ و تردیدهای موجود در این زمینه به نحو تعجب آمیزی اظهار شد . \*

سفر گنشر وزیر خارجه وقت آلمان به ایران در مرداد ۱۳۶۳ به عنوان سفر اولین وزیر خارجه کشورهای اروپایی به ایران ، بسیار حائز اهمیت بود . وی در ایران مذاکراتی با مسئولان و مقامات سیاسی و اقتصادی انجام داد و پس از بازگشت به آلمان اعلام کرد آنچه که در اروپا در مورد ایران تصور می شود با واقعیات موجود در ایران تفاوت زیادی دارد .

متعاقب سفر گنشر و بحث و بررسیهایی که پیرامون آن انجام گرفت ، برای نخستین بار بحثهایی جدید در رسانه های غربی درباره جناح بندیهای سیاسی داخل کشور و نظریات مختلفی که در میان جناحها در مورد مسائل سیاسی و اقتصادی و بویژه جنگ و ادامه آن وجود دارد ، اشاره شد . در همین

---

\* در گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا به این نکته اشاره شده است که بعضی از رهبران اصلی ایران به این نتیجه رسیده اند که هزینه ادامه اقدامات نظامی بیش از حد زیاد است . تردید ایران در شروع یک حمله به بصره تا اندازه های نشان دهنده این نگرش است . . . .»

(روابط عمومی فرماندهی کل سپاه ، گزارش کمیته روابط خارجی سنای

امریکا ، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی ، دی ماه ۱۳۶۳ ، ص ۴۸)

روند ، وزیر خارجه ژاپن در دیدار با طارق عزیز با اشاره به اندیشه‌های متفاوتی که در ایران در مورد جنگ وجود دارد ، به وی گفت :

« در ایران دو گروه سرسخت و میانه‌رو و با دو عقیده مختلف وجود دارد . دسته دوم که امیدوار است جنگ از راه‌های صلح‌آمیز پایان یابد ، برای برقراری صلح به ژاپن و کشورهای غربی نزدیک شده است و ژاپن فکر می‌کند تشویق گروه میانه‌رو در ایران می‌تواند به پایان یافتن جنگ منتهی شود . » ( ۵۳ )

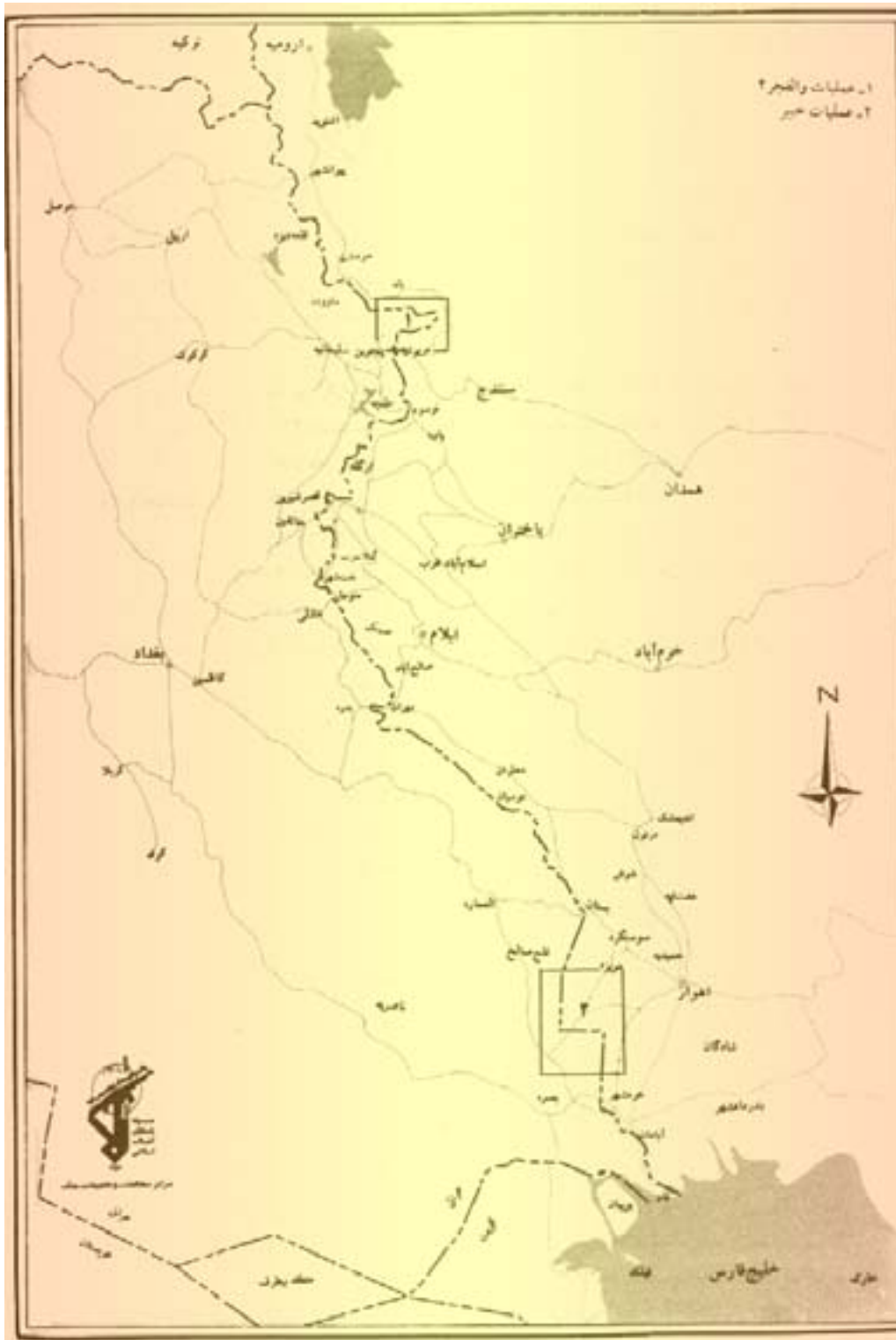
بنابر تحلیل‌هایی که منتشر می‌شد چنین به نظر می‌رسید که از یک سو به موازات افزایش فشارها و از سوی دیگر ، عدم دستیابی به پیروزی قطعی و تعیین‌کننده و مشکلاتی که برای ادامه جنگ وجود داشت ، تدریجاً گرایش‌های جدیدی در نگرش به جنگ و سیاست خارجی در حال به وجود آمدن است و بازتاب آن در خارج کشور دسته‌بندی این گرایشها به راست و چپ و میانه بود .

با پیدایش وضعیت جدید سیاسی ، نظامی و اقتصادی و افزایش فشار به ایران برای خاتمه دادن به جنگ و نظریات متفاوتی که در مورد نحوه ادامه جنگ و ضرورت تنظیم سیاست خارجی مناسب وجود داشت ، همچنان این سؤال همانند گذشته به قوت خود باقی بود که « ایران چه راه‌حلهایی برای رهایی از بن‌بست جنگ و فشارهای سیاسی و اقتصادی فراروی خود دارد ؟ »

## منابع و مأخذ فصل ۵ ( جنگ در سال چهارم )

- ۱ - هادی نخعی، راوی قرارگاه مرکزی کربلا در عملیات رمضان.
- ۲ - محمد درودیان، از خرمشهر تا فاو (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم ۱۳۷۵)، ص ۸۱.
- ۳ - سردار محسن رضایی، "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق"، در دانشکده دافوس (دوره عالی جنگ)، ۱۳۷۴.
- ۴ - مأخذ شماره ۲، ص ۸۵.
- ۵ - پیشین.
- ۶ - سردار غلامعلی رشید، حاشیه نویسی دستنویس کتاب حاضر، ص ۷۶.
- ۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۳، ۱۳۶۳/۱/۳، رادیو آمریکا ۱۳۶۳/۱/۲.
- ۸ - پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۶۳/۱/۲.
- ۹ - کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین (تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳)، ص ص ۲۹۱-۲۷۴.
- ۱۰ - روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، "عملیات خیبر و پیامدهای جهانی آن"، آبان ۱۳۶۳، ص ۲۲.
- ۱۱ - نشریه روابط عمومی فرماندهی کل سپاه پاسداران، تیرماه ۱۳۶۴، ص ۲، به نقل از مایکل جانسون (کارشناس ارشد ارتش آمریکا).
- ۱۲ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۳۶۵، ۱۳۶۲/۱۲/۲۹، نیویورک تایمز، ۱۳۶۲/۱۲/۲۸.
- ۱۳ - روابط عمومی فرماندهی کل سپاه پاسداران، "گزارش تحولات یکساله جنگ تحمیلی در مطبوعات جهان" (شهریور ۱۳۶۳ تا شهریور ۱۳۶۴)، ص ۳۲.
- ۱۴ - سردار محسن رضایی، "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق" در دانشکده دافوس (دوره عالی جنگ)، ۱۳۷۴/۷/۱۳.
- ۱۵ - پیشین.
- ۱۶ - مأخذ شماره ۱۴.
- ۱۷ - سردار محرابی (مسئول پیشین اطلاعات نیروی زمینی سپاه)، "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق"، در دانشکده دافوس سپاه پاسداران (دوره عالی جنگ)، ۱۳۷۴.
- ۱۸ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۲۸۸، ۱۳۶۲/۱۰/۱۲.
- ۱۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۲۵۴، ۱۳۶۲/۹/۸.
- ۲۰ - مأخذ شماره ۱۸، واشنگتن پست، ۱۳۶۲/۱۰/۱۱.
- ۲۱ - روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، "گزارش رسمی کمیته روابط خارجی سنای آمریکا پس از سفر به منطقه"، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، دیماه ۱۳۶۳، ص ۱۸.
- ۲۲ - مأخذ شماره ۹، ص ۳۵۵.
- ۲۳ - مأخذ شماره ۹، ص ۳۵۷.
- ۲۴ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۲۴۸، ۱۳۶۲/۹/۲، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۲/۹/۱.
- ۲۵ - مأخذ شماره ۱۰، ص ۳۰.
- ۲۶ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۲۱۸، ۱۳۶۲/۸/۲۰، نیویورک تایمز، ۱۳۶۲/۸/۱۹.
- ۲۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۵، ۱۳۶۳/۱/۱۵.
- ۲۸ - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، "طرح کلی روزشمار جنگ".
- ۲۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"،

- شماره ۲۱۹، ۱۳۶۲/۸/۲۱.
- ۳۰- مأخذ شماره ۲۷، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۳/۱/۴.
- ۳۱- مأخذ شماره ۹، ص ۲۸۹.
- ۳۲- مأخذ شماره ۹، ص ۲۷۶.
- ۳۳- مأخذ شماره ۹، ص ۲۸۹.
- ۳۴- مأخذ شماره ۹، ص ۲۸۴.
- ۳۵- مأخذ شماره ۹، ص ۳۳۵.
- ۳۶- مأخذ شماره ۲۱، ص ۱۸.
- ۳۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۲۵۰، ۱۳۶۴/۹/۴، رادیو و آلمان ۱۳۶۳/۹/۳، به نقل از روزنامه پراودا.
- ۳۸- مأخذ شماره ۹، ص ۳۷۱.
- ۳۹- پیشین.
- ۴۰- مأخذ شماره ۱۰، ص ۶۸.
- ۴۱- مأخذ شماره ۱۰، ص ۲۹.
- ۴۲- مأخذ شماره ۱۱، ص ۵.
- ۴۳- مأخذ شماره ۱۰، ص ۲۹.
- ۴۴- مأخذ شماره ۱۰، ص ۳۰.
- ۴۵- مأخذ شماره ۱۰، ص ۳۰.
- ۴۶- سند شماره ۰۰۹/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، "عملیات والفجر ۸ انجام نشده"، گزارش راوی قرارگاه مرکزی، (محمد درودیان)، ص ۱۴، سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در دزفول، ۱۳۶۳/۴/۳۰.
- ۴۷- محمد درودیان، نبرد در شرق بصره، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۴)، ص ۳۲.
- ۴۸- مأخذ شماره ۴۶، ص ۱۳.
- ۴۹- مأخذ شماره ۴۶، ص ۱۵.
- ۵۰- مأخذ شماره ۴۶، ص ۱۱۸.
- ۵۱- مأخذ شماره ۴۶، ص ۱۱۶-۱۱۳.
- ۵۲- پیشین.
- ۵۳- مأخذ شماره ۱۰، ص ۴۵-۴۴.



راهنمای عملیات سال چهارم جنگ ( شهریور ۶۲ - شهریور ۶۳ )



## فصل ۶

جنگ در سال پنجم

### گسترش جنگ

شهریور ۱۳۶۳ تا شهریور ۱۳۶۴

عراق پنجمین سال جنگ را در وضعیتی آغاز کرد که پیش از آن سالانه نیمی از تولید ناخالص داخلی خود را، یعنی حدود ۱۴ میلیارد دلار، صرف خرید جنگ‌افزار کرده بود.<sup>(۱)</sup> در همین سال نیز ۶۰ درصد از کل درآمد نفتی عراق به خرید جنگ‌افزار و تکنولوژی ساخت سلاح اختصاص یافت.<sup>(۲)</sup> اعتبارات و سلاح‌های ارسالی آمریکا شوروی، فرانسه، آلمان و انگلیس، و همچنین فروش بخشی از نفت صادراتی کویت و عربستان برای عراق، در مجموع وضعیتی را فراهم ساخت که بنابر گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا، تعادل نظامی را به سود عراق تغییر داد<sup>(۳)</sup> در حالی که بر اثر تحریم فروش سلاح به ایران، جمهوری اسلامی هیچ‌گونه تجهیزات مهم نظامی دریافت نکرده بود.<sup>(۴)</sup> × برخی ارزیابیها حاکی از آن بود که عراق

× نشریه المجله چاپ انگلیس در آوریل ۱۹۸۵ عوامل اصلی تعادل قدرت نظامی ایران و عراق را چنین ذکر کرد:

- ۱- برتری کامل عراق در نیروی هوایی: عراق دارای ۶۰۰ فروند هواپیمای بمبافکن و تهاجمی شامل توپولوف، میگ ۲۱، میگ ۲۳ و میگ ۲۷، سوخوی ۷، سوخوی ۲۰، میراژ اف-۱ و سوپراتاندارد می‌باشد و در حالی که ایران حدود ۶۰ تا ۷۰ فروند هواپیمای جنگی دارد.
- ۲- برتری عراق در زمینه سلاحهای زمینی بویژه تانک و نفربر زرهی و توپ.
- ۳- نیروهای ایران از داشتن عوامل کمکی و پشتیبانی لجستیکی و فرماندهی مناسب در هر عملیات تهاجمی محروم می‌باشند.

( وزارت ارشاد اسلامی، " بررسی مطبوعات جهان"، شماره ۸۳۹،

۱۳۶۴/۳/۲۰، المجله ۱۶ - ۱۰ آوریل ۱۹۸۵ برابر ۱۳۶۴/۱/۲۷)

بر پایه تجهیزات دریافتی × از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار شده است و به خوبی در برابر حملات مکرر ایران مقاومت می‌کند. <sup>(۵)</sup> در عین حال، بنابر همین ارزیابیها عراق فاقد استراتژی دقیق و روشن بود و به نظر می‌رسید روحیه سربازان عراقی نیز شکننده است. <sup>(۶)</sup> متقابلاً مهمترین ضعف عمده ایران کمبود تجهیزات و قطعات یدکی در زمینه‌های مختلف ارزیابی می‌شد. <sup>(۷)</sup>

وضعیت نظامی ایران و عراق به نحوی آشکار بر استراتژی دو کشور سایه افکنده بود. عراق در حالی که در اندیشه حفظ منابع انسانی محدود خود بود، تلاش می‌کرد ضمن حفظ مواضع دفاعی خود، از طریق بین‌المللی بر ایران فشار وارد سازد تا شرایط خود را به ایران تحمیل کند. عراق برای متقاعد ساختن جامعه بین‌الملل به منظور ایراد فشار سیاسی و اقتصادی بر ایران، به دنبال "گسترش دامنه جنگ" بود. <sup>(۸)</sup> در گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در این زمینه آمده است:

«هدف اصلی ارتش عراق پایان دادن فوری به جنگ است که این خود به معنای ایستادگی در برابر حملات زمینی ایران، دامن‌زدن به جنگ نفتکش‌ها برای کاستن از برتری اقتصادی ایران و احتمال حمله به جزیره خارک می‌باشد.» <sup>(۹)</sup>

جمهوری اسلامی متقابلاً به دلیل محدودیتهای موجود در تأمین تجهیزات و تکنولوژی مورد نیاز، همچنان متکی بر نیروی داوطلب بود. عناصر اصلی استراتژی ایران مقاومت در برابر فشارها و تأکید بر خواسته‌های برحق ×× خود با ادامه تهاجم مکرر به عراق و سیاست مقابله به مثل در برابر

× نیویورک تایمز چاپ آمریکا در شماره مورخه ۱۳۶۳/۷/۲۷ طی گزارشی نوشت: سلاحهای سنگین عراق اخیراً نسبت به سال گذشته به میزان قابل توجهی افزایش یافته است.

× یکی از کارشناسان امور ایران طی تحلیلی از اوضاع جنگ در مصاحبه با رادیو آمریکا می‌گوید: «ایران -

حملات عراق به نفتکش‌ها بود. به موازات تشدید فشار به ایران و مشکلات موجود برای دستیابی به نیازمندیهای نظامی و کسب پیروزی در صحنه جنگ، تحرکات دیپلماتیک نیز برخلاف گذشته مورد توجه قرار گرفت. کمیته روابط خارجی سنای آمریکا مواضع ایران را در این دوره چنین ارزیابی می‌کند:

«ایرانیها معتقدند که آنها هستند که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند و استحقاق مجازات متجاوز را دارند. تا همین اواخر به نظر نمی‌رسید که هیچ کس در ایران به چیزی کمتر از یک پیروزی قاطع نظامی فکر کند، اما در چند ماهه اخیر بعضی از اعضای رهبری ایران در مورد ادامه جنگ دچار تردید شده‌اند.» (۱۰)

در عین حال پافشاری ایران بر تأمین اهداف خود، علی‌رغم برتری قابل توجه عراق، منجر به در نظر گرفتن این مسئله شد که «نباید احتمال یک پیشرفت غیرمنتظره از سوی ایران را نادیده گرفت.» (۱۱) برخی از ناظران سیاسی که مورد مصاحبه هیأت اعزامی کمیته روابط خارجی سنای آمریکا به منطقه قرار گرفتند، معتقد بودند که حمله برق‌آسای ایران قادر است این وضع را تغییر دهد. (۱۲)

"گسترش دامنه جنگ" با توجه به تشدید جنگ نفتکشها از سوی عراق در سال ۱۳۶۳ و مقابله به مثل ایران و توانایی احتمال جمهوری اسلامی برای مسدود کردن تنگه هرمز، (۱۳) مداخله غرب را ضروری می‌کرد و این مسئله به منزله ایجاد فرصتهای جدید برای شوروی در ایران و منطقه ارزیابی می‌شد. (۱۴) به همین دلیل امریکاییها بر تلاشهای دیپلماتیک برای پایان

× خواستار شناخته شدن این حقیقت است که عراق متجاوز اصلی بوده است و این مسئله برای دولت ایران مهم

است. « (خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱، ۱۳۶۷/۱/۱، به

نقل از شیرین هانتر، معاون مؤسسه استراتژیک در دانشگاه جرج تاون)

بخشیدن به جنگ تأکید داشتند. (۱۵) ×

"پیروزی ایران" به دلیل پیدایش فرصتهای جدید برای صدور انقلاب، موجب نگرانی شدید آمریکا و غرب بود. در واقع ظرفیت انقلابی ایران برای تحمل فشارها و ایجاد فرصتهای استثنایی و بهره‌برداری از آن، نقطه ثقل پیش‌بینی تغییر احتمالی اوضاع در جنگ ارزیابی می‌شد. برای همین علی‌رغم تقویت و حمایت همه‌جانبه از عراق، همچنان پیروزی ایران محتمل و با نگرانی دنبال می‌شد.

در ۲۵ مهر ۱۳۶۳ عملیات میمک روی ارتفاعات میمک با هدف آزادسازی قسمتی از اراضی اشغالی انجام شد. (۱۶) این عملیات صرف نظر از نتایج آن نشان‌دهنده استقامت ایران در برابر فشارهای عراق، با وجود حملات این کشور به جزیره خارک بود. عراق در این عملیات همانند عملیات خیبر، با تعداد معتدبهی گلوله‌های حاوی گازهای شیمیایی منطقه را گلوله‌باران کرد. (۱۷)

با فرارسیدن فصل زمستان و احتمال اجرای عملیات جمهوری اسلامی - که در منطقه جنوب در موقعیت مناسب فصلی انجام می‌گرفت - زمزمه‌های تازه‌ای مبنی بر احتمال گسترش حملات عراق به نفتکشها و حمله به شهرها و اماکن غیرنظامی آغاز شد. وزیر اطلاعات عراق طی مصاحبه‌ای در آبان ۱۳۶۳ رسماً اعلام کرد عراق اماکن غیرنظامی ×× را هدف حمله قرار

× طی بررسی‌های جامعی که دو تن از کارشناسان مجله میدل‌ایست چاپ لندن انجام دادند و در میان سناریوهای مختلف شامل "ادامه جنگ فرسایشی"، "تشدید جنگ"، "نه جنگ نه صلح"، همچنان ادامه وضعیت "نه جنگ نه صلح" به میزان ۴۰٪ ارزیابی شد.

(فوریه ۱۹۸۵، ترجمه روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، شهریور ۱۳۶۴، ص ۲۳.)

×× در این جا مفهوم حمله به اماکن غیرنظامی، حمله موشکی یا بمباران هوایی شهرها و تاسیسات بود عراق برای نخستین بار پس از ناکامی اولیه در تهاجم به ایران، حملات موشکی به شهر دزفول را آغاز کرد، بعدها این حملات به سایر شهرها از جمله تهران گسترش یافت.

خواهد داد. <sup>(۱۸)</sup> یک افسر عالی‌رتبه عراق نیز اعلام کرد عراق سلاحهای جدید دریافت کرده‌است تا از اهداف مورد نظر در عمق خاک ایران را مورد حمله قرار دهد. <sup>(۱۹)</sup>

این تهدیدات که بعدها تحقق یافت در عین حال که به منزله تشدید فشار به ایران و در نتیجه گسترش دامنه جنگ بود، نشان‌دهنده ناکامی استراتژی عراق در مراحل پیشین نیز بود.

بنابراین اگر قصد عراق از ایجاد زیرساخت تولید گازهای شیمیایی مقابله با حضور گسترده نیروهای داوطلب بود و حمله به نفتکشها برای " محروم کردن ایران از درآمد ارزی " صورت می‌گرفت، " حمله به اماکن غیرنظامی " با ایجاد زیرساخت موشکی و افزایش حملات هوایی با هدف " فشار روانی - اجتماعی " مستقیم روی مردم و غیرمستقیم بر مسئولین و تصمیم‌گیرندگان برای فراهم‌سازی زمینه‌های پایان دادن به جنگ بود. × اظهارات صدام در این زمینه تا اندازه‌ای اهداف عراق را آشکار می‌سازد:

« ما دوره بیشتر نداریم یا مصالحه و یا اینکه برای حل مسئله جنگ باید شهرهای ایران را بزنیم. » <sup>(۲۰)</sup>

متعاقب انفجار اولین راکت هواپیماهای عراقی در تهران که کاملاً غیرقابل انتظار بود و نگرانیهای بسیاری را به وجود آورد، برخی تحلیل‌گران هدف عراق را از این اقدام را وادار ساختن ایران برای دست زدن به یک حمله زمینی زودرس ذکر کردند. <sup>(۲۱)</sup> رادیو آمریکا نیز به نقل از دیپلماتهای مقیم

× روزنامه وال استریت ژورنال در این باره نوشت: «عراق پس از ۲ سال که در مواضع غیردفاعی قرار گرفته بود و امیدوار بود فشار بین‌المللی ایران را به گفتگوهای صلح وادار سازد، به این نتیجه رسید که به ادامه فشار به ایران نیاز دارد و تدارک تازه سلاحهای پیشرفته فرانسوی و روسی به عراق اطمینان داد که می‌تواند فشار را با حمله به مناطق غیرنظامی ادامه دهد و به نتایج حاصله از این فشار دست یابد.»

(خبرگزاری جمهوری اسلامی "گزارشهای ویژه"، ۱۳۶۳/۱۲/۲۲، وال استریت ژورنال، ۱۳۶۳/۱۲/۲۱)

تهران بر همین تحلیل تأکید کرد.<sup>(۲۲)</sup> لطیف جاسم وزیر وقت اطلاعات عراق هم با اشاره به برخورداری عراق از ۴۰۰ جنگنده و بمبافکن اعلام کرد که هدف عراق از تهاجم به مردم بی دفاع در شهرها، مجبور ساختن ایران به مذاکره و پایان دادن به جنگ می باشد.<sup>(۲۳)</sup>

اقدام تلافی جویانه ایران در برابر عراق، طی این دوره، منجر به شلیک ۱۳ فروند موشک زمین به زمین اسکاد به شهرهای کرکوک و بغداد شد که یگان موشکی سپاه پاسداران اجرای این عملیات را به عهده داشت. اولین موشک ایران ساعت ۳:۲۰ بامداد روز پنجشنبه ۱۳۶۳/۱۲/۲۳ به بانک رافدین در بغداد اصابت کرد. شگفتی ناظران از این واقعه و تکذیب عراق نشان دهنده اهمیت و تأیید حملات موشکی ایران به بغداد بود. × عراقیها پس از وقوع چهار انفجار در بغداد، همچنان اصابت موشک به بغداد را تکذیب می کردند و انفجار را حاصل اقداماتی خرابکارانه<sup>(۲۴)</sup> اعلام می کردند. حتی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز گفت: چنین برداشت می کنیم که انفجار بغداد یک انفجار داخلی بوده است!<sup>(۲۵)</sup>

وقوع انفجارهای پی در پی در بغداد و سردرگمی مقامات عراق، اوضاع را در این شهر دستخوش تغییر کرد و دیپلماتهای غربی روزها از تردد در شهر اجتناب می کردند و شبها نیز در هراس و نگرانی به سر می بردند. این حملات چند ماه ادامه یافت ولی دو مسئله منجر به عقیم کردن اهداف عراق شد. نخست آنکه حملات موشکی ایران به بغداد و عدم آمادگی عراق برای رویارویی با این واقعه، وضعیت ناهنجاری را برای عراقیها در شهر بغداد به

× بنابر اظهارات یک دیپلمات غربی به سفیر ایران در چین، عراق با تهاجم وسیع به شهرهای ایران در نظر داشته است ایران را به قبول صلح وادار سازد، ولی موشکهای ایران این محاسبه را دچار تأخیر کرده است و عراق در تلاش برای به دست آوردن موشکهایی است که تهران را مورد هدف قرار دهد.

(دفتر سیاسی سپاه پاسداران، "رویدادها"، شماره ۶۴/۱/۳۱، ۴۰)

وجود آورد. عراقیها تصور نمی‌کردند ایران از توانایی لازم برای حمله موشکی به بغداد برخوردار باشد به همین دلیل کاملاً غافلگیر شدند. در ثانی، سیستم موشکی سام ۲ (زمین به هوا) را برادران سپاه پاسداران به سرعت فعال کردند و به این ترتیب دفاع از تهران در برابر حملات هواپیماهای عراقی تقویت شد.

فشار روانی حاصله از این وضعیت، اوضاع را به زیان عراق به چرخش درآورد. علاوه بر این، آغاز عملیات بدر<sup>(۲۶)</sup> در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۱۹ در منطقه هورالهویزه، عراق را در وضعیت دشواری قرار داد. بدین معنا که از یک سو باید در خطوط مرزی به مقابله با تهاجم قوای نظامی ایران می‌پرداخت و از سوی دیگر مشکلات روحی - روانی مردم و غربیها را در بغداد برطرف می‌ساخت.

انتخاب منطقه هور برای اجرای عملیات بدر صرف‌نظر از نتایج آن، با دشواریهای زیادی همراه بود. در حدفاصل عملیات خیبر (اسفند سال ۱۳۶۲) تا عملیات بدر تلاشهای بسیاری برای انتخاب منطقه عملیاتی انجام گرفت لیکن هیچ‌یک به نتیجه مطلوب نرسید. در این زمینه فرمانده کل سپاه می‌گوید:

« ما در ادامه جنگ با عراق منطقه‌ای را پیدا کرده‌ایم که دارای یک رشته نقاط ضعف و یک رشته نقاط قوت است. اگر ما برویم جایی دیگر که نقاط ضعف برای ما بیشتر است و نقاط قوت برای دشمن بیشتر، سرنوشت جنگ به صورت دیگری خواهد بود. اگر نیروی زرهی داشتیم، امکانات داشتیم و آتش داشتیم، می‌توانستیم در دشتهای عریض و عمیق مانور بکنیم. »<sup>(۲۷)</sup>

در واقع محدودیتهای موجود در زمینه امکانات زرهی، آتش و پدافند هوایی مانع از اجرای مانور در دشتهای عریض و عمیق بود. ضمن اینکه فشار روی سپاه برای اجرای عملیات گسترده با تضمین پیروزی بیش از



گذشته ، افزایش یافته بود . × بنابراین انتخاب منطقه هور برای اجرای عملیات بدر اساساً به این دلیل بود که " باید می‌جنگیدیم " و اگر متوقف می‌شدیم ، کلاف سردرگم بن بست جنگ پیچیده تر می‌شد . (۲۸) ضمن اینکه از یک سال گذشته به موازات افزایش فشارها و دشواریهای موجود برای دستیابی به پیروزی نظامی ، برخی سپاه را - که میدان‌دار جنگ بود - تشویق و ترغیب می‌کردند که رسماً به امام اعلام کند " نمی‌توانیم بجنگیم " . برادر رضایی در این زمینه می‌گوید :

« بعضاً از ما خواسته می‌شد که اگر توانایی جنگ را نداریم ، برویم به امام بگوییم که نمی‌توانیم بجنگیم . این ایده‌آل و آرزوی کسانی بود که احساس می‌کردند واقعاً نمی‌شود جنگید . این تفکر از کجا حاصل شده بود ؟ از اینکه احساس ناتوانی در جنگ می‌شد . پس ما باید به هر قیمتی شده می‌جنگیدیم . توقف در جنگ فرو رفتن در یک منجلاب را به دنبال داشت . » (۲۹)

علاوه بر این ، عامل دومی که در انتخاب هور نقش داشت ، وضعیت زمین هور برای جنگ بود . در واقع با انتخاب هور معضل برابری توان نیروهای خودی و دشمن با عامل موقعیت و وضعیت زمین ، تا حدودی حل می‌شد . ضمن اینکه مکان گسترش عملیات با پیشروی در هور ، در غرب رودخانه دجله و شمال غربی بصره و تهدید این شهر وجود داشت . (۳۰)

عملیات بدر در موقعیتی بسیار دشوار و با امیدواری زیاد آغاز شد ×× لیکن به دلیل هوشیاری و اطلاع دشمن از تاکتیک ایران برای اجرای عملیات در هور و همچنین آمادگیهایی که دشمن طی یک‌سال گذشته ( پس از

× در مباحث پیشین احتمالاً به این مسائل اشاره شد .

×× سردار محسن رضایی در این زمینه می‌گوید : « تحلیل ما این بود که دشمن جهت اصلی را جزایر و طلائیه می‌داند ، لذا رفتیم روی العزیر تمرکز قوا دادیم و زمین را محدود گرفتیم . جاده زدیم به جاده شمال و با احداث پل خیبری برای پشتیبانی ، تلاش کردیم ضعفهای قبلی را جبران کنیم . » ( دوره عالی جنگ ، ۷۴/۷/۱۳ )

عملیات خیبر ( به دست آورده بود و مهمتر از همه کاستیهای خودی در زمینه پدافند هوایی و آتش توپخانه ، با وجود پیشروی شجاعانه رزمندگان در مواضع دشمن و حضور در غرب رودخانه دجله ، آنها سرانجام پس از یک هفته نبرد از بخش اعظم مناطق تصرف شده ، عقب‌نشینی کردند .

عملیات بدر ، تکامل یافته عملیات خیبر بود <sup>(۳۱)</sup> لیکن به دلیل شکاف موجود بین خلاقیت و ابتکار عمل طراحان ، فرماندهان و رزمندگان از یک سو و از سوی دیگر مقدرات و امکانات مورد نیاز برای تحقق آن ، زحمات یک ساله آنها به نتایج مطلوب نرسید . یکی از نشریات چاپ لندن در این زمینه می‌نویسد :

« ایرانیها با کارایی بسیار نیروهای خویش را به هنگام رسیدن به اراضی خشک استحکام بخشیدند اما آنها نتوانستند مواضع خویش را حفظ کنند چون از پشتیبانی تدارکاتی و تسلیحاتی و یا پوشش هوایی کافی برای مقابله با ضدحمله عراق برخوردار نبودند . آنها از دو سال پیش نظیر این مواضع را داشته‌اند ولی نتوانسته‌اند آنها را حفظ کنند . نبرد اخیر مقدرات و محدودیتهای هر دو طرف را بخوبی نشان می‌دهد . عراق از جنگ‌افزارهای بسیار زیادی برخوردار بوده و یک نیروی هوایی عظیم دارد و ... » <sup>(۳۲)</sup>

در واقع اجرای عملیات در هور و درهم‌شکستن خطوط دفاعی عراق - که منجر به حیرت عراقیها شد - یکی از مشکل‌ترین و خطرناک‌ترین عملیات رزمی <sup>(۳۳)</sup> و حاصل ابتکار عمل و خلاقیت قوای نظامی ایران بود زیرا بدون برخوردارگی از این ویژگی ، عبور از خطوط دفاعی و استحکامات عراق امکان‌پذیر نبود . × اما لازمه حفظ مواضع تصرف شده ، برخوردارگی از

× یک کارشناس ارشد ارتش آمریکا در مورد این عملیات می‌گوید : در حقیقت این عملیات به عنوان یکی از مشکل‌ترین و خطرناک‌ترین عملیات رزمی تلقی شد و روی آنان که هنوز فکر می‌کنند ایرانیان یک مشت بی‌دست و پای آموزش ندیده فنا تیک هستند ، اثر معکوس می‌گذارد .

تجهیزات دفاعی مناسب بود. <sup>×</sup> کاستیها و نقایص خودی را در این زمینه و متقابلاً برتری قابل توجه عراق سبب می‌شد پس از اجرای پرحجم آتش توپخانه و فشار هواپیماهای عراقی همراه با به‌کارگیری گازهای شیمیایی، حفظ مواضع تصرف‌شده با دشواری مواجه‌گردد و نیروهای خودی به ناچار به مواضع اولیه مراجعت نمایند. <sup>××</sup> استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی با عملیات خیبر به صورت گسترده آغاز شد و همچنان ادامه یافت. بی‌توجهی محافل بین‌المللی در مورد نقض قوانین منع استفاده از سلاحهای شیمیایی، به دلیل تمایلات موجود برای حمایت از عراق با هدف غلبه این کشور بر ایران، وضعیت غیرقابل‌تحملی را به وجود آورد. در واقع تلفات ناشی از به‌کارگیری این سلاحها و تأثیرات روانی آن، قدرت دفاعی ایران را تحت تأثیر قرار داده بود. عراق با درکی که از این مسئله داشت در عملیات بدر بیش از گذشته از سلاحهای شیمیایی استفاده کرد. برابر آمار موجود تنها در طول ۵ روز (از ۲۲ تا ۱۳۶۳/۱۲/۲۷) عراقیها بیش از ۳۰ مورد انواع سلاح شیمیایی را مورد استفاده قرار دادند. <sup>(۳۴)</sup> برخی از منابع نظامی فاش ساختند که عراقیها

<sup>×</sup> سپاه در این عملیات ارزش و اهمیت آتش توپخانه را بیش از گذشته درک کرد. بدین معنا که در سازمان سپاه باید توپخانه گسترش یابد و در عملیات نیز توپخانه ارتش تحت امر عملیاتی سپاه قرار گیرد تا آتش در اختیار فرماندهی باشد. در عملیات بدر این نقض موجب‌گردید در مناطقی که یگانهای سپاه درخواست آتش پشتیبانی می‌کردند، حمایت لازم از آنها صورت نگیرد.

<sup>××</sup> برادر محسن رضایی در این زمینه می‌گوید: «عملیاتی که در هور انجام دادیم، یک هفته کامل کنار دجله بودیم. در عملیات خیبر جای پای خوبی بدست آوردیم. همه اینها نشان می‌داد زمین و طرح و مانور و همه مسائل بسیار خوب انتخاب شده و در جهت استراتژی انجام گرفته است. اما از پیروزی به دست آمده نمی‌توانستیم استفاده بکنیم. مشکل ما ضعف استفاده خودمان از پیروزیها بود. (دشمن به دلیل تفوق استراتژیک به ما اجازه نمی‌داد) ما به اندازه کافی آن سه روز اول زمان داشتیم که بتوانیم پل عزیر را ببندیم؛ کافی بود ۲ گردان نیروی دیگر داشتیم، کافی بود ۲۰۰ قایق دیگر می‌دادیم به لشکر ولیعصر و...» <sup>(۲)</sup>

(مصاحبه با راویان جنگ، نوار شماره ۱۷۳۷۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۲۱ و ۲۲)

در کارخانه‌ای در حدود ۱۰ کیلومتر جاده سامرا - بغداد در حال تولید سلاح شیمیایی می‌باشند و همزمان با اوج‌گیری عملیات بدر، دستور دو برابر کردن تولیدات کارخانه را که گازهای خردل و تابون تولید می‌کند،<sup>۳۵</sup> صادر کرده‌اند.

ابعاد گسترده ناشی از استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی، بتدریج توجه افکار عمومی را به خود معطوف کرد. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا رسماً اعلام کرد در بررسی‌های مقدماتی متقاعد شده‌ایم که عراق از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده است!<sup>۳۶</sup> دبیرکل سازمان ملل (خاویر پرز دکوئیار) نیز پس از دیدار با نمایندگان ایران و عراق، استفاده از سلاحهای شیمیایی را محکوم کرد.<sup>۳۷</sup> در وضعیت جدید سرانجام شورای امنیت طی بیانیه‌ای و با اجتناب از صدور قطعنامه، در ۲۵ آوریل ۱۹۸۵ کاربرد سلاحهای شیمیایی از سوی عراق را محکوم ساخت.<sup>۳۸</sup> کشورهای اروپایی نیز استفاده از این سلاحها را محکوم کردند. سه روز بعد در ۲۸ آوریل ۱۹۸۵ عراق طی یادداشتی به سازمان ملل در مورد صدور بیانیه اعتراض کرد و طارق عزیز وزیر خارجه وقت عراق در مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد:

«عراق برای دفاع از خاک خود هرگونه سلاحی را در اختیار دارد به کار خواهد گرفت!»<sup>۳۹</sup>

برخی از تحلیل‌گران بیانیه اخیر شورای امنیت را به منزله تشویق و ترغیب ایران برای گفتگو درباره مذاکرات صلح در سازمان ملل، ارزیابی کردند. تداوم جنگ در سال ۱۳۶۴ نشان‌دهنده ناکامی استراتژی عراق برای از پا

× برابر مندرجات کتاب سوداگری مرگ نوشته کنت. آر. تیمرمن که به نقل از منابع اطلاعاتی انگلیس و آمریکا نوشته شده است. عراقیها در این کارخانه هر ماه ۶۰ تن گاز خردل تولید می‌کردند. تولید گاز تابون و ساروین تازه آغاز شده بود. و طبق برنامه در طول یک سال تولید ماهانه آن به ۸ تن بالغ می‌گردد. عراقیها نیازمندیهای خود را از آلمان، هلند، انگلیس و بازار مشترک تأمین می‌کردند. (ص ۳۷۹)

در آوردن ایران بود . صرف نظر از مقاومت ایران در برابر فشارهای رو به گسترش عراق و تأثیر آن بر عقیم گذاردن اهداف این کشور ، بنابر ارزیابی تحلیل گران نظامی ، عراق علی رغم برتری قابل توجهی که در زمینه تجهیزات نظامی به دست آورده بود ، همچنان دچار ضعف و کاستی بود . در کاربرد این تجهیزات و نتیجه گیری از عملیات بدر ، برخی از منابع غربی ناتوانی عراق در هدف گیری دقیق در حملات هوایی به تهران و به نفتکشها را به ضعف تاکتیکی خلبانان عراقی نسبت دادند .<sup>(۴۰)</sup> آنتونی کردزمن معتقد است : « عراق فاقد ترکیب هواپیما و موشکهای زیاد با شعاع عمل گسترده هوایی و قدرت حمل سلاح برای انجام حملات هوایی پر حجم علیه مردم ایران بوده است . ضمن اینکه عراق نتوانست حملات خود را دقیقاً بر اهداف آسیب پذیر اقتصادی چون نیروگاهها و پالایشگاههای نفتی متمرکز سازد .<sup>(۴۱)</sup> وی معتقد است این ضعف و ناتوانی در رسیدن به اهداف استراتژیک ، از فقدان تکنولوژی ریشه می گرفت . علاوه بر این ، عراق از سازمان نظامی و فرماندهی مناسب برخوردار نبود ، به همین دلیل حملات عراق همواره نتایج استراتژیک و سیاسی عمده ای به دست نداد .<sup>(۴۲)</sup> »

با فرارسیدن تابستان ۱۳۶۴ در حالی که تهدیدات عراق برای حمله مجدد به شهرها و اماکن غیرنظامی ادامه داشت ، لطیف جاسم وزیر اطلاعات عراق طی مصاحبه ای تهدید کرد که عراق حملات خود علیه کشتیرانی در خلیج فارس را تشدید خواهد کرد . تا بدین وسیله ایران را وادار به نشستن بر سر میز مذاکره کند .<sup>(۴۳)</sup> وزیر نفت عراق پیش از این اعلام کرده بود عراق به نفتکشهایی که به بنادر ایران نزدیک شوند حمله خواهد کرد زیرا این بنادر شاهرگ اقتصاد ایران که ماشین جنگی این کشور را تغذیه می کند ، می باشند .<sup>(۴۴)</sup> »

به نظر می رسد عراق پس از عملیات بدر در مرحله جدیدی از حملات

خود ، به تأسیسات نفتی جزیره خارک که محل صدور نفت ایران بود ، حمله خواهد کرد . این اقدام عراق به منزله بنیان نهادن گسترش دامنه جنگ ارزیابی شد .<sup>(۴۵)</sup> آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ و رئیس وقت مجلس شورای اسلامی با درکی که در مورد اهداف عراق داشت ، گفت :

« آنها می‌خواهند ما را از خارک محروم کنند تا نتوانیم نفت صادر کنیم ، ولی ما می‌توانیم در مقابل هر کشتی یک کشتی از آنها را بزنیم و مسئولیت هیچکدام را به عهده نگیریم و به فرض اینکه به عراق امکاناتی بدهند که هیچ کشتی نتواند نفت ما را ببرد ، ما تنگه هرمز را براحتی می‌بندیم . »<sup>(۴۶)</sup>

عراق سرانجام در ۲۴ مرداد ۱۳۶۴ پایانه‌های نفتی ایران در خارک را مورد حمله قرار داد . گزارشهای اولیه حاکی از انهدام پایانه‌های T و H در دو سوی جزیره بود . بنابر گزارشهای موجود ، عراق در حمله به خارک از موشک‌های پیشرفته فرانسوی " آرما " استفاده کرد \* که قادر به ردیابی رادار بودند .<sup>(۴۷)</sup> این اقدام عراق مشکلات جدیدی را برای صدور نفت ایران به وجود آورد .

همزمان با حمله عراق پایانه‌های نفت ایران در جزیره خارک ، حملات هوایی عراق علیه مردم غیرنظامی در شهرها ( مرحله دوم آن از خرداد ۱۳۶۴ آغاز شد ) ادامه داشت . آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ وضعیت دشوار ایران را چنین ترسیم می‌کند :

« ما الان وضع امکانات و درآمدمان نمی‌کشد ، به سختی خودمان را تجهیز و یا کالایی را فراهم می‌کنیم . از نظر نظامی و امکانات مربوطه مشکلات داریم . الان فشار اقتصادی می‌آورند و نفت ما را نمی‌خرند . الان ما در وضع ضعیفی حرکت می‌کنیم و ظرف این دو ماه قدرت خرید ما مقدار زیادی پایین آمده ،

\* این موشک بسیار پیچیده و پیشرفته بود و شرکت سازنده آن نسبتاً به انتشار هرگونه عکس در مورد آن خودداری کرد و در سیاهه طبقه‌بندی شده تسلیحات عراق که در اوت ۱۹۹۰ توسط سازمان اطلاعات ارتش فرانسه تهیه و ارائه شد ، جای آن خالی بود .  
( سوداگری مرگ ، ص ۴۲۱ )

امکان فروش نفت در آن سطحی که می‌خواهیم نیست. اینها در طول زمان برای کشور مشکل است. « (۴۸)

هر اقدام نظامی ایران بطور طبیعی نتایجی را در بهبود وضعیت سیاسی - نظامی ایران داشت، لیکن عدم دستیابی به پیروزی عملاً منجر به تقویت موقعیت عراق و به منزله اثبات توانایی این کشور برای دفاع در برابر تهاجمات ایران ارزیابی می‌شد. فرمانده عالی جنگ در همین زمینه می‌گوید:

« تا یک ضربه می‌زنیم شرایطمان بهتر می‌شود، اما رکود که پیدا می‌کند وضع کم‌کم بدتر می‌شود. « (۴۹)

در فضای ناشی از تشدید فشارها تدریجاً این سؤال مطرح می‌شد که "چه می‌خواهید بکنید؟" (۵۰) امام خمینی برای رفع هرگونه تردید در مورد ادامه جنگ، در ملاقات با مسئولین "ادامه جنگ به صورت قاطع" را مورد تأکید قرار دادند و چنین نقل شد که ایشان فرموده‌اند:

« حتی اگر یک خانه سالم مانده باشد و یک نفر در این مملکت زنده مانده‌باشد، این جنگ را ادامه خواهیم داد. « (۵۱)

براساس ضرورتهای یادشده، بلافاصله پس از عملیات بدر، برادران ارتش با مسئولیت فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش، عملیات کمیل را در منطقه هور طحریزی و آماده کردند. در این عملیات برادران ارتش قصد داشتند از محور ضلع شرقی جزیره جنوبی تا نشوه پیشروی کرده و از آنجا خود را به طرف شرق گسترش داده و تا طلائیه و سپس کوشک باز شوند. هدف نهایی این عملیات رسیدن به نزدیکی بصره از طریق غرب کانال ماهیگیری بود. (۵۲)

در این عملیات قرار بود یگانهای سپاه تحت امر ارتش قرار گیرد و فرمانده سپاه نیز به عنوان معاون عملیات باشد. تأکید بر شیوه‌ای مغایر با انتخاب گذشته جنگ، تحت عنوان اصول کلاسیک و تأکید بر تدبیر فرماندهی به



جای بحث و بررسی که پیش از این انجام می‌شد و سایر موارد ، مشکلاتی را ایجاد کرده‌بود . نظر به اهمیت اجرای این عملیات ، برادر رضایی به فرماندهان یگانهای سپاه چنین نوشت :

« با برادر صیادشیرازی که از طرف اینجانب هم مسئولیت دارد ، مسائلتان را در میان بگذارید ؛ هر تصمیمی ایشان بگیرد ، واجب‌الاطاعه است و چون این عملیات مورد تصویب مسئولین بوده و به اطلاع شخص امام نیز رسیده است ، لذا به برادران بگویید آبروی اسلام و سپاه و رزمندگان به عمل شما بستگی دارد . (۵۳) »

در هر صورت ، با وجود محاسن بسیاری که برای اجرای عملیات کامل به صورت ذهنی بر شمرده می‌شد . (۵۴) و علی‌رغم اینکه یگانهای خط‌شکن سپاه برای نخستین بار به این شکل تحت امر ارتش قرار می‌گرفتند ، به علل مشکلاتی که در طرحریزی عملیات وجود داشت ، پس از تعویقهای مکرر ، ( و سرانجام تعویق از فروردین به اردیبهشت ) در نهایت به دلیل عدم انطباق راه‌کارها با واقعیات ، اجرای آن منتفی شد . (۵۵)

سرانجام عملیات کامل بسیار قابل توجه بود . پیش از این بسیاری از مسئولین و تصمیم‌گیرندگان جنگ چنین تصور می‌کردند که با واگذاری مسئولیت جنگ به ارتش و قراردادن یگانهای سپاه تحت کنترل ارتش ، مسائل و مشکلات جنگ حل خواهد شد ؛ به همین دلیل علی‌رغم آنکه ضعفها و کاستیهای طرحریزی در عملیات کامل مرتباً به فرمانده عالی جنگ اطلاع داده می‌شد ، لیکن چندان مورد توجه قرار نگرفت .

با پیدایش وضعیت جدید در صحنه جنگ و ملاحظات سیاسی - اقتصادی که به وجود آمده بود ، ضرورت اجرای عملیات مطرح گردید . سپاه و ارتش طرحهای پیشنهادی خود را ارائه کردند . برادران ارتش پس از آنکه عملیات کامل انجام نشد ، مناطق مختلفی مانند کوشک و شلمچه در



جنوب و سیدکان در غرب را پیشنهاد کردند. × (۵۶) سپاه بر اساس درکی که از روند تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر داشت، مشکل اساسی جنگ را در استراتژی و میزان اختصاص منابع و امکانات کشور، برای جنگ ارزیابی می‌کرد. شکست در عملیات بدر در چارچوب این تحلیل، به منزله شکست در "استراتژی حرکت محدود و شتابزده" تعبیر می‌شد. مشخصه این استراتژی ×× کسب پیروزی با یک عملیات، بدون برخورداری از برنامه درازمدت و در نظر گرفتن افزایش توان، گسترش سازمان رزم و با محاسبه حرکت‌های احتمالی دشمن بود. (۵۷)

فرمانده کل سپاه بر پایه این ملاحظات با فراخوانی فرماندهان مناطق پنجگانه سپاه، قرارگاهها و برخی یگانها به تهران، از آنها خواست صرف نظر از وضعیت موجود، طرحها و نظریات خود را برای ادامه جنگ پیشنهاد کنند، تا به شورای عالی دفاع ارائه شود. (۵۸)

به موازات اقدامات مذکور، توجه به تحرکات دیپلماتیک که از تابستان ۱۳۶۳ با سفر گنشر وزیر خارجه وقت آلمان به ایران آغاز شده بود با سفر آقای هاشمی به کشورهای سوریه، لیبی، چین و ژاپن در تابستان ۱۳۶۴ ابعاد جدیدی به خود گرفت. طی این مدت بحث‌هایی در دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت خارجه در باب سیاست خارجی ایران تحت عنوان

---

× البته به دلیل آنکه برادران ارتش در این مقطع بررسی‌های خود را جداگانه انجام داده و پیشنهاد می‌کردند، اطلاعات یاد شده بر اساس گزارش‌هایی است که در جلسات مشترک مطرح می‌شد و اطلاع دقیقی از کم و کیف آن را در اختیار این مرکز نیست.

×× آقای هاشمی قبل از عملیات بدر در مورد این استراتژی می‌گوید: «ما بعد از فتح خرمشهر یک سیاستی را اتخاذ کردیم که یک جایی را از دشمن بگیریم که در صورت ادامه جنگ، برای دشمن اهمیت داشته باشد و نتواند تحمل کند. در این صورت اگر جنگ هم متوقف بشود، می‌توانیم امتیازاتی از دشمن بگیریم.

(سند شماره ۰۲۲۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، "مسائل اساسی جنگ و

سپاه پس از بدر"، آذر ۶۵، ص ۳۰، به نقل از جلسه قرارگاه خاتم‌الانبیاء، ۱۴/۱۰/۶۴)

"سیاستهای درهای باز" انجام گرفت. در یکی از همین جلسات بر این مسئله تأکید شد که باید "روابط با هر کشوری عادی شود مگر دلیل خاصی آن را محدود کند." (۵۹) همچنین بیان شد که «لازمه دیپلماسی ارتباط است. اگر ما نباشیم در غیاب ما سرنوشت ما رقم زده می‌شود. ولی اگر باشیم به قدر لیاقت و کارمان در تعیین سرنوشتمان دخالت خواهیم داشت.» (۶۰)

وزیر خارجه ایران نیز در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به سؤال نمایندگان مجلس در مورد سیاست خارجی ایران بر همین مسئله تأکید کرد.

صرف‌نظر از کلیه ملاحظات، به نظر می‌رسد ارزیابی جدید در مورد قدرت رو به افزایش عراق\* و مشکلات و دشواریهای ایران برای دستیابی به پیروزی، نقش بسیاری در ساماندهی مجدد سیاست خارجی ایران داشت. بنابر ارزیابیهای موجود ارکان قدرت عراق بر سه عامل: "کمکهای تسلیحاتی فرانسه، حمایت‌های مالی ارتجاع عرب در منطقه و همکاری تسلیحاتی شوروی با عراق" استوار بود. جمهوری اسلامی برای خنثی کردن و تضعیف این عوامل اقدامات جدیدی را شروع کرد. از جمله روابط جدید با فرانسه آغاز شد. این تماسها گرچه تأثیری بر کاهش حمایت فرانسه از عراق نداشت ولی فضای جدیدی را برای تحرکات دیپلماتیک ایران و برای تماس با اروپا فراهم ساخت. توماس مک‌تاور (کارشناس نظامی) با توجه به روابط

× در همین وضعیت سیل ارسال سلاح به عراق همچنان ادامه داشت طوری که در خرداد ۱۳۶۴ طارق عزیز اعلام کرد: عراق موشکهای پیشرفته و تسلیحات بیشتری خواهد گرفت. شیخ صباح الاحمد نیز در ملاقات با یک هیأت ایرانی گفت: صدام در مورد جنگ مشغول رسیدن به توافقهایی با شوروی است. برابر گزارش روزنامه دی‌ولت چاپ آلمان، آمریکا نیز قرار است ۲۰ هلی‌کوپتر مدرن بل‌هاوک به مبلغ ۳۰ میلیون دلار به عراق واگذار نماید. (۶۴/۳/۸) گذری بر پنجمین سال جنگ تحمیلی از انتشارات روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، ص ۱۷۴، فرانسویها نیز در همین موقعیت ۶۰ هواپیمای میراژ ۲۰۰۰ به عراق تحویل دادند. (همان، ص ۱۷۴، به نقل از مجله جینزدیفنس). بنابر گزارشهای مطبوعات امارات به نقل از لوموند، کیسینجر و راکفلر نیز اخیراً معاملاتی را به ارزش میلیاردها دلار برای تحویل اسلحه برزیل به عراق ترتیب داده‌اند. (همان - ص ۱۷۱).

سیاسی - اقتصادی ایران با آلمان ، فرانسه ، بریتانیا و ژاپن ، گفت : « به هر صورت این روابط علامت مثبتی است که می‌تواند در آینده به تحولی مثبت‌تر منجر شود . »<sup>(۶۱)</sup> همچنین گفتگو با روسها بویژه پس از روی کار آمدن گورباچف ، موقعیت جدیدی را برای ایران فراهم ساخت که به هنگام حمله عراق به تهران ، آثار آن با حملات موشکی ایران به بغداد آشکار شد . ضمن اینکه روسها از تحویل موشک به عراق اجتناب کردند و برای حل مسئله افغانستان انتظارات خود را از ایران بیان داشتند . گرومیگو وزیر خارجه وقت شوروی حتی در اردیبهشت ۱۳۶۴ آمادگی شوروی برای نظارت بر مذاکرات صلح میان ایران و عراق را اعلام کرد :

سفر سعودالفیصل وزیر خارجه عربستان به ایران بخشی از نتایج شکل‌گیری روند جدید در سیاست خارجی ایران بود . همچنین ایران از بیانیه سازمان ملل مبنی بر محکومیت به کارگیری سلاح شیمیایی ، در فروردین ۱۳۶۴ ، استقبال کرد که به گفته آقای هاشمی برای اولین بار سازمان ملل به واقعیت جنگ توجه نشان داد . اینها تماماً آثار و نتایج همین روند بود که تدریجاً آشکار می‌شد .

توجه جدیدی که در این مرحله به ایران صورت گرفت به نظر می‌رسد متأثر از چند مسئله بود . نخست آنکه با نگرش درازمدت به روند جنگ و اوضاع منطقه ، تقویت و تجهیز عراق در هر صورت منشأ پیدایش نوعی نگرانی در مورد رفتارهای سیاسی و نظامی احتمالی عراق در آینده بود . ثانیاً پیش‌بینی‌های موجود در مورد از پای درآمدن ایران با واقعیات انطباق نداشت<sup>×</sup> و جمهوری اسلامی همچنان برای اجرای عملیاتهای محدود و

× در خرداد ۱۳۶۴ همزمان با روز قدس در حالی که حملات عراق به شهرها ادامه داشت به درخواست آقای هاشمی مردم برای حمایت از جنگ به تظاهرات فراخوانده شدند . حضور گسترده مردم در این تظاهرات به گونه‌ای بود که خبرگزاری فرانسه به خاطر وسعت تظاهرات ، آنرا با تجمعهای عظیم اوائل انقلاب قابل مقایسه -

گسترده در جبهه‌های جنگ و اقدامات تلافی‌جویانه در برابر حملات عراق به نفتکشها و اماکن غیرنظامی، از توانایی لازم برخوردار بود. ضمن اینکه همچنان احتمال وقوع حوادث غیرمترقبه و دستیابی ایران به پیروزی، قابل پیش‌بینی و موجب نگرانی بود. فراتر از این مسائل، بحثهای جدیدی بود که چند تن از نمایندگان در مجلس شورای اسلامی تحت عنوان مجمع عقلا در مورد برقراری صلح انجام می‌دادند<sup>x</sup> و در وزارت خارجه نیز بحثهای دیگری با عنوان "سیاست درهای باز" در سیاست خارجی دنبال می‌شد. این رخدادها منجر به پیدایش تحلیلهایی جدید در رسانه‌های خارجی درباره وجود گرایشهای دوگانه در ایران در زمینه ادامه جنگ شد. هنری کیسینجر وزیرخارجه اسبق آمریکا و طراحان و صاحب‌نظران سیاست خارجی آمریکا طی تحلیلی که در روزنامه واشنگتن‌پست در اسفند ۱۳۶۴ منتشر شد، نوشت:

«نفع آمریکا در جلوگیری از سقوط دول مقتدر عرب است که آن هم مستلزم عقیم‌گذاردن ایران است. اما از طرفی ایران ضعیف نیز به نفع شوروی خواهد بود. ایران محور طبیعی برای اهداف روسیه در پیشروی به سوی اقیانوس هند است.

غرب باید از شکست عراق جلوگیری کند، اما نه به نحوی که ایران از هم بپاشد. ایران یکپارچه که سیاست ملی معتدل را دنبال کند با منافع غرب هماهنگی خواهد داشت. سیاست منزوی کردن ایران تا موقعی درست است که

← دانست. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، "گزارشهای ویژه"، ۱۳۶۴/۳/۲۵، خبرگزاری فرانسه، ۶۴/۳/۲۴)

x زمانی که حفظ و نگهداری منطقه تصرف شده در عملیات بدر با دشواری روبه‌رو شد و فرماندهی در حال تصمیم‌گیری بود، آقای روحانی نماینده مجلس که در قرارگاه حضور داشت، به وجود این جمع و تلاش آنها برای خاتمه دادن به جنگ اشاره کرد. امام‌خمینی با حساسیتی که در مورد این مسئله داشتند، دستور فرمودند جلسات مزبور تعطیل شود.

تهران توسط متعصبیهای توسعه طلب رهبری شود لذا آمریکا باید دروازه‌ها را به تهران نبندد، اگر یک جو واقعیت‌گرایی بر تهران حکمفرما شود. ×

به عقیده من سیاست عاقلانه آمریکا باید دو طریق را به موازات هم پییماید. ایستادگی در برابر توسعه طلبی‌های ایرانی‌ها همگام با برقراری یک رابطه سازنده، آنگاه که واقعیت‌های خودشان را نشان بدهند. (۶۲)

**این نظریات کیسینجر علاوه بر اینکه مورد توجه و اشاره بسیاری از تحلیل‌گران قرار گرفت، بتدریج آثار خود را در سیاست خارجی آمریکا نمایان ساخت.**

در ادامه تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک، سفر آقای هاشمی به سوریه و حل معضلات گروگان‌گیری هواپیمای آمریکایی تی‌دبلیو (T - W) و سپس اظهارات ایشان در سفر به چین و ژاپن درباره ابعاد رابطه با آمریکا بسیار مورد توجه قرار گرفت. برابر شواهد و قرائن موجود زمینه شکل‌گیری ماجرای موسوم به مک‌فارلین ×× و برقراری رابطه پنهانی میان ایران و آمریکا نیز از همین جا شروع شد.

مهمترین رخداد جنگ در ماه پایانی پنجمین سال جنگ، صدور حکم امام خمینی به سپاه برای تشکیل سه نیروی هوایی، دریایی و زمینی بود. بنا به گفته سردار رضایی این اقدام بیش از آنکه متأثر از درخواست سپاه باشد، بر پایه درک امام از اوضاع جنگ و ضرورت‌های موجود بود. (۶۳) به نظر می‌رسد

---

× برژینسکی مشاور امنیت کارتر مشابه نظریات کیسینجر را مطرح کرد و گفت: «هدف غرب می‌بایست این باشد که از شکست عراق جلوگیری کند، ولی نه به طریقی که ایران را فرسوده و بی‌نظام سازد. زیرا یک ایران متحد با اهداف سیاسی میانه‌رو با منافع آمریکا در ثبات خلیج فارس مطابق است، به همین منظور سیاست منزوی نمودن ایران تا جایی صحیح است که دولت تهران به وسیله افراطیون توسعه طلب رهبری می‌شود.»

(دفتر سیاسی سپاه، خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ، ۱۳۶۶، ص ۷۸)

× در فصل هشتم توضیح داده خواهد شد.

امام با توجه به روند تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر و ضرورت‌های موجود برای تقویت سپاه ، حکم تشکیل سه نیرو را صادر فرمودند . در عین حال این حکم نشان‌دهنده انتظار امام از سپاه برای حل معضلات جنگ نیز بود .

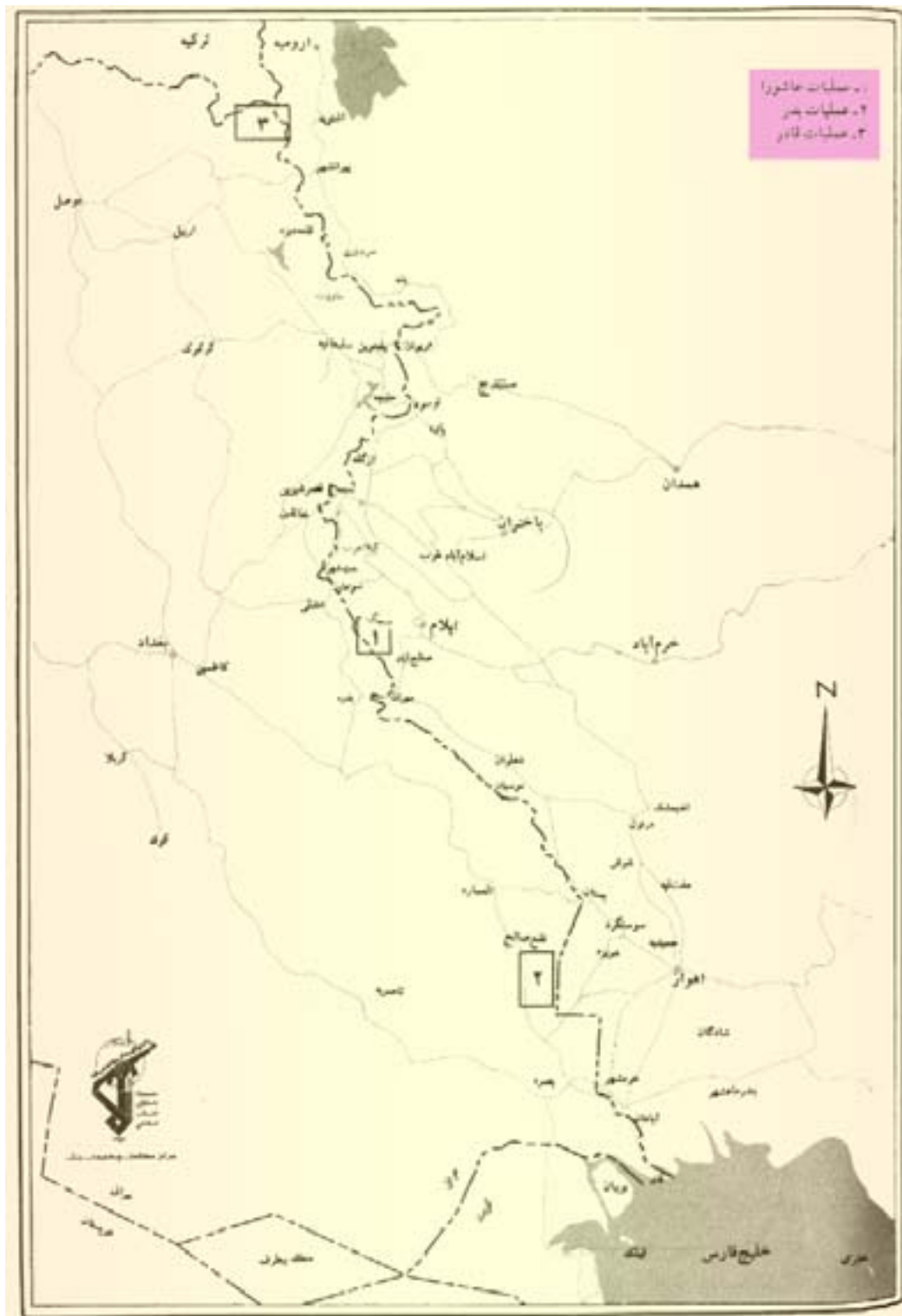
بدین ترتیب با گسترش دامنه جنگ از زمین به دریا و شهرها ، از یک سو ادامه جنگ با دشواریهای بسیار همراه بود و از سوی دیگر موانع پایان بخشیدن به جنگ با توجه به برتری عراق ، به نحوی آشکار افزایش یافته بود .  
حال جای این سؤال وجود دارد که « ایران در چنین وضعیتی چگونه می‌توانست با تغییر توازن نظامی به سود خود ، جنگ را پایان دهد ؟ »

## منابع و مأخذ فصل ۶ (جنگ در سال پنجم)

- ۱ - کنت آر . تیمرمن . سوداگری مرگ ، ترجمه احمد تدین ( تهران : مؤسسه خدمات فرهنگی رسا ، چاپ دوم ۱۳۷۶ ) ، ص ۳۱۵ .
- ۲ - پیشین ، ص ۴۴۳ .
- ۳ - روابط عمومی فرماندی کل سپاه ، " گزارش رسمی کمیته روابط خارجی سنای امریکا ، پس از سفر به منطقه " ، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی ، دی ماه ۱۳۶۳ ، ص ۲۲ .
- ۴ - پیشین .
- ۵ - مأخذ شماره ۳ .
- ۶ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۲ .
- ۷ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۳۸ .
- ۸ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۱۳ .
- ۹ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۲۵ .
- ۱۰ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۱۳ .
- ۱۱ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۲۴ .
- ۱۲ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۲۷ .
- ۱۳ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۱۲ .
- ۱۴ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۳ .
- ۱۵ - پیشین .
- ۱۶ - محمد درودیان ، از خرمشهر تا فاو ( تهران : مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، چاپ چهارم ، اسفند ۱۳۷۵ ) ، ص ۹۸ .
- ۱۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارشهای ویژه " ، نشریه شماره ۲۱۸ ، ۱۳۶۳/۸/۲ ، باختران .
- ۱۸ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارشهای ویژه " ، نشریه شماره ۲۱۶ ، ۱۳۶۳/۷/۳ ، روزنامه " واگنش بهیتر " ، چاپ سوئد ، ۱۳۶۳/۸/۱ .
- ۱۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارشهای ویژه " ، نشریه شماره ۲۵۳ ، ۱۳۶۳/۹/۷ .
- ۲۰ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارشهای ویژه " ، نشریه شماره ۳۵۳ ، ۱۳۶۳/۱۲/۱۷ ، رادیو بغداد ، ۱۳۶۳/۱۲/۱۶ .
- ۲۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارشهای ویژه " ، نشریه شماره ۳۶۰ ، ۱۳۶۳/۱۲/۲۴ ، روزنامه کاردین چاپ انگلستان ، ۱۳۶۳/۱۲/۲۳ .
- ۲۲ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارشهای ویژه " ، نشریه شماره ۳۵۴ ، ۱۳۶۳/۱۲/۱۹ ، رادیو امریکا ، ۱۳۶۳/۱۲/۱۸ .
- ۲۳ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارشهای ویژه " ، نشریه شماره ۶۹ ، ۱۳۶۳/۳/۷ ، روزنامه واشنگتن پست ، ۱۳۶۳/۳/۶ .
- ۲۴ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارشهای ویژه " ، نشریه شماره ۳۶۰ ، ۱۳۶۳/۱۲/۲۴ ، رادیو امریکا ، ۱۳۶۳/۱۲/۲۳ .
- ۲۵ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارشهای ویژه " ، نشریه شماره ۳۶۱ ، ۱۳۶۳/۱۲/۲۵ ، خبرگزاری یونایتد پرس ، ۱۳۶۳/۱۲/۲۴ .
- ۲۶ - مأخذ شماره ۱۶ ، ص ۹۴ .
- ۲۷ - سند شماره ۱۲۸۳/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه ، " عملیات بدر " ، گزارش راویان قرارگاهها و لشکرهای سپاه در عملیات بدر ، جلسه فرمانده کل سپاه پاسداران با فرماندهان یگانها ، ۱۳۶۳/۱۱/۳۰ ، قرارگاه خاتم الانبیاء .
- ۲۸ - سند شماره ۱۵۳۰۹/پ ن ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ : مصاحبه راویان جنگ با فرمانده کل سپاه ، نوار شماره ۱۷۳۷۷ ، ۱۳۶۵/۵/۳ ، ص ۲۱ و ۲۲ .
- ۲۹ - پیشین ، ص ۲۲ .
- ۳۰ - مأخذ شماره ۲۸ ، ص ۲۵ .
- ۳۱ - سردار محسن رضایی ، " تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق " ، دانشکده دافوس سپاه پاسداران ( دوره عالی

- جنگ )، ۱۳۷۵/۲/۲۰ .
- ۳۲ - روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، بولتن " تحولات یکساله جنگ تحمیلی در مطبوعات جهان "، شهریور ۱۳۶۳ تا شهریور ۱۳۶۴ ( به نقل از فاینشال تایمز، ۱ آوریل ۱۹۸۵ )، ص ۳۵ .
- ۳۳ - روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، " مایکل جانسون، کارشناس ارشد ارتش امریکا "، تیرماه ۶۴، ص ۴ .
- ۳۴ - روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، گذری بر پنجمین سال جنگ تحمیلی، شهریور ۱۳۶۴، ص ۵۱ .
- ۳۵ - پیشین، ص ۱۷۱ .
- ۳۶ - مأخذ شماره ۳۴، ص ۶۳، ۱۳۶۴/۱/۷ .
- ۳۷ - مأخذ شماره ۳۴، ص ۶۴، ۱۳۶۴/۱/۷ .
- ۳۸ - مأخذ شماره ۳۴، ص ۱۸۹ .
- ۳۹ - مأخذ شماره ۳۴، ص ۵۰ .
- ۴۰ - مأخذ شماره ۳۲ .
- ۴۱ - آنتونی کردزمن و آبراهام آر . واگنر، درسهایی از جنگ مدرن (جلد دوم: جنگ ایران و عراق)، ترجمه: حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۲۲۹ .
- ۴۲ - پیشین، ص ۲۲۵ .
- ۴۳ - مأخذ شماره ۳۴، ص ۱۵۶ .
- ۴۴ - پیشین .
- ۴۵ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، " گزارشهای ویژه "، نشریه شماره ۱۸۷، ۱۳۶۳/۷/۱، جان هیوز، ۱۳۶۳/۶/۳۱ .
- ۴۶ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۳/۱۰/۸ .
- ۴۷ - مأخذ شماره ۱، ص ۴۹ .
- ۴۸ - سند شماره ۰۲۲۱/گ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، " مسائل اساسی جنگ و سپاه پس از عملیات بدر "، آذرماه ۶۵، گزارش جلسه قرارگاه خاتم آوریل ۱۳۶۴/۶/۲۶، ص ۹ .
- ۴۹ - پیشین .
- ۵۰ - مأخذ شماره ۴۸ .
- ۵۱ - مأخذ شماره ۴۸، ص ۱۰ .
- ۵۲ - مأخذ شماره ۴۸، ص ۱۲، برادر علیی ۱۳۶۴/۳/۴ .
- ۵۳ - مأخذ شماره ۴۸، ص ۱۵ .
- ۵۴ - مأخذ شماره ۴۸، ص ۱۵ .
- ۵۵ - مأخذ شماره ۴۸، ص ۲۵-۲۴ .
- ۵۶ - مأخذ شماره ۴۸، ص ۲۷ .
- ۵۷ - مأخذ شماره ۴۸، ص ۳۰ .
- ۵۸ - مأخذ شماره ۴۸، ص ۱۰ .
- ۵۹ - لاریجانی، مقولاتی در سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، اسفندماه ۱۳۶۳، ص ۱۲۵ .
- ۶۰ - سیروس ناصری، گزارش سمینار، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۴، ص ۲۳ .
- ۶۱ - دفتر سیاسی سپاه پاسداران، خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ، شهریور ۱۳۶۶، ص ۶۲ .
- ۶۲ - روزنامه کیهان، ۱۳۶۳/۱۱/۱۷ .
- ۶۳ - مأخذ شماره ۳۱، سال ۱۳۷۴ .





راهنمای عملیات سال پنجم جنگ ( شهریور ۶۳ - شهریور ۶۴ )

<http://www.ciw8.net>

## فصل ۷

جنگ در سال ششم

### تغییر توازن به سود ایران

شهریور ۱۳۶۴ تا شهریور ۱۳۶۵

رژیم عراق روند تحولات جنگ در چهار سال گذشته و حفظ موقعیت دفاعی خود را ناشی از برتری تسلیحاتی و اطلاعاتی ارزیابی می‌کرد. بدین معنا که رزمندگان اسلام پس از درهم شکستن خطوط دفاعی دشمن با برتری آتش توپخانه، قدرت هوایی<sup>×</sup> و قوای زرهی ارتش عراق مواجه می‌شدند که این برتری مانع از تثبیت مواضع تصرف شده می‌گردید. درک عراق از عوامل مؤثر در حفظ موقعیت دفاعی نیروهای عراقی در برابر ایران، آنها را بیش از گذشته در مورد خرید تکنولوژی دفاعی، سلاح و تجهیزات ترغیب می‌کرد. حامیان عراق نیز بر پایه همین ملاحظه، همچنان سیل سلاح و تجهیزات نظامی را به سوی عراق سرازیر می‌کردند.

عراقیها مایل بودند بیش از خرید سلاح، تکنولوژی نظامی خریداری کرده و از توانایی لازم برای تولید نیازمندیهای دفاعی و بهسازی سلاحها برخوردار شوند. از اوایل سال ۱۹۸۶، شواهد و قرائن موجود نشان‌دهنده برخورداری عراق از تولیدات نظامی در داخل عراق بود. دیپلماتهای غربی در بغداد به دولتهای متبوع خود گزارش دادند که عراق از بمبها و مهمات

<sup>×</sup> تفوق هوایی عراق نسبت به ایران، برابر اظهارات رابرت اسبوت تحلیل‌گر نظامی موسسه بین‌المللی تحقیقات استراتژیک لندن، شش بر یک بود. (روزنامه رسالت، ۶۵/۲/۱۴، به نقل از میدل ایست)

ساخت داخل استفاده می‌کند. <sup>(۱)</sup> بنا به گزارش یکی از سفارتخانه‌ها، عراق کارخانه‌هایی دایر کرده‌بود که تانکهای تی - ۵۵ ساخت شوروی را به لوله پرقدرت ۱۰۵ میلیمتری مجهز می‌ساخت که همراه گلوله‌های ساخت غرب از این تانکها سلاحهای پرقدرتی ساخته بود. <sup>(۲)</sup> ژنرال عامر رشیدالعبيدی مدیر شورای پژوهش علمی عراق در فوریه ۱۹۸۶ طی مصاحبه‌ای در بغداد اعلام کرد:

«می‌خواهیم صنایع الکترونیکی خاص خود را در دستگاههایی بی‌پردازیم که استقلال و آزادی عمل ما را در حال و آینده تضمین نماید... تکنولوژی نظامی یکی از اولویتهای بزرگ دولت ما است از همین رو تلاش می‌کنیم مجهز به آن نوع تکنولوژی شویم که به بهترین وجه توسعه و رشد صنعتی را تضمین کند.» <sup>(۳)</sup>

در این روند عراقیها از توانایی لازم برای سوار کردن موشکهای فرانسوی بر هواپیماهای شوروی و برعکس برخوردار شدند. <sup>(۴)</sup> در عین حال عامر رشید معتقد بود عراق هنوز تجهیزاتی به دست نیاورده است که صددرصد با انتظارات این کشور همخوانی داشته باشد. <sup>(۵)</sup>

در ژوئیه ۱۹۸۶ پنتاگون در نبرد بر سر صدور تکنولوژی به عراق بازنده شد. در نشست شورای امنیت ملی امریکا (NSC) از پنتاگون خواسته شد مانع از صدور پروانه صادراتی تکنولوژی پیشرفته به عراق نشود. در واقع شرکت‌های آمریکایی از اختیارات لازم برای کمک به عراق در زمینه‌های مختلف از جمله تولید موشکهای دوربرد برخوردار شدند. <sup>(۶)</sup>

ویلیام اشنایدر دستیار امور خارجه آمریکا در مسائل امنیتی که مسئولیت عملیات استانیچ را برعهده داشت در فوریه ۱۹۸۶ به بغداد سفر کرد تا در مورد توسعه رو به افزایش دادوستد میان آمریکا و عراق مذاکره کند. <sup>(۷)</sup> این اقدام آمریکاییها در حالی صورت گرفت که اسرائیلی‌ها نسبت به آن

نگران بودند. چنانکه در مورد توسعه و تحول مجتمع " سعد ۱۶ " مرکز تحقیقات نظامی عراق در نزدیکی موصل ابراز نگرانی کردند و بعدها نیز عراقیها مدعی شدند که یکی از هواپیماهای شناسایی اسرائیل را بر فراز این مجتمع سرنگون ساخته‌اند. (۸)

کمک اطلاعاتی آمریکا به عراق به عنوان یکی از مهمترین نیازمندیهای این کشور، در صدر موافقت‌های عراق و آمریکا در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) بود. آمریکاییها در مورد فعالیت نیروی هوایی ایران اطلاعات ذیقیمتی در اختیار عراق قرار می‌دادند. این اطلاعات را آواکسهای آمریکایی مستقر در ریاض جمع‌آوری می‌کردند. هواپیماهای عراق بر اساس همین اطلاعات بود که برای نخستین بار جزیره ایرانی سیری را مورد حمله هوایی قرار دادند و در راه بازگشت با استفاده از تانکر ساخت شرکتهای آمریکایی به سوختگیری اقدام کردند. (۹) گزارش اطلاعاتی آمریکاییها در مورد آرایش نیروهای نظامی ایران نیز منجر به پیوند محرمانه اطلاعاتی آمریکا و عراق بود. در اوت ۱۹۸۶ واشنگتن پست طی گزارشی نوشت: آمریکا در مورد آرایش نیروهای نظامی ایران در جبهه‌ها و هدفهای اقتصادی ایران، اطلاعات ماهواره‌ای در اختیار عراق قرار می‌دهد. (۱۰) ویلیام کیسی رئیس پیشین سازمان سیا در سفر به امان پایتخت اردن در سال ۱۹۸۲، با برزان رئیس سازمان اطلاعاتی عراق دیدار کرد. کیسی در سر راه خود به امان در پاریس توقف کرد و با همتای خود، رئیس پیشین سازمان اطلاعاتی فرانسه به تبادل نظر پرداخت. کیسی پیوند اطلاعاتی آمریکا و عراق را برقرار ساخت و آمریکا پیش از اعزام سفیر به بغداد، یک رئیس تمام وقت ایستگاه اطلاعاتی را در بغداد مستقر کرد، رئیس این ایستگاه قبل از هر حمله بزرگ عراق در جبهه جنگ یا حمله دیپلماتیک در جبهه سیاسی، مورد مشورت صدام قرار می‌گرفت. (۱۱)

علاوه بر کمکهای تسلیحاتی و اطلاعاتی آمریکا به عراق، فرانسه نیز

مانند گذشته ارسال تسلیحات به عراق را ادامه می‌داد. × یکی از فرودگاههای پیشین ناتو در فرانسه مرکز بارگیری هواپیماهای نیروی هوایی عراق بود و این هواپیماهای غول‌پیکر باری هر روز به این فرودگاه می‌آمدند و موشکهای ساخت فرانسه، بمب‌خوشه‌ای، فیوز، تجهیزات رادار و تجهیزات الکترونیکی هواپیما را با خود به عراق می‌بردند. محموله‌های تسلیحاتی فرانسه به عراق آن قدر زیاد بود که تقریباً از اواسط سال ۱۹۸۶ حتی هواپیماهای غیرنظامی خطوط هوایی بغداد - پاریس نیز به حمل جنگ‌افزار می‌پرداختند. (۱۲)

شرکتهای انگلیسی نیز بر خلاف آنچه که رسماً اعلام شده بود، فروش سلاح به عراق را ادامه می‌دادند. در این روند از جمله بیش از ۱/۵ میلیارد دلار کالای تکنولوژی پیشرفته به عراق صادر کردند. (۱۳) این در حالی بود که انگلیسیها نتایج استراق‌سمع در دفتر خرید ایران در لندن را در اختیار عراق قرار می‌دادند.

به هر صورت، برابر گزارشهای موجود (۱۴) و به دنبال تقویت توان رزمی و دفاعی عراق، استعداد ارتش این کشور به شرح زیر بود:

- ۵ لشکر زرهی شامل لشکرهای ۳، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۷.
- ۳ تیپ مستقل زرهی شامل تیپهای ۱، ۱، ۲ گارد جمهوری.
- ۲ لشکر مکانیزه شامل لشکرهای ۱ و ۵.
- ۵ لشکر پیاده شامل لشکرهای ۲، ۴، ۷، ۸، ۱۱.
- ۷۰ تیپ مستقل پیاده از نیروهای احتیاط.
- ۱۵ لشکر که پس از شروع جنگ سازماندهی شدند. شامل لشکرهای ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۱ و ۳۵.

× سازمانهای اطلاعاتی فرانسه در نیمه‌های سال ۱۹۸۶ چنین برآورد می‌کردند که اگر فرانسه فقط سه هفته از ارسال سلاح به عراق خودداری کند آن کشور شکست خواهد خورد.

( تیمرمن، سوداگری مرگ، ص ۴۵۳ )

- لشکرهای زرهی و مکانیزه در قالب ۱۲۰ گردان تانک و نفربر با استعداد ۴۵ تا ۵۰ تانک جمعاً ۵۴۰۰ تا ۶۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر .
- ۱۲۰ گردان توپخانه سازمانی .
- مجموع نیروهای پیاده ۵۵۰ گردان .
- بنابر برآوردهای موجود ارتش عراق بر پایه سازمان و نیروی انسانی و تجهیزاتی که در اختیار داشت از تواناییهای زیر برخوردار بود : ×
- « - دشمن در هر زمان توانایی جابه‌جایی ۳ لشکر پیاده را در هر منطقه دارد . یک تیپ پیاده را در عرض ۲۴ ساعت جابه‌جا می‌کند . یک تیپ زرهی را در ۷۲ ساعت از غرب منتقل می‌کند .
- دشمن در هر زمان دارای ۵ لشکر زرهی و مکانیزه است که در عرض ۴ تا ۵ روز قابلیت مانور و جابجایی سریع را دارد .
- دشمن در هر زمان توانایی آزادسازی ۴۰ گردان توپخانه را دارد که در خط جمع کند و در یک نقطه تمرکز بدهد .
- دشمن توانایی یک ماه بمباران و فشار هوایی به گستردگی عملیات بدر را دارد .
- دشمن توانایی اداره ۲ عملیات همزمان به وسعت ۳ تا ۴ لشکر را دارد .
- دشمن در برابر عملیات آفندی ما با ۱۰۰ گردان ، می‌تواند با ۳۰۰ گردان آزاد ، مقابله کند . « (۱۵)
- مشکل ایران در مرحله جدید جنگ با توجه به افزایش توان نظامی عراق ، اساساً ناشی از این بود که به راحتی قادر به کسب پیروزی نظامی برای تغییر توازن به سود خود نبود . در واقع تقویت عراق و متقابلاً تضعیف ایران ، فاصله

× برادر غلامعلی رشید معاون عملیات فرمانده کل سپاه در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۲۵ در تجزیه و تحلیل توان دشمن این ارزیابی را به عمل آورده است .



میان توانمندی ایران برای تهاجم و کسب پیروزی و توانایی عراق برای مقابله با تهاجمات ایران را به نحوی آشکار افزایش داده بود. به عبارت دیگر، امکانات و مقدرات سپاه با خلاقیت و ابتکارات این نیرو برای دستیابی به پیروزی لازم، به تناسب ضرورتها و اوضاع سیاسی حاکم بر جنگ نبود. برادر محسن رضایی با بازنگری سالهای پیشین جنگ، روند گذشته را چنین تشریح می‌کند:

«سال اول جنگ ما می‌خواستیم با شیوه دشمن حمله کنیم، لذا شکست خوردیم. سال دوم، جنگ جدیدی را آغاز کردیم که دشمن فکر آن را نکرده بود و پیروز شدیم. در سال سوم و چهارم دشمن روش جنگ ما را فهمید و روی جنگ مطالعه کرد و با به کارگیری شیمیایی، جنگ علیه پیاده را اجرا کرد. در سال پنجم رفتیم در هور، جایی که توان دشمن ضعیف بود. ما هور را به عنوان یک گذر در نظر گرفتیم و قصدمان نبود آنجا بمانیم ولی به هر حال به یک نوع جنگ جدیدی دست زدیم. در خیبر می‌خواستیم بلافاصله به نشوه برسیم و عقبه دشمن را بگیریم. این به ما فرصت می‌داد ابتکار عمل را به دست بگیریم. در هر حال، با جنگ در هور به عنوان یک جنگ جدید، می‌خواستیم استفاده کنیم. ما یک جنگ انقلابی و مردمی داریم، اگر توان مناسب با این جنگ را بتوانیم ارائه بدهیم موفق خواهیم بود.» (۱۶)

در سال ششم جنگ در وضعیتی که دشمن ۵۵۰ گردان نیروی پیاده در اختیار داشت و برای مقابله با عملیات آفندی، از ۳۰۰ گردان نیروی آزاد برخوردار بود، سپاه تنها ۸۰ گردان نیرو و برای ۷ روز جنگ در اختیار داشت. (۱۷) ضمن اینکه بخشی از توان رزمی سپاه به عنوان یک نیروی دفاعی در مناطق تصرف شده، مانند جزایر مجنون و هور زمین‌گیر شده بود. در این روند کاهش توان ایران در برابر عراق دو عارضه اساسی به دنبال داشت: نخست آنکه نمی‌توانست از امکان غافلگیری و تجزیه قوای دشمن

برخوردار شود ، در نتیجه اجرای عملیات با نوعی ریسک و عدم موفقیت همراه بود . علاوه بر این ، قوای ایران فاقد توانایی لازم برای نبرد طولانی در یک عملیات بود . زیرا بلافاصله پس از آغاز عملیات ، در حالی که خطوط دفاعی دشمن در هم شکسته شده بود ، دشمن به سرعت نیروهای خود را در منطقه عملیات متمرکز می کرد و با افزایش آتش هوایی و توپخانه تدریجاً نیروهای خودی را از مناطق تصرف شده عقب می راند .

با توجه به واقعیت‌های موجود ، کم‌کم این اعتقاد به وجود آمد که « با این توان نمی توانیم غافلگیری را رعایت کنیم و قطعاً باید این توان ۲ تا ۳ برابر شود که با یکی دشمن را فریب بدهیم و با ۲ توان دیگر بتوانیم بطور جدی عمل کنیم . »<sup>(۱۸)</sup> بر پایه همین ملاحظه در انتخاب منطقه عملیات نیز دچار مشکل بودیم . × لذا چنین استدلال می شد که « ما جایی می توانیم بجنگیم که بلافاصله پشت یک رودخانه ، یک عارضه یا تنگه‌ای برسیم تا دشمن براحتی نتواند به ما حمله کند . »<sup>(۱۹)</sup>

پس از عملیات بدر بحث‌های بسیار اساسی و جدی در مورد نحوه ادامه جنگ صورت گرفت . لازمه ارائه طرح به شورای عالی دفاع انجام یک بررسی همه‌جانبه بود که با حضور فرماندهان سپاه صورت می گرفت . در این جلسات ضمن بازنگری گذشته و بررسی وضعیت کنونی ، سپاه پیشنهاداتی در زمینه‌های مختلف برای استمرار جنگ ارائه می کرد . ملاقات اولیه فرماندهان سپاه با مسئولین و رهنمودهای فنی که ارائه شد ، در سامان‌دهی

---

× اجتناب از رویارویی با دشمن پس از عملیات رمضان سبب گردید همواره در جستجوی منطقه‌ای باشیم که دشمن در آنجا حضور ندارد . این مسئله گرچه در عمل به غافلگیری و به دست‌گیری ابتکار عمل می شد ولی نشان‌دهنده کاستیهای ایران بود . همچنین بلافاصله پس از تمرکز قوای دشمن در منطقه عملیات ، به دلیل برتری نیروهای دشمن ، عملاً امکان پیشروی ایران از بین می رفت و تنها برای حفظ منطقه تصرف شده تلاش می شد .

چارچوب مباحث نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. در این ملاقاتها دو موضوع اساسی: آماده کردن طرح جنگ و آماده کردن سازمان جنگ، مورد تأیید قرار گرفته بود. (۲۰) محورهای اساسی بحث برپایه ملاحظات یادشده، شامل: استراتژی جنگ، فرماندهی در جنگ، نحوه ادامه جنگ، آموزش و امکانات مورد نیاز، شیوه جنگ (در شب و روز)، طرحهای عملیاتی برای عملیات گسترده، محدود و نامنظم، تغییر سازمان رزم و اجرای عملیات مستقل از ارتش بود. (۲۱) در عین حال بیشترین تأکید بر تغییر وضعیت جنگ با تغییر در استراتژی جنگ، گسترش سازمان رزم سپاه، افزایش توان از جهت امکانات، تجهیزات و نیرو بود.

باورداشت عمومی فرماندهان سپاه بر اساس تجارب حاصله در چهار سال گذشته چنین بود که ادامه جنگ با اجرای عملیات گسترده با توان موجود امکان‌پذیر نیست. برادر رحیم صفوی در این باره اظهار داشت:

«از تجارب عملیاتیهای رمضان گرفته تا والفجرها و حتی خیبر و بدر به این نتیجه قطعی رسیده‌ایم که با این مقدرات و امکانات حاضر که داریم، نمی‌توانیم عملیات گسترده داشته باشیم.» (۲۲)

**برادر غلامعلی رشید نیز در این زمینه گفت:**

«ادامه جنگ به روش پیشین و بر اساس استراتژی دستیابی به یک پیروزی، به بن‌بست رسیدیم.» (۲۳)

سپاه از یک سو به این نتیجه قطعی و روشن رسیده بود که با روش گذشته امکان ادامه جنگ با عملیات گسترده وجود ندارد و از سوی دیگر اوضاع جنگ پس از عملیات بدر، با تشدید فشار به ایران، اجرای عملیات را ضروری ساخته بود. در واقع میان توانایی ایران برای اجرای عملیات مؤثر و تعیین‌کننده با تضمین پیروزی، با اوضاع و ضرورتهای سیاسی حاکم بر جنگ، تناسبی وجود نداشت. پیدایش این وضعیت در جنگ بیش از هر

مسئله‌ای متأثر از نحوه نگرش به جنگ و کسب پیروزی بود. بدین معنا که پس از فتح خرمشهر پیروزی بر عراق بسیار سهل و آسان پنداشته می‌شد و این باور همگانی وجود داشت که صدام در حال سقوط است. بر پایه همین نگرش، تفکرات استراتژیک مسئولین درباره جنگ مبنی بر "کسب یک پیروزی و خاتمه جنگ"، متعاقب ناکامی در عملیات رمضان تدریجاً شکل گرفت. در چارچوب این تفکر تصور می‌شد با یک پیروزی قاطع می‌توان جنگ را تمام کرد، لذا نیازی به بسیج کشور در خدمت جنگ نیست. این گونه تفکرات منطبق و همسو با اندیشه استراتژیک امام در مورد جنگ نبود. (۲۴) شکاف موجود میان دو نگرش یادشده در واقع از مهمترین دلایل وضعیت جنگ در چهار سال گذشته بود. (۲۵) تدریجاً با گسترش دامنه جنگ و فشار بر ایران و افزایش موانع موجود برای دستیابی به پیروزی، نوعی تردید و ناامیدی در مسئولین به وجود آمد. برخی چنین تصور می‌کردند که کار تمام شده‌است و باید چهار سال پیش (پس از فتح خرمشهر) تصمیم می‌گرفتیم. (۲۶) علاوه بر این، مشاهده واکنش حامیان عراق در مورد پیروزیهای نسبی ایران، این نگرانی را به وجود آورده بود که حتی اگر موفق به تصرف بغداد بشویم امکان حمله اتمی به ایران وجود دارد!

سپاه با الهام از نظریات امام و درکی که از اوضاع و ضرورت‌های جنگ داشت، در اندیشه تداوم جنگ بود. برادر رضایی در همین زمینه با اشاره به نظریات امام خمینی × چنین تأکید می‌کردند:

«جنگ باید ادامه پیدا کند تا با عملیات محدود یا با عملیات بزرگ یا با ترکیبی از عملیاتهای منظم و نامنظم چرخ جنگ باید مرتب در جریان باشد.» (۲۷)

× « نکته دیگری که امام تأکید داشتند استمرار عملیات بود.»

(سند شماره ۰۲۲۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: "مسائل اساسی جنگ و سپاه

پس از بدر"، آذر ۱۳۶۵، ص ۳۱ - ۳۲، به نقل از برادر محسن رضایی، ۶۳/۳/۴)

با بررسیهایی که انجام گرفت این نتیجه حاصل شد که برای ادامه جنگ ، بدون ورود کلیه سازمانها و امکانات کشور به جنگ ، امکان پشتیبانی از جنگ وجود ندارد . حداقل توان لازم برای ادامه جنگ ۳۰۰ گردان نیرو بود که در آخرین پیشنهاد سپاه ارائه شد . در عین حال جمع‌بندی نتایج جلسات فرماندهان سپاه در این مرحله به شرح زیر بود :

۱ - استراتژی جنگ تاکنون بر اساس " جنگ ، جنگ تا پیروزی " بوده است که این سیاست با شکست مواجه شده است ، لذا باید استراتژی جنگ تغییر کند .

۲ - توان خودی در مقایسه با توان دشمن کاهش یافته ، لذا توان موجود نه تنها برای کسب پیروزی کامل نظامی بلکه برای ادامه جنگ هم کافی نیست .

۳ - با توان موجود تنها می‌توان عملیات محدود انجام داد .

۴ - باید یک فرماندهی واحد با اختیارات و ستاد تخصصی ، با قدرت کشور را به جنگ بکشانند و کلیه امکانات و نیروها را برای پیشبرد جنگ به کار گیرد .

۵ - ادامه همکاری ارتش و سپاه به صورت گذشته امکان‌پذیر نیست . لذا باید به صورت مستقل و جداگانه همکاری کنند . سپاه و ارتش طرحها را بدهند . فرماندهی ( عالی ) تصمیم بگیرد و هر کدام در زمین پیشنهادی خود بکنند .

۶ - به دلیل کمبود آتش توپخانه و هوایی و زرهی خودی و برتری دشمن در این زمینه‌ها ، اساس جنگ همچنان بر عملیات نیروهای پیاده در شب همراه با حفظ غافلگیری می‌باشد . ( ۲۸ )

با تبیین استراتژی جنگ و ارائه آن از سوی سپاه ، این شائبه که سپاه تمایل به ادامه جنگ ندارد ، گسترش یافت ! این وضعیت در حالی پیش آمده

بود که قبل از آن تمایل سپاه به ادامه جنگ بنابر نظر امام خمینی ، عامل اصلی در ادامه جنگ ذکر می‌شد! در نتیجه سپاه در مرحله جدید که اساساً بار جنگ را بر دوش می‌کشید تحت فشار برخی جریانها قرار گرفته بود . فرمانده کل سپاه با درکی که از ماهیت این جریانها داشت ، در شورای عالی سپاه گفت :

امروز مشکلات ما در سپاه بسیار زیاد و غیرقابل تصور است هم در خارج سپاه و هم در داخل ، وضع بودجه ما خراب است . مشکلات عظیمی از جاهای مختلف به وجود می‌آید . هر کجا دست می‌گذارید مشکلات هست . تا حالا چند جزوه چند صفحه‌ای در مجلس ، علیه جنگ و سپاه پخش کرده‌اند . ( ۲۹ )

برادر رضایی مشکلات سپاه را برای انتقال به امام خمینی با بیت ایشان در میان گذاشت . ( ۳۰ ) به نظر می‌رسید هسته مرکزی این جوسازیها علیه سپاه ، به دلیل تعهد و پایبندی سپاه به نظریات امام و فراتر از آن اعتقاد سپاه به برنامه‌ریزی برای جنگ درازمدت بود .

برادر رشید نیز در مورد علت جوسازیها می‌گوید با استراتژی جنگ درازمدت کسی موافقت نداشت . ( ۳۱ )

سپاه برای فائق آمدن بر معضلات ناشی از جنگ و فشارهای وارده ، دو اقدام را در کنار طرح‌ریزی عملیاتیهای گسترده و محدود به موازات هم انجام داد . نخست تشریح مسائل جنگ با ارسال نامه به امام خمینی بود . در یکی از این نامه‌ها آمده است :

« این جنگ نابرابر به کجا کشیده میشود ؟ ما پیشنهادات را خدمت آقایان بیان کردیم و اینها باز هم معتقد به یک تغییر و دگرگونی اساسی در مملکت نیستند و می‌خواهند جنگ را با همین وضعیت پیش ببرند . » ( ۳۲ )

علاوه بر این ، تماس سپاه با مسئولین شامل آیات عظام ، ائمه جماعات

مناطق ، مجلس و نمایندگان مجلس برای بیان مشکلات جنگ انجام گرفت . این اقدامات و به موازات آن ناامیدی مسئولین از دو عملیات کمیل و قادر ( عملیات کمیل انجام نشد ولی عملیات قادر با ناکامی مواجه گردید . ) سبب گردید مواضع مسئولین تغییر کرده و به نظریات سپاه توجه کنند . ( ۳۳ )

برادر رضایی نیز پس از ملاقات با امام تأکید می کند :

« اگر کشور هم نیاید در جنگ و اگر امکانات کل کشور هم در جنگ وارد نشود ، ولو ما ۲ نفر هم باشیم ، ۳ نفر هم باشیم ، جنگ را ادامه خواهیم داد و عاشورا می سازیم . » ( ۳۴ )

سپاه بر پایه همین ملاحظات و برای استمرار جنگ ، استراتژی جدیدی را تبیین کرد که از اصول زیر پیروی می کرد :

- ۱ - ضرورت ادامه جنگ با جنگ درازمدت .
- ۲ - اجرای عملیات محدود × با هدف زنده نگهداشتن جنگ و فشار نظامی بر دشمن .
- ۳ - افزایش توان و سازمان رزم سپاه برای اجرای عملیات گسترده .
- ۴ - طرحریزی و اجرای عملیات گسترده به صورت مستقل . ( ۳۵ )

سپاه در فاصله خرداد ۱۳۶۴ تا شهریور همان سال سلسله عملیات محدودی را انجام داد که آثار مثبتی بر جای نهاد . علاوه بر این ، تلاش برای عملیات گسترده ، با توجه به تجارب حاصله در عملیاتهای پیشین ، بویژه عملیات بدر ، منجر به تعیین شرایط به شرح زیر شد :

- ۱ - در اختیار داشتن حداقل ۱۵۰ گردان نیرو ( هدفهای ارزشمند در جنوب بدون ۱۵۰ گردان قابل تصرف نبود ) .

---

× چنین پیش بینی می شد که با اجرای عملیات محدود ، کلیه خطوط فعال دشمن درگیر نگه داشته می شود و برای همین ، دشمن جهت اصلی تلاش نیروهای خودی برای اجرای عملیات گسترده را گم خواهد کرد .



۲ - بیش از یک میلیون گلوله توپ برای آتش پشتیبانی مناسب در یک عملیات گسترده .

۳ - سلاح ضدزره به اندازه کافی ( حداقل ۳ هزار موشک تاو ) برای اجرای یک عملیات گسترده .

۴ - اجرای تک پشتیبانی در جزیره مینو .

۵ - شرکت مؤثر نیروی هوایی ارتش برای پشتیبانی هوایی عملیات . (۳۶)

انتخاب منطقه مناسب برای اجرای عملیات با رعایت غافلگیری همچنان از مهمترین مشکلات سپاه بود ، بدین معنا که فرماندهان سپاه از یک سو باید در مورد امکان دستیابی به پیروزی با در اختیار داشتن نیرو و تجهیزات مورد نیاز ، متقاعد شده و به نتیجه می‌رسیدند و از سوی دیگر مسئولین کشور نیز باید از تضمین سپاه برای کسب پیروزی اطمینان حاصل کرده و امکانات مورد نیاز سپاه را واگذار می‌کردند . مشکلات ناشی از این وضعیت سبب گردید سپاه موقعیت بسیار سخت و دشواری را پشت سر قرار دهد . چنانکه برادر رضایی پس از عملیات فاو چنین اظهار داشت :

« سپاه فاصله‌زمانی پس از عملیات بدر تا عملیات فاو را با سختی سپری کرد . » (۳۷)

بحث و بررسی‌هایی که به هنگام انتخاب منطقه عملیات صورت گرفت تا اندازه‌ای ابعاد این دشواریها را نشان می‌دهد . چنانکه تردیدهای موجود در مورد ادامه جنگ به دلیل مشکلات و دشواریهایی که وجود داشت ، سبب گردید دیدگاه‌های موجود درباره ادامه جنگ ، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد . برادر رحیم صفوی در این زمینه در جلسه فرماندهان سپاه اظهار داشت :

« هر عملیات ناموفقی هم از نظر سیاسی و هم از نظر دشمن منجر به تقویت دشمن خواهد شد . هم اکنون دو تفکر وجود دارد . نخست استراتژی ادامه جنگ متناسب با توان ، دیگری تصرف یک منطقه و برقراری صلح .

در منطقه جنوب هر منطقه‌ای ، هرگونه عملیات گسترده خارج از توان ، به



شکست قطعی ما منجر خواهد شد ، چون نمی توان غافلگیری را رعایت کرد . با توان موجود ، حداکثر ۵ الی ۶ روز بیشتر نمی توان با دشمن جنگید زیرا توان ما از نظر نیرو و امکانات نسبت به دشمن ضعیف است . « (۳۸)

**تأخیر در اجرای عملیات گسترده نیز قابل پذیرش نبود ، زیرا بنا بر تجربیات گذشته ، عدم اجرای عملیات بزرگ ، بیشتر از اجرای عملیات بزرگ و شکست خورده زیان داشت . (۳۹) به همین دلیل ضرورتاً باید عملیات بزرگ و گسترده انجام می شد . بحث و بررسیهای مربوط به انتخاب منطقه فاو از خرداد ۱۳۶۴ آغاز شد . برادر شـمخانی در جلسه قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) با در نظر گرفتن کلیه ملاحظات برای اجرای عملیات ، گفت :**

« ۱ - ما مجبوریم عملیاتی را شروع کنیم که این عملیات مبتنی بر توانمان باشد .

۲ - توان دشمن در آنجا محدودتر باشد .

۳ - براساس تجربه عملیات خیبر و بدر باشد .

۴ - بتوانیم مسئله آتش دشمن را که در عملیات بدر مسئله اساسی بود ، حل کنیم . « (۴۰)

**فرمانده کل سپاه نیز با اشاره به وضعیت زمین و امکان اجرای آتش پشتیبانی روی مواضع دشمن ، در مورد محاسن اجرای عملیات در منطقه فاو اظهار داشت :**

« دشمن همواره سعی می کند زمین و نیرو را برای خود نگاه دارد ولی در اینجا

مجبور است برای بازپس گیری زمین ، نیروی خود را دیوانه وار مصرف کند . « (۴۱)

**در عین حال چون سپاه درگیر عملیات محدود بود ، طراحی و آماده سازی عملیات فاو با کندی دنبال می شد . در فاصله زمان مهر تا آبان ۱۳۶۴ با ظهور تردیدهای جدید در مورد اجرای عملیات گسترده و با مشکل مواجه شدن دریافت امکانات مورد نیاز ، تضمینهای لازم برای اجرای عملیات اتخاذ**

نشد. این مرحله برای سپاه، چنانکه اشاره شد، بسیار دشوار بود لیکن با تدبیر فرماندهی سپاه به آرامی پشت‌سر نهاده شد. بعدها فرماندهی سپاه در مورد ضرورت در اختیار داشتن امکانات برای اجرای عملیات می‌گوید:

«در عملیات فاو ما به این نتیجه رسیده‌بودیم که بایستی بدون کم و کاست، از تمام عوامل مؤثر در یک عملیات استفاده کرد و هیچ چیز را فدای چیز دیگری نکنیم. به مهندسی گفتیم باید حتماً توجه شود به کارهای مهندسی و نباید از آن بگذریم. به آتش باید توجه شود و نباید از کنار آن بگذریم و به مانور باید حتماً توجه کنیم. گفتیم یک میزان سخت‌گیری و تأمین همه عوامل لازم برای یک عملیات بکنیم، دیگر ساده‌اندیشی هم نکنیم.» (۴۲)

نگرانی از دشواریهای دستیابی به پیروزی در فاو، سبب گردید که سپاه علاوه بر تلاش برای اجرای عملیات در جزیره ام‌الرصاص به عنوان تک پشتیبانی، ضرورت اجرای عملیات ارتش را در شلمچه نیز مورد تأکید قرار دهد. × در جریان طرحریزی عملیات، با توجه به وجود رودخانه اروند و نخلستانهای حاشیه آن، در مورد شکستن خط و پاکسازی، بحثهای بسیار پیچیده و ظریفی انجام گرفت و مراحل اجرای عملیات در طرحریزی کاملاً تفکیک شد. (۴۳) همچنین تجربیات حاصله از عملیات بدر در امر پدافند هوایی، سبب گردید سپاه قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابایی را در کنترل عملیاتی خود بگیرد و علاوه بر تأکید بر استقرار سیستم پدافند ضد هوایی هارگ در منطقه نزدیک عملیات، اهداف را برای بمباران مشخص کند. (۴۴)

سرانجام در ساعت ۲۲:۱۰ تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ فرمانده کل سپاه

× این عملیات (در شلمچه) برابر زمان‌بندی از قبل تعیین‌شده انجام نگرفت و به دلیل خاتمه سریع، فاقد آثار و نتایج لازم برای تجزیه قوای دشمن بود.

رمز عملیات والفجر ۸ را قرائت و دستور آغاز عملیات را صادر کرد. (۴۵)

غافلگیری دشمن در این عملیات و تأخیر عراقیها در درک اصلی بودن عملیات در منطقه فاو، به نیروهای خودی فرصت داد تا منطقه را پاکسازی و تثبیت نمایند. پاتکهای دشمن در این عملیات ۷۵ روز به طول انجامید و سرانجام ارتش عراق با ناامیدی از بازپس‌گیری منطقه عملیات، حملات خود را متوقف ساخت. ضمناً تک‌پشتیبانی این عملیات را سپاه در جزیره ام‌الرصاص انجام داد که با موفقیت همراه بود. برادران ارتش نیز در منطقه شلمچه وارد عمل شدند لیکن موفق به پیشروی نشدند.

فتح فاو آثار و نتایج بسیار برجسته و قابل توجه به دنبال داشت زیرا برای نخستین بار پس از فتح خرمشهر، منطقه مورد تهاجم در یک عملیات بزرگ، پس از تصرف تثبیت شده بود. این مسئله به منزله توانایی دفاعی عراق و متقابلاً توانمندی نیروهای خودی برای تهاجم و پدافند، ارزیابی می‌شد. توانایی و قابلیت سپاه در طرح‌ریزی و اجرای عملیات به صورت مستقل، شگفت‌انگیز و حیرت‌آور بود. پیش از این تأکید بر اجرای روشهای کلاسیک و تحت کنترل قرارگرفتن سپاه بود لیکن با صدور فرمان امام خمینی به سپاه برای تشکیل سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی، اجرای عملیات والفجر ۸ به صورت مستقل و پیروزی حاصله، موقعیت سپاه را در عرصه جنگ تثبیت کرد. در واقع با فتح فاو و ظهور توانایی سپاه در طرح‌ریزی، فرماندهی، پشتیبانی و پدافند به مدت ۷۵ روز، حیات جدید سپاه آغاز شد. همچنین «قدرت فرماندهی سپاه برای کنترل هوایی، پدافند هوایی و هوانیروز در این عملیات آشکار شد.» ضمن اینکه اعتماد به نفس برای کسب پیروزی که بیش از این مورد تردید قرار گرفته بود، مجدداً حاصل گردید. (۴۶) نتایج حاصله از فتح فاو منجر به تثبیت قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به سود ایران شد. با تکیه بر منطقه متصرفه امکان ادامه جنگ و بعدها رویارویی با آمریکا نیز به

وجود آمد. <sup>(۴۷)</sup> در مجموع عملیات فاو تجارب زیر را برای سپاه به دنبال داشت:

۱ - استقلال در تصمیم‌گیری؛ پیش از این سپاه سایر ملاحظات را در نظر می‌گرفت ولی در این عملیات تاکید بر اجرای عملیات به صورت مستقل، وضعیت سپاه را بهبود بخشید؛

۲ - صراحت و اطمینان در به کارگیری امکانات و پافشاری بر تأمین آن؛  
۳ - ضرورت تأمین امکانات برای هر عملیات حتی اگر منجر به تأخیر در زمان اجرای عملیات شود؛

۴ - دخالت بیشتر فرماندهی و کاهش واگذاری اختیارات به رده پایین در صورت وجود ابهام و تردید؛

۵ - کنار گذاشتن اندیشه "استراتژی یک پیروزی" با ارائه پیشنهاد ۱۲۰۰ گردان نیرو و رفع ابهام در استراتژی موجود؛

۶ - به کارگیری آتش توپخانه براساس تجارب عملیات خیبر و بدر؛

۷ - فعال کردن قرارگاه رمضان در داخل خاک عراق؛

۸ - استفاده از غافلگیری با اجرای عملیات فریب. <sup>(۴۸)</sup>

بازتاب عملیات فاو در رسانه‌های خارجی و تحلیلیها و تفسیرهای ناظران و تحلیل‌گران مسائل سیاسی از این عملیات، قابل توجه بود. تحلیل‌گر نظامی مؤسسه بین‌المللی تحقیقات استراتژیک لندن حمله ایران به فاو را "حمله‌ای زیرکانه" می‌نامد که "به مراتب پیچیده‌تر از معمول" بوده است. <sup>(۴۹)</sup>

کارشناس نظامی سرویس بین‌المللی رادیو استرالیا نیز موفقیت در عملیات فاو را چشمگیر و بهتر از تمام دوران جنگ ذکر می‌کند. <sup>(۵۰)</sup>

خبرنگاران لوس آنجلس تایمز و شبکه ان. بی. سی آمریکا از عملیات والفجر ۸ به عنوان بزرگترین پیروزی ایران در خلال جنگ تحمیلی یاد کردند. <sup>(۵۱)</sup>

روزنامه معاریو چاپ اسرائیل نوشت: «اگر ایرانیها موفق شوند پایگاهی را که

تصرف کرده‌اند حفظ نمایند ، موقعیت صدام را متزلزل خواهند ساخت . « (۵۲)

رادیو بی . بی . سی نیز در تحلیل خود تأکید کرد : « در صورت تصرف فاو از سوی ایران ، این ضربه‌ای شدید بر روحیه نیروهای عراق خواهد بود ؛ ضمن اینکه عواقب مهم نظامی به دنبال خواهد داشت . « (۵۳) همین رادیو چند روز بعد مجدداً در تفسیری گفت : « اگر عراق نتواند فاو را بگیرد ، ممکن است روحیه معنوی و موقعیت صدام به طرز خطرناکی از بین برود . « (۵۴) گزارشگر نشریه میدل ایست نیز " تفوق روانی " ایران بر عراق را مورد تأکید قرار داد . (۵۵)

از میان رفتن " تفوق نظامی عراق " (۵۶) و برخورداری ایران از امتیاز نظامی (۵۷) توازن نظامی را به سود ایران تغییر داد . این مهم در موقعیتی به دست آمد (۵۸) که تصور می‌شد عراق اوضاع نظامی را تحت کنترل دارد (۵۹) و ایران قادر به ایجاد شکاف عمده در خطوط دفاعی مستحکم عراق نیست . (۶۰) در بررسی علل پیدایش این وضعیت تحلیلهای مختلفی ارائه شد . " ماهر عبدالرشید " یکی از فرماندهان نظامی عراق اعتراف کرد ایران از روشهای نظامی ، نوین استفاده کرده است . (۶۱) کردزمن یکی از تحلیل‌گران نظامی ، پوشش دفاعی ضعیف عراق و عدم احتمال انجام عملیات آبی - خاکی از سوی ایران و مهمتر از همه بی‌توجهی عراقیها در مورد اهمیت استراتژیک منطقه فاو را از علل موفقیت ایران ذکر کرده است . (۶۲)

" تیمرمن " در کتاب " سوداگری مرگ " می‌نویسد :

نیروهای رزمنده ایرانی کاری کردند که تا آن زمان از نظر ناظران نظامی غیرممکن بود ... این شبیخون سریع ، کارآمد و نمایان ، کار رزمندگان غواصی بود که به یاری هزاران پاسدار در قایقهای کوچک فایبرگلاس از اروندرود گذشتند و قدم به فاو گذاشتند . (۶۳)

رادیو آمریکا نیز گفت :

تحلیل‌گران نظامی غرب از این موضوع متعجب هستند که ایران چگونه با

تجهیزات اندک توانسته از این آبراه عبور نموده و به مواضع عراقیها دست یابد؟ (۶۴)

به موازات ناتوانی عراق از بازپس‌گیری منطقه فاو و متقابلاً توانایی نیروهای خودی برای تثبیت مواضع تصرف‌شده، تدریجاً نتایج حاصله از پیروزی ایران در منطقه مورد تأکید قرار گرفت. «در کویت و دنیای غرب این نگرانی به وجود آمد که ایران در جنگ برنده خواهد شد.» (۶۵) جرج بوش معاون ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا پس از سفر ۸ روزه به منطقه (۶۶) و اقدام نظامی آمریکا علیه لیبی، گفت:

«آمریکا نمی‌خواهد نظاره‌گر این مسئله باشد که گسترش جنگ از سوی ایران، به روند تغییر در توازن قدرت در منطقه بینجامد.» (۶۷)

روند تحولات جنگ پس از تثبیت موقعیت ایران در فاو، با توجه به تحلیل‌های ارائه‌شده در مورد نتایج حاصله از پیروزی ایران در منطقه و عراق و اظهارات مقامات آمریکایی، تا اندازه‌ای نگران‌کننده به نظر می‌رسید. پیش از این چنین تصور می‌شد که در صورت دستیابی ایران به یک پیروزی، شرایط برای خاتمه یافتن جنگ با ارائه امتیاز به ایران فراهم خواهد شد، به همین دلیل فاو به عنوان آخرین عملیات تلقی می‌شد. بنابه اظهار برادر رضایی، مسئولین چنین تصور می‌کردند که با عبور از فاو، در حقیقت می‌توانیم جنگ را تمام کنیم و دنیا دیگر مسئله‌اش حل می‌شود. (۶۸) این نگرش سبب شده بود کلیه تلاش‌ها و اقدامات ایران در حدفاصل عملیات رمضان تا عملیات فاو در چارچوب "کسب یک پیروزی" سازماندهی و انجام شود. سپاه برخلاف این نگرش، بر این باور بود که عملیات فاو تنها برای گرفتن زمان از دشمن است و باید با عملیات‌های پی‌درپی دشمن را مستأصل و از پای درآورد؛ به همین دلیل، سپاه پیشنهادهایی را برای ادامه جنگ درازمدت ارائه کرد که مورد تصویب قرار نگرفت.

فتح فاو برخلاف تصور برخی که آن را نوعی ارائه امتیاز به ایران برای خاتمه یافتن جنگ تلقی می‌کردند، نه تنها هیچ تغییری در روش قدرتهای حامی عراق، به سود ایران به وجود نیاورد، بلکه فشار به ایران در ابعاد جدیدی گسترش یافت و حمایت کشورهای منطقه از صدام افزایش یافت. (۶۹) در واقع فتح فاو تردید دنیا را از میان برد و برای خاتمه دادن به جنگ با روش تضعیف ایران به تصمیم‌گیری رسیدند (۷۰) تلاش برای تصویب قطعنامه ۵۹۸ در حالی که ایران در موقعیت برتر قرار داشت، نوعی اعمال فشار به ایران ارزیابی می‌شد.

عراقیها نیز پس از ناامیدی از بازپس‌گیری فاو، به دلیل تشدید آسیب‌پذیری مواضع دفاعی و استحکامات خود و آشکارشدن میزان قدرت دفاعی این کشور، استراتژی موسوم به "دفاع متحرک" را آغاز کردند. این اقدام عراق نوعی تجدیدنظر در استراتژی (۷۱) و انتقال از موقعیت دفاعی به تهاجمی بود. در واقع عراقیها در نظر داشتند با کسب پیروزی نظامی، قدرت نظامی خود را مجدداً به نمایش بگذارند. (۷۲) آغاز تهاجم دشمن از شمال و منطقه عملیاتی والفجر ۹ در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۶ آغاز شد، \* صدام گفته بود از دم شروع می‌کنیم تا به سر (فاو) برسیم. (۷۳) این دور از تهاجمات عراق با اشغال مجدد مهران در تاریخ ۶۵/۲/۲۷ خاتمه یافت. (۷۴)

صدام در پاسخ به اینکه چرا عراقیها به جای فاو به جای دیگری حمله می‌کنند، گفت:

« ما به این نتیجه رسیده‌ایم که اگر ارتش ما حمله نکند، نیروهای ایران حمله

\* سپاه عملیات والفجر ۹ را همزمان با عملیات والفجر ۸ انجام داد که به منزله نوعی قدرت‌نمایی و عامل تجزیه قوای دشمن بود. سپاه پس از تثبیت منطقه متصرفه، آن را به ارتش واگذار کرد. البته با حمله عراق تحت عنوان استراتژی دفاع متحرک، منطقه مجدداً به تصرف نیروهای عراقی درآمد.

[ سردار رضایی، دانشکده دافوس سپاه (دوره عالی جنگ)، ۱۳۷۴/۷۷/۱۳ ]



می‌کنند و اگر در یک منطقه پدافند کنیم، پس از چند روز همان اندازه تلفات می‌دهیم که معمولاً در حمله می‌دهیم. بنابراین بهترین راه را در این یافتیم که فعلاً از فاو صرف‌نظر کنیم و در سایر جبهه‌ها به نیروهای ایران حمله کنیم.» (۷۵)

شواهد و قرائن موجود حاکی است که قبل از عملیات فاو، عراق در نظر داشت به مواضع ایران حمله کند. در واقع افزایش توان عراق با انباشت امکانات و گسترش سازمان رزم و ناکامی ایران طی سه سال گذشته شرایطی را فراهم ساخته بود که احتمال حمله دشمن دور از انتظار نبود؛ چنانکه در گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا این مسئله مورد اشاره قرار گرفته است. (۷۶) در هر صورت، عملیات فاو اقدام دشمن را به تأخیر انداخت ولی بلافاصله پس از ناامیدی عراقیها از بازپس‌گیری فاو، تهاجم آنها آغاز شد.

گرچه ارتش عراق در عملیات فاو شکست خورد و نتوانست مواضع دفاعی خود را حفظ کند و یا منطقه را مجدداً بازپس‌گیرد، لیکن آنچه که حائز اهمیت بود و شاید به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفت توانایی عراق برای ۷۵ روز تهاجم پی‌درپی در فاو و سپس اجرای استراتژی موسوم به دفاع متحرک بود. در واقع حوادث یادشده نشان‌دهنده قدرت نهفته عراق بود که در صورت موفقیت در به دست‌گیری ابتکار عمل در جنگ با تغییر استراتژی از پدافند به آفند، می‌توانست روند جنگ را تغییر دهد. تلاشهای سیاسی دشمن در این مرحله سبب گردید بخشی از نتایج ناشی از شکست فاو، در داخل عراق جبران شود و از نظر نظامی نیز درگیر کردن قوای نظامی ایران در سایر مناطق، از تمرکز توان ایران در فاو جلوگیری کرد و این به سود عراق بود. اگر ما مهران را آزاد نمی‌کردیم، مسلماً عراق در تداوم عملیات دفاع متحرک خود، دو ماه بعد به فاو حمله می‌کرد. (۷۷)



عراقیها به موازات استراتژی دفاع متحرک، نفتکشها و پایانه‌های نفتی را ایران در خلیج فارس با استفاده از جنگنده بمبافکنهای فرانسوی و موشکهای آگزوسه، مورد حمله قرار دادند.<sup>(۷۸)</sup> موج جدید حملات عراق پس از یک توقف سه‌ماهه آغاز شد. هدفهای عراق شامل اردوهای نظامی، پالایشگاههای نفت و اهداف غیرنظامی در مناطق مختلف بود.<sup>(۷۹)</sup> عراق در همین روند برای اولین بار تأسیسات نفتی ایران در جزیره سیری را مورد حمله قرار داد.<sup>(۸۰)</sup> در واقع عراقیها پس از حمله به خارک، جزیره سیری محل بارگیری نفت ایران را مورد حمله قرار دادند.

امام خمینی با درکی که از نتایج احتمالی ناشی از پیروزی ایران در عملیات فاو، مبنی بر تشدید فشار به ایران، داشتند، سال ۱۳۶۵ را به نام "سال استقامت" نام نهادند.<sup>(۸۱)</sup> آقای هاشمی با استقبال از سخنان امام تأکید کرد: «این پیام به موقع بود و شرایط جدیدی را به وجود آورده است.»<sup>(۸۲)</sup> مهندس موسوی نخست‌وزیر وقت اعلام کرد که جنگ را در اولویت می‌گذارد و تمام امکانات را در اختیار جنگ قرار می‌دهد.<sup>(۸۳)</sup> برادر رضایی فرمانده کل سپاه نیز اعلام کرد که تنها راه، بسیج کلیه نیروها و امکانات کشور است.<sup>(۸۴)</sup> ایشان همچنین گفت:

«در فاو با ۱۵۰ هزار نیرو در برابر ۷۰۰ هزار نفر از ارتش عراق جنگیدیم و به آن پیروزی درخشان نائل آمدیم. آیا نمی‌توانیم با ۱۰ برابر این نیرو ارتش عراق را منهدم کنیم؟»<sup>(۸۵)</sup>

آقای هاشمی مدتی بعد و پس از تشدید فشارهای عراق با حملات هوایی به مراکز اقتصادی و صنعتی و حملات زمینی، در سمینار فرماندهان سپاه برای لیبیک به پیام امام خمینی، با تأکید بر ضرورت تسریع در امر جنگ، اعلام کرد: منطقی‌ترین راه این است که زمان را از دست ندهیم.<sup>(۸۶)</sup> ایشان همچنین در نماز جمعه تهران اظهار داشت:

« هر محاسبه‌ای نشان می‌دهد ما باید هر چه زودتر جنگ را به پایان برسانیم. \*  
 زمان بیش از این نباید در اختیار دشمن قرار گیرد. همه چیز در اولویت اول در  
 خدمت جنگ باید باشد. (۸۷)

شعار تعیین سرنوشت جنگ در همین روند تدریجاً شکل گرفت. آقای  
 هاشمی در توضیح این مفهوم تأکید کرد که تعیین سرنوشت جنگ بدان  
 معنا نیست که امسال جنگ پایان یابد. (۸۸) بلکه جنگ را به جایی می‌رسانیم  
 که پیروزی ایران مشخص شود. (۸۹) این اظهارات بر اساس این تحلیل بیان  
 می‌شد که پیروزی در عملیات فاو کافی نبوده‌است و برای تشدید فشار به  
 عراق و حامیانش باید در تداوم پیروزی در فاو، اقدامات نظامی دیگری را نیز  
 انجام داد. \*\*

عراق پس از عملیات فاو با شروع عملیات "دفاع متحرک" فرصت  
 بازسازی و ادامه حملات در منطقه فاو یا سایر مناطق را از ما گرفت و سپس  
 به بازسازی مشغول شد. پیدایش وضعیت جدید بدین شکل بود که از  
 یک‌سو به پیروزی در فاو برخلاف تحلیلهای پیشین نتایج مثبتی برای پایان  
 دادن به جنگ نداشت، بلکه متقابلاً منجر به تشدید فشار به ایران شد. گذار  
 از این مرحله الزاماً با مقاومت در برابر فشارها و اجرای عملیات محدود یا  
 گسترده امکان‌پذیر بود.

\* اظهارات آقای هاشمی دقیقاً بلافاصله پس از شکست سفر مک‌فارلین به ایران و بن‌بست در مذاکرات بیان  
 شد.

\*\* خبرگزاری فرانسه به‌نقل از تحلیل‌گران و ناظران غربی نقل می‌کند: به عقیده عده‌ای از ناظران، پیروزی  
 اعلام شده توسط تهران هنوز جهت به دست آوردن امتیاز برای جمهوری اسلامی در چانه‌زدنهای دیپلماتیک  
 پیش‌بینی شده در شورای امنیت برای به دست آوردن "محکومیت مهاجم" که تهران شرط ضروری برای  
 پایان دادن به خصومتها تعیین کرده، کافی نیست.

(دفتر سیاسی سپاه، خط توطئه، شهریور ۶۴، ص ۳۲، خبرگزاری فرانسه، ۶۴/۱۱/۲۹)

در چارچوب نظر امام برای پاسخ به وضعیت جدید که فرموده بودند :

« شما در جبهه‌ها هیچ نگذارید آرامش پیدا کند دشمن ، اگر بگذارید آرامش پیدا کند می‌رود و تجهیز بیشتر می‌کند و شما را به زحمت می‌اندازد . » (۹۰)

سپاه سلسله عملیاتهای محدود را طرحریزی و اجرا کرد . بدین ترتیب که سپاه پاسداران با هدف آزادسازی مهران ، عملیات کربلای ۱ را در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۹ به اجرا درآورد . عملیات مشترک سپاه و ارتش به نام کربلای ۲ در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۱۰ در منطقه حاج عمران اجرا شد و همزمان با آن ، سپاه عملیات دریایی کربلای ۳ را روی اسکله العمیه در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۱۰ انجام داد . یگانهای سپاه پاسداران همچنین در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۲۰ " عملیات انصار " را در جزیره جنوبی خیبر و در تاریخ ۱۳۶۵/۷/۱۹ عملیات فتح ۱ را در عمق خاک عراق به اجرا درآوردند . (۹۱)

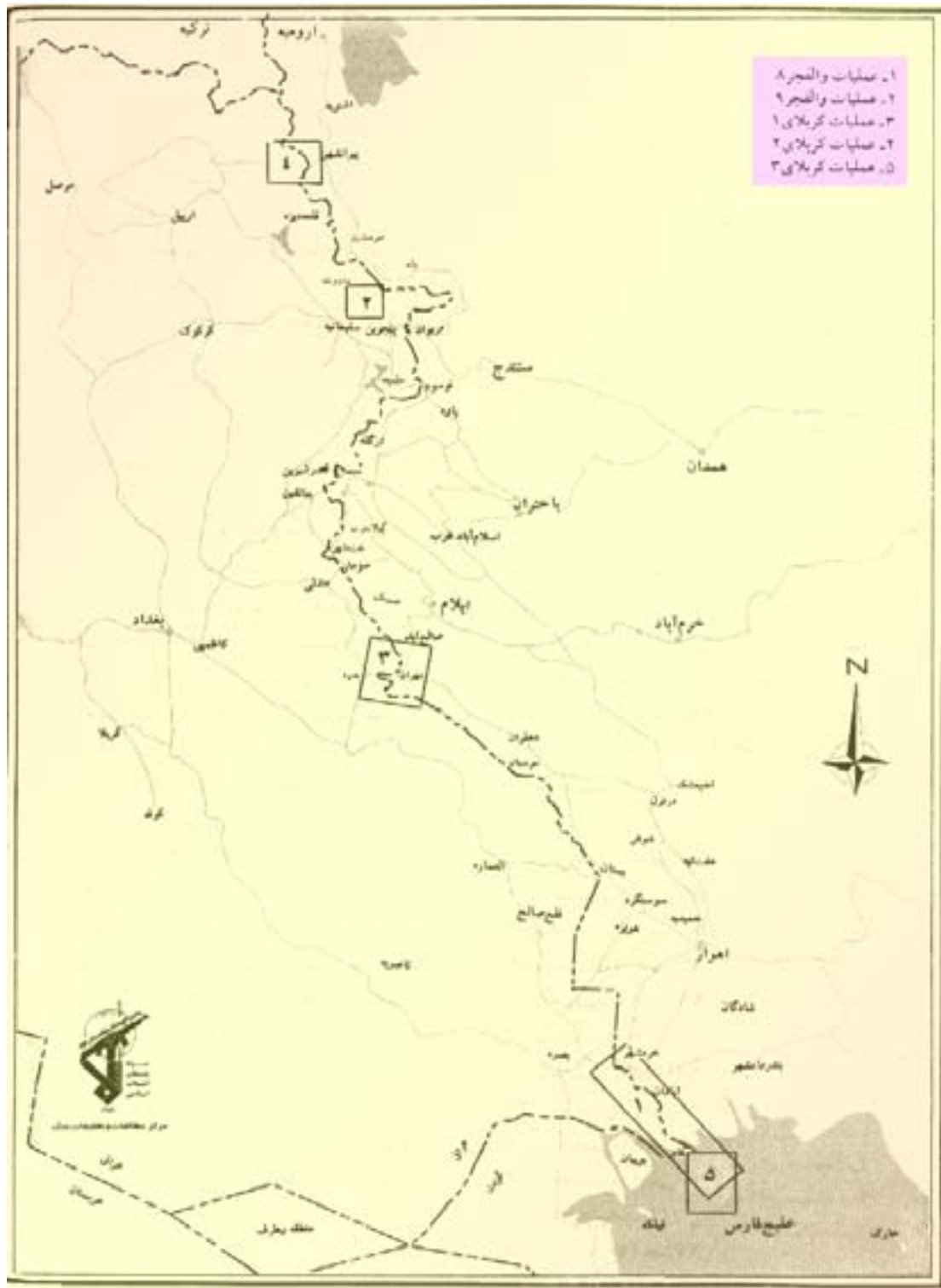
بدین ترتیب ششمین سال جنگ در حالی پایان یافت که در سخت‌ترین وضعیت ، سپاه با طرحریزی و اجرای عملیات فاو و تصرف و تأمین این منطقه ، توازن جنگ را به سود جمهوری اسلامی تغییر داد . تشدید فشار به ایران ، به جای ارائه امتیاز ، کلیه تحلیلها و باورهای پیشین مبنی بر دستیابی به یک پیروزی و خاتمه دادن به جنگ را در هم شکست . مقابله با پیدایش وضعیت جدید با شعار تعیین سرنوشت جنگ و بسیج عمومی دولت و مردم آغاز شد .

مهمترین سئوالی که در این مرحله فراروی تصمیم‌گیرندگان قرار داشت این بود که « چگونه می‌توان موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران را حفظ و تثبیت کرد و بر پایه آن با تأمین خواسته‌های برحق ایران ، وضعیت نهایی جنگ را به سود جمهوری اسلامی تغییر داد ؟ »

## منابع و مأخذ فصل ۷ ( جنگ در سال ششم )

- ۱ - کنت آر . تیمرمن ، سوداگری مرگ ، ترجمه احمد تدین ( تهران : موسسه خدمات فرهنگی رسا ، چاپ دوم ۱۳۷۶ ) ، ص ۴۵۵ .
- ۲ - پیشین .
- ۳ - مأخذ شماره ۱ .
- ۴ - مأخذ ۱ ، ص ۴۵۸ .
- ۵ - مأخذ شماره ۱ ، ص ۴۵۸ .
- ۶ - مأخذ شماره ۱ ، ص ۴۷۲ .
- ۷ - مأخذ شماره ۱ ، ص ۴۶۸ .
- ۸ - مأخذ شماره ۱ ، ص ۴۹۱ .
- ۹ - مأخذ شماره ۱ ، ص ۴۷۵ .
- ۱۰ - مأخذ شماره ۱ ، ص ۴۷۴ .
- ۱۱ - مأخذ شماره ۱ ، ص ۴۷۴ .
- ۱۲ - مأخذ شماره ۱ ، ص ۴۵۳ .
- ۱۳ - مأخذ شماره ۱ ، ص ۴۵۳ .
- ۱۴ - سند شماره ۰۲۲۱/گ ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، " مسائل اساسی جنگ و سپاه پس از عملیات بدر " ، آذرماه ۶۵ ، ص ۳۳ .
- ۱۵ - غلامعلی رشید ، " تجزیه و تحلیل توان دشمن " ، ۱۳۶۴/۲/۲۵ .
- ۱۶ - سند شماره ۰۲۲۰/گ ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، " انتخاب منطقه فدک " ، گزارش داوود رنجبر ، راوی قرارگاه خاتم ، مهر ۱۳۶۵ ، ص ۱۲۶ ، ( به نقل از برادر رضایی ، نوار شماره ۲۰۵ ، جلسه قرارگاه خاتم ) .
- ۱۷ - مأخذ شماره ۱۴ ، ص ۳۷ ، ( به نقل از برادر رشید ، ۶۴/۲/۲۵ ) .
- ۱۸ - مأخذ شماره ۱۴ ، ص ۳۸ ، برادر رشید .
- ۱۹ - مأخذ شماره ۱۴ ، ص ۳۸ .
- ۲۰ - مأخذ شماره ۱۴ ، ص ۲۸ .
- ۲۱ - مأخذ شماره ۱۴ ، ص ۲۸ ، برادر رشید .
- ۲۲ - مأخذ شماره ۱۴ ، ص ۲۹ .
- ۲۳ - مأخذ شماره ۱۴ ، ص ۳۸ .
- ۲۴ - سند شماره ۱۵۳۰۹/پ ن ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، مصاحبه راویان با برادر رضایی ، ۶۵/۵/۳ ، نوار شماره ۱۷۳۷۷ ، ص ۵ - ۴ .
- ۲۵ - پیشین .
- ۲۶ - مأخذ شماره ۲۴ .
- ۲۷ - مأخذ شماره ۱۴ .
- ۲۸ - مأخذ شماره ۱۴ ، ص ۶۳ - ۶۱ .
- ۲۹ - مأخذ شماره ۱۴ ، ۶۴/۳/۴ ، ص ۴۴ .
- ۳۰ - مأخذ شماره ۱۴ ، ص ۶۶ .
- ۳۱ - مأخذ شماره ۱۴ ، ( اهواز ، ۶۴/۸/۱۸ ، نوار شماره ۱۹۳ ، به نقل از برادر رشید ) ، ص ۶۸ .
- ۳۲ - پیشین ، ص ۷۲ .
- ۳۳ - مأخذ شماره ۱۴ ، ص ۶۹ و ۷۰ .
- ۳۴ - مأخذ شماره ۱۴ ، ۶۴/۷/۳ ، ص ۷۳ .
- ۳۵ - مأخذ شماره ۱۶ ، ص ۱۲۵ .
- ۳۶ - مأخذ شماره ۱۶ ، ص ۸۱ .
- ۳۷ - مأخذ شماره ۲۴ ، ص ۳۳ .
- ۳۸ - مأخذ شماره ۱۶ ، ص ۱۲۰ و ۱۲۱ .
- ۳۹ - مأخذ شماره ۱۶ ، ص ۱۱۴ .
- ۴۰ - مأخذ شماره ۱۶ .
- ۴۱ - مأخذ شماره ۱۶ .
- ۴۲ - سند شماره ۱۵۳۱۱/پ ن ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، مصاحبه راویان جنگ با برادر محسن رضایی ، شماره نوار ۱۷۳۷۹ ، ۱۳۶۵/۵/۴ ، ص ۲۳ .
- ۴۳ - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، از خرمشهر تا فاو ، ( تهران : اردیبهشت ۱۳۶۷ ) ، ص ۱۷۹ - ۱۷۵ .
- ۴۴ - پیشین ، ص ۱۸۰ .
- ۴۵ - مأخذ شماره ۴۳ ، ص ۱۸۶ .
- ۴۶ - سند شماره ۱۵۳۱۶/پ ن ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، مصاحبه راویان جنگ با برادر محسن رضایی ، ۱۳۶۵/۵/۷ ، نوار شماره ۱۷۳۸۴ .
- ۴۷ - سردار محسن رضایی ، " تجزیه و تحلیل جنگ ایران و

- عراق"، در دانشکده دافوس سپاه پاسداران (دوره عالی جنگ)، ۷۴/۷/۱۳.
- ۴۸ - پیشین.
- ۴۹ - روزنامه رسالت، ۶۵/۲/۱۴، به نقل از میدل ایست، رابرت الیوت.
- ۵۰ - روزنامه کیهان، ۶۴/۱۲/۱، ویلیام ریڈیک.
- ۵۱ - روزنامه کیهان، ۶۴/۱۲/۱.
- ۵۲ - دفتر سیاسی سپاه پاسداران، خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ، شهریور ۶۶، ص ۲۹ (۶۴/۱۱/۲۸).
- ۵۳ - پیشین، ص ۲۸. (۶۴/۱۱/۲۳).
- ۵۴ - واحد مرکزی خبر، "بولتن رادیوهای بیگانه"، ۶۴/۱۲/۴، رادیو لندن، ۶۴/۱۲/۳.
- ۵۵ - روزنامه رسالت، ۶۵/۲/۱۴.
- ۵۶ - روزنامه کیهان، ۶۴/۱۲/۱۷.
- ۵۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، نشریه شماره ۳۱۵، ۶۴/۱۲/۱۵، به نقل از خبرگزاری رویتر ۶۴/۱۲/۱۴.
- ۵۸ - وزارت ارشاد اسلامی، "بولتن بررسی مطبوعات جهان"، شماره ۱۱۹۶، ۶۵/۹/۱۱، مجله تایم چاپ لندن، ۶۵/۹/۳، به نقل از ویلیام اسمیت.
- ۵۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، نشریه شماره ۳۱، ۶۴/۱/۳۱، به نقل از رادیو اسرائیل، ۶۵/۱/۳۰.
- ۶۰ - محیی‌الدین مصباحی، "چارچوب مواضع شوروی"، در کتاب بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع (تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، ناشر: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸) ص ۲۲۸.
- ۶۱ - محمد درودیان، از فاو تا شلمچه (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳) ص ۲۴.
- ۶۲ - آنتونی کوردزمن و آبراهام آر. واگنر، درسهایی از جنگ مدرن، مترجم: حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۲۵۲.
- ۶۳ - مأخذ شماره ۱، ص ۴۴۹.
- ۶۴ - دفتر سیاسی سپاه، خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ، شهریور ۶۶، ص ۲۷ (۶۵/۱۱/۲۵).
- ۶۵ - مأخذ شماره ۱، ص ۴۵۱.
- ۶۶ - مأخذ شماره ۱، ص ۲۷.
- ۶۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، نشریه شماره ۲۹، ۶۵/۱/۲۹، به نقل از رادیو آمریکا، ۶۵/۱/۲۸.
- ۶۸ - مأخذ شماره ۲۴.
- ۶۹ - مأخذ شماره ۲۴.
- ۷۰ - مأخذ شماره ۴۷، ۱۳۷۴/۷/۲۰.
- ۷۱ - روزنامه رسالت، ۶۵/۲/۱۴، به نقل از مجله میدل ایست، فیلیپ مارفیلد.
- ۷۲ - مأخذ شماره ۴۷، ۱۳۷۴/۷/۲۰.
- ۷۳ - مأخذ شماره ۴۷، ۱۳۷۴/۷/۲۰.
- ۷۴ - مأخذ شماره ۴۳، ص ۲۲۵ و ۲۲۶.
- ۷۵ - مأخذ شماره ۴۳، ص ۵۷.
- ۷۶ - روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، "گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا"، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، دی‌ماه ۱۳۶۳.
- ۷۷ - مأخذ شماره ۴۷، ۱۳۷۴/۷/۲۰.
- ۷۸ - مأخذ شماره ۱، ص ۴۵۴.
- ۷۹ - مأخذ شماره ۶۲، ص ۲۶۳.
- ۸۰ - مأخذ شماره ۶۲، ص ۲۶۳.
- ۸۱ - مأخذ شماره ۶۱، ص ۶۷.
- ۸۲ - مأخذ شماره ۶۱، ص ۷۰.
- ۸۳ - مأخذ شماره ۶۱، ص ۷۰.
- ۸۴ - مأخذ شماره ۶۱، ص ۷۱.
- ۸۵ - مأخذ شماره ۶۱، ص ۷۱.
- ۸۶ - مأخذ شماره ۶۱، ۶۵/۳/۱۵، ص ۷۲.
- ۸۷ - مأخذ شماره ۶۱، ص ۷۲.
- ۸۸ - مأخذ شماره ۶۱، ص ۷۴.
- ۸۹ - مأخذ شماره ۶۱، ص ۷۵.
- ۹۰ - روزنامه رسالت، ۶۵/۴/۲۹.
- ۹۱ - مأخذ شماره ۶۱، ص ۷۶.



راهنمای عملیات سال ششم جنگ ( شهریور ۶۴ - شهریور ۶۵ )

## فصل ۸

جنگ در سال هفتم

### تثبیت توازن به سود ایران

شهریور ۱۳۶۵ تا شهریور ۱۳۶۶

مشخصه حاکم بر جنگ در هفتمین سال ، سرعت تحولات ، پیچیدگی و گسترش دامنه آن بود . پیدایش این وضعیت به منزله آغاز شمارش معکوس برای خاتمه یافتن جنگ ارزیابی می شد . به عبارت دیگر ، با تنوع ، شدت و سرعت وقوع رخداد های جنگ ، تدریجاً کلیه ظرفیتهای لازم برای تداوم جنگ ، رو به اتمام بود . به همین دلیل با مشاهده علائم موجود ، برخی از تحلیل گران چنین پیش بینی می کردند که زمان خاتمه یافتن جنگ فرارسیده است . نقطه ثقل پیدایش وضعیت جدید در جنگ ، با تغییر توازن به سود ایران پس از فتح فاو و توانایی ایران در حفظ آن و متقابلاً ناتوانی عراق برای بازپس گیری آن ، آغاز شد . آقای هاشمی با توجه به همین وضعیت ، در جمع فرماندهان و مسئولین سپاه اظهار داشت :

« در محاسباتی که تاکنون شده ، به نظر ما هیچ شرایطی بهتر از اینکه تسریع کنیم در پیشبرد کار جنگ به چشم نمی خورد . » (۱)

**ایشان سپس با اشاره به وضعیت اقتصادی کشور چنین تأکید کرد :**

« وضع عمومی کشور و شرایط اقتصادی کشور هم ایجاب می کند که ما این مسئله را اگر بتوانیم زودتر به نقطه ای برسانیم . » (۲)

**آقای هاشمی یک روز بعد در نماز جمعه تهران مجدداً تأکید کرد :**

« وضع جنگ الان به جایی رسیده که هر محاسبه ای نشان می دهد ما باید



هرچه زودتر جنگ را به پایان برسانیم . « (۳)

به همین دلیل آقای هاشمی در این وضعیت ، چنین معتقد بود :

« تا زمانی که جنگ به چیزی نیاز دارد ، مصرف کردن آن در غیر جنگ سزاوار نیست و همه باید همه چیز خود را در اولویت در خدمت جنگ قرار دهند . « (۴)

در این مرحله اعلام شعار " تعیین سرنوشت جنگ " محور فراخوانی نیروهای داوطلب و به کارگیری و اختصاص امکانات کشور برای جنگ بود .  
آقای هاشمی در مورد مفهوم این شعار تأکید کرد :

« با برنامه‌هایی که داریم جنگ را به جایی خواهیم رساند که پیروزی ایران مشخص شود . «

پبرادر رضایی فرمانده کل سپاه نیز در مورد مفهوم شعار تعیین سرنوشت جنگ ، طی تحلیلی اظهار داشت :

« سال سرنوشت قطعاً سال آخر معنی ندارد ، ضمن اینکه می‌تواند سال آخر هم در آن مفهوم داشته باشد . سال سرنوشت به این معنی است که اگر امسال ما جهتی در امر جنگ پیدا نکنیم عواقب بسیار سختی را در پیش داریم . « (۶)

بدین ترتیب ضرورت دستیابی سریع‌تر به پیروزی ، برای خاتمه دادن به جنگ ، فعالیت‌های همه‌جانبه‌ای را سازمان و گسترش داد که کاملاً بر روند تحولات هفتمین سال جنگ سایه افکنده بود . در چنین موقعیتی افشای ماجرای مک‌فارلین در ۱۳ آبان ۱۳۶۵ کلیه تحولات سیاسی و نظامی جنگ را تحت تأثیر قرار داد . با در نظر گرفتن اهداف و ماهیت گفتگوهای پنهانی ایران و آمریکا ، به نظر می‌رسد علاوه بر اینکه امکان خاتمه یافتن جنگ از میان رفت ، سلسله حوادث و اقداماتی که بتدریج علیه ایران صورت گرفت ، بدون تردید متأثر از افشای ماجرای موسوم به مک‌فارلین بود (۷) و اوضاع را بیش از گذشته برای ایران سخت و دشوار کرد .

زمینه‌های شکل‌گیری مذاکرات پنهانی مقامات امریکایی با عناصر

ایرانی ، با مبادله قطعات یدکی نظامی به ایران در مقابل آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان ، از سال ۱۳۶۴ آغاز شد . ناتوانی آمریکاییها ، به رغم تلاشهای سوریه ، برای حل معضل گروگانگیری در لبنان و هواپیماهای ربوده شده تی دبلیو ( T - W ) در ۲۴ خرداد ۱۳۶۴ ،<sup>(۸)</sup> و متقابلاً میانجیگری ایران در حل معضل هواپیمای تی دبلیو ( T - W ) پس از سفر آقای هاشمی به سوریه در تیرماه ۱۳۶۴ ، توجه آمریکا را مجدداً به ایران معطوف ساخت . البته عوامل دیگری در این زمینه مؤثر بود که پس از افشای آن ، ریگان رئیس جمهور اسبق آمریکا به آنها اشاره می کند :

« اکنون هجده ماه است که طی یک ابتکار سیاسی محرمانه ارتباط با ایران را در جریان کار خود قرار داده ایم . برای استفاده از این ابتکار ساده ترین و بهترین دلائل را در اختیار داریم : ۱ - تجدید روابط با ایران ؛ ۲ - اقدامی شرافتمندانه برای خاتمه دادن به جنگ شش ساله ایران و عراق ؛ ۳ - محو کردن تروریسم دولتی و خرابکاری ؛ ۴ - تأثیر بخشیدن به روند بازگشت تمامی گروگانها . »<sup>(۹)</sup>

بنابر گزارش نشریه فارین ریپورت چاپ لندن ، در گزارش سری کیسینجر به ریگان ضرورت گشودن کانالهای ارتباط مستقیم و غیرمستقیم برای مذاکره با ایران مورد تاکید قرار گرفته است و ریگان بر اساس همین توصیه برای برقراری رابطه آمریکا با ایران اقدام کرده است .<sup>(۱۰)</sup> طبق نظر کیسینجر ، در صورتی که یک جناح میانه رو و قدرتمند مایل به گفتگو با آمریکا در بین رهبران ایران وجود نداشته باشد ، هیچ گونه پیوند و مصالحه ای میان دو کشور برقرار نخواهد شد .<sup>(۱۱)</sup> بر پایه همین ملاحظه ، آمریکاییها مذاکرات محرمانه ای را از طریق یک میانجی در لندن آغاز کردند و امیدوار بودند با بهره برداری از اختلاف نظر میان جناحهای سیاسی ایران<sup>(۱۲)</sup> با ارائه امتیاز به میانه روها برای تحکیم موقعیت آنها تلاش نمایند .<sup>(۱۳)</sup>

متعاقب تماسها و اقدامات دوجانبه‌ای که از سال ۱۳۶۴ آغاز شد، در ماههای پایانی همان سال توافقات لازم برای سفر هیأت آمریکایی به تهران انجام گرفت. صبح روز یکشنبه ۲۵ مه ۱۹۸۶ (۴ خرداد ۱۳۶۵) هیأت آمریکایی شامل مک‌فارلین، نورث، کیو، تیچر، نیر و رابط سیا وارد تهران شدند. × معطلی بیش از یک ساعت و عدم حضور افرادی برای استقبال، اولین نگرانی هیأت آمریکایی بود که در مذاکرات به عنوان گلایه عنوان شد. (۱۴) هیأت آمریکایی پس از استقرار در هتل، اولین دور مذاکرات خود را در ساعت ۱۷ آغاز کردند. (۱۵) در این جلسه هیأت آمریکایی به ریاست مک‌فارلین نظریات خود را در زمینه‌های مختلف بیان کردند و متقابلاً نظریات و پاسخهای هیأت ایرانی را استماع کردند.

در این جلسه اولویت اصلی، "ساختن پل اطمینان" ذکر شد و مک‌فارلین حضور خود را در ایران به نمایندگی از طرف رئیس‌جمهور آمریکا به نشان شروع فصلی جدید در مناسبات دو کشور ذکر کرد. وی تاکید کرد که برای نشان دادن حسن‌نیت آماده است برخی از اقلام مورد نیاز ایران را تأمین نماید. (۱۶) طرف ایرانی نیز اظهار داشت: به هر حال انتظار داریم که اقلام بیشتری از طرف شما دریافت نماییم تا در موقعیت بهتری از جهت رهبران خود باشیم. ایران ۶ سال است که درگیر جنگ است. تصرف فاو موفقیت بزرگی بود. ما انتظار تجهیزات بیشتری را داریم. همچنین طرف ایرانی در مورد میزان حمل سلاح به ایران توسط هواپیماهای هیأت آمریکایی و مستعمل بودن برخی از قطعاتی که پیش از این ارسال شده‌بود، اعتراض کرد. (۱۷) نورث محدودیت سوخت و وزن برای هواپیما را علت محدودیت در حمل سلاح

× کلیه این اطلاعات و مطالبی که در همین زمینه به آن اشاره خواهد شد، با استفاده از گزارش موسوم به "تاور" ترجمه وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران نوشته شده است.

ذکر کرد . بدین ترتیب جلسه در ساعت ۱۹ به پایان رسید .

دور دوم مذاکرات روز ۲۶ مه ۱۸۸۶ ( دوشنبه ۱۳۶۵/۳/۵ ) ساعت ۱۵:۳۰ بعدازظهر آغاز شد . نگرانی از عدم پیشرفت در مذاکرات سبب گردید نورث اظهار کند : « ما سردرگم و نگران هستیم . »<sup>(۱۸)</sup> علت این مسئله مخالفت برخی از مقامات در دولت آمریکا در مورد مذاکره با ایران بود .<sup>(۱۹)</sup> وی گفت : « اکنون بیش از یک روز است که در اینجا هستیم و کسی با ما صحبت نمی کند . »<sup>(۲۰)</sup> مک‌فارلین در ادامه صحبت‌های نورث گفت : « هدف از آمدن به اینجا ایجاد اساسی برای اعتماد و سپس پرداختن به مسائل مهم می باشد . »<sup>(۲۱)</sup> منظور از موضوعات مهم از نظر وی ، موضوعاتی درباره " شوروی و افغانستان و عراق " بود .<sup>(۲۲)</sup> لازمه صحبت در این زمینه ملاقات با وزرا بود . لذا در جلسه اظهار داشت : « مایلیم با وزرای شما ملاقات نمایم . »<sup>(۲۳)</sup> وی دلیل این مسئله را عمدتاً به دلیل موقعیت خودش می دانست ، لذا گفت : « از آنجا که من در سطح وزیر هستم ، انتظار دارم با مقامات تصمیم‌گیرنده ملاقات نمایم در غیر این صورت می‌توانید با کارمندان من صحبت نمایید . »<sup>(۲۴)</sup>

دوره دوم مذاکرات در ساعت ۱۶ پایان یافت و به نظر می‌رسید انتظار هیأت آمریکایی این بود که برای تصمیم‌گیری به ملاقات در سطوح بالاتر نیاز است . در دور سوم مذاکرات که ساعت ۱۹:۳۰ همان روز آغاز شد مک‌فارلین در جلسه شرکت نکرد و نورث صریحاً اظهار کرد : « چیزی که ما به آن امید بسته بودیم توافق در خصوص جهت گفتگوها بین ایران و آمریکا بود . برای این هدف تصمیمات سیاسی لازم است . »<sup>(۲۵)</sup> وی همچنین در مورد لو رفتن مذاکرات قبل از دستیابی به نتایج روشن ، بویژه از سوی روسها ، نگران بود . وی یکی از نقطه ضعفهای اساسی را فقدان ارتباطات امن ذکر کرد .<sup>(۲۶)</sup> وی همچنین گفت : « اگر بدون برداشتن موانع برگردیم به خانه‌های

خود ، موانع جدیدی در آینده بروز خواهد کرد . «<sup>(۲۷)</sup> هوارد تیچر در این جلسه بخشی از تهدیدات شوروی ( پیشین ) علیه ایران از جمله استقرار ۲۶ لشکر در نزدیکیهای ایران و اجرای تمریناتی برای اقدامات نظامی علیه ایران را برشمرد .<sup>(۲۸)</sup> جورج کیو یکی دیگر از اعضای هیأت آمریکایی اعلام کرد : « ما برای توجیه اطلاعاتی هشت ساعت مواد توجیهی در اختیار داریم . »<sup>(۲۹)</sup>

در ادامه گفتگوها مسائلی مبادله شد که تا اندازه‌ای دشواریها و موانع را آشکار ساخت . طرف ایرانی در سخنان خود گفت : « پذیرش سفر مک‌فارلین به ایران یک تحول جدید سیاسی بوده است لیکن یک سوء تفاهم به وجود آمده است . زیرا سفر به معنای انجام گفتگوهای مستقیم نبود . »<sup>(۳۰)</sup> نورث در برابر این اظهارات ، گفت : « وی به مک‌فارلین گفته است با رئیس مجلس آقای رفسنجانی ، آقای موسوی نخست‌وزیر و پرزیدنت خامنه‌ای ملاقات خواهد کرد . »<sup>(۳۱)</sup> نورث تکرار کرد : « قربانی فر در حالی که آقای جورج کیو حضور داشت ، گفت که گروه آمریکایی با مقامات عالی‌رتبه ایران ملاقات خواهند کرد . »<sup>(۳۲)</sup> مقام ایرانی اظهار داشت : « قبلاً موافقت شده بود که نورث به تهران بیاید و ترتیب کارها را بدهد و دستور کار جلسات را تنظیم نماید . برابر آخرین مذاکره تلفنی ، صحبتی از جلسه در سطح وزیر نبوده است و سوابق موجود است . »<sup>(۳۳)</sup> نورث مجدداً سؤال کرد آیا می‌توانیم ترتیب ملاقاتی سری بین مک‌فارلین و رهبران شما را بدهیم . «<sup>(۳۴)</sup> قرار شد این درخواست منتقل شود و ادامه مذاکرات در ساعت ۱۰ صبح روز ۲۷ ماه مه با بحثهایی که جنبه سیاسی دارد پیگیری شود .<sup>(۳۵)</sup> جلسه در ساعت ۱/۵ بامداد پس از یک بحث سنگین به پایان رسید .

در واقع معضل اصلی در این مرحله با توجه به حضور مک‌فارلین به عنوان نماینده رئیس‌جمهور آمریکا در ایران و درخواست وی برای گفتگو با مسئولین ، عدم تمایل و آمادگی ایران بود ، زیرا امام پس از استماع گزارش

سفر هیأت آمریکایی ، فرمودند :

« هیچ یک از مسئولین با آنها مذاکره نکند . »

تدبیر امام در واقع مذکرات را با بن بست و شکست مواجه ساخت و از این پس کلیه بحثهایی که صورت گرفت نوعی وقت‌گذرانی بود زیرا دستیابی به نتیجه عملی امکان‌پذیر نبود .

در چهارمین دور مذاکرات در ساعت ۱۰ صبح روز ۲۷ مه ۱۹۸۶ ( سه‌شنبه ۶/۳/۶۵ ) طرف ایرانی مشکلات مربوط به آزادی گروگانها و شرایط آنها را بازگو کرد ( خروج اسرائیل از بلندیهای جولان و جنوب لبنان ، بازگشت آنتوان لحد به شرق بیروت ، آزادی زندانیان اسیر در کویت و پرداخت هزینه ) . در این جلسه با توجه به دستور جلسه ، بحثها از ماهیت سیاسی برخوردار بود . جلسه برای صرف نهار تعطیل شد و مک‌فارلین در گزارش خود به دربار پویندکستر ، گزارش جلسه را برای گرفتن دستور از رئیس‌جمهور ، مخابره کرد . در این جلسه آمریکاییها تأکید کردند : « شورویها تا میزان قابل توجهی برای جلوگیری از شکست عراق به ایران ، جلو خواهند رفت زیرا چنانکه عراق در جنگ شکست بخورد ، اعتبار شوروی در منطقه به نحوی مصیبت‌بار آسیب خواهد دید ، فکر می‌کنیم که شورویها تمامی نیازهای عراق را تأمین نمایند و اگر کافی نباشد سپس بطور مستقیم با نیروی نظامی به ایران فشار خواهند آورد . »<sup>(۳۶)</sup> آمریکاییها در این جلسه همچنین تأکید کردند که سیاست آنها در جنگ خاتمه دادن به جنگ و ممانعت از پیروزی طرفین است . ضمن اینکه در مورد ارسال سلاح به ایران ، آمادگی ندارند به میزانی که ایران اسلحه بدهند که در جنگ پیروز شوند .<sup>(۳۷)</sup> در پایان جلسه توافق شد طرفین از شعار علیه یکدیگر بکاهند و خود را به گفتگوهای مستمر برای رفع اختلاف ، متعهد نمایند و جلسات محرمانه باشد .<sup>(۳۸)</sup> به همین منظور قرار شد وسایل امن‌تری برای ارتباط با اعزام یک تکنسین انجام



گیرد. <sup>(۳۹)</sup> مک‌فارلین در گزارش خود به پویندکستر در مورد روند مذاکرات می‌نویسد: «قضاوت من این است که آنها (ایرانیها) بسیار ناراحت هستند. آنها در یک سردرگمی روانی به سر می‌برند، از یک طرف می‌خواهند از این معامله چیز بیشتری به دست آورند و از طرف دیگر به این واقعیت پی برده‌اند که امکان دارد واسطه‌ها آنها را گمراه کرده باشند.» <sup>(۴۰)</sup>

دور پنجم مذاکرات در همان روز از ساعت ۱۷ آغاز شد. در این جلسه برخلاف مذاکرات جلسه صبح، بحثها در مورد دشواریهای موجود برای آزادی گروگانها بود. هیأت آمریکایی مایل بود کلیه گروگانها آزاد شوند. طرف ایرانی با ذکر دشواریها، بر این مسئله تأکید می‌کرد که سلاحها کمتر از آن چیزی است که انتظار می‌رفت و باید کلیه سلاحها تحویل شود. مک‌فارلین در این جلسه اظهار داشت: «اگر اشتباهی شده است تقصیر ما نمی‌باشد. شاید قربانی فر اشتباه کرده است.» <sup>(۴۱)</sup> وی تأکید کرد: «تمام اقلامی که پول آن پرداخت شده است، آماده تحویل است، به مجرد اینکه گروگانها در اختیار ما قرارگیرند، تحویل سریع آنها در عرض ۱۰ ساعت تعهد ما می‌باشد.» جلسه بدون نتیجه در ساعت ۱۸ به پایان رسید.

دور ششم مذاکرات مجدداً در همان روز از ساعت ۲۱:۳۰ آغاز شد. به دلیل عدم حصول نتیجه و تمایل بازگشت در هیأت آمریکاییها، گذرنامه آنها بازگردانده شد. آمریکاییها در این جلسه پیش‌نویس پیشنهاد برای تکامل تدریجی روابط را تسلیم کردند. آمریکاییها از این پس چنین تصور می‌کردند که سردوانده می‌شوند، لذا مک‌فارلین دستور داد لوازم خود را برای بازگشت جمع‌آوری کنند.» <sup>(۴۲)</sup>

آخرین دور گفتگوها روز ۲۸ مه ۱۹۸۶ (چهارشنبه ۷ خرداد ۱۳۶۵) انجام گرفت. مک‌فارلین معتقد بود: «فرصت مهمی از دست رفت.» زیرا پس از چهار روز حضور در تهران و چند دور گفتگو، به دلیل عدم حصول

نتیجه در حال ترک تهران بودند. برابر پیش‌نویس موافقت‌نامه ۲۷ مه (سه‌شنبه ۶ خرداد) گفتگوی سیاسی میان طرفین همچنان تا زمان افشای این روابط در آبان ۱۳۶۵ و مدتی پس از آن ادامه یافت و بعدها افشای ماهیت تماس‌های پنهانی ایران و آمریکا به نحو آشکاری بر روند تحولات جنگ تاثیر گذاشت که بخشی از آن به شرح زیر بود:

۱ - اعتبار سیاست آمریکا در مورد تحریم صدور تسلیحاتی به ایران در نزد متحدین این کشور عمیقاً مخدوش شد. (۴۳)

۲ - بحران تمام عیار سیاسی در آمریکا، (۴۴) تغییر و اصلاح سیاست آمریکا را به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر، آشکار ساخت و جدال‌های قابل توجهی میان کنگره و دولت در آمریکا صورت گرفت. (۴۵)

۳ - بی‌اعتمادی متحدین آمریکا در منطقه منجر به تشتت سیاست خارجی آمریکا در منطقه و از دست دادن ابتکار عمل آمریکا برای پایان دادن به جنگ شد.

۴ - عراقیها طی بیانیهای اقدام آمریکا را مورد انتقاد قرار دادند و اعتبار سیاستهای اعلام‌شده آمریکا را مورد سؤال قرار دادند (۴۶) و این اقدام را بشدت محکوم کردند.

۵ - روسها با بهره‌برداری از خلأ حاصله، سیاستهای مشخص و فعالتری را با حضور در منطقه و به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق با حمله به سیاستهای آمریکا و حمایت از عراق آغاز کردند.

مجموع عوامل یادشده سبب گردید آمریکاییها با از دست دادن ابتکار عمل برای خاتمه دادن به جنگ، در موقعیت بسیار دشواری قرار گیرند. بخشی از تلاش آمریکا برای خروج از این وضعیت و کسب اعتماد مجدد متحدین خود در منطقه و عراق، تشدید فشار به ایران بطور مستمر بود. (۴۷)



چنانکه بنابر اطلاعات و شواهد موجود ، حملات گسترده عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی ایران در این مرحله با چراغ‌سبز آمریکا و حمایت و هدایت اطلاعاتی این کشور انجام گرفت . در این زمینه ساندی تایمز نوشت : " افشای حمایت تسلیحاتی ایران ، ماشه حملات ناگهانی و سنگین عراق به منابع و مراکز صنعتی و نظامی ایران را چکاند . " (۴۸)

روزنامه واشنگتن پست نیز نوشت : « پس از افشای ارسال پنهانی اسلحه به ایران ، عراقیها حملات هوایی خود را به ایران افزایش دادند . » همچنین نشریات ، حضور یک افسر عالی‌رتبه آمریکایی در بغداد برای کمک اطلاعاتی به نیروی هوایی عراق را افشا کردند . (۴۹) در پی بمباران نیروگاه نکا در آذر ۱۳۶۵ ، ساندی تلگراف به‌نقل از دیپلماتهای مستقر در بغداد نوشت : « کمک اطلاعاتی آمریکا به عراق این کشور را قادر ساخت تا به تاسیسات اقتصادی ایران و نیروگاه نکا ضربه وارد کند . » (۵۰)

آمریکاییها در این مرحله رسماً اعتراف کردند که طی چند سال گذشته با هدف جلوگیری از پیشروی ایران ، اطلاعات جاسوسی به عراق ارائه کرده‌اند . (۵۲) آقای هاشمی در نماز جمعه تهران کمکهای اطلاعاتی آمریکا به عراق برای حمله به تاسیسات ایران و علت افشای آن را جلوگیری از افزایش سرخوردگی متحدین آمریکا از این کشور ذکر کرد . (۵۳)

آمریکاییها در توضیح سیاست خود مجدداً تأکید کردند : « آمریکا می‌کوشد که از پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ جاری جلوگیری به عمل آورد . » (۵۴) وزیر خارجه وقت آمریکا نیز رسماً در مورد سیاست آمریکا اعلام کرد : کاستن از توان نظامی ایران می‌تواند به دستیابی به یک راه‌حل از طریق مذاکره کمک کند . وی افزود : هدف پایان دادن جنگ است ، بدون اینکه جنگ طرف بازنده یا پیروز داشته باشد . (۵۵)

حمید شعبان فرمانده وقت نیروی هوایی عراق در فضای ناشی از تشدید

سیاست خصومت آمیز آمریکا برای جلب اعتماد این کشور و سایر کشورهای عربی، پس از حملات گسترده نیروی هوایی عراق به مراکز اقتصادی و صنعتی ایران گفت:

«سال جاری تحولی قطعی و سریع به خود خواهد دید که به پایان یافتن جنگ به نفع عراق منجر خواهد شد... اولین مرحله از طرح شکست ایران با انهدام کلیه منابع انرژی این کشور بخصوص منابع نفتی آن کامل خواهد شد.» (۵۶)

خط مشی عراق در این مرحله "قطع نفت ایران و تامین نفت جهان" بود. لذا به موازات گسترش حمله به مراکز نفتی ایران و اخلال در صدور نفت جمهوری اسلامی، تلاش گسترده‌ای برای تامین نفت جهان با صدور نفت از منطقه خلیج فارس با اتکا به "لوله" به جای نفتکشها انجام گرفت. سیستم صدور نفت عراق در این مرحله از طریق اردن، عربستان و ترکیه طراحی شده بود و سعودیها نیز در اجرای لوله‌گذاری تعهداتی را پذیرفتند. به همین دلیل ادامه تهاجمات عراق بیشترین خسارات را متوجه ایران می‌کرد بدون اینکه در صدور نفت سایر کشورها اخلال ایجاد شود و یا قیمت نفت تحت تأثیر این حملات افزایش یابد. با توجه به همین نتایج، روزنامه واشنگتن تایمز طی تحلیلی نوشت:

"این حملات توازن جنگ در خلیج فارس را تغییر داده است... تهاجم نیروی هوایی عراق تأثیرات عمده‌ای در جنگ خلیج فارس داشته است." (۵۷)

در اثر تهاجمات هوایی عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی ایران و به موازات آن تهدید کمپانیهای خارجی صادرکننده نفت ایران و حمله به نفتکشها و پایانه‌های نفتی و کشتیهای تجاری، وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی رو به وخامت گذاشت. ضمن اینکه قیمت نفت به کمتر از ۱۰ دلار کاهش یافت. فصل‌نامه اینتلجنت وابسته به هفته‌نامه اکونومیست با استفاده از برآورد دبیرخانه اوپک نوشت:

«درآمد نفت ایران در نیمه اول سال ۱۹۸۶ معادل دو میلیارد و هشتصد و نود و شش میلیون دلار بوده است که در مقایسه با دور مشابه سال قبل بیش از ۵۰ درصد کاهش نشان می‌دهد. در واقع سال ۱۹۸۶ برای اقتصاد ایران یکی از بدترین سالها بود و این مسئله به دلیل کاهش عایدات ایران در مقایسه با سالهای گذشته بود.» (۵۸) ×

طی همین سال بخشی از واردات ایران به دلیل کمبود شدید ذخایر ارزی، به قرارداد پایاپای به کشورهای دوست متکی بود. (۵۹) گزارشهای منتشره نشان‌دهنده افزایش مشکلات و سختی‌های روزافزون در زندگی قشرهای وسیعی از جامعه بود که عمدتاً از درآمد ثابت برخوردار بودند و در تأمین مایحتاج خود به ارزاق کوپنی و ارزان متکی بودند. در واقع در دوران سخت بی‌برقی، جیره‌بندی بنزین، بازار سیاه کالاهای اساسی، افزایش قیمت‌ها و تورم، نیروهای داوطلب مردمی برای اجرای عملیات جذب و سازماندهی می‌شدند. امریکاییها امیدوار بودند، ایران در این روند تدریجاً مواضع خود را تغییر دهد. "دانیل پاس" مدیر موسسه پژوهشهای سیاست خارجی در آمریکا بر این باور بود که اگر برای اینها (ایرانیها) روشن سازیم که به عراقیها کمک خواهیم کرد و پیروزی برای آنها را دشوار خواهیم ساخت، آنگاه به گمان من ایرانیها بیدار خواهند شد. به همین دلیل وی معتقد بود که دادن اطلاعات جاسوسی و اسلحه و کمکهای دیگر به عراق، به سود آمریکا است. (۶۰)

× عدنان مزارعی در بررسی اقتصادی ایران بعد از انقلاب می‌نویسد: کاهش عمومی قیمت‌های نفت و خسارات وارده بر ظرفیت صدور نفت ایران به سبب جنگ با عراق به افت قابل توجه درآمدهای نفتی انجامید. روشن است که به رغم افزایش درآمدهای نفتی بین سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳، جنگ نفکشیها در خلیج فارس و افت شتابان قیمت‌های نفت از سال ۱۳۶۵، به سرعت درآمدهای نفتی ایران را کاهش داد. در سال ۱۳۶۶ درآمدهای نفتی حدود ۴۰٪ سال ۱۳۵۶ بود. (مجله فرهنگ و توسعه، شماره ۲۶، سال ۷۵، ترجمه پرویز صداقت)

در این موقعیت دشوار ، عملیات کربلای ۴ - که سپاه پاسداران از مدت‌ها قبل طرح‌ریزی و آماده‌سازی کرده بود - برای اجرا آماده‌شد . انتخاب منطقه عملیاتی برپایه موفقیت حاصله در فاو بود . در واقع پس از عملیات فاو ادامه عملیات از سمت کارخانه نمک به دلیل هوشیاری دشمن در مورد سمت تک و تمرکز نیروها و امکانات ارتش عراق در آن منطقه ، عملی نبود . دو راه حل وجود داشت . نخست پیشروی به سمت ام‌القصر و در غیراین صورت انتخاب منطقه جدید با هدف پیشروی به سمت بصره ، که منجر به انتخاب منطقه عملیاتی کربلای ۴ شد . فرمانده کل سپاه درباره این مسئله و ضرورت اجرای عملیات در این منطقه گفت :

« در صورت ننگیدن در اینجا ( جنوب ) باید زمینهای دیگری انتخاب کنیم و سازمان آبی و خاکی‌مان را تغییر دهیم . » ( ۶۱ )

منطقه عملیاتی در حدفاصل پنج‌ضلعی در شمال شلمچه تا ۴ کیلومتری انتهای جزیره جنوبی جزیره مینو قرار داشت . چنین تدبیر شد که عملیات از دو محور شلمچه و ابوالخصیب با هدف بصره ، طرح‌ریزی شود . عبور از این جزایر ام‌الرصاص و بوارین در واقع تاکتیک ویژه عملیات بود . ( ۶۲ ) به نظر می‌رسید با پیشروی به سمت ابوالخصیب و بصره و با مسدود کردن عقبه سپاه هفتم عراق و عبور از میان خط حد سپاه سوم و سپاه هفتم عراق می‌توان قوای دشمن را تجزیه کرد و به پیشروی در عمق ادامه داد . ( ۶۳ )

عملیات کربلای ۴ سرانجام در وضعیت خاص سیاسی - نظامی کشور و با امید به کسب پیروزی ، در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۳ آغاز شد . تنها به فاصله ۲۴ ساعت پس از شروع عملیات ، به دلیل وضعیت جدیدی که در خطوط درگیری به وجود آمد ، فرمانده کل سپاه دستور توقف عملیات را صادر کرد . در واقع با توجه به افشای عملیات براساس اطلاعاتی که آمریکا به عراق داده بود ( ۶۴ ) و استفاده عراق از تجارب عملیات فاو ، ( ۶۵ ) امکان پیروزی در

عملیات از میان رفت . عراقیها بلافاصله از آمریکاییها به دلیل واگذاری اطلاعات اساسی به این کشور برای مقابله با تهاجم ایران ، تشکر کردند . (۶۶)

نظر به شش ماه تلاش و سرمایه‌گذاری و با توجه به سردادن شعار تعیین سرنوشت جنگ ، سرانجام عملیات کربلای ۴ وضعیت دشواری را فراروی مسئولین سیاسی - اقتصادی کشور و فرماندهان سپاه قرار داد . عراقیها که پس از فاو و ناکامی در استراتژی موسوم به دفاع متحرک با وضعیت نامطلوبی روبه‌رو شده‌بودند ، مجدداً اعتماد به نفس خود را باز یافتند (۶۷) و حامیان عراق نیز در مورد توانایی این کشور برای مقاومت در برابر حملات ایران و دفاع از مراکز دفاعی تا اندازه‌ای امیدوار شدند . (۶۸)

با پیدایش وضعیت جدید به نظر می‌رسید ، توازن جنگ که پس از فتح فاو به سود ایران تغییر کرده بود ، مجدداً در حال تغییر به سود عراق می‌باشد ، در چنین وضعیتی تداوم حملات عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی کشور و آمادگی قوای عراقی برای بازپس‌گیری فاو می‌توانست برتری ایران را در دستخوش تغییر قرار داده و اوضاع را به سود عراق به چرخش در آورد .

در چنین موقعیت دشواری نیروهای بسیجی نیز به دلیل اتمام ماموریتشان در حال بازگشت به خانه‌های خود بودند . تحقق این امر می‌توانست ایران را در برابر حملات زمینی احتمالی عراق کاملاً آسیب‌پذیر نماید ، ضمن اینکه امکان اجرای عملیات نیز از میان رفت . برپایه این ملاحظات ، مجدداً تمامی طرحهای عملیاتی مورد بازبینی قرار گرفت و سرانجام منطقه شلمچه - به دلیل موفقیت لشکر ۱۹ فجر و تیپ ۵۷ حضرت‌ابوالفضل (ع) در محور شلمچه در عملیات کربلای ۴ - مورد توجه فرمانده کل سپاه قرار گرفت . در واقع گزارش عملیات یگانهای یادشده در عملیات کربلای ۴ و پیشروی این دو یگان در جهت خلاف آرایش دشمن ، از شمال به جنوب ، نطفه طرحریزی عملیات کربلای ۵ را در ذهن فرمانده

سپاه منعقد کرد و تلاشها مجدداً در همین چارچوب شروع شد. کمتر از دو هفته پس از توقف عملیات کربلای ۴ در روزهای آغازین دی‌ماه ۱۳۶۵، سپاه پاسداران عملیات کربلای ۵ را در ساعت ۲ بامداد ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ در منطقه شرق بصره آغاز کرد. تاخیر در واکنش دشمن نشان‌دهنده حضور نیروهای عراقی در منطقه فاو و آمادگی آنها برای حمله به فاو و بازپس‌گیری آن بود.

تاکتیک ویژه عملیات با عبور از کانال پرورش ماهی و اجتناب از تک جبهه‌ای از منطقه شلمچه، نیروهای دشمن را در موقعیت دشوار قرار داد و سرانجام پس از یک نبرد سخت و دشوار نیروها در شرق نهر جاسم مستقر شدند و دشمن به رغم تمام تلاشهایی که انجام داد، نتوانست مناطق تصرف شده را بازستاند. (۶۹)

یکی از کارشناسان نظامی "سرعت سازماندهی" نیروها را در این عملیات مورد تاکید قرار می‌دهد. (۷۰) و بر این باور است که ایران بدون "غافلگیری تاکتیکی" نمی‌توانست بر مواضع پدافندی و استحکامات عراق فائق آید. (۷۱) در عین حال وی معتقد است: «اگر چه عراق نتوانست مناطق تصرف‌شده را بازپس‌بگیرد ولی ثابت کرد می‌تواند از بصره دفاع کند. ایران نیز متقاعد شد حتی با عملیاتهای خوب تدارک‌یافته هم نمی‌تواند عراق را شکست دهد.» (۷۲) عراق برای جبران شکست در عملیات کربلای ۵ مجدداً حملات هوایی به شهرها و مردم بی‌دفاع را از سر گرفت. (۷۳) ایران نیز متقابلاً بغداد را زیر حملات موشکی گرفت و با اجرای آتشبار کاتیوشا روی بصره، عراق را در وضعیت دشواری قرار داد.

روسها که بیش از این مترصد بهره‌برداری از فرصتها برای به‌دست‌گیری ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق و خروج از افغانستان بودند، با پیدایش تنش در روابط آمریکا با ایران و عراق و تشدید سیاست خارجی آمریکا و

مهمتر از همه بی‌اعتبار شدن سیاستهای این کشور در نزد متحدین خود، حمایت از عراق را با افزایش ارسال سلاح به این کشور تشدید کردند. بنابر برخی گزارشها شوروی از اول ژانویه ۱۹۸۷ یک قطار هوایی برای ارسال موشکهای زمین به زمین با برد متوسط از نوع "اسکاد . بی" تانکهای مدرن "تی . ۷۲"، هواپیماهای میگ ۲۳ و میگ ۲۷ و چهار هواپیمای سوخت‌رسان از نوع توپولف ۷۲ به کار انداخت. (۷۴) هفته‌نامه فارین ریپورت معتقد است سیاست تازه شوروی با حمایت از عراق و با هدف تضعیف ایران و وادار نمودن حکومت تهران به درخواست کمک از مسکو می‌باشد. زیرا به نوشته این هفته‌نامه در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند از آمریکا کمکهای ارسالی دریافت کند. (۷۵) روسها چنین تصور می‌کردند بدین وسیله قادر خواهند بود علاوه بر اینکه برنده اصلی جنگ شوند، با کسب توافق ایران، معضل افغانستان را حل کنند.

اظهارات رئیس هیات نمایندگی شوروی (پیشین) در سازمان ملل، ماهیت سیاستهای جدید این کشور را روشن ساخت:

«مسکو امیدوار است با سیاست فروش تسلیحات جنگی به عراق، ایران را وادار سازد که درصد حل و فصل جنگ از راه گفتگو برآید. تا وقتی ایران معتقد باشد که می‌تواند از طریق نظامی بر عراق چیره شود، مسکو روش خود را تغییر نخواهد داد... مسکو هیچ‌گونه تردیدی برای تامین اسلحه عراق به خود راه نمی‌دهد.» (۷۶)

با آشکار شدن پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵ و ناتوانی عراق در بازپس‌گیری مناطق تصرف شده، گورباچف رهبر وقت شوروی (پیشین) ضمن "بی‌معنی خواندن جنگ" گفت:

«این جنگ باید از طریق مذاکرات سیاسی پایان یابد و هرچه زودتر این اقدام صورت گیرد بهتر خواهد بود؛ راه دیگری وجود ندارد.» (۷۷)



در عین حال ضرورت توجه روسها به ایران ، سبب گردید به رغم اصرار و تمایل عراقیها برای دریافت موشکهای برد بلند برای تهاجم به تهران ، مسکو از تحویل آن خودداری نماید . همین مسئله منجر به شتاب بخشیدن به برنامه صنعت تسلیحات موشکی در عراق شد<sup>(۷۸)</sup> که نتایج آن یک سال بعد با حملات موشکی به تهران در اسفند ۱۳۶۶ آشکار شد .

برجسته‌ترین نتیجه پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵ و دستاورد استراتژیک آن تثبیت توازن به سود ایران بود . در واقع مجموع تحولات جنگ از بهمن ۱۳۶۴ با فتح فاو تا بهمن ۱۳۶۵ با پیروزی در عملیات کربلای ۵ ، کوشش ایران برای حفظ برتری و متقابلاً تلاش عراق برای تغییر آن بود . سرانجام تحکیم مواضع دفاعی ایران در منطقه شرق بصره سبب گردید بر این مسئله تاکید شود که " تعادل قوا به نحوی قاطع به نفع ایران به هم خورده است . " <sup>(۷۹)</sup> میتران رئیس‌جمهوری اسبق فرانسه در مورد نتایج احتمالی برتری ایران گفت :

« پیروزی ایران در این جنگ به مثابه پیروزی تندروهای اسلامی خواهد بود که

می‌تواند ثبات کلی جهان عرب و مدیترانه را برهم زند . » <sup>(۸۰)</sup>

سفیر وقت انگلیس در سازمان ملل نیز اعلام کرد :

« هیچ‌کس مایل به پیروز شدن ایران انقلابی - این برهم زننده موضع موجود در

منطقه و زیر پا گذارنده حقوق و عرف بین‌المللی - نیست . » <sup>(۸۱)</sup>

برپایه این ملاحظات ، نوعی بازبینی در برنامه‌های استراتژیک کشورهای غربی و شوروی در مورد جنگ پدید آمد . <sup>(۸۲)</sup> فضای پدید آمده از این تحول ، این امکان را برای عراق فراهم ساخت که با هدف بین‌المللی کردن جنگ ، حمله به نفتکشها و پایانه‌های نفتی و مراکز صنعتی و اقتصادی ایران را مورد تهاجم شدید قرار دهد . " گری سیک " مشاور رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در مورد ضرورت قطع صدور نفت ایران می‌نویسد :



« عامل عمده ادامه جنگ از جانب ایران ، صدور نفت توسط این کشور است و تا موقعی که نفت از ایران صادر می‌شود ، جنگ ادامه خواهد یافت . بنابراین باید جریان صدور نفت ایران را قطع کرد . » ( ۸۳ )

**هسته مرکزی سیاست جدید عراق با حمایت آمریکا ، چنانکه وزیر دفاع وقت آمریکا می‌گوید ، از بین بردن " اصل امید " بود :**

« اکنون ما با نوعی جنگ روبه رو هستیم که هدف آن از بین بردن امید است . » ( ۸۴ )

امریکاییها کاهش توان نظامی ایران را لازمه دستیابی به یک راه‌حل از طریق مذاکره می‌دانستند و بر همین اساس فضای لازم را برای حمایت از اقدامات عراق در حمله به نفتکشها و پایانه‌های نفتی و مراکز صنعتی و اقتصادی ایران فراهم ساختند . نتایج عملیات کربلای ۵ سبب گردید از این پس کابینه ریگان استراتژی صلح را بطور جدی دنبال نماید و حتی وزیر خارجه وقت آمریکا ، جورج شولتز ، به ایران هشدار داد که یا جنگ را پایان دهد و یا با اقدامات شدید و مقتضی روبه‌رو خواهد شد . ( ۸۵ )

عراق به موازات حملات خود برای قطع صدور نفت ایران ، تدریجاً استراتژی نظامی خود را با کمکهای مستشاری روسها مورد بازبینی قرار داد و به این نتیجه رسید که سرنوشت جنگ روی زمین تعیین خواهد شد ، لذا به موازات افزایش توان نظامی برای مقابله با تهاجمات پی‌درپی ایران ، رهیافت نظامی تهاجمی‌تری را مورد توجه قرار داد .

ایران نیز با وجود افزایش فشارها پس از عملیات والفجر ۸ ( فتح فاو ) ، به دلیل کسب برتریهای نظامی در سال ۱۳۶۵ از اعتماد به نفس بیشتری برای پیگیری اهداف خود برخوردار شد . یکی از کارشناسان مسائل ایران در این زمینه می‌گوید :

« آنها دلیل نداشتند که فکر کنند قادر به پیروزی می‌باشند ولی عملیات فاو و مهران ( کربلای ۱ ) در سال گذشته به آنها نشان داد که به این امر قادر

می‌باشند و هم اکنون آنها برای کسب پیروزی عجله دارند . « (۸۶)

جمهوری اسلامی به دلیل برتری نظامی در جبهه زمینی و عدم تمایل به گشایش جبهه جدید و مهمتر از همه نیاز صدور نفت از خلیج فارس ، هیچ‌گونه تمایلی به گسترش جنگ در دریا نداشت ، لذا برای مقابله با تشدید حملات عراق سیاست " امنیت در خلیج فارس برای همه یا همه کس " را دنبال می‌کرد . سیاست مقابله به مثل ایران با توجه به امکانات محدود و عدم تمایل به این امر ، مراحل مختلفی را پشت سر نهاد .

در مرحله اول تا سال ۱۳۶۳ ایران به ازای هر سه حمله عراق تنها یک مورد را پاسخ می‌داد . روش اقدام نیز به این صورت بود که حملات به صورت هوایی و با استفاده از موشک ماوریک انجام می‌شد . این موشکها منجر به غرق شدن کشتی نمی‌شد و روند حرکت کشتی را مختل نمی‌کرد بلکه تنها خساراتی به آن وارد می‌کرد . در این مرحله با حمله جنگنده‌های سعودی ، دو فروند هواپیمای جنگی اف . ۴ ( F4 ) جمهوری اسلامی سقوط کرد و در پی آن عملاً سیاست مقابله به مثل ایران متوقف شد . (۸۷)

در مرحله دوم ، ضرورت مقابله به مثل در برابر عراق سبب گردید با استفاده از هلی‌کوپترهای نیروی دریایی و با استقرار آنها روی برخی سکوها نفتی در منطقه جنوبی خلیج فارس که در برابر مسیر کشتیرانی قرار داشت ، برای مقابله به مثل با همان اصل سه به یک اقدام شود . حمله عراقیها به سکوی نفتی سلمان بیش از ۱۰۰ میلیون دلار خسارت به دنبال داشت و عملاً این شیوه نیز کنار گذارده شد . (۸۸)

در مرحله سوم به کارگیری توپخانه نیروی دریایی ارتش در منطقه بعداز تنگه هرمز ، از سال ۱۳۶۵ دنبال شد ولی نتیجه قابل توجهی در پی نداشت و حملات عراق همچنان رو به افزایش بود . در واقع به موازات تشدید حملات عراق ، توانایی ایران برای پاسخ با ابزارهای مناسب محدودتر و بسیار پرهزینه‌تر می‌شد . (۸۹)

پیدایش بن بست در اجرای "سیاست مقابله به مثل" سبب گردید منطقه خلیج فارس کاملاً در اختیار عراق قرارگیرد. ضمن اینکه فشارهای وارده به جمهوری اسلامی، برتریهای سیاسی - نظامی ایران را تا اندازه‌ای تحت تاثیر قرار داده بود طوری که کشور در وضعیت بسیار دشواری قرار گرفت.

آقای هاشمی، با توجه به این وضعیت، در اوج عملیات کربلای ۵ خطاب به برادر علایی فرمانده وقت نیروی دریایی سپاه گفت:

«بررسی کنید آیا برای مقابله به مثل می‌توانید وارد خلیج فارس شوید؟» (۹۰)

این دستور در واقع طلوع حضور سپاه در دریا بود. البته نیروی دریایی سپاه بیش از این به فرمان امام خمینی تشکیل شده بود و سپاه نیز برای "جنگ در دریا" طرح و برنامه داشت، لیکن امیدواری به سایر منابع و ابزارها، مانع از توجه به طرحهای سپاه بود. (۹۱)

حضور فعالانه سپاه، مرحله چهارم از سیاست مقابله به مثل ایران را تشکیل می‌داد و آثار آن تنها چندماه بعد از فروردین ۱۳۶۶ آشکارشد. در این مرحله برخورد نفتکشها به "مین"، حملات قایقهای تندرو و شلیک "موشک کرم ابریشم" زمینه‌های گسترش دامنه درگیری را به کشورهای منطقه به وجود آورد. درخواست جدی و عاجزانه کویت از آمریکا برای اسکورت نفتکشهایش در این مرحله بود. نگرانی آمریکا از عواقب این اقدام، سبب گردید آمریکاییها در وهله اول از اجابت درخواست کویتها اجتناب کنند لیکن کویت با ارائه همین پیشنهاد به شوروی و پذیرش آن، آمریکاییها را تحریک کرد تا پس از یک بررسی جدی در کنگره آمریکا و بحث میان کنگره و دولت، سرانجام پرچم آمریکا را برفراز نفتکشهای کویت به اهتزاز در آورند. (۹۲)

آمریکاییها به موازات این اقدام، پس از تلاشهای گسترده در سازمان ملل، سرانجام قطعنامه ۵۹۸ را به تصویب رساندند. (۹۳) ضمن اینکه کشتار حجاج ایرانی توسط عوامل سعودی نیز در همین زمان با حمایت آمریکاییها

انجام‌گرفت. برابر شواهد موجود، آمریکاییها پس از افشای ماجرای مک‌فارلین، با تصویب قطعنامه ۵۹۸ و حضور نظامی گسترده در منطقه خلیج فارس و اسکورت نفتکشها، در نظر داشتند با ابتکار عمل جدید، شرایط خاتمه یافتن جنگ را فراهم سازند. شش ماهه نخست سال ۱۳۶۶ اساساً به درگیری ایران و آمریکا در خلیج فارس و تلاشهای دیپلماتیک ایران در سازمان ملل برای تعدیل قطعنامه ۵۹۸ و ممانعت از صدور قطعنامه مجدد علیه ایران معطوف شد. (۹۴)

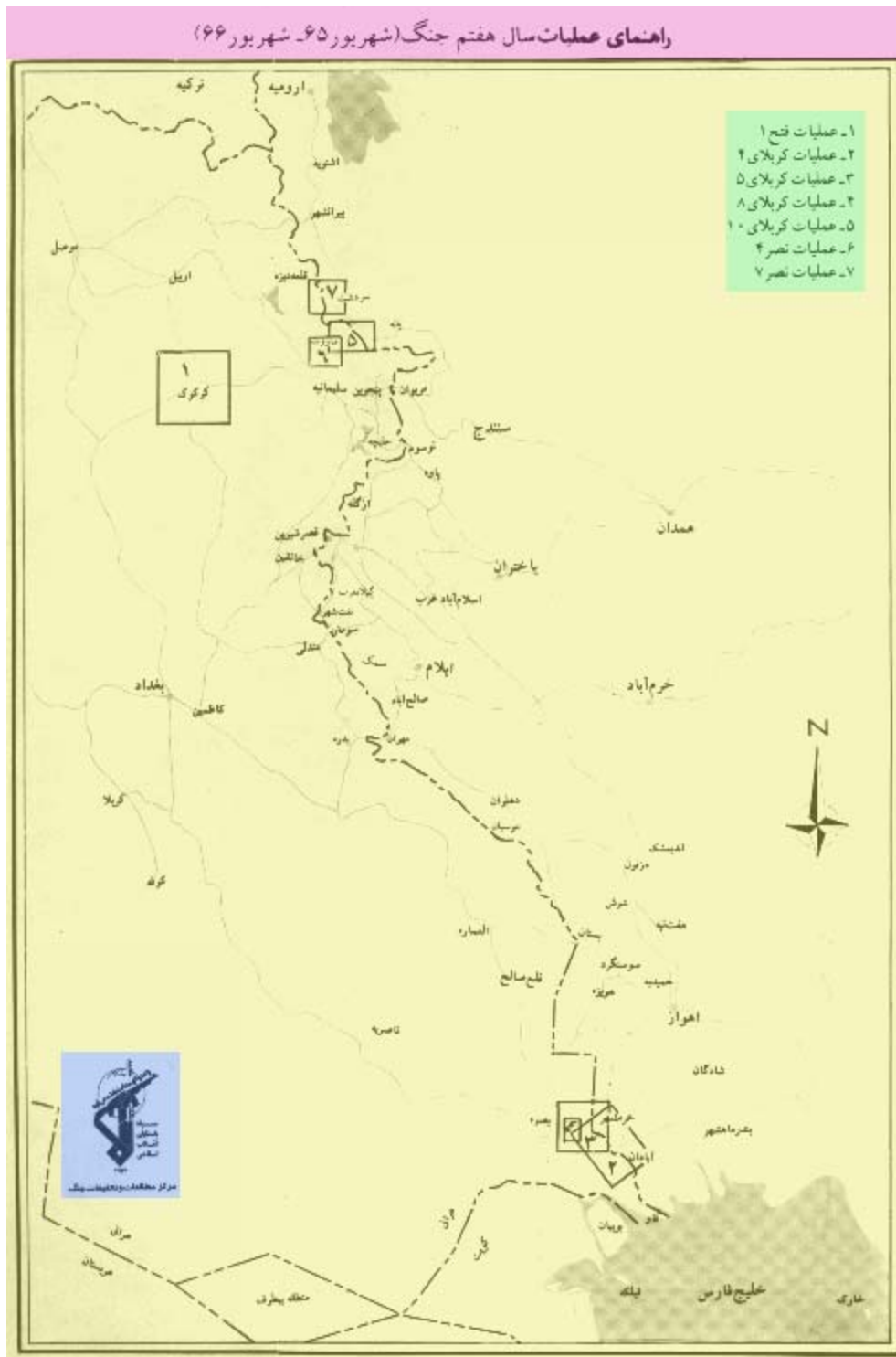
بدین ترتیب هفتمین سال جنگ در حالی پایان یافت که علی‌رغم تثبیت توازن جنگ به سود ایران، دامنه فشار علیه ایران گسترش یافت و موانع و دشواریهای ادامه جنگ و فائق آمدن بر مشکلات و برخورداری از وضعیت مناسب برای خاتمه دادن جنگ، بیش از گذشته خودنمایی می‌کرد. به همین دلیل این سؤال در برابر مسئولین و تصمیم‌گیرندگان سیاسی و نظامی به وجود آمده بود « که در وضعیت موجود چه راه‌حلی برای ادامه پیروزمندانه جنگ یا خاتمه شرافتمندانه آن وجود دارد؟ »

### منابع و مأخذ فصل ۸ (جنگ در سال هفتم)

- ۱- محمد درودیان، از فاو تا شلمچه، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳)، ص ۷۲.
- ۲- پیشین.
- ۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۵/۳/۱۷.
- ۴- پیشین.
- ۵- روزنامه کیهان ۱۳۶۵/۵/۱۱.
- ۶- سند شماره ۱۵۳۱۶/پ ن، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه راویان جنگ با برادر محسن رضایی، ۱۳۶۵/۵/۷، نوار شماره ۱۷۳۸۴.
- ۷- مأخذ شماره ۱، فصل چهارم.
- ۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۸۱۶، ۱۳۶۵/۴/۲۳، نشریه نیوزویک ۱۳۶۵/۴/۲۲.
- ۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۲۲۳، ۱۳۶۵/۸/۱۷، واشنگتن پست ۱۳۶۵/۸/۱۶، به نقل از ریگان رئیس‌جمهور اسبق آمریکا و روزنامه رسالت، ۱۳۶۵/۸/۲۴.
- ۱۰- مأخذ شماره ۱، ص ۸۹، به نقل از نشریه "بررسی مطبوعات جهان"، ۱۳۶۵/۹/۱۹.
- ۱۱- روزنامه ابهر، ۱۳۶۵/۸/۲۴، خبرگزاری آسوشیتد پرس، به نقل از مک‌فارلین.
- ۱۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"،



- ۵۹- دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، بولتن "گزارش"، ۱۳۶۵/۱۱/۲۴، رادیو دولتی انگلیس.
- ۶۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۲۹۸، ۱۳۶۵/۱۰/۲۲، رادیو آمریکا، ۱۳۶۵/۱۰/۲۱.
- ۶۱- سند شماره ۰۳۰۴/گ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، "کربلای ۴- عملیات سرنوشت‌ساز" جلد ۱، گزارش راویان قرارگاه مرکزی سپاه در عملیات کربلای ۴، ص ۸.
- ۶۲- پیشین، ص ۳۵.
- ۶۳- مأخذ شماره ۶۲، ص ۱۴.
- ۶۴- مأخذ شماره ۱، ص ۱۱۶.
- ۶۵- مأخذ شماره ۱، ص ۱۱۸.
- ۶۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۲۸۷، ۱۳۶۵/۱۰/۱۱، خبرگزاری فرانسه از بغداد.
- ۶۷- دفتر سیاسی سپاه پاسداران، "رویدادها"، شماره ۱۲۷، ۱۳۶۵/۱۰/۱۷، خبرگزاری تانیوگ.
- ۶۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۲۹۱، ۱۳۶۵/۱۰/۱۵، ساندی تلگراف.
- ۶۹- محمد درودیان، "نبرد در شرق بصره"، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۴)، ص ۳۱.
- ۷۰- آنتونی کردزمن، آبراهام آر. واگنر، درسهایی از جنگ مدرن - جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۳۸۵.
- ۷۱- پیشین، ۲۸۷.
- ۷۲- مأخذ شماره ۷۰، ۲۹۳.
- ۷۳- روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۱۰/۲۵.
- ۷۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۲۸۰، ۱۳۶۵/۱۰/۴، رادیو واسرائیل، ۱۳۶۵/۱۰/۳، به نقل از هفته‌نامه فارین ریپورت.
- ۷۵- پیشین.
- ۷۶- روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۵/۱۰/۲۰، به نقل از رادیو آمریکا ۱۳۶۵/۱۰/۱۹.
- ۷۷- کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین (تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم ۱۳۶۶)، ص ۴۸۸.
- ۷۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۳۵۴، ۶۵/۱۲/۱۸، نشریه نول آبزورر.
- ۸۰- روزنامه رسالت، ۱۳۶۶/۱۱/۱۱، خبرگزاری فرانسه.
- ۸۱- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳/۷/۲۰، به نقل از مجله "سیاست خارجی" دفتر مطالعات وزارت خارجه، مقاله روح‌الله کارگر رضانی از دانشگاه وبرجینیا.
- ۸۲- مأخذ شماره ۷۹.
- ۸۳- معاونت سیاسی سپاه، بولتن "بررسی"، اردیبهشت ۱۳۶۷، مقاله‌نگاهی به بحران خلیج فارس، ص ۲۴.
- ۸۴- پرفسور حمید مولانا، "تکنولوژی اطلاعات و حاکمیت کلی"، کتاب بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع - جلد اول (دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی جنبه‌های دفاع و تجاوز، نشر سپهر، ۱۳۶۸)، ص ۲۸۰.
- ۸۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۵۷، ۱۳۶۶/۲/۲۶، رادیو لندن، ۱۳۶۶/۲/۲۵.
- ۸۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۳۰۵، ۱۳۶۵/۱۰/۲۹، رادیو لندن، ۱۳۶۵/۱۰/۲۸.
- ۸۷- مصاحبه اختصاصی با سردار غلامعلی فرماندهی پیشین نیروی دریایی سپاه و سردار فدوی مسئول اطلاعات نیروی دریایی سپاه، ۱۳۷۵/۹/۲۲.
- ۸۸- پیشین.
- ۸۹- مأخذ شماره ۸۷.
- ۹۰- مأخذ شماره ۸۷.
- ۹۱- مأخذ شماره ۸۷.
- ۹۲- محمد درودیان، "شملچه تا حلچه" (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۶)، فصل دوم.
- ۹۳- پیشین.
- ۹۴- مأخذ شماره ۹۲.



راهنمای عملیات سال هفتم جنگ ( شهریور ۶۵ - شهریور ۶۶ )

<http://www.ciw8.net>



## فصل ۹

جنگ در سال هشتم

### پایان جنگ

شهریور ۱۳۶۶ تا مرداد ۱۳۶۷

هشتمین سال جنگ در حالی آغاز شد که درگیری ایران و آمریکا در خلیج فارس با حملات آمریکا به سکوهای نفتی ایران و مقابله ایران به نقطه اوج خود رسید. <sup>(۱)</sup> با فرارسیدن ماه آبان آمریکاییها تدریجاً از مواضع خود عقب‌نشینی کردند. چنانکه پس از اصابت موشک به اسکله الاحمدی کویت در بامداد ۳۰ مهر ۱۳۶۶ و انفجار یک بمب در کویت در دوم آبان همان سال، ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا با توجه به عدم دستیابی آمریکا به اهداف خود برای پایان بخشیدن به اوضاع بحرانی در خلیج فارس، اعلام کرد:

« فکر نمی‌کنم در هیچ چیز دچار اشتباه محاسبه شده باشیم. ما در آنجا (خلیج فارس) برای آغاز جنگ حضور نداریم... ما گفته‌ایم در صورتی که مورد حمله واقع بشویم از خود دفاع می‌کنیم. » <sup>(۲)</sup>

این اظهارات به روشنی نشان‌دهنده عدم تمایل آمریکا به ادامه درگیریها ارزیابی می‌شد چنانکه وزارت خارجه آمریکا رسماً اعلام کرد:

« به عهده دولت کویت است که تصمیم بگیرد به سومین موشک شلیک‌شده توسط ایران پاسخ لازم را بدهد. » <sup>(۳)</sup>

بدین ترتیب آمریکاییها به‌رغم تبلیغات و توافق برای اعمال پشتیبانی از کویت، سرانجام به دلیل نگرانی از عواقب تداوم و گسترش درگیری ایران و

آمریکا، تصمیم‌گیری در مورد پاسخ به حملات موشکی را بر عهده کویت گذاشتند. <sup>(۴)</sup> وزیر دفاع وقت آمریکا با پذیرش تلویحی شکست آمریکا در درگیری با ایران، اعلام کرد:

«بهترین راه پایان بخشیدن به ستیزه‌جویی ایران، اجرای برنامه تحریم سازمان ملل در مرادوات ایران است.» <sup>(۵)</sup>

سفیر کویت در آمریکا نیز طی مصاحبه با روزنامه الشرق الاوسط با توجه به تغییر موضع آمریکا اظهار داشت:

«منافع کشورهای شورای همکاری این است که در زندگی با آرامش و صلح در کنار ایران باشند... درگیر شدن با ایران آسان است ولی پایان دادن به چنین نبردهایی دشوار می‌باشد!» <sup>(۶)</sup>

ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا با صدور بیانیه‌ای تحریم اقتصادی ایران را اعلام کرد. در بیانیه صادره چنین تأکید شده است:

«ما فقط پس از تلاشهای مکرر و ناموفق برای کاهش بحران با ایران، دست به این تحریمهای اقتصادی زدیم!» <sup>(۷)</sup>

از جمله موارد تحریم، خرید نفت از ایران ذکر شده است. <sup>(۸)</sup>

در وضعیتی که ابتکار عمل آمریکا برای پایان دادن به جنگ با شکست همراه شد، تحولات دیگری در حال انجام بود که بدون تردید نقش قابل توجهی در فراهم‌سازی زمینه‌های پایان دادن به جنگ داشت. پیش از این تلاش عراق برای بین‌المللی کردن جنگ با فراهم کردن زمینه‌های حضور آمریکا در منطقه و حمله به ایران و تصویب قطعنامه ۵۹۸ و همچنین حمله به مردم بی‌دفاع و غیرنظامی در شهرها، گرچه ابعاد فشار به ایران را گسترش داد و تشدید کرد ولی هیچ‌کدام منجر به پایان یافتن جنگ نشد، بنابراین عراقیها در جستجوی راه‌حل پایان دادن به جنگ، "تغییر استراتژی" عراق را "از تدافعی به تهاجمی" مورد توجه قرار دادند. ضمن اینکه تلاش برای دستیابی

به موشک به منظور " حمله موشکی به تهران " و تداوم " حمله به مراکز صنعتی و اقتصادی " ایران را کماکان در دستور کار خود داشتند .

درک جدید عراق در مورد ضرورت تغییر استراتژی با کمک مستشاری کارشناسان ارشد نظامی شوروی ( پیشین ) و کمکهای نظامی و اطلاعاتی آمریکا انجام گرفت ، ضمن اینکه برخی از افسران ارشد عراق نیز با تجزیه و تحلیل شورویها در مورد ضعفها و کاستیهای اساسی در ساختار هجومی ارتش عراق موافق بودند .<sup>(۹)</sup> ناتوانی عراق در بازپس‌گیری فاو و سپس ناکامی در تأمین اهداف استراتژی موسوم به دفاع متحرک ، نشان‌دهنده ضعف در ساختار دفاعی و تهاجمی عراق بود . آنتونی کردزمن یکی از کارشناسان نظامی آمریکا بر این باور است که عراقیها مشکل استراتژیکی و تاکتیکی داشتند و قادر نبودند در برابر پیشروی نیروهای ایران مقاومت کنند و همچنین نمی‌توانستند با تصرف بخشهای محدودی از خاک ایران ، این کشور را مجبور به پذیرش صلح کنند .<sup>(۱۰)</sup>

در واقع پیشروی قوای نظامی ایران در مستحکم‌ترین مواضع دفاعی عراق در منطقه شرق بصره ، مجدداً ضعفهای عراق را آشکار ساخت . برابر برخی گزارشها در ۱۵ مارس ۱۹۸۷ ( ۱۴ اسفند ۱۳۶۵ ) صدام حسین در جلسه‌ای ۵ ساعته با فرماندهان ارتش عراق و برخی از مسئولین سیاسی و حزبی ، خطر شکست تدریجی عراق را مورد بررسی قرار دادند . شواهد موجود حاکی است که در این جلسه تصمیمهای اساسی برای تغییر استراتژی عراق ، با گسترش بیشتر سازمان گارد ریاست‌جمهوری و سایر نیروها جهت تدارک ضد حملات و تشدید جنگ نفتکشها اتخاذ شد .<sup>(۱۱)</sup>

روسها با برخورداری از نقش جدید در منطقه ، با افزایش حملات سیاسی و تسلیحاتی از رژیم بعثی ، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود موقعیت عراق داشتند . رهبری جدید شوروی برای خاتمه دادن به جنگ ، در اندیشه تجهیز

بیشتر عراق بود تا بدینوسیله ایران را مجبور به پذیرش صلح نماید. گورباچف رهبر وقت شوروی در همان زمان رسماً اعلام کرد:

«این جنگ باید از طریق مذاکرات سیاسی پایان یابد و راه دیگری وجود ندارد.» (۱۲)

رئیس هیأت نمایندگی شوروی در سازمان ملل نیز اعلام کرد که مسکو امیدوار است سیاست فروش تسلیحات جنگی به عراق، ایران را وادار سازد در صدد حل و فصل جنگ از راه گفتگو برآید. وی در اظهارات خود با تأکید بر عدم تغییر روش مسکو در حمایت از عراق، گفت:

«مسکو هیچ‌گونه تردیدی برای تأمین اسلحه عراق به خود راه نمی‌دهد.» (۱۳)

گرچه روسها در این مرحله از نقش برجسته و فعال تری در مقایسه با سایر کشورها برای حمایت از عراق برخوردار بودند، ولی تصمیم به تقویت نظامی عراق در برابر ایران، یک تصمیم جهانی بود. × (۱۴) منطق حاکم بر این

× واگذاری تجهیزات به عراق به نحوی چشمگیر و بی‌سابقه افزایش یافت. بنابر نظر آنتونی کردزمن در طول جنگ جمعاً ۵۰ میلیارد دلار تسلیحاتی لازم جنگ به عراق تحویل شد (کنفرانس خلیج فارس، بررسی منافع و راههای موجود آمریکا ۱۳۶۹/۶/۲۱، واشنگتن). فرانسه در کمتر از ۲ سال، تسلیحاتی به ارزش ۵/۶ میلیارد دلار به عراق ارسال داشت. چین، انگلستان، آلمان، برزیل، مصر، کلمبیا، اسپانیا، آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر به میزان بسیار تسلیحات شیمیایی با تکنولوژی پیشرفته در اختیار عراق قرار دادند. پس از تشدید درگیری میان عراق و کویت، عراقیها مدعی شدند جنگ را به تنهایی انجام داده‌اند. ابوغزاله معاون سابق رئیس‌جمهوری و وزیر دفاع مصر در گفتگو با رادیو کویت اعلام کرد: همه می‌دانند که تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کرده‌اند و ادعای عراق در مورد این که جنگ را به تنهایی شروع کرد یک دروغ بزرگ است و دولتهای عرب در طول جنگ کمکهای فراوانی به عراق کردند (روزنامه کیهان، ۷ اسفند ۱۳۶۹). شوروی در بین سالهای ۸۸ - ۱۹۸۶ (۶۷ - ۱۳۶۵) سلاهایی به ارزش تقریبی ۸/۸ تا ۹/۲ میلیارد دلار شامل ۲۰۰۰ تانک (از جمله ۸۰۰ تانک تی ۷۲، ۳۰۰ هواپیمای جنگنده، حدود ۳۰۰ موشک زمین به زمین از نوع اسکاد. بی و هزاران قطعات توپخانه سنگین و نفربرهای مسلح به عراق تحویل دادند (محمی‌الدین مصباحی، اتحام جماهیر شوروی و جنگ ایران و عراق از برژنف تا گورباچف، مجله سیاسی دفاعی، ویژه‌نامه جنگ، تابستان و پاییز ۱۳۷۵). طه یاسین رمضان به خبرگزاری مصر گفت: «شورویها در کنار ما هستند و در توسعه نیروهای مسلح ما شرکت دارند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۶۶/۴/۱۴، خبرگزاری فرانسه، ۶۶/۴/۱۳)

تصمیم مشترک به این علت بود که هیچ‌گونه چشم‌انداز واقعی و روشن برای خاتمه جنگ مشاهده نمی‌شد. برپایه این ملاحظه چنین تصور می‌شد که «یک تغییر اساسی در موازنه نظامی جنگ به نفع عراق، شرط اولیّه پایان سریع جنگ است.»<sup>(۱۵)</sup> از سال ۱۳۶۵ اعزام کارشناسان شوروی برای تأمین تسلیحات عراق به آن میزان و کیفیت بود که وضعیت استراتژیکی را تغییر دهد و ایران را مجبور به قبول یک راه‌حل سیاسی کند.<sup>(۱۶)</sup>

در نتیجه دو تحول اساسی در ساختار نظامی عراق با "گسترش سازمان رزم" و "خرید و انباشتن تجهیزات" انجام گرفت. در طول سال ۱۳۶۶ عراقیها تمرینهای آموزشی گسترده‌ای را با انتقال نیروها از خط مقدم به عقب در تمام سطوح انجام دادند. واحدهای گارد ریاست جمهوری از اجازه آزادی عمل بیشتری برخوردار شدند. به واحدهای توپخانه آموزشی ویژه‌ای در زمینه تمرکز و تغییر مسیر آتش داده شد. مجموع این آموزشها اصلاحات عمده‌ای در تعدادی از سپاهها و لشکرهای کلیدی عراق به وجود آورد.<sup>(۱۷)</sup> ضمن اینکه نیروی زمینی عراق از ۲۶ لشکر در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) به ۴۵ لشکر در ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) افزایش یافت. بنابراین رشد واقعی هم در ساختار نیرو و هم توانایی عملیاتی آنها به وجود آمد.<sup>(۱۸)</sup> صدام طی مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی السیاسه رسماً اعلام کرد که عراق در تمام زمینه‌های سیاسی - نظامی قوی‌تر از سال گذشته و امکانات نظامی آن حداقل از ۶ ماه پیش، دو برابر شده است.<sup>(۱۹)</sup>

بنابراین در سال ۱۳۶۶ و در وضعی که ایران عمیقاً درگیر مشکلات فزاینده ناشی از فشارهای بین‌المللی و حملات عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی این کشور بود،<sup>(۲۰)</sup> "فضای تنفس حیاتی" برای عراق فراهم شد تا با سازماندهی کامل نیروهایش و ایجاد قابلیت‌های جدید دفاعی و تهاجمی، برای حمله به مواضع و استحکامات ایران کمین نماید.

عناصر اصلی استراتژی ایران در موقعیت دشوار هشتمین سال جنگ ، مقاومت در برابر فشارها × با رویکرد جدید نظامی در جبهه‌های غرب بود . گرچه موقعیت برتر نظامی ایران با پیروزی در عملیات کربلای ۵ تثبیت شد ، ولی همین عملیات نقطه ثقل آغاز تحوّل جدید در جنگ و چرخش روند جنگ به زیان ایران بود . یکی از کارشناسان نظامی بر این عقیده است که « در این عملیات چکش ایران در مقابل سندان عراقیها در هم شکست . » (۲۱) و ایران پس از آن دیگر مجال بازسازی پیدا نکرد . حال آنکه عراق تحت حمایت بین‌المللی به رشد کمی و کیفی شگفت‌انگیز و باورنکردنی دست یافت .

سردار رضایی فرمانده کل سپاه درباره تأثیرات عملیات کربلای ۵ بر روند جنگ و کاهش توانایی ایران می‌گوید :

« ۱ - بخش قابل توجهی از توان سپاه با استقرار در مناطق فاو ، جزایر مجنون و شلمچه زمین‌گیر شد .

۲ - استراتژی کشور برای بسیج امکانات شکست خورد .

۳ - در منطقه جنوب به بن‌بست رسیدیم و امکان غافلگیری دشمن از میان رفت . » (۲۲)

اجرای عملیات کربلای ۸ در اردیبهشت ۱۳۶۶ بر اثر اصرار مسئولین ، و سایر دشواریهای موجود سبب گردید فرمانده کل سپاه طی نامه‌ای به امام خمینی با بیان کردن مشکلات جنگ بر این مسئله تأکید نماید که اگر کشور وارد جنگ نشود ، عراق حملاتش را علیه ایران آغاز خواهد کرد . (۲۳)

× حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی در جلسه با حزب‌الله مجلس اظهار داشت : تداوم حملات عراق به مراکز اقتصادی ایران و کاهش قیمت نفت سبب گردید درآمد ارزی ایران در سال ۶۵ اندکی بالاتر از ۵ میلیارد دلار برسد که از این مقدار ۳ میلیارد دلار به قوای مسلح اختصاص یافت و با ۲ میلیارد و خرده‌ای کشور اداره شد .

( روزنامه اطلاعات ، ۱۳۷۵/۱۲/۹ )

نگرانیهای ذکرشده در این نامه منجر به ملاقات برادر رضایی با امام و سپس ملاقات با حاج سید احمد خمینی شد و مجدداً طی نامه‌ای در ۲۰ صفحه مسائل بطور مشروح بیان شد. (۲۴)

افزایش توان نظامی عراق به صورت روزافزون و متقابلاً کاهش توان اقتصادی و نظامی ایران، شکاف عمیقی میان توانایی نظامی ایران و اهداف سیاسی کشور به وجود آورده بود و امکان تغییر موازنه جنگ با آغاز تهاجمات عراق وجود داشت. در واقع گرچه استقرار نیروهای ایران در طول مرز و تهاجمات پی‌درپی موازنه را همچنان به نفع ایران حفظ کرده بود (۲۵) ولی همین وضعیت منجر به کاهش تدریجی توان نظامی و افزایش آسیب‌پذیری ما بود. ضمن اینکه خلأ استراتژیک × موجود بر اثر درنگ و تردید دو ابرقدرت جهت اقدام علیه ایران، در حال کم رنگ شدن بود. (۲۶)

چنانچه از اواسط سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) با حضور نظامی آمریکا در منطقه و اسکورت نفتکشها و تصمیم شوروی برای بازسازی و تقویت ماشین جنگی عراق، بتدریج توانایی ایران برای بهره‌برداری از رقابت ابرقدرتها کاهش یافت و بدین ترتیب خلأ استراتژیک که برای اقدامات و سیاست ایران در خلیج فارس بسیار اهمیت داشت، منتفی گردید. (۲۷)

لازمه فائق آمدن بر این وضعیت، تداوم تهاجمات ایران بود که از این پس حداقل برای یک مقطع زمانی تنها در منطقه غرب کشور، قابل پیگیری و اجرا بود. در واقع هرگونه درنگ در انتقال از جنوب به غرب هیچ‌گونه گشایشی را در جنگ حاصل نمی‌کرد، زیرا به‌دلیل بن‌بست نظامی، امکان

---

× محدود بودن جنگ به مرزهای دو کشور ایران و عراق و عدم مداخله‌جویی جدی آمریکا و شوروی، وضعیتی را برای ایران به وجود آورد که در اینجا به عنوان خلأ استراتژیک از آن یاد می‌شود. عراق با گسترش دامنه جنگ با هدف بین‌المللی کردن آن، تدریجاً اوضاع را برای ایران دشوار کرد و از سال ۱۳۶۶ آمریکا و شوروی ایران را عملاً تحت فشار قرار دادند.



اجرای عملیات گسترده و پیروز در جنوب وجود نداشت. ضمن اینکه امکان تهاجم دشمن همچنان پابرجا بود (۲۸) با این تفاوت که حصول پیروزی در منطقه غرب کشور با پیشروی به سمت سلیمانیه و کرکوک می‌توانست، تجزیه قوای دشمن را به دنبال داشته باشد. در عین حال عوامل مؤثر در تغییر رویکرد نظامی ایران از جنوب به غرب به شرح زیر بود:

- ۱- ضرورت تداوم جنگ و ممانعت از ایجاد رکود در جنگ.
- ۲- حفظ ابتکار عمل در برابر دشمن.
- ۳- گشودن جبهه جدید در مقابل دشمن و تجزیه قوای آن.
- ۴- کسب زمان از دشمن برای دستیابی به راه کار جدید در جنوب. (۲۹)

در این چارچوب علاوه بر سلسله عملیاتی که سپاه پاسداران در نیمه اول سال ۱۳۶۶ ( کربلای ۱۰، فتح ۵، نصر ۴ و نصر ۷) انجام داد، عملیات نصر ۸ را نیز در تاریخ ۶۶/۸/۲۹ در ماووت به اجرا درآورد. سپاه پس از آن نیز دو عملیات بیت المقدس ۲ و ۳ را در ۱۳۶۶/۱۰/۲۵ و ۱۳۶۶/۱۱/۲۳ در محور ماووت اجرا کرد. با توجه به دشواریهای موجود برای ادامه عملیات در این محور، سپاه پاسداران در منطقه حلبچه عملیات والفجر ۱۰ را طرحریزی کرد که در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۳، اجرا شد. (۳۰)

در این مرحله رژیم عراق به کارگیری منافقین را برای مقابله با سیاستهای ایران در همکاری با معارضین کرد عراقی به نحو قابل توجهی افزایش داد. ملاقات صدام و رجوی در بغداد زمینه اجرای عملیاتی نامنظم منافقین را فراهم ساخت. × رجوی در پیام به نیروهای شناسایی خود، تاکید کرد که

---

× منافقین در همین روند در بهار ۱۳۶۷ یک گزارش اطلاعاتی، همراه با یک جمع بندی برای استخبارات عراق تهیه کردند. در این گزارش تأکید شده بود که ارتش ایران توان آفندی ندارد و به همین دلیل در مواضع پدافندی استقرار یافته است. همچنین ارتش عراق تشویق شده بود به مواضع دفاعی این نیروها حمله کند.

( اظهارات یکی از اعضای منافقین که در یکی از این عملیاتها به اسارت درآمد )

عملیاتهای شناسایی بدون برجای نهادن رد پا از سازمان انجام گیرد. (۳۱)

با فرارسیدن ماه پایانی سال ۱۳۶۶، از نیمه اسفند حملات موشکی عراق به تهران آغاز شد. به دلیل این تصور که عراق فاقد موشک مناسب برای حمله به تهران می‌باشد، این حملات موجب شگفتی ناظران شد، به نظر می‌رسید حمله موشکی ایران به بغداد در پاسخ به تهاجمات هوایی عراق به مردم بی‌دفاع و غیرنظامی در شهرها، در اسفند سال ۱۳۶۳ و بعدها در سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵، منجر به تصمیم عراقیها به شتاب برای تهیه و ایجاد زیرساخت صنایع موشکی و همچنین دریافت موشکهای اس. اس. ۱۲، شده‌است. (۳۲)

عراقیها در فضای خصومت‌آمیز بین‌المللی علیه ایران، متقاعد شده بودند که غرب از آنها حمایت می‌کند و می‌توانند به هر عملی دست بزنند. (۳۳) به همین دلیل صدام طی سخنانی برای اعضای شورای فرماندهی عراق رسماً اعلام کرد:

«عراق از کلیه سلاحهای ممکن برای وادار ساختن ایران به پذیرش آتش‌بس استفاده خواهد کرد.» (۳۴)

گرچه برخورداری عراق از توانایی شلیک موشک به تهران با کمک آلمان و آرژانتین انجام شد ولی "کمکهای فنی روسها" (۳۵) و نقش مشاور فنی و پشتیبانی عملی آنها در طرحریزی مأموریت و سازمان یگانهای هوایی تهاجمی عراق در این مرحله بسیار برجسته و قابل توجه بوده است. مهمتر از این، عراق تهاجم موشکی به تهران را در چارچوب سیاستهای شوروی (پیشین) (۳۶) و با هدف تغییر موضع ایران در قبال افغانستان انجام داد. یک مقام رسمی وزارت خارجه آمریکا در همان زمان اعلام کرد:

«هر عکس‌العمل شوروی را باید در عملکرد فوری رژیم بعث عراق جستجو کرد.» (۳۷)

بعدها آقای ولایتی وزیر خارجه ایران در مصاحبه با روزنامه کیهان گفت :

« در اوج بمبارانهای عراقی به قائم مقام وزیر خارجه شوروی گفتم : چرا به عراقیها موشک می‌دهید ؟ گفت : شما دست از حمایت مجاهدان افغانی بردارید تا ما هم موشک ندهیم . × معامله خوبی نیست ؟ » ( ۳۸ )

در آغاز سال ۱۳۶۷ امام خمینی با درکی که از وضعیت حاکم بر جنگ داشتند ، طی پیامی در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۱۱ به مناسبت انتخابات سومین دوه مجلس شورای اسلامی ، فرمودند :

« این روزها روز امتحان الهی است . امروز روز عاشورای حسینی است . امروز ایران کربلاست ، حسینان آماده باشید . »  
در ادامه پیام امام آمده است :

« ای آزادگان و احرار بی‌اخیزید ، قدرتهای بزرگ شرق و غرب می‌خواهند شما را زیر چکمه‌ها و چنگالهای کثیف و خونین خود خرد کنند که حتی آخ هم نگویید . امروز روز مقاومت است . »

امام خمینی در ادامه پیام پس از اشاره به حملات موشکی دشمن به مردم بی‌دفاع در شهرها و حملات شیمیایی به مناطق مسکونی حلبچه ، فرمودند :  
« به‌سوی جبهه‌ها هجوم‌برید تا ضربات پی‌درپی شما توان و امان او را بگیرد . » ( ۳۹ )

با فرارسیدن سال ۱۳۶۷ ، عدم اجرای عملیات گسترده در جبهه جنوبی ( طی سال ۱۳۶۶ ) در حالی که حملات موشکی عراق به تهران همچنان ادامه داشت ، بازتاب وسیعی در رسانه‌های خارجی داشت . واشنگتن پست به‌نقل از کارشناسان نظامی نوشت که احتمال نمی‌رود ایران بتواند در آینده‌ای

---

× کیانوری دبیرکل حزب منحله توده در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی ( ۱۳۷۱/۱۱/۶ ) گفت :  
« وزیر خارجه شوروی به آقای ولایتی گفته است شما به محض اینکه حمایت از افغانها را قطع کنید ، ما هم حملات عراق به ایران را متوقف می‌کنیم . »

نزدیک ، حمله بزرگ و مورد انتظار خود را علیه عراق آغاز کند .<sup>(۴۰)</sup> علت این موضوع علاوه بر تأثیر حمله هوایی عراق بر ساختار اقتصادی ایران و تضعیف آن ، عمدتاً خسارات و تلفات ناشی از عملیات کربلای ۵ و عدم بازسازی و جبران نشدن کمبودها ، ذکر شده است .<sup>(۴۱)</sup> شائول بخاش یکی از کارشناسان مسائل ایران " مشکلات ایران در خرید اسلحه " بر اثر سیاستهای دولت ریگان در تحریم بین‌المللی فروش اسلحه به ایران را یکی از عوامل مؤثر در پیدایش وضعیت جدید می‌داند .<sup>(۴۲)</sup> ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه آمریکا در همین زمینه گفت :

« قدرت نظامی ایران به دنبال حرکتی که تحت رهبری آمریکا برای جلوگیری از فروش اسلحه به تهران صورت گرفته ، شدیداً به تحلیل رفته است . آمریکا تاکنون برای جلوگیری از ارسال اسلحه به ایران با ۲۰ کشور تماس رسمی گرفته است ...

در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) شش کشور غربی سلاجهایی به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار<sup>x</sup> به ایران فروختند ولی در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) ارزش سلاجهایی که ۱۵ کشور غربی به ایران تحویل داده‌اند ، یک میلیارد دلار بوده است .<sup>(۴۳)</sup>

بنابراین اظهارات ، علاوه بر کاهش کشورهای فروشنده سلاح به ایران ، حجم خرید ایران نیز کاهش یافته است . مورفی در ادامه اظهارات خود در مورد تأثیرات تحریم ایران توسط آمریکا ، می‌گوید :

« ایران در خرید تکنولوژی پیشرفته و سیستم نظامی مدرن از غرب ، دچار مشکل شده و به همین خاطر بهای گرانی را برای سلاحها می‌پردازد و با تأخیر زمانی بیشتری سلاح دریافت می‌کند .<sup>(۴۴)</sup> »

---

<sup>x</sup> این در حالی است که عراق در همین سال بیش از ۱۵ میلیارد دلار (۷۵ برابر ایران) سلاح و تجهیزات نظامی دریافت کرد .

مجموع این عوامل سبب گردید علائم و نشانه‌های قابل توجهی از " تغییر موازنه قدرت به سود عراق " آشکار شود. (۴۵)

آمریکاییها درحالی که فشارهای شدید و گسترده‌ای را روی ایران متمرکز کردند و متقابلاً سیاستهای حمایت آمیزی را در مورد عراق اعمال می‌کردند، تنها به این دلیل از تأمین نظر ایران مبنی بر متجاوز شناختن عراق خودداری می‌کردند که این اقدام ممکن است به سرنگون شدن رژیم بینجامد و به ایران پیروزی ببخشد که در میدان نبرد توان دستیابی به آن را نداشته است. (۴۶)

در همین وضعیت آمریکاییها در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۸ به دو سکوی نفتی ایران در خلیج فارس حمله کردند (۴۷) و همزمان با آن عراقیها غافلگیرانه و پس از حمله گسترده شیمیایی به خطوط پدافندی خودی در فاو، با سپاهی مجهز به فاو یورش آوردند و بدین ترتیب جمهوری اسلامی در برابر یک آزمون بسیار دشوار و سرنوشت ساز قرار گرفت. (۴۸) پیش از این برابر شواهد و قرائن موجود احتمال حمله دشمن بویژه در منطقه فاو مورد بررسی قرار گرفته بود، \* با ادامه جنگ در فصل زمستان در منطقه غرب، چنین تصور می‌شد که دشمن به منطقه شمال خواهد آمد و خطر حمله به جنوب رفع می‌شود و یا اگر عراقیها به جنوب حمله کنند با توجه به پیشرویهای عمیق در منطقه غرب و دسترسی به سلیمانیه، نوعی تعادل برقرار خواهد شد (۴۹) ولی قبل از دستیابی به نتایج و دستاوردهای استراتژیک و حیاتی در منطقه غرب،

\* چنانکه سردار رضایی می‌گوید: « در جلسه‌ای در دی‌ماه ۱۳۶۶ گفتیم اگر در اسفندماه در جنوب حمله نکنیم، دشمن به جنوب حمله می‌کند (ولی راه‌کارهای جنوب بسته است). دشمن می‌داند ما در جنوب ابتکار عمل نداریم. اگر در شمال سلیمانیه عمل نشود تا پایان بهار وضع خوبی نخواهیم داشت. من تأکید داشتم زمستان باید در غرب کار کنیم. فرماندهان عملیاتی می‌گفتند در جنوب نمی‌توانیم عملیات انجام دهیم (و باید) تا فصل بهار (صبر کنیم شاید راه‌کاری باز شود). »

[دانشکده دافوس سپاه پاسداران (دوره عالی جنگ) ۷۴/۱۱/۱۹]

دشمن تهاجم به فاو را آغاز کرد .

عراق توان لازم را برای این اقدام بتدریج طی سالهای قبل بویژه سال ۱۳۶۶ به دست آورد ، ضمن اینکه سیستم فرماندهی و سازماندهی عراقیها دچار تغییر و اصلاحاتی شد که بر کارآمدی آنها در مقایسه با گذشته افزود .<sup>(۵۰)</sup>

سقوط فاو در عرض ۳۶ ساعت<sup>(۵۱)</sup> - پس از آنکه ۲ سال و ۳ ماه در اختیار ایران بود - و در حالی که عراق از حضور عمده قوای ایران در منطقه غرب اطلاع داشت ،<sup>(۵۲)</sup> با به کارگیری سلاحهای شیمیایی<sup>(۵۳)</sup> و با استفاده از گاز خردل و سیانور ، انجام گرفت . وقوع این رخداد نظامی ، به دلیل آشکارشدن برتری نظامی عراق و مهمتر از آن ، احتمال خاتمه یافتن جنگ ، از بازتاب نسبتاً گسترده‌ای برخوردار شد . برخی از تحلیلگران بازپس‌گیری فاو را همانند زمان فتح آن در سال ۱۹۸۶ ( ۱۳۶۴ ) به منزله نقطه عطف و نشانهٔ مرحلهٔ نهایی جنگ ارزیابی کردند .<sup>(۵۴)</sup> تایمز لندن بر تأثیر روانی سقوط فاو تأکید کرد .<sup>(۵۵)</sup> اظهارات برخی از شخصیت‌های رسمی نیز قابل توجه بود .

میتران رئیس‌جمهور وقت فرانسه با تأکید بر ضرورت خاتمه یافتن جنگ ، گفت : « این جنگ باید بدون غالب و مغلوب پایان پذیرد . »<sup>(۵۶)</sup> واینبرگر وزیردفاع وقت آمریکا نیز اعلام کرد: « آمریکا نمی‌خواهد ایران در جنگ برنده شود . »<sup>(۵۷)</sup>

گرومیکو وزیرخارجه وقت شوروی با توجه به پافشاری ایران بر تعیین متجاوز ، اعلام کرد : « بدون توجه به اینکه چه کسی مسئول آغاز جنگ می‌باشد ، این جنگ باید به فوریت پایان یابد . »<sup>(۵۸)</sup>

مورفی معاون وزارت خارجه آمریکا گفت : « ادامه جنگ ایران و عراق به‌هیچ‌وجه به نفع آمریکا نیست . »<sup>(۵۹)</sup> وی در جای دیگر با توجه به تأثیرات بازپس‌گیری فاو در سمینار خلیج فارس اعلام کرد : « ما می‌خواهیم توازن در

جنگ برهم نخورد. « (۶۰) مورفی بر این باور بود که عراق با بازپس‌گیری فاو توازن را مجدداً برقرار کرده است و ادامه تهاجمات عراق منجر به برهم خوردن موازنه خواهد شد. X

آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ با توجه به ابعاد و نتایج احتمالی این حادثه اعلام کرد: «از این پس زمان به نفع ما نخواهد بود. « (۶۱)

با توجه به اهمیت سقوط فاو، به نظر دو تن از تحلیل‌گران نظامی در مورد علت وقوع این حادثه اشاره می‌شود. کردزمن معتقد است مرحله جدید جنگ را سه عامل شکل داد: نخست، تغییرات مهم در نیروهای مسلح عراق XX و شیوه رزم آن؛ دوم، تغییر توانایی ایران برای ادامه جنگ و سومین عامل که کمتر محسوس بود، حضور نیروهای غربی در خلیج فارس و انزوای فزاینده دیپلماسی ایران بود. (۶۲) ژنرال موگن کارشناس نظامی فرانسه معتقد است عراقیها به چند دلیل توانستند فاو را مجدداً آزاد سازند: اولاً برنامه‌ریزی بسیار خوب و دقیق؛ ثانیاً اطلاعات بسیار دقیق از مواضع استقرار نیروهای ایران در فاو؛ ثالثاً اجرای مانور موفق و ایجاد این ذهنیت برای ایرانیها که عراق قصد انجام عملیات در شمال را دارد. (۶۳)

بدون تردید افزایش توان نظامی عراق و تغییر استراتژی این کشور نقش مهمی در تغییر اوضاع به سود عراق داشت. بیش از این عراق با عملیات موسوم به "استراتژی دفاع متحرک" در اندیشه تصرف برخی از مناطق مرزی و شهرهای ایران بود که به توفیق چندانی دست نیافت. عراق ضعف و کاستیهای خود را در این زمینه برطرف ساخت و "با بهبود ارتش عراق" (۶۴) و

X طه یاسین رمضان با تهدید ایران مبنی بر اینکه استراتژی عراق نابود کردن تمامی تاسیسات نفتی ایران است، نشان داد عراقیها در اندیشه تداوم تهاجم به ایران هستند.

XX برنارد نیوز در نیویورک تایمز معتقد است تحلیل‌گران پنتاگون به وجود تحولات عمده‌ای در ارتش عراق پی بردند و به تجدیدنظر در تفکر خود پرداختند. (نشریه هفتگی ایران تایمز، ۱۳۷۶/۲/۹)

تغییر شیوه رزم آن ، از موقعیت برتری برخوردار شد . محی‌الدین مصباحی در مقاله خود وضعیت نظامی عراق را در آستانه بازپس‌گیری فاو چنین ذکر می‌کند :

« نیروهای مسلح عراق در نتیجه فروش عظیم تسلیحاتی توسط شوروی و سایرین ، در مدتی کمتر از ۲ سال سیستم‌های تسلیحاتی خود را به بیش‌تر از ۴۰٪ افزایش دادند . ارتش عراق در شرف بازپس‌گیری فاو در آوریل ۱۹۸۸ ( فتح نظامی که بعداً ثابت شد نقطه‌عطفی در جنگ می‌باشد ) حدود ۵۰۰۰ تانک ، ۴۵۰۰ نفر بر زرهی ( AF7 ) ، ۵۵۰۰ عراده توپ و آلات توپخانه ، ۴۲۰ هلی‌کوپتر و ۷۲۰ هواپیمای جنگی آماده برای عملیات در اختیار داشت . این خیل عظیم سیستم‌های تسلیحاتی با حداقل ۳۰۰ موشک زمین به زمین اسکاد و مقادیر زیادی مهمات شیمیایی تکمیل می‌شد . بغداد با کسب این مقادیر عظیم سلاح توانست نیروهای زمینی خود را از ۲۶ لشکر در سال ۱۹۸۶ به ۵۰ لشکر در سال ۱۹۸۸ یعنی دو برابر برساند . این امر نمایانگر رشد واقعی در ساختار نیرو و توانایی‌های عملیاتی بود و گام مهمی در تغییر موازنه استراتژیک کلی در خلیج فارس به شمار می‌رفت . افزایش نیروی انسانی آموزش دیده در ارتش عراق نیز به وضوح نشان‌دهنده کمک‌های شوروی در این زمینه بود که عراق را قادر ساخت ضمن کسب مقادیر زیادی سلاح از شوروی ، امر سازماندهی ارتش خود را مجدداً تکمیل نماید . » (۶۵)

نشریه اسپرسو چاپ ایتالیا موازنه نظامی را با ذکر موجودی ایران و عراق در صحنه جنگ چنین ذکر می‌کند :

| عراق        | ایران       |         |
|-------------|-------------|---------|
| ۸۰۰۰۰۰ نفر  | ۶۵۵۰۰۰ نفر  | ارتش    |
| ۷۰۰۰ دستگاه | ۱۰۵۰ دستگاه | تانک    |
| ۵۶۰۰ قبضه   | ۶۰۰ قبضه    | توپخانه |



|           |             |               |
|-----------|-------------|---------------|
| هواپیما   | ۴۰۰ فروند × | ۵۰۰ فروند     |
| هلی کوپتر | ۳۰۰ فروند   | ۲۰۰ فروند ××  |
| کشتی      | ۲۱ فروند    | ۳۴ فروند (۶۶) |

در عین حال ، غافلگیری ایران در فاو و به کارگیری سلاح شیمیایی به نحوی گسترده ، نقش مؤثری در سقوط فاو داشت . عراقیها با استفاده از زمان تمرکز نیروهای ایران در منطقه غرب کشور ، تهاجم خود را به فاو آغاز کردند و موفق به بازپس گیری آن شدند . البته برتری بارز عراق در تجهیزات و آمادگی قوا نیز به گونه ای بود که با فرض عدم غافلگیری ایران ، با توجه به موقعیت فصلی و عدم حضور نیروهای مردمی در جبهه های جنگ و به تحلیل رفتن قوای ایران به علت اجرای عملیات والفجر ۱۰ ، احتمالاً سقوط فاو به جای ۳۶ ساعت زمان بیشتری به طول می انجامید . به عبارت دیگر ، تفوق استراتژیک عراق وضعیت را به گونه ای اساسی به نفع عراق و به زیان ایران تغییر داده بود و مهار تهاجمات عراق در مرحله جدید امری بسیار دشوار بود .

ارتش عراق در تداوم تهاجمات خود در ساعت ۸ صبح ۱۳۶۷/۳/۴ حمله به منطقه شلمچه را آغاز کرد . (۶۷) در این هجوم منطقه شلمچه طی ۸ ساعت سقوط کرد در حالی که نیروهای ما در این منطقه نسبت به منطقه فاو آماده تر بودند ، عقبه مناسبی داشتیم ، هوشیار بودیم و غافلگیر نشدیم . (۶۸) زیرا از ۲۴ ساعت قبل ، تحرکات عراق و تجمع نیرو نشان دهنده آمادگی عراق برای عملیات بود . (۶۹) این اراده وجود داشت که شلمچه را حفظ کنیم اگر نیروی احتیاط در اختیار داشتیم و خطوط تقویت شده بود ، ولی دشمن قدرتمند بود و تغییر تاکتیک داده بود . (۷۰)

× ایران ۱۵۰ تا ۲۰۰ فروند هواپیما بیشتر نداشت .

×× ارتش عراق ۴۵۰ فروند هلی کوپتر در اختیار داشت .

امکانات فوق‌العاده، تجهیزات پیشرفته، کاربرد سلاحهای غیرمستعارف همچون سلاحهای شیمیایی و گسترش سازمان ارتش عراق، امکان مانور گسترده با استفاده از شیوه‌های جدید را به عراق داد. این تغییرات در ارتش عراق و شیوه‌های رزم و برتری چشمگیر این کشور از نظر نیرو و سازمان، بعد از سقوط فو مورد توجه رسانه‌های خارجی و تحلیل‌گران نظامی قرار گرفت ولی پس از سقوط شلمچه "تغییر استراتژی تازه کادر رهبری سیاسی عراق" و ظهور نشانه‌های آشکار از کارایی این استراتژی مورد توجه واقع شد. (۷۱) روزنامه نیویورک تایمز به نقل از مقامات عراقی نوشت: «آنها می‌گویند استراتژی تازه‌ای در پیش گرفته‌اند.» (۷۲) نظر به اهمیت منطقه شلمچه و نگرانیهای جمهوری اسلامی از احتمال پیشروی دشمن از محور شلمچه به سمت خرمشهر و آبادان، یگانهای سپاه پاسداران در تاریخ ۱۳۶۷/۳/۲۲ طی عملیاتی با نام "بیت‌المقدس ۷" به نیروهای دشمن هجوم بردند و خسارات بسیاری را بر آنها و امکاناتشان وارد کردند. (۷۳)

در روزهای پایانی خرداد ۱۳۶۷ منافقین به کمک ارتش عراق به مهران و دهلران - که در کنترل پدافندی ارتش قرار داشت - حمله کردند. (۷۴) پیش از این منافقین - پس از توافق جدید با رژیم عراق - در تاریخ ۶۷/۱/۸ به فکه حمله کرده بودند. در بهار همین سال، بعد از نشست محرمانه رجوی و صدام، تجهیزات سنگین شامل تانک تی ۵۵ و نفربرهای پی.ام.پی در اختیار منافقین قرار گرفت و افسران عراقی آموزش فشرده‌ای را برای آنها برگزار کردند. (۷۵) رجوی قبل از عملیات مهران طی نشستی برای تحریک و تشویق نیروهایش جهت حمله به خطوط ارتش، می‌گوید: «توان یک یگان ما با ۳ یا ۴ یگان ارتش ایران برابر است، یک گردان برای در هم شکستن چند گردان کلاسیک ارتش.» (۷۶) منافقین پس از حمله به مهران شعار "امروز مهران فردا تهران" را سر دادند.

در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۴ تهاجم نیروهای عراق به جزایر مجنون آغاز شد. (۷۷) این حمله، اوج قدرت عراق بود. (۷۸) و پس از آن با توجه به بازپس‌گیری کلیه مناطق آزادشده، عراقیها مواضع جدیدی اتخاذ کردند. نزار حمدون معاون وزیر خارجه عراق اعلام کرد: «زمان به نفع ایران نیست و در مرحله نهایی جنگ هستیم. عراق نمی‌تواند صرفاً یک آتش‌بس را بپذیرد!» (۷۹)

طه یاسین رمضان معاون نخست‌وزیر عراق نیز طی مصاحبه‌ای گفت: «نتیجه جنگ در روزها، هفته‌ها و ماههای آینده روشن خواهد شد.» (۸۰)

تاکید نزار حمدون بر این مسئله که عراق از این پس تصمیم ندارد مساعی خود را در صحنه دیپلماتیک متمرکز کند، (۸۱) نشان‌دهنده تصمیم عراق بر تداوم تهاجمات بود. چنانکه نیروهای عراقی حملات گسترده‌ای را به خطوط ارتش با هدف گرفتن اسیر و غنائم آغاز کردند. در این مرحله تعداد زیادی نیرو و مقدار بسیاری امکانات ارتشی به اسارت و غنیمت گرفته‌شد و در بغداد به نمایش گذاشته شد.

بنابر یک ارزیابی شتابزده در مورد علل سقوط این مناطق در مرحله پایانی جنگ، می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

- ۱- از سال ۱۳۶۲ ارتش درخواست کرد سپاه نیز در خطوط پدافندی مستقر شود. با این کار بخشی از توان تهاجمی سپاه زمین‌گیر شد. در نتیجه در سال ۱۳۶۷ نیروی متحرک و هجومی سپاه در بدترین موقعیت پدافندی، در مناطقی مانند فاو، شلمچه، مهران، جزایر مجنون، هور، ماووت و حلبچه زمین‌گیر شده بود.
- ۲- عدم توسعه توازن رزم جمهوری اسلامی به تناسب گسترش دامنه جنگ و به تبع آن رشد گند سازمان رزم سپاه، با ضرورت‌های جنگ هیچ‌گونه تناسبی نداشت.
- ۳- متقابلاً توسعه توان رزم عراق امکان پاسخگویی به تهاجمات ایران در

یک یا چند منطقه را می‌داد. ضمن اینکه عراق قادر به آفند در چند منطقه به صورت همزمان بود.

۴ - استفاده گستاخانه عراق از سلاحهای شیمیایی، به دلیل برخورداری از حمایت تکنولوژیک و سیاسی - تبلیغاتی غرب، از عوامل مؤثر و مهم سقوط خطوط پدافندی خودی در این دوره است.

البته عوامل دیگری در این زمینه مؤثر بوده است که باید به صورت جداگانه و در موقعیت مناسب مورد بررسی قرار گیرد.

در مجموع وضعیتی کاملاً نگران‌کننده به وجود آمده بود. در همین حال آمریکاییها هواپیمای مسافربری ایران را با ۲ فروند موشک که از رزمناو آمریکایی وینسنس، مستقر در خلیج فارس شلیک شد، ساقط کردند. (۸۲)

این حادثه پیام روشن و قاطع آمریکا مبنی بر تشدید جنگ در صورت عدم اقدام ایران برای خاتمه دادن به جنگ بود. چنانکه ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا اظهار کرد که این فاجعه ضرورت دستیابی به برقراری صلح را با حداکثر شتاب، دوچندان ساخته است. (۸۳) سخنگوی کاخ سفید نیز گفت:

امریکا مدت مدیدی است که تمایل به برقراری تماس با ایران دارد و ما این تمایل را در هر موقعیتی ابزار داشته‌ایم. (۸۴) مایکل آرماست معاون وزارت خارجه آمریکا نیز تأکید کرد که آمریکا از انعطاف ایران استقبال می‌کند، اما ایران نمی‌تواند به انتخاب خود بخش‌هایی از قطعنامه را بپذیرد. (۸۵)

ایران با توجه به وضعیت یادشده، علاوه بر شتاب در تلاشهای دیپلماتیک و شکایت از آمریکا در دادگاه لاهه به خاطر سرنگون کردن هواپیمای ایرباس، دو اقدام اساسی انجام داد. نخست حکم امام خمینی مبنی بر انتصاب آقای هاشمی به عنوان جانشین فرمانده کل قوا به منظور " ایجاد ستاد فرماندهی کل"، " هماهنگی ارتش و سپاه"، " تمرکز صنایع

نظامی و تهیه مایحتاج نظامی و دفاعی " ، " تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی " و " بهره‌برداری صحیح از کمک‌های مردمی " (۸۶) بود. اقدام دیگر ، " اعلام بسیج عمومی " (۸۷) برای دفاع در برابر تهاجمات عراق بود .

در این مرحله تداوم حملات عراق سبب گردید در منطقه شرفانی ، زبیدات و ارتفاعات حمیرین ، قوای عراقی ضمن حمله به خطوط دفاعی برادران ارتش تا عین‌خوش پیشروی کنند و در مجموع با حمله به مناطق مذکور و همچنین مناطق سومار و میمک نزدیک به ۱۷۰۰۰ نفر را به اسارت گرفتند . با ادامه تهدیدات عراق برای حمله مناطق جنوبی (۸۸) " عقب‌نشینی از حلبچه " مورد بحث و بررسی قرار گرفت و سرانجام به رغم نظرهای متفاوتی که وجود داشت ، نیروها منطقه حلبچه را تخلیه کردند . (۸۹) علاوه بر این ، بنابه ملاحظات جدید و احتمال تداوم تهاجمات عراق و همچنین تشدید فشار بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ، امام خمینی با یک تصمیم ناگهانی اوضاع را به نفع ایران تغییر داد و طی نامه‌ای از سوی رئیس‌جمهور وقت ایران به خاویر پرز دکوئیاری دبیرکل وقت سازمان ملل ، قطعنامه ۵۹۸ رسماً پذیرفته شد . اعلام این پذیرش روز دوشنبه ۱۳۶۷/۴/۲۷ ساعت ۲ بعدازظهر از صدای جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر قرائت شد :

« جمهوری اسلامی ایران طی پیامی خطاب به خاویر پرز دکوئیاری دبیرکل سازمان ملل اعلام نمود که با تأیید مجدد تلاش‌های انجام‌شده و اطمینان قلبی به اقدامات ایشان و به منظور یاری نمودن دبیرکل در جهت استقرار امنیت بر اساس عدالت ، قطعنامه ۵۹۸ را رسماً پذیرفته است . » (۹۰)

در نامه رئیس‌جمهور وقت ایران به دبیرکل سازمان ملل به این مسئله اشاره شده است که جنگ اکنون ابعادی غیرقابل پیش‌بینی یافته و ضمن وارد کردن کشورهای دیگر در جنگ ، « قربانیان بی‌گناهی را در خود فرو برده است . » (۹۱)

اقدام ایران و اهمیت آن واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت ، اعجاب و

شگفتی مردم و همچنین تأسف و تألم آنها موجی از حزن و اندوه همراه با نوعی ابهام و حیرت را در میان رزمندگان اسلام و طرفداران انقلاب اسلامی در خارج از ایران برانگیخت. در واقع شکاف موجود میان درک مردم از واقعیات جنگ و برتریهای قابل توجه عراق و تبلیغاتی که صورت می گرفت و اذهان جامعه را شکل داده بود، مهمترین عاملی بود که براساس آن می توان وضعیت روحی و روانی مردم را توضیح داد.

امام خمینی با توجه به نتایج پذیرش قطعنامه، طی پیامی در این باره فرمودند:

و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور - که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم - با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم، و خدا می داند که اگر نبود انگیزه ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نبودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود ...

امام در همین پیام این اقدام را به منزله نوشیدن جام زهر ذکر کرده و فرمودند:

شما می دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم، گذشتم و اگر آبرویی داشتم با خدا معامله کردم. (۹۲)

اقدام ایران در پذیرش قطعنامه ، بازتاب نسبتاً وسیعی داشت . رایین رایت کارشناس مسائل منطقه علت این تصمیم را ناامیدی ایران از راه حل نظامی ذکر کرد و وضعیت اقتصادی و تحولات اخیر جبهه‌های جنگ را مؤثر در این تصمیم‌گیری دانست .<sup>(۹۳)</sup> وزیر دفاع وقت آمریکا ، رویارویی آمریکا با ایران را یکی از عوامل مؤثر در پذیرش قطعنامه از سوی ایران دانست .<sup>(۹۴)</sup> عراقیها که اوضاع را به سود خود ارزیابی می‌کردند و از اقدام ایران ناخشنود بودند ، پذیرش قطعنامه را یک تاکتیک ایران ذکر کردند !<sup>(۹۵)</sup> برخی از صاحب‌نظران غربی نیز واکنش عراق را قصد عملی عراق برای جلوگیری از برقراری آتش‌بس ارزیابی کردند .<sup>(۹۶)</sup> همچنین رادیو لندن با استناد به بیانیه نظامی عراق ، خبر حمله نظامی وسیع بر علیه مواضع ایران را اعلام کرد .<sup>(۹۷)</sup> آمریکاییها از اقدام ایران اظهار خرسندی کردند و سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد آمریکا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را توسط ایران خوش آمد می‌گوید .<sup>(۹۸)</sup> وایتهد معاون وزیر خارجه آمریکا نیز اعلام کرد واشنگتن هفته گذشته پیامی برای ایران ارسال داشته و از تصمیم این کشور برای قبول قطعنامه ۵۹۸ تقدیر کرده است .<sup>(۹۹)</sup> آمریکاییها اقدام ایران را عامل مهمی در رفع موانع در روابط ایران و آمریکا می‌دانستند .<sup>(۱۰۰)</sup> چنانکه شولتز وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد آمریکا مایل به تجدید مناسبات مستقیم با نمایندگان معتبر تهران است .<sup>(۱۰۱)</sup>

تنها سه روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران ، عراقیها در روز جمعه ۱۳۶۷/۴/۳۱ تهاجم خود را در منطقه جنوب آغاز کردند و در ۳۰ کیلومتری شمال خرمشهر مستقر شدند .<sup>(۱۰۲)</sup> این حرکت شتابزده شباهت زیادی به تهاجم آنها در آغاز جنگ داشت . هدف عراق از این اقدام وارد کردن ضربه سنگین نظامی به ایران ، اشغال زمین و به اسارت گرفتن شمار بیشتری از نظامیان ایرانی بود تا به هنگام مذاکرات بعد از جنگ ، از آنها به



عنوان برگ برنده استفاده کند و در تبادل اسرا نسبت به ایران از موقعیت بهتری برخوردار شود. ضمن آنکه خرمشهر به شدت تهدید می‌شد و اشغال مجدد آن امتیازی بزرگی برای عراق بود. (۱۰۳)

وضعیت بسیار حساسی بود. خرمشهر در آستانه سقوط قرار داشت. سقوط مجدد خرمشهر ضربات روانی سنگینی بر مردم وارد می‌کرد و ممکن بود ابتکار عملی را که امام با پذیرش قطعنامه به دست آورده بود، از دست برود. نگرانیهای برخاسته از این وضعیت سبب گردید امام خمینی توسط فرزندان‌شان (حاج احمد آقا) پیامی را برای سپاه، تنها سازمان حاضر در صحنه، ارسال فرمایند که در آن آمده بود:

«اینجا نقطه حیاتی کفر و اسلام است، یعنی نقطه شکست و پیروزی، یا اسلام یا کفر است و باید متر به متر بجنگید و هیچ چیزی از هیچ کس پذیرفته نیست. اینجا نقطه‌ای است که یا موجب می‌شود سپاه حیات پیدا کند دوباره در کشور و یا برای همیشه سپاه یک سپاه ذلیل یا مرده‌ای بشود.» (۱۰۴)

سپس حاج‌سید احمد آقا خطاب به برادر رحیم صفوی که پیام را یادداشت می‌کرد، به این مسئله اشاره نمود که اگر خدای ناکرده در خرمشهر یک حادثه‌ای رخ بدهد، دیگر ما هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. (۱۰۵)

طولی نکشید که سیل نیروهای بسیجی که از قبول قطعنامه بشدت متأثر بودند و امام خمینی را تنها می‌دیدند، به یاری او شتافتند و راهی جبهه‌ها شدند تا به هر نحو ممکن در برابر دشمن بایستند، دشمنی که بسیار قدرتمندتر از روزهای اول جنگ شده بود. بار دیگر بسیجیان با کمترین امکانات به میدان شهادت آمدند. جبهه‌ای که تنها سپاه بود و بسیج، اما نه در سازمانهای از پیش تعریف شده بلکه در هسته‌هایی از فرماندهان لشکرهای سپاه تا نیروهای مردمی و بسیجی همه‌شانه به‌شانه در لابه‌لای تانکهای عراقی با سلاح سبک و آرپی‌جی، بدون اتکا به نیروی زرهی و



توپخانه به دشمن یورش بردند و طی چند روز درگیری با انهدام سنگینی که به قوای عراقی تحمیل کردند ، آنها را مجبور به عقب‌نشینی کردند .

اقدام عراق تأثیر فوق‌العاده‌ای برجای نهاد ، ادعاهای دروغین صلح‌طلبی این رژیم آشکارتر شد و عناصر مردم‌دوخته داخلی و افکار فریب‌خورده جهان به این امر واقف شدند . ضمن آنکه نگرانی ناشی از حرکت اخیر عراق با توجه به زمینه روانی ویژه‌ای که امام آماده کرده بود جو عمومی داخل کشور را به یکباره دستخوش تحول کرد و سیل نیروهای مردمی بسیار گسترده‌تر از روزهای نخستین جنگ به جبهه سرازیر شدند . همچنین این اقدام عراق تغییر مواضع بین‌المللی به زیان عراق و به سود ایران را باعث شد . چنانکه پنج عضو دائمی شورای امنیت ، عراق را برای نشان دادن انعطاف بیشتر تحت فشار قرار دادند ، <sup>(۱۰۶)</sup> به نوشته نیویورک تایمز ، آمریکا نیز عراق را برای برقراری آتش‌بس تحت فشار قرار داده‌است . <sup>(۱۰۷)</sup>

عراقیها در وضعیت جدید ضمن اعلام مقاومت در برابر فشار آمریکا ، مدعی بودند آمریکا می‌خواهد هرچه زودتر جنگ تمام شود تا با ایران ارتباط برقرار کند ، <sup>(۱۰۸)</sup> واکنش عراق در مجموع سبب گردید ایران پیروزی تبلیغاتی به دست آورد . <sup>(۱۰۹)</sup> به همین دلیل برخی از تجلیل‌گران اقدام عراق در اشغال مجدد خاک ایران را یک " اشتباه محض " <sup>(۱۱۰)</sup> قلمداد کردند . یک سرهنگ سابق ارتش عراق این اقدام عراق را یک اشتباه استراتژیک نامید و گفت :

در موقعیتی که ایران از کمبود نیرو رنج می‌برد و ابتکار عمل در اختیار رهبری عراق بود ، پیشروی نیروهای عراق به سمت خوزستان منجر به " خروش ملی " و ایجاد شور و شوق در میان مردم ایران شد . همین نیروها طی یک هفته تلفات و خسارتهای سنگینی بویژه در محور جنوب ، بر نیروهای عراقی وارد ساختند و در این منطقه ۱۸ تیپ زرهی و مکانیزه که اصل قدرت عراق را تشکیل می‌دادند ، مورد تهاجم نیروهای داوطلب ایرانی قرار گرفتند و با عقب‌نشینی

مقدار زیادی منهدم شدند. (۱۱۱)

هنوز در جنوب ارتش عراق به طور کامل تا خط مرزی عقب زده نشده بود که مقارن ساعت ۱۴:۳۰ مورخه ۱۳۶۷/۵/۳ منافقین همراه با ارتش عراق هجوم مشترک خود را از طریق سرپل ذهاب به طرف شهر " کرد " آغاز کردند. (۱۱۲) آنها عملیات خود را با هدف براندازی آغاز کردند با این تصور که اوضاع بین‌المللی کاملاً به زیان ایران می‌باشد و همانند وضعیتی است که آلمان در اواخر جنگ جهانی دوم گرفتار آن شده بود. وضعیت نظامی ایران را به دلیل تهاجمات پی‌درپی عراق از هم پاشیده ارزیابی می‌کردند و همچنین اوضاع داخلی ایران را به دلیل تحولات نظامی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آسیب‌پذیر می‌دانستند. برای همین، منافقین می‌پنداشتند یک ضربه و شوک نظام جمهوری اسلامی را فرو خواهد ریخت و این تنها فرصتی است که در اختیار دارند. (۱۱۳) رجوی در همان زمان طی تحلیلی گفته بود که نباید این فرصت تاریخی را از دست بدهیم و باید حمله کنیم و در شرایطی که رژیم نیروی جنگی ندارد، کار را تمام کنیم! (۱۱۴) مریم رجوی نیز در جمع نیروهای حمله‌کننده اظهار کرده بود: وقتی از جبهه برویم، آن طرف‌تر کسی نیست که جلوی ما را بگیرد. (۱۱۵) رجوی در پاسخ به سؤالات حاضرین در همین نشست می‌گوید:

« جمع‌بندی نهایی در میدان آزادی! (۱۱۶) »

منافقین طرح خود را در یک نشست ۲۴ ساعته آماده کردند و در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۳۱ توجیه صورت‌گرفت و نام عملیات را " فروغ جاویدان " گذاشتند. (۱۱۷)

سخنگوی سازمان منافقین استراتژی سازمان را وارد کردن هرچه بیشتر تلفات و بازکردن راه برای یک انقلاب عمومی ضد (امام) خمینی ذکر کرد! (۱۱۸) در یکی از رسانه‌های غربی استراتژی منافقین " ایجاد منطقه

آزاد شده " اعلام شد . ( ۱۱۹ )

به هر صورت ، بلافاصله پس از اطلاع مردم از هجوم منافقین ، بسیجی‌ها سیل‌وار راهی غرب کشور شدند و به همراه یگانهای سپاه پاسداران ، راه را بر منافقین بستند و آنها را از روبه‌رو و پهلو مورد حمله قرار دادند و سازمان نظامی منافقین در این عملیات را متلاشی کردند . منافقین با آشکار شدن ناتوانی و برملا شدن آثار توهمات خود ، با برجای گذاشتن کشتگان و اسیران بسیار ، مجدداً به داخل خاک عراق فرار کردند . رادیو لندن طی تفسیری گفت : « هدف از این حمله هرچه باشد ظاهراً تأثیر مثبت و مطلوبی در داخل ایران نداشته است . » ( ۱۲۰ )

بدین ترتیب با حضور گسترده نیروهای مردمی در جبهه‌ها و پیام امام به سپاه پاسداران برای مقاومت و رفع تهاجم عراق و منافقین ، سرانجام عراقیها پس از تحمل تلفات و عدم موفقیت در لشکرکشی مجدد به خاک ایران و ناامیدی از کارآیی منافقین به عنوان یک عامل تعیین‌کننده ، با برقراری آتش‌بس موافقت کردند و در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۲۹ میان ایران و عراق آتش‌بس برقرار شد . رابین رایت متخصص مسائل منطقه ، طی تحلیلی نوشت : برای ایران اجرای آتش‌بس رسمی نخستین گام از اجرای استراتژی گسترده برای آغاز مرحله‌ای جدید در انقلاب آن کشور است . هدف از این استراتژی آن است که بقای انقلاب اسلامی اهمیت بیشتری یافته است .

بدین ترتیب جنگ ایران و عراق پس از هشت سال در حالی پایان یافت که علی‌رغم حمایت همه‌جانبه غرب و شرق از عراق ، که قدرت نظامی این کشور را به نحوی چشمگیر افزایش داده بود ، دستاورد قابل توجهی عاید عراق نشد .

عدم موفقیت عراق در جنگ و باقی ماندن مشکلات ژئوپلتیک این کشور ، عراق بعد از جنگ را در شرایط ویژه‌ای قرار داد . حمایت فوق‌العاده

غرب و شرق از عراق در زمینه انواع تسلیحات بخصوص سلاحها و تجهیزات پیشرفته و کشتار جمعی و همکاری با این کشور برای دستیابی به سلاحهای غیرمتعارف و حتی ایجاد زمینه مناسب برای ساخت سلاحهای اتمی، به همراه جنبه‌های روانی سران رژیم عراق، پس از جنگ توان متراکم و تهدیدکننده‌ای از عراق ساخته بود که کشورهای منطقه و همجوار، خصوصاً عربستان و اسرائیل را مورد تهدید جدی قرار می‌داد. این مسئله در تجاوز عراق به کویت به وقوع پیوست و در یک حرکت مشکوک - که در آن فریب خوردن رژیم عراق دور از ذهن نیست - ارتش عراق کویت را اشغال کرد و این اقدام زمینه‌ای شد که حامیان عراق که صرفاً برای مقابله با انقلاب اسلامی، رژیم صدام را به‌دشت تجهیز کرده بودند. پس از پایان جنگ اوضاع را مساعد دیدند که آنچه را با ثروت کشورهای حوزه خلیج فارس در اختیار عراق گذاشته بودند، مجدداً با امکانات همین کشورها همه را منهدم سازند. انهدامی که طی چندین سال گذشته ادامه داشته و هنوز غرب نسبت به آن احساس تهدید می‌کند.

#### منابع و ماخذ فصل ۹ (جنگ در سال هشتم)

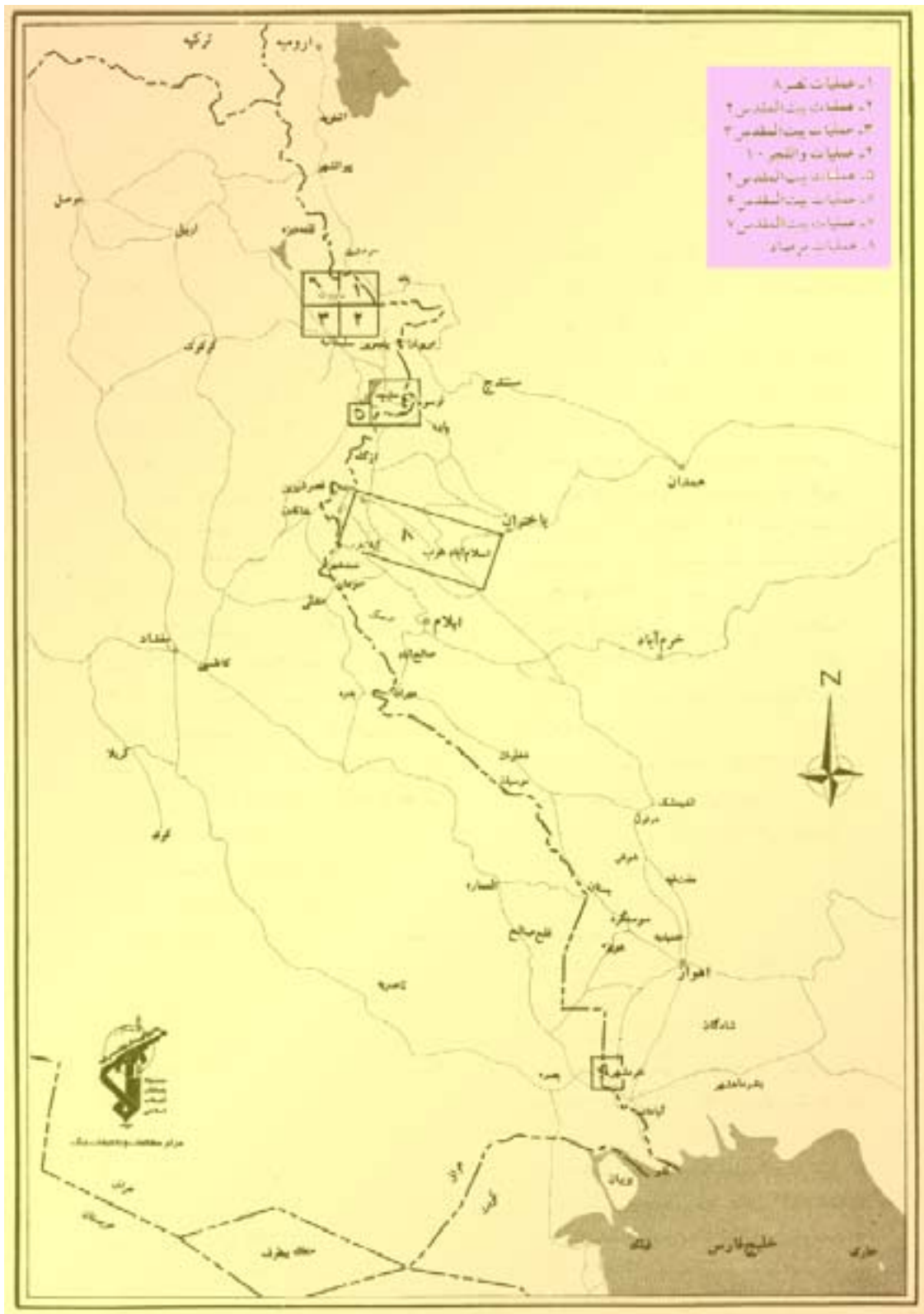
- ۱- محمد درودیان، شلمچه تا حلبچه (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۶)، فصل دوم.
- ۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۲۱۸، ۱۳۶۶/۸/۲، رادیو و آمریکا، ۱۳۶۶/۸/۱.
- ۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۲۱۷، ۱۳۶۶/۸/۱، اوکلی، سخنگوی وزارت خارجه امریکا.
- ۴- مأخذ ۲، اوکلی، سخنگوی وزارت خارجه امریکا.
- ۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۲۱۹، ۱۳۶۶/۸/۳.
- ۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۲۲۱، ۱۳۶۶/۸/۵، خبرگزاری آلمان، ۱۳۶۶/۸/۴.
- ۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۲۲۲، ۱۳۶۶/۸/۶، رویتر، ۱۳۶۶/۸/۵.
- ۸- پیشین.
- ۹- محی‌الدین مصباحی، "چارچوب مواضع شوروی"، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع - جلد دوم (تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی جنبه‌های تجاوز و دفاع، نشر سپهر، ۱۳۶۸)، ص ۲۳۳.
- ۱۰- آنتونی کرزمن و آبراهام آر. واگنر، درسهایی از جنگ

- مدرن - جلد دوم. جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۶، ص ۲۲۸.
- ۱۱ - پیشین، ص ۲۹۹.
- ۱۲ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۳۲۸، ۱۳۶۵/۱۱/۲۲، خبرگزاری تاس، ۱۳۶۵/۱۱/۲۱
- ۱۳ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۲۹۶، ۱۳۶۵/۱۰/۲۰، رادیو و امیریکا، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹.
- ۱۴ - مأخذ شماره ۹.
- ۱۵ - مأخذ شماره ۹.
- ۱۶ - مأخذ شماره ۹.
- ۱۷ - مأخذ شماره ۱۰، ص ۳۹۲.
- ۱۸ - مأخذ شماره ۹.
- ۱۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۲۰۷، ۱۳۶۷/۷/۲۱.
- ۲۰ - مأخذ شماره ۱۰، ص ۳۹۴.
- ۲۱ - مأخذ شماره ۱۰، ص ۳۰۱.
- ۲۲ - سردار محسن رضایی، "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق"، در دانشکده دافوس سپاه پاسداران (دوره عالی جنگ)، ۱۳۷۴/۱۱/۱۲.
- ۲۳ - پیشین.
- ۲۴ - مأخذ شماره ۲۲.
- ۲۵ - وزارت ارشاد اسلامی، "بولتن بررسی مطبوعات جهان"، شماره ۱۱۹۶، مجله تایم، ۱۳۶۵/۹/۳، به نقل از ویلیام اسمیت.
- ۲۶ - مأخذ شماره ۹.
- ۲۷ - مأخذ شماره ۹.
- ۲۸ - مأخذ شماره ۲۲، بهار ۱۳۷۵.
- ۲۹ - سردار رضایی، "تجزیه و تحلیل استراتژی دفاع مقدس".
- ۳۰ - مأخذ شماره ۱، فصل سوم.
- ۳۱ - اظهارات یکی از اعضای منافقین که به اسارت در آمده است.
- ۳۲ - کنسار. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدیبن (تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳)،
- ص ۴۸۸.
- ۳۳ - وزارت ارشاد اسلامی، "بولتن بررسی مطبوعات جهان"، شماره ۱۳۰۸، تایمز لندن، ۱۳۶۷/۱/۲۱، به نقل از مایکل ایوانس.
- ۳۴ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۸، ۱۳۶۷/۱/۸، آسوشیتدپرس، ۱۳۶۷/۱/۷.
- ۳۵ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۳۶۵، ۱۳۶۶/۱۲/۲۹، رادیو و لندن، ۱۳۶۶/۱۲/۲۸.
- ۳۶ - مأخذ شماره ۱۰، ص ۳۹۴.
- ۳۷ - سند شماره ۲۰۸۸۳۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه، گزارش "اگر من بودم می‌زدم"، ۱۳۶۷، به نقل از ریچارد مورفی.
- ۳۸ - روزنامه کیهان، ۱۳۷۵/۱۱/۲۸.
- ۳۹ - مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، جلد ۲۰، ۱۳۶۹)، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.
- ۴۰ - واحد مرکزی خبر، "بولتن رادیوهای بیگانه"، ۱۳۶۷/۱/۲۷، رادیو امریکا، ۱۳۶۷/۱/۲۷.
- ۴۱ - پیشین.
- ۴۲ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۱، ۱۳۶۷/۱/۱۱، واشنگتن پست، ۱۳۶۷/۱/۱۰.
- ۴۳ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۳۶۳، ۱۳۶۶/۱۲/۲۷، خبرگزاری رویتر.
- ۴۴ - پیشین.
- ۴۵ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۳۴۹، ۱۳۶۶/۱۲/۱۳، رادیو و امریکا، ۱۳۶۶/۱۲/۱۲ و روزنامه نیویورک تایمز، به نقل از کارشناس نظامی.
- ۴۶ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۵، ۱۳۶۷/۱/۱۵، رادیو و امریکا، ۱۳۶۷/۱/۱۴ و شیرین هانتر معاون بخش خاورمیانه مرکز مطالعات و تحقیقات استراتژیک در واشنگتن.
- ۴۷ - معاونت سیاسی سپاه پاسداران، "بولتن بررسی"،

- اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۹.
- ۴۸ - پیشین.
- ۴۹ - مأخذ شماره ۲۲، ۱۳۷۴/۱۱/۱۹.
- ۵۰ - مأخذ شماره ۱۰، ص ۴۶۴.
- ۵۱ - مأخذ شماره ۲۲، ۱۳۷۴/۱۱/۲۶.
- ۵۲ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۳۴، ۱۳۶۷/۲/۳، روزنامه‌تایم‌سز، ۱۳۶۷/۲/۲.
- ۵۳ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۶، ۱۳۶۷/۴/۱۳، خبرگزاری رویتر، به نقل از یک تحلیل گر خاورمیانه.
- ۵۴ - مأخذ شماره ۹، ص ۲۲۹.
- ۵۵ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۳۴، ۱۳۶۶/۲/۳، رادیو آمریکا، ۱۳۶۷/۲/۲، به نقل از روزنامه تایمز لندن.
- ۵۶ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۳۷، ۱۳۶۶/۲/۶، پاریس، ژون آفریک.
- ۵۷ - پیشین.
- ۵۸ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۴۱، ۱۳۶۶/۲/۱۰، خبرگزاری رویتر، به نقل از خبرگزاری تاس.
- ۵۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۵۷، ۱۳۶۶/۲/۲۶، رادیو و لندن، ۱۳۶۶/۲/۲۵.
- ۶۰ - مأخذ ۴۷، ص ۶.
- ۶۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۳۲، ۱۳۶۷/۲/۱.
- ۶۲ - مأخذ ۱۰، ص ۳۸۹.
- ۶۳ - وزارت ارشاد اسلامی، "بررسی مطبوعات جهان"، شماره ۹۷، ۱۳۶۷/۴/۴، به نقل از روزنامه‌الدستور چاپ انگلیس (۷ مه ۱۹۸۸ برابر با ۱۳۶۷/۲/۷).
- ۶۴ - برناردنیوز، نیویورک تایمز، هفته‌نامه ایران تایمز، ۱۳۶۷/۲/۹.
- ۶۵ - محی‌الدین مصباحی، "شوروی و جنگ ایران و عراق چارچوبها و اهداف"، مجله سیاست دفاعی، شماره ۴، سال چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۷۵ و پاییز ۱۳۷۵ ویژه‌نامه جنگ تحمیلی، ص ۲۰۶ - ۲۰۳.
- ۶۶ - وزارت ارشاد اسلامی، "بولتن بررسی مطبوعات جهان"، شماره ۱۳۱۷، ۱۳۶۷/۳/۴، به نقل روزنامه اسپرسو (۲۴ آوریل ۱۹۸۸، ۱۳۶۷/۲/۴).
- ۶۷ - دفتر سیاسی سپاه، "بولتن رویدادها و تحلیل"، شماره ۴۴، ۱۳۶۷/۳/۶، ص ۸.
- ۶۸ - مأخذ شماره ۲۲، ۱۳۷۴/۱۱/۲۶.
- ۶۹ - مأخذ شماره ۱۳۶۷.
- ۷۰ - مأخذ شماره ۶۸.
- ۷۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۷۳، ۱۳۶۷/۳/۱۱، رادیو لندن، به نقل از روزنامه واشنگتن پست.
- ۷۲ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۹۳، ۱۳۶۷/۳/۳۱، رادیو آمریکا، ۱۳۶۷/۳/۳۰، به نقل از نیویورک تایمز.
- ۷۳ - دفتر سیاسی سپاه، "بولتن رویدادها و تحلیل"، شماره ۴۵، ۱۳۶۷/۴/۲۵، ص ۱۶.
- ۷۴ - پیشین، ص ۱۲.
- ۷۵ - مأخذ شماره ۳۱.
- ۷۶ - پیشین.
- ۷۷ - مأخذ شماره ۷۳، ص ۱۳.
- ۷۸ - مأخذ شماره ۲۲، ۱۳۷۴/۱۱/۲۶.
- ۷۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۳، ۱۳۶۷/۴/۱۰، آسوشیتدپرس، ۱۳۶۷/۴/۹.
- ۸۰ - پیشین.
- ۸۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۹۷، ۱۳۶۷/۴/۴، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۳.
- ۸۲ - مأخذ شماره ۷۳، ص ۲۸.
- ۸۳ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۱۰، ۱۳۶۷/۴/۱۷، رادیو آمریکا، ۱۳۶۷/۴/۱۶.
- ۸۴ - پیشین، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۷/۴/۱۶، مارلین فیتزواتر سخنگوی کاخ سفید آمریکا.

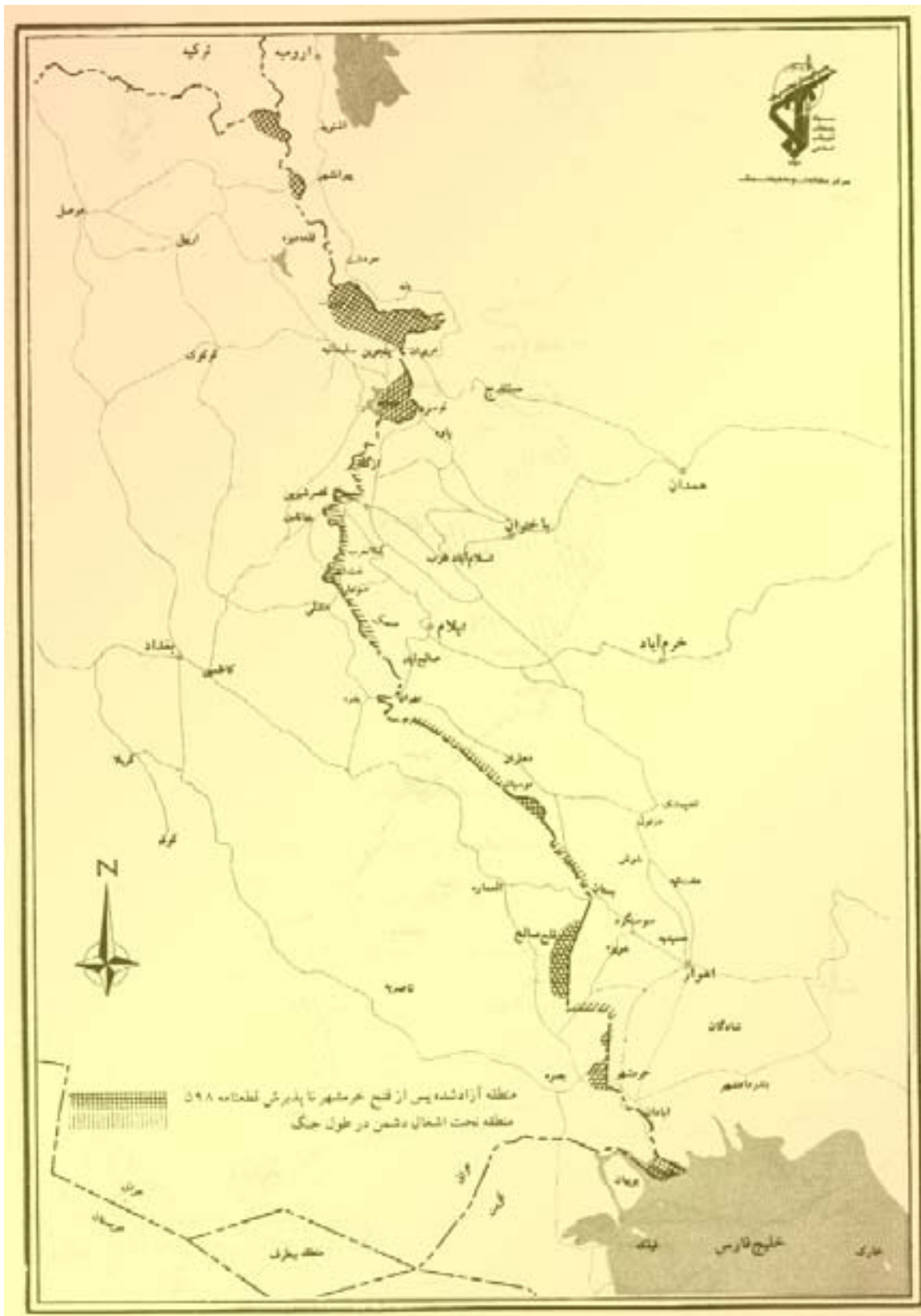
- ۸۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی "گزارشهای ویژه"، نشریه ششماهه ۱۱۷، ۱۳۶۷/۴/۲۴، رویه‌تر، ۱۳۶۷/۴/۲۳.
- ۸۶- مأخذ شماره ۷۳، صص ۲-۱.
- ۸۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۱۱، ۱۳۶۷/۴/۱۸، رادیو و لندن، ۱۳۶۷/۴/۱۷.
- ۸۸- مأخذ شماره ۱۰، صص ۴۴۳.
- ۸۹- مأخذ شماره ۲۲، ۱۳۷۴/۱۲/۲۶.
- ۹۰- [دفتر] نخست‌وزیری، "بررسی روند تحولات صلح"، حمید فرهادنیا، صص ۱۱۲.
- ۹۱- پیشین، صص ۱۲۳.
- ۹۲- مأخذ شماره ۳۹، صص ۲۳۸، ۲۳۹ و ۲۴۱.
- ۹۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۲۲، ۱۳۶۷/۴/۲۹، رادیو آمریکا، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۹۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۲۴، ۱۳۶۷/۴/۳۱، خبرگزاری رویه‌تر، ۱۳۶۷/۴/۳۰، به نقل از هارلد براون.
- ۹۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۲۱، ۱۳۶۷/۴/۲۸، خبرگزاری فرانسه، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۲۷، به نقل از لطیف جاسم‌وزیر اطلاعات عراق.
- ۹۶- مأخذ شماره ۹۴، روزنامه گاردین.
- ۹۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۲۵، ۱۳۶۷/۵/۱، رادیو و لندن، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۹۸- مأخذ شماره ۹۳.
- ۹۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۲۷، ۱۳۶۷/۵/۳، خبرگزاری رویه‌تر، ۱۳۶۷/۵/۲.
- ۱۰۰- مأخذ ۹۴، به نقل از مقامات وزارت خارجه.
- ۱۰۱- مأخذ شماره ۹۴.
- ۱۰۲- دفتر سیاسی سپاه، "بولتن رویدادها و تحلیل"، شماره ۴۶، ۱۳۶۷/۵/۲۹.
- ۱۰۳- مأخذ شماره ۹۷، رسانه‌های انگلیسی، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۱۰۴- سند شماره ۵/۱۷۱۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفترچه ثبت جنگ راوی ...، صص ۵۳، ۱۳۶۷/۵/۱.
- ۱۰۵- پیشین.
- ۱۰۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۳۴، ۱۳۶۷/۵/۱۰، رادیو لندن، به نقل از دیپلماتهای غربی.
- ۱۰۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۴۰، ۱۳۶۷/۵/۱۶، رادیو آمریکا، ۱۳۶۷/۵/۱۵.
- ۱۰۸- پیشین، نیویورک تایمز، به نقل از مقامات عراقی.
- ۱۰۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۳۹، ۱۳۶۷/۵/۱۵، به نقل از هانس هاتیو کوبلیس، تحلیلگر مؤسسه مطالعات استراتژیک لندن، ۱۳۶۷/۵/۱۴.
- ۱۱۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۲۶، ۱۳۶۷/۵/۲، به نقل از دان کار، یکی از ناظران جنگ مؤسسه مطالعات استراتژیک لندن، ۱۳۶۷/۵/۱.
- ۱۱۱- روزنامه السفیر، مقاله احمد زبیدی، ۱۳۶۹/۸/۲۹، ترجمه سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت.
- ۱۱۲- دفتر سیاسی سپاه، "بولتن رویدادها و تحلیل"، شماره ۴۶، ۱۳۶۷/۵/۲۹، صص ۱۶.
- ۱۱۳- مأخذ شماره ۳۱.
- ۱۱۴- پیشین.
- ۱۱۵- مأخذ شماره ۱۱۴.
- ۱۱۶- مأخذ شماره ۱۱۴.
- ۱۱۷- مأخذ شماره ۱۱۴.
- ۱۱۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۳۳، ۱۳۶۷/۵/۹، دیلی تلگراف، به نقل از سخنگوی منافقین، ۱۳۶۷/۵/۸.
- ۱۱۹- مأخذ شماره ۱۰۶، ایندیندنت، ۱۳۶۷/۵/۶.
- ۱۲۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارشهای ویژه"، شماره ۱۳۵، ۱۳۶۷/۵/۱۱، رادیو لندن، ۱۳۶۷/۵/۱۰.



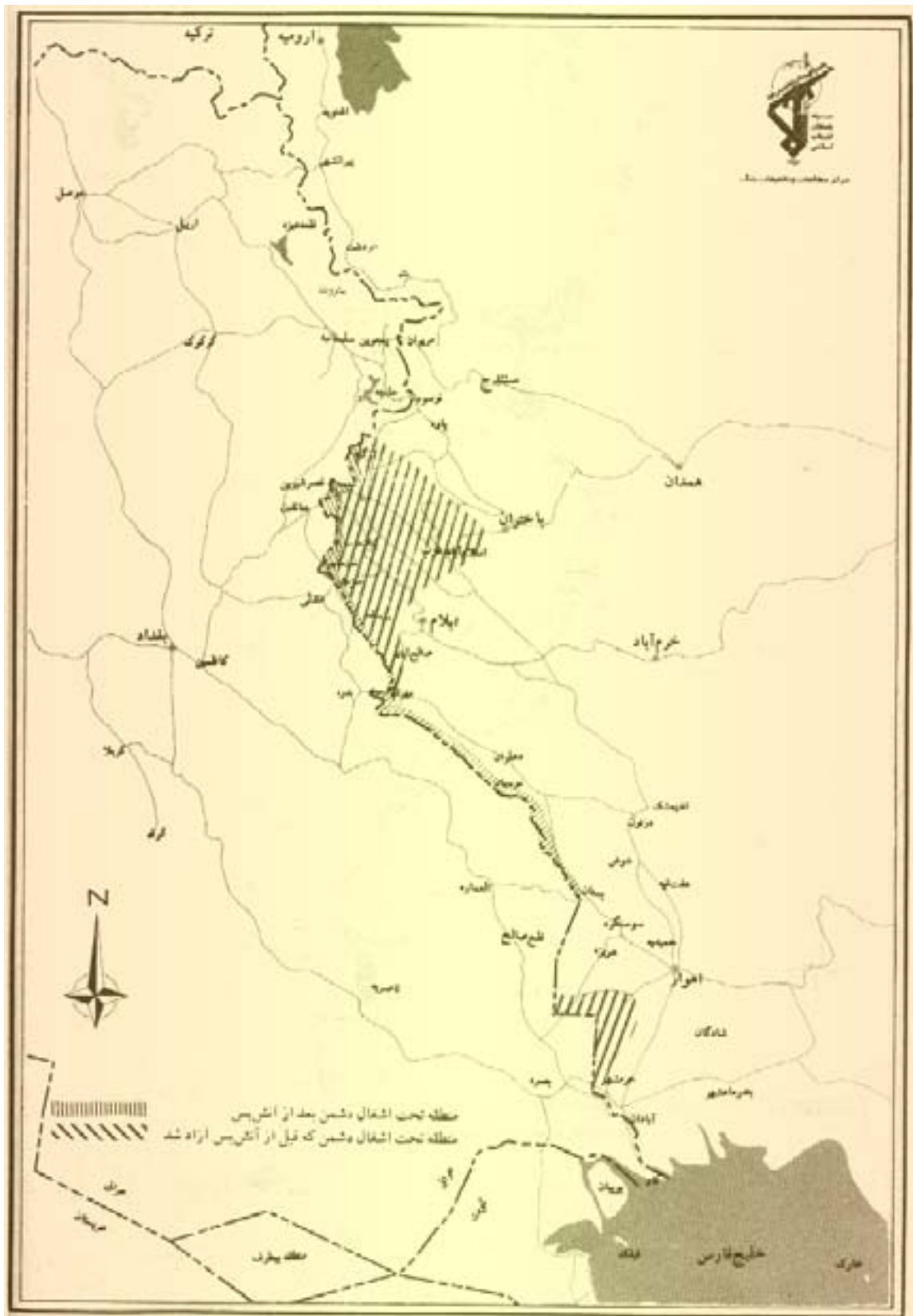


راهنمای عملیات سال هشتم جنگ ( شهریور ۶۶ - ۶۷ )





آخرین حد پیشروی خودی در خاک عراق و مناطق تحت اشغال دشمن تا قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران



مناطق تحت اشغال عراق در آخر جنگ که قبل از آتش بس آزاد شد.

## فهرست راهنمای موضوعی

شامل : اشخاص ؛ مناطق عملیاتی ؛ کشورها ؛ مناطق ،  
سازمانها و پیمانهای بین‌المللی ؛ عملیاتها و  
اقدامات نظامی ؛ نیروهای مسلح ؛ تجهیزات  
نظامی ؛ مفاهیم نظامی ؛ مفاهیم و اقدامات  
سیاسی ؛ گروههای سیاسی و نظامی ؛ مسائل  
اقتصادی ؛ رسانه‌ها ؛ آمار ؛ زمانها و رویدادها ؛ ...

## اشخاص

|   |                                       |
|---|---------------------------------------|
| ۷۲، ۵۹، ۵۰، ۴۹، ۴۷، ۴۶، ۴۰              | آنتوان لحد: ۱۶۶                       |
| بوش، جرج: ۱۵۰                           | ابوغزاله (وزیر دفاع مصر): ۱۸۹         |
| بهشتی، سیدمحمد (آیت الله، شهید): ۴۰     | اسبوت، رابرت: ۱۳۲                     |
| بیل، جیمز: ۱۶                           | اشنایدر، ویلیام: ۱۳۳                  |
| پاکوف ریابوف: ۹۶، ۹۵                    | امام خمینی: ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۳۲    |
| پویندگستر: ۱۶۶، ۱۶۷                     | ۳۵، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۴۹، ۵۰، ۶۳، ۶۴        |
| تیچر، هوارد: ۱۶۳، ۱۶۵                   | ۷۷، ۷۸، ۹۹، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۵        |
| تیمرمن، کنت. آر: ۶۱، ۱۶۶، ۱۴۹           | ۱۲۶، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۶۵          |
| جانشین فرمانده کل قوا: ۲۰۴              | ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵، ۲۰۴          |
| خاتمی، سیدمحمد (حجت الاسلام): ۱۹۳       | ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱               |
| خامنه‌ای، سیدعلی (آیت الله): ۱۶، ۳۲، ۴۹ | بابایی، عباس (شهید): ۱۴۶              |
| ۱۶۵، ۷۸، ۵۲                             | باقری، حسن (شهید): ۴۶، ۵۱             |
| خاویر پرزدکوئبار: ۱۱۶، ۲۰۵              | باهنر، محمدجواد (نخست وزیر، شهید): ۴۰ |
| خدروی، مجید: ۱۶                         | بختیار، شاهپور: ۲۰                    |
| خمینی، امام (آیت الله) ← امام خمینی     | برزان: ۱۳۴                            |
| خمینی، سیداحمد (حجت الاسلام): ۱۹۲       | برژینسکی: ۲۲، ۲۳، ۱۲۵                 |
| ۲۰۸                                     | برناردینوز: ۱۹۹                       |
| دانیل پاس: ۱۷۱                          | بنی صدر، ابوالحسن: ۲۲، ۲۵، ۳۱، ۳۷     |
| دبیرکل سازمان ملل: ۳۴، ۲۰۵              |                                       |

- ۱۵۱ ، ۱۸۸ ، ۱۹۰ ، ۱۹۳ ، ۱۹۴ ، ۲۰۲ ،  
 ۲۱۲  
 صقوی ، رحیم : ۵۱ ، ۱۳۹ ، ۱۴۴ ، ۲۰۸ ،  
 صیادشیرازی : ۱۲۰
- طــــارــــق عــــزیزــــی : ۱۸ ، ۲۳ ، ۳۷ ، ۷۶ ، ۹۴ ، ۹۶ ،  
 ۱۰۱ ، ۱۱۶ ، ۱۲۲  
 طه یاسین رمضان : ۱۸ ، ۱۸۹ ، ۱۹۹ ، ۲۰۳ ،  
 علایی ، حسین : ۱۷۹  
 غیور اصلی ، ( شهید ) : ۳۱  
 فرمانده عالی جــــنگ : ۷۸ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۱۰۰ ،  
 ۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ، ۱۹۹  
 فرمانده کل قوا ( بنی صدر ) : ۲۵ ، ۳۱ ، ۳۷ ، ۴۰ ،  
 فکوری ( شهید ) : ۲۰  
 قربانی فر : ۱۶۵ ، ۱۶۷  
 کارتر : ۲۲ ، ۱۲۵  
 کردز مــــن ، آنتونــــی : ۱۹ ، ۳۱ ، ۱۱۷ ، ۱۴۹ ،  
 ۱۸۸ ، ۱۸۹ ، ۱۹۹  
 کلود شسون : ۴۰ ، ۷۶  
 کیانوری : ۱۹۵  
 کیسی ، ویلیام : ۱۳۴  
 کیسینجر : ۶۰ ، ۱۲۲ ، ۱۲۴ ، ۱۲۵ ، ۱۶۲  
 کیو ، جرج : ۱۶۳ ، ۱۶۵  
 گرافت ، کالین : ۷۶  
 گرومیکو : ۱۲۳ ، ۱۹۸  
 گنشر : ۱۰۰ ، ۱۲۱  
 گورباچف : ۱۲۳ ، ۱۷۵ ، ۱۸۹  
 لطیف جاسم : ۱۱۱ ، ۱۷۱  
 ماسکی : ۲۳  
 ماهر عبدالرشید : ۱۴۹  
 مایکل آرماست : ۲۰۴  
 مزارعی ، عدنان : ۱۷۱  
 مصباحی ، محی الدین : ۲۰۰  
 مــــک فارلیــــن : ۱۲۵ ، ۱۶۱ ، ۱۶۳ ، ۱۶۴ ،
- ۲۱۱ ، ۲۰۷ : رایبین رایت  
 ۱۲۲ : راکفلر  
 رجایی ، محمدعلی ( رییس جمهور ، شهید ) :  
 ۴۰  
 رجوی ، مریم : ۲۱۰  
 رجوی ، مسعود : ۴۰ ، ۱۹۳ ، ۲۰۲ ، ۲۱۰  
 رشید ، غلامعلی : ۵۱ ، ۱۳۶ ، ۱۳۹ ، ۱۴۲  
 رشیدالعبیدی ، عامر : ۱۳۳  
 رضــــایی ، محــــسن : ۴۷ ، ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۲ ، ۷۸ ،  
 ۱۱۳ ، ۱۱۵ ، ۱۲۰ ، ۱۲۵ ، ۱۳۷ ، ۱۴۰ ،  
 ۱۴۲ ، ۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۱۴۹ ، ۱۵۰ ، ۱۶۱ ،  
 ۱۹۱ ، ۱۹۲ ، ۱۹۷  
 رکنی : ۲۴  
 روحانی ، حسن ( حجت الاسلام ) : ۱۲۴  
 ریگــــان : ۷۴ ، ۹۰ ، ۹۲ ، ۹۳ ، ۱۵۰ ، ۱۶۲ ،  
 ۱۸۶ ، ۱۸۷ ، ۱۹۶ ، ۲۰۴ ، ۱۷۷  
 رییس جمهور ایران ( آیت الله خامنه ای ) : ۲۰۵  
 زبیدی ، احمد : ۲۰  
 سعودالفیصل : ۱۲۳  
 سفیر آمریکا در عربستان : ۷۴  
 سفیر ایران در چین : ۱۱۱  
 سفیر کویت در آمریکا : ۱۸۷  
 سولیوان : ۷۴  
 سیک ، گری : ۱۷۶  
 شائول بخاش : ۱۹۶  
 شاه : ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۳۴ ، ۴۰ ، ۶۰  
 شعبان ، حمید : ۱۶۹  
 شمخانی ، علی : ۱۴۵  
 شولتز ، جورج : ۹۲ ، ۹۴ ، ۱۷۷ ، ۲۰۷  
 صباح الاحمد : ۱۲۲  
 صــــدام : ۱۶ ، ۱۸ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۳۴ ، ۳۶ ، ۴۰ ،  
 ۶۱ ، ۶۲ ، ۶۳ ، ۷۱ ، ۷۴ ، ۷۶ ، ۷۷ ، ۹۱ ،  
 ۹۳ ، ۹۶ ، ۱۱۱ ، ۱۲۲ ، ۱۳۴ ، ۱۴۰ ، ۱۴۹ ،

|  |  |
|--|--|
| اسکله البکر : ۹۲                               | ۱۶۵ ، ۱۶۶ ، ۱۶۷ ، ۱۸۰  |
| اسکله الاحمدی کویت : ۱۸۶                       | مک تاور ، توماس : ۱۲۲  |
| اسکله العمیه : ۹۲                              | مورفی ، ریچارد : ۷۴ ، ۹۳ ، ۱۹۶ ، ۱۹۸   |
| العزیر : ۱۱۳                                   | موسوی ، میرحسین : ۱۶۵  |
| ام القصر : ۱۷۲                                 | موگن ، ژنرال : ۱۹۹   |
| اندیمشک : ۵۵                                   | میتران : ۱۹۸   |
| اهواز : ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳                           | ناظم الغبراء ، شفیق : ۶۱   |
| ایستگاه حسینیہ : ۳۱ ، ۹۷                       | نزار حمدون : ۲۰۳   |
| بستان : ۳۳ ، ۵۳                                | نماینده آمریکا در سازمان ملل : ۲۳  |
| بصره : ۶۴ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۸۶ ، ۱۱۹ ، ۱۷۲ ، ۱۷۴     | نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع ( آیت الله خامنه ای ) : ۲۵ ، ۳۲  |
| پادگان حمید : ۳۱                               | نورث : ۱۶۳ ، ۱۶۴ ، ۱۶۵   |
| پادگان گلف ( پایگاه منتظران شهادت ) : ۵۱       | نیر : ۱۶۳  |
| پاسگاه خسروآباد : ۹۷                           | وایتهد : ۲۰۷   |
| پالایشگاههای نفتی : ۱۱۷                        | واینبرگر ، کاسپار : ۵۶ ، ۶۰ ، ۹۰ ، ۱۹۸   |
| پایانه نفتی H ( خارک ) : ۱۱۸                   | وزیر خارجه ایران : ۱۲۲   |
| پایانه نفتی T ( خارک ) : ۱۱۸                   | وزیر خارجه ژاپن : ۱۰۱  |
| پایانه های ( اسکله ) نفتی خارک : ۹۷ ، ۹۹ ، ۱۱۸ | وزیر دفاع عراق : ۹۶  |
| پایانه های صدور نفت ایران : ۹۴ ، ۱۷۰           | ولایتی ، علی اکبر : ۱۹۵  |
| پایگاه چهارم شکاری : ۵۵                        | هاشمی رفسنجانی ، اکبر ( حجت الاسلام ) : ۱۶ ، ۱۸ ، ۲۰ ، ۹۸ ، ۹۹ ، ۱۱۸ ، ۱۲۱ ، ۱۲۳ ، ۱۲۵ ، ۱۶۰ ، ۱۶۱ ، ۱۶۲ ، ۱۶۵ ، ۲۰۴ ، ۱۷۹ ، ۱۹۹ |
| پایگاه منتظران شهادت ( پادگان گلف ) : ۵۱       | هیگ ، الکساندر : ۶۰ ، ۶۱   |
| پل عزیر : ۱۱۵                                  |  |
| پل غزبله : ۷۷                                  |  |
| پنج ضلعی ( شملچه ) : ۱۷۲                       |  |
| پیرانشهر : ۷۹                                  |  |
| تپه های عین خوش : ۵۶                           |  |
| تمرچین : ۷۹                                    |  |
| تنگه چزابه : ۵۳ ، ۵۴                           |  |
| تنگه رقابیه : ۵۶                               |  |
| جاده اندیمشک - اهواز : ۵۵                      |  |
| جاده اهواز - خرمشهر : ۵۷                       |  |
| جاده بصره - العماره : ۸۶                       |  |
|  | <b>مناطق و محورهای عملیاتی</b>   |
|  | آبادان : ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۸ ، ۵۱ ، ۲۰۲  |
|  | ابوالخصیب : ۱۷۲  |
|  | ارتفاع برغازه : ۵۶   |
|  | ارتفاعات حمربین : ۷۸ ، ۲۰۵   |
|  | ارتفاعات قمطره : ۷۹  |
|  | ارتفاعات میمک : ۱۰۹  |

- جادهٔ مهران - دهلران: ۷۹  
 جبههٔ شمالی - منطقهٔ شمال: ۷۹، ۱۵۱، ۱۹۹، ۱۹۷  
 جبههٔ میانی: ۷۹  
 جزایر مجنون: ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۹۶، ۹۸، ۱۱۳، ۱۳۷، ۱۹۱، ۲۰۳  
 جزیرهٔ ام‌الرصاص: ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۷۲  
 جزیرهٔ بوارین: ۱۷۲  
 جزیرهٔ خارک: ۹۳، ۹۴، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۸  
 جزیرهٔ سیری: ۱۳۴  
 جزیرهٔ مینو: ۹۷، ۱۴۴، ۱۷۳  
 جزیرهٔ جنوبی: ۱۱۹  
 جفیر: ۳۱  
 جنوب، منطقهٔ جنوب، جبههٔ جنوب: ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۷۲  
 ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۵  
 ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰  
 چاههای نفتی ابوغریب: ۵۵  
 حاج عمران: ۵۲، ۷۹، ۸۷  
 حلبچه: ۱۹۳، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۰۵  
 حلفائیه: ۷۷  
 حمیدیه: ۳۱، ۳۳  
 خرمشهر: ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۸، ۴۱، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۸، ۵۹، ۶۴، ۶۵، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۸  
 خطوط پدافندی ایران: ۲۰۳، ۲۰۴  
 خطوط پدافندی خودی در فاو: ۱۹۷  
 خطوط دفاعی ارتش ایران: ۲۰۵، ۱۷۶  
 خطوط دفاعی عراق: ۷۱، ۷۸، ۷۹، ۸۹، ۱۱۴، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۹  
 خطوط مرزی، مرز (ایران و عراق): ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۶۳، ۶۴، ۱۱۲، ۲۱۰  
 خوزستان: ۳۰، ۵۸، ۲۱۰  
 دزفول: ۳۲، ۵۵، ۱۰۹  
 دهلران: ۷۷، ۲۰۲  
 رودخانهٔ اروند، اروند درود: ۲۳، ۳۶، ۶۴، ۱۴۹، ۱۴۶  
 رودخانهٔ بهمنشیر: ۳۶  
 رودخانهٔ دجله: ۸۶، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵  
 رودخانهٔ کارون: ۳۱، ۳۸، ۵۰، ۵۴، ۵۶  
 رودخانهٔ کرخه: ۳۰، ۳۷، ۵۴  
 زبیدات: ۲۰۵  
 زید، منطقهٔ زید: ۷۸، ۸۵، ۹۷  
 سرپل ذهاب: ۲۱۰  
 سلیمانیه: ۱۹۳، ۱۹۷  
 سکوی نفتی ایران: ۱۷۸، ۱۹۷  
 سکوی نفتی سلمان: ۱۷۸  
 سوسنگرد: ۳۱، ۳۳، ۳۵  
 سومار: ۷۷، ۲۰۵  
 سیدکان: ۱۲۰  
 شط‌العرب: ۱۹، ۲۳  
 شلمچه، منطقهٔ شلمچه: ۱۲۰، ۱۴۶، ۱۴۷  
 ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۹۱، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳  
 شوش: ۵۵  
 طلائییه، محور طلائییه: ۸۶، ۹۹، ۱۱۳، ۱۱۹  
 عین‌خوش: ۵۶، ۷۷، ۲۰۵  
 غرب رودخانهٔ کارون: ۵۶  
 غرب رودخانهٔ کرخه: ۵۴  
 غرب، منطقهٔ غرب، جبههٔ غرب: ۷۷، ۷۸، ۱۲۱، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۸  
 ۲۰۱، ۲۱۱  
 فاو، منطقهٔ فاو: ۹۷، ۹۹، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۷۲، ۱۷۳  
 ۱۷۴، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۳  
 فکه: ۷۸، ۲۰۲

۹۳ ، ۹۴ ، ۹۵ ، ۱۰۶ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹ ، ۱۱۶ ،  
 ۱۲۲ ، ۱۲۴ ، ۱۲۵ ، ۱۳۳ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸ ،  
 ۱۵۰ ، ۱۶۷ ، ۱۷۲ ، ۱۷۳ ، ۱۸۶ ، ۱۸۷ ،  
 ۱۸۹ ، ۱۹۶ ، ۱۹۷ ، ۱۹۹ ، ۲۰۴ ، ۲۰۹

- آژانسهای جاسوسی آمریکا: ۶۱

- آمریکایا: ۶۱ ، ۶۲ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۵ ،  
 ۹۰ ، ۱۳۳ ، ۱۷۰ ، ۱۹۷

- ارتش آمریکا: ۴۸ ، ۵۴ ، ۱۱۴

- استراتژی (سیاست) منطقه‌ای آمریکا:  
 ۶۰ ، ۷۴

- استراتژی آمریکا: ۱۵

- استراتژی جدید آمریکا در مورد جنگ: ۷۴

- انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا:  
 ۲۲

- ایستگاه اطلاعاتی آمریکا در بغداد: ۱۳۴

- بحران در آمریکا: ۱۶۸

- بنیاد هریتیج: ۹۰

- پنتاگون: ۱۳۳ ، ۱۹۹

- حمایت آمریکا از عراق: ۶۱ ، ۶۲ ، ۷۵ ،  
 ۱۷۷

- روابط دیپلماتیک آمریکا و عراق: ۶۱

- رئیس جمهور آمریکا: ۱۶۳ ، ۱۶۵ ،  
 ۱۶۶ ، ۲۰۴

- سازمان سیا: ۱۳۴ ، ۱۶۳

- سخنگوی کاخ سفید: ۲۰۴

- سیاست خارجی آمریکا: ۷۴ ، ۱۲۴ ،  
 ۱۲۵ ، ۱۶۸ ، ۱۷۴

- سیاست نه شکست نه پیروزی آمریکا: ۷۴

- شرکت ساختمانی بچتل: ۹۲

- شورای امنیت ملی آمریکا: ۱۳۳

- کارشناسان آمریکایی: ۲۰

- کمکهای تسلیحاتی آمریکا به عراق: ۱۳۴

- کمیته روابط خارجی سنای آمریکا: ۵۹

کارخانه نمک (منطقه فاو): ۱۷۲

کانال پرورش ماهی: ۷۱ ، ۱۱۹ ، ۱۷۴

کردستان: ۲۰

کرنه: ۲۱۰

کوشک: ۹۷ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰

کوی ذوالفقاری آبادان: ۳۶

ماووت: ۱۹۳ ، ۲۰۳

ماهشهر: ۳۸

محور بستان - سوسنگرد: ۳۰

محور جنوب غرب اهواز: ۳۱

مسجد جامع خرمشهر: ۴۱

منطقه العماره: ۷۷

منطقه شرق بصره: ۷۱ ، ۱۷۴ ، ۱۷۶ ، ۱۸۸

منطقه شرفانی: ۲۰۵

منطقه عملیاتی والفجر ۹: ۱۵۱

منطقه نورد (اهواز): ۳۱

منطقه القرنه: ۸۶

مواضع دفاعی عراق: ۸۸ ، ۱۵۱ ، ۱۸۸

مهران: ۷۹ ، ۱۵۱ ، ۲۰۲ ، ۲۰۳

میمک: ۲۰۵

نشوه: ۸۶ ، ۱۱۹ ، ۱۳۷

نهر جاسم: ۱۷۴

نیروگاهها: ۱۱۷

هور ، منطقه هور ، هورالهویزه: ۷۸ ، ۸۴ ، ۸۵

۸۹ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ، ۱۱۴ ، ۱۱۵ ، ۱۱۹ ،

۲۰۳ ، ۱۳۷

### کشورها

آرژانتین: ۱۹۴

آلمان: ۸۶ ، ۱۰۰ ، ۱۰۶ ، ۱۱۶ ، ۱۲۱ ،

۱۲۲ ، ۱۲۳ ، ۱۸۹ ، ۱۹۴ ، ۲۱۰

آمریکا: ۱۵ ، ۱۷ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۳۴ ، ۴۱ ،

۵۶ ، ۶۰ ، ۶۱ ، ۷۰ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۹۰ ، ۹۲ ،



- ۶۱ ، ۹۱ ، ۹۵ ، ۱۰۰ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۰۸  
 - کنگره آمریکا: ۹۰، ۱۶۸، ۱۷۹  
 - گروگانهای آمریکایی در لبنان: ۱۶۲، ۱۶۶  
 - گروگانهای آمریکایی: ۲۱، ۲۲، ۳۸، ۷۶  
 - لانه جاسوسی آمریکا: ۲۰، ۲۱  
 - متحدین آمریکا: ۱۶۸  
 - مشاور امنیت ملی ریگان: ۷۵  
 - معاون وزارت خارجه آمریکا: ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۰۷  
 - منابع اطلاعاتی آمریکا: ۸۸  
 - واشنگتن: ۲۲، ۵۶، ۲۰۷  
 - وزارت خارجه آمریکا: ۷۵، ۹۲، ۹۳، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۸۶، ۱۹۴، ۲۰۷  
 - وزارت دفاع آمریکا: ۱۹، ۵۶  
 - وزارت کشاورزی آمریکا: ۷۵  
 - وزیر دفاع آمریکا: ۹۰، ۱۷۶، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۰۷  
 - وزیر خارجه آمریکا: ۱۶۹، ۱۷۷  
 - همکاری اطلاعاتی آمریکا با عراق: ۷۵، ۱۳۴  
 - همکاری اقتصادی آمریکا با عراق: ۷۵  
 - هواپیمای آمریکایی T - W: ۱۲۵، ۱۶۲  
 - هیات آمریکایی (اعزامی به تهران): ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶  
 - موسسه پژوهشهای سیاست خارجی آمریکا: ۱۷۱  
 - اردن: ۲۳، ۹۳، ۱۳۴، ۱۷۰  
 - امان: ۱۳۴  
 - اسپانیا: ۱۸۹  
 - اسرائیل، رژیم اشغالگر قدس: ۱۵، ۵۷، ۷۶
- ۲۱۲، ۱۶۶، ۱۴۸، ۱۳۴، ۱۳۲، ۹۲، ۹۰  
 - افغانستان: ۱۲۳، ۱۶۴، ۱۷۴، ۱۷۵  
 - امارات متحده عربی: ۱۲۲  
 - انگلیس: ۷۶، ۱۰۶، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۸۹  
 - سفیر انگلیس در سازمان ملل: ۱۷۶  
 - شرکت‌های انگلیسی: ۷۶، ۱۳۵  
 - فدراسیون انگلیسی ساخت پناهمگاههای هسته‌ای: ۷۶  
 - لندن: ۱۶۲  
 - موسسه بین المللی تحقیقات استراتژیک لندن: ۱۳۲، ۱۴۸  
 - مهندسان انگلیسی: ۷۶  
 - ایتالیا: ۲۰۰  
 - ایران، جمهوری اسلامی ایران: اکثر صفحات  
 - بنادر ایران: ۱۱۷  
 - تنگه هرمز: ۹۳، ۱۰۸، ۱۱۸، ۱۷۸  
 - تهران: ۶۱، ۸۶، ۹۳، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۹۴، ۲۰۲  
 - دادگاههای انقلاب: ۲۵  
 - دفتر تحقیقات و مطالعات وزارت خارجه ایران: ۱۲۱  
 - دفتر خرید ایران در لندن: ۱۳۵  
 - ساختمان نخست‌وزیری: ۴۰  
 - شورای عالی دفاع: ۲۵، ۳۲، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۶۳، ۸۵، ۱۲۱، ۱۳۸  
 - مجلس شورای اسلامی: ۱۶، ۴۰، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۴۲، ۱۴۳  
 - میدان آزادی (تهران): ۲۱۰  
 - نیروگاه نکا: ۱۶۸  
 - وزارت خارجه جمهوری اسلامی: ۱۲۴، ۱۶۳



### مناطق بین المللی ، سازمانهای بین المللی ، قراردادها و پیمانهای بین المللی

اروپا ، کشورهای اروپایی : ۷۸ ، ۹۱ ، ۱۰۰ ، ۱۲۲

اعراب ، جهان عرب ، کشورهای عربی : ۵۶ ، ۱۸۹ ، ۱۷۶ ، ۶۱ ، ۵۷

اقیانوس هند : ۱۲۴

اوپک : ۱۷۰

اولین بیانیه شورای امنیت ( در مورد جنگ ) : ۳۴

بازار مشترک اروپا : ۱۱۶

تنگه هرمز : ۹۳ ، ۱۰۸ ، ۱۱۸ ، ۱۷۸

خاورمیانه : ۱۴ ، ۱۶ ، ۴۱ ، ۶۰ ، ۹۳

خلیج فارس : ۱۶ ، ۲۱ ، ۶۰ ، ۶۳ ، ۹۲ ، ۹۳ ، ۱۱۷ ، ۱۲۵ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱ ، ۱۷۹ ، ۱۸۰ ، ۱۸۶ ، ۱۹۲ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۲۰۰ ، ۲۰۴ ، ۲۱۲

دادگاه لاهه : ۲۰۴

دریای سرخ : ۹۳

دریای مدیترانه : ۹۳ ، ۱۷۶

سازمان ملل : ۱۷ ، ۶۲ ، ۶۳ ، ۷۰ ، ۸۷ ، ۹۲ ، ۹۴ ، ۹۵ ، ۱۱۶ ، ۱۲۳ ، ۱۷۵ ، ۱۷۹ ، ۱۸۰ ، ۱۸۹ ، ۱۸۷

سمینار خلیج فارس : ۱۹۸

شرق : ۱۶ ، ۲۱ ، ۹۶ ، ۹۵ ، ۲۱۲

شورای امنیت سازمان ملل : ۱۷ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۶۳ ، ۸۷ ، ۹۲ ، ۹۴ ، ۱۱۶ ، ۲۰۹

شورای همکاری خلیج فارس : ۶۰ ، ۹۴ ، ۱۸۷

شیخ نشینهای خلیج فارس : ۱۷

غرب : ۱۵ ، ۱۶ ، ۲۱ ، ۲۳ ، ۳۴ ، ۷۰ ، ۹۶ ، ۱۰۹ ، ۱۲۴ ، ۱۵۰ ، ۱۷۶ ، ۱۹۴ ، ۱۹۵ ، ۲۱۲ ، ۲۱۱

قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر : ۱۷ ، ۱۹ ، ۳۰ ، ۳۶ ، ۱۴۷

وزیر اطلاعات عراق : ۱۰۹

- وزیر نفت عراق : ۱۱۷

عربستان : ۱۵ ، ۱۷ ، ۹۲ ، ۱۰۶ ، ۱۲۳ ، ۱۷۰ ، ۱۷۹ ، ۱۸۹ ، ۲۱۲

- بندر عقبه : ۹۲

رژیم سعودی : ۱۷۰

- ریاض : ۱۳۴

فرانسه : ۲۱ ، ۲۳ ، ۴۰ ، ۷۵ ، ۷۶ ، ۸۷ ، ۹۳ ، ۹۵ ، ۱۰۶ ، ۱۲۲ ، ۱۲۳ ، ۱۳۴ ، ۱۳۵ ، ۱۸۹ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹

- ارتش فرانسه : ۱۱۸

- پاریس : ۵۹ ، ۱۳۴

- رئیس جمهور فرانسه : ۱۹۸

- سازمان اطلاعاتی فرانسه : ۱۳۴ ، ۱۳۵

- قرارداد تسلیحاتی عراق با فرانسه : ۲۱

- کمک های تسلیحاتی فرانسه به عراق : ۱۲۲

- نیروی هوایی فرانسه : ۷۶

- وزیر خارجه فرانسه : ۴۰

فلسطین : ۶۰

قبرس : ۷۶

کلمبیا : ۱۸۹

کویت : ۶۱ ، ۷۰ ، ۹۲ ، ۹۴ ، ۱۰۶ ، ۱۰۵ ، ۱۶۶ ، ۱۷۹ ، ۱۸۶ ، ۱۸۷ ، ۱۸۹ ، ۲۱۲

- اسکله الاحمدی : ۱۸۶

لبنان : ۵۷ ، ۷۵ ، ۹۰ ، ۱۶۲ ، ۱۶۶

- بیروت : ۱۶۶

- جنوب لبنان : ۵۷

لیبی : ۱۲۱ ، ۱۴۹

مصر : ۶۱ ، ۱۸۹

نیکاراگوئه : ۹۴

هلند : ۱۱۶

- قـــرار تسلیحانی ۴ میلیارد دلاری (فرانسه و عراق) : ۲۱
- قـــرار داد یک میلیارد دلاری ( شرکت ) بجتل با عراق : ۹۲
- قـــطـــنامه ۵۹۸ شـــورای امنیـــت : ۱۷۹ ، ۱۸۰ ، ۱۸۷ ، ۲۰۴ ، ۲۰۵ ، ۲۰۶ ، ۲۰۷ ، ۲۱۰
- کمیته حسن نیت : ۴۰
- کنفرانس غیرمتعهدها : ۷۷
- لغو قراردادهای تسلیحانی ایران و آمریکا : ۲۰
- مجامع ( محافل ) بین المللی : ۶۴ ، ۱۰۷ ، ۱۱۵
- ناتو ( پیمان ) : ۱۳۵
- نخستین جلسه شورای امنیت ( در مورد جنگ ) : ۳۴
- هفت کشور صنعتی : ۹۳
- عملیات ، حملات ، اقدامات نظامی ، درگیری های مسلحانه**
- آزادسازی مناطق اشغالی : ۳۷ ، ۳۸ ، ۴۱ ، ۷۰ ، ۷۲ ، ۸۴ ، ۱۰۹
- آماده سازی عملیات فاو : ۱۴۵
- آماده سازی عملیات کربلای ۴ : ۱۷۲
- اسکورت نفتکشها : ۱۸۰ ، ۱۹۲
- اشغال آبادان : ۳۶
- اشغال خرمشهر : ۳۵
- اقدامات تلافی جویانه ایران : ۱۱۱ ، ۱۲۴
- انفجار ( خرابکاری ضدانقلاب ) : ۱۸ ، ۴۰ ، ۴۱
- انفجار در بغداد : ۱۱۱
- انفجار بمب در کویت : ۱۸۶
- انفجار ساختمان نخست وزیری : ۴۰
- انفجار مقر آمریکاییها در بیروت : ۸۹ ، ۹۰
- بازپس گیری فاو : ۱۴۷ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴ ، ۱۹۸
- ۱۹۹ ، ۲۰۰ ، ۲۰۱ ، همچنین ← سقوط فاو
- بازپس گیری کلیه مناطق آزاده شده : ۲۰۳
- بمباران نیروگاه نکا : ۱۶۹
- بمباران هوایی ( دشمن ) : ۱۰۹ ، ۱۱۰ ، ۱۴۶ ، ۱۹۵
- بمب گذاری ( ضدانقلاب ) : ۴۱
- پدافند هوایی خودی : ۱۱۲ ، ۱۱۴ ، ۱۴۶ ، ۱۴۷
- پیشروی خودی : ۵۶ ، ۱۳۸ ، ۱۶۸ ، ۱۸۸ ، ۱۹۷
- پیشروی در هور : ۱۱۳
- پیشروی عراق : ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۳ ، ۲۰۲ ، ۲۰۹
- تجاوز اسرائیل به لبنان : ۷۰ ، ۹۰
- تجاوزات مرزی عراق : ۲۲ ، ۲۳
- توقف عملیات کربلای ۴ : ۱۷۲ ، ۱۷۴
- تهاجم دشمن به فاو : ۱۹۸
- تهاجم دشمن ، تهاجم ( تجاوز ) عراق : ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۴ ، ۲۶ ، ۷۵ ، ۱۰۹ ، ۱۵۱ ، ۱۹۳ ، ۲۰۱ ، ۲۰۳ ، ۲۰۷ ، ۲۱۰
- تهاجمات ایران : ۷۱ ، ۷۴ ، ۷۹ ، ۸۸ ، ۱۰۷ ، ۱۱۲ ، ۱۱۹ ، ۱۳۷ ، ۱۴۷ ، ۱۹۲ ، ۲۰۳ ، ۲۰۵
- جنگ جهانی دوم : ۱۵ ، ۲۱۰
- جنگ در دریا : ۱۷۸ ، ۱۷۹
- جنگ نفتکشها : ۹۳ ، ۹۴ ، ۱۰۷ ، ۱۰۸ ، ۱۶۹ ، ۱۸۸
- جنگ و گریز : ۳۳
- حملات شیمیایی عراق : ۹۴ ، ۱۹۵ ، ۱۹۶
- همچنین ( سلاحهای شیمیایی
- حملات موشکی ایران به بغداد : ۱۱۱ ، ۱۱۲ ، ۱۲۳ ، ۱۷۴ ، ۱۹۴
- حملات موشکی ایران به کویت : ۱۸۷
- حملات موشکی دشمن : ۱۰۹ ، ۱۹۵
- حملات هوایی عراق به شهرها ، مراکز اقتصادی ،

- صنعتی و مناطق غیرنظامی: ۹۷، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۶.
- حمله اتمی: ۱۴۰
- حمله عراق به نفتکشها: ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۷۰، ۱۷۶
- حمله عراق به پایانه‌های نفتی ایران: ۱۷۶، ۱۷۷
- حمله موشکی به شهر کرکوک: ۱۱۱
- حمله موشکی و هوایی عراق به تهران: ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۷۶، ۱۸۸، ۱۹۴، ۱۹۵
- حمله جنگنده‌های سعودی: ۱۷۸
- درگیری ایران و آمریکا در خلیج فارس: ۱۸۰
- سقوط خرمشهر: ۳۳
- سقوط شلمچه: ۲۰۲
- سقوط فاو: ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲
- شبیخون شهید غیور اصلی: ۳۱
- شناسایی منطقه هور: ۸۵
- ضد حمله عراق (در عملیات بدر): ۱۱۴
- طراحی عملیات کربلای ۱: ۵۲
- طراحی و آماده سازی عملیات فاو: ۱۴۵
- طرح ریزی عملیات بیت المقدس: ۵۷
- طرح ریزی عملیات تهاجمی: ۸۶
- طرح ریزی عملیات دفاعی: ۸۶
- طرح ریزی عملیات کربلای ۴: ۱۷۲
- طرح ریزی عملیات کربلای ۵: ۱۷۳
- طرح ریزی عملیات کمیل: ۱۲۰
- طرح ریزی عملیات والفجر: ۷۷
- طرح ریزی عملیات والفجر ۱: ۷۸
- طرح ریزی عملیات والفجر ۸: ۱۴۶
- عبور از رودخانه بهمنشیر: ۳۶
- عبور دشمن از رودخانه کارون: ۳۱
- عبور (ایران) از رودخانه کارون: ۵۷، ۵۸
- عقب‌نشینی ارتش ایران: ۳۷، ۹۷، ۱۱۴، ۲۰۵
- عقب‌نشینی عراق: ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۵۶، ۲۰۹، ۶۲، ۵۸
- عقب‌نشینی لشکر ۹ عراق: ۳۳
- عملیات ارتش برای شکستن محاصره هر آبادان (۱۳۵۹/۸/۳): ۳۸
- عملیات ارتش در ۳۳ مهر ۱۳۵۹: ۳۷
- عملیات استراتژی دفاع متحرک عراق: ۱۵۱، ۱۷۳، ۱۸۸، ۱۹۹
- عملیات بدر: ۷۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۴۶
- عملیات بیت المقدس (فتح خرمشهر): ۴۹، ۵۰، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۷۲، ۷۳، ۷۶، ۹۰، ۹۵، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۴۰، ۱۴۷
- عملیات بیت المقدس ۲: ۱۹۳
- عملیات بیت المقدس ۳: ۱۹۳
- عملیات بیت المقدس ۷: ۲۰۲
- عملیات ثامن الائمه (شکستن محاصره آبادان): ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۸
- عملیات خیبر: ۷۸، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۴۸
- عملیات در هور: ۸۵
- عملیات رمضان: ۶۵، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۸۴، ۸۹، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۰
- عملیات طیس: ۲۲



- نیروی هوایی ارتش: ۲۰، ۲۴، ۱۳۴، ۱۴۴
- هلی‌کوپترهای نیروی دریایی ارتش: ۱۷۸
- قرارگاه رعد: ۱۴۶
- لشکر ۶۴ پیاده ارومیه: ۲۰
- × **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**
- سپاه پاسداران: ۲۰، ۲۴، ۳۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۷۸، ۷۹، ۸۵، ۸۹، ۹۸، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۱
- بسیج: ۲۰، ۲۴، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۷۸، ۲۰۸
- بودجه سپاه: ۱۴۲
- توپخانه سپاه: ۵۱، ۱۴۸، ۲۰۹
- تیپ ۵۷ حضرت ابولفضل (ع): ۱۷۳
- تیپ زرهی ۷۲ محرم: ۸۵
- حضور سپاه در دریا: ۱۷۹
- حکم امام خمینی برای تشکیل سه نیروی سپاه: ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۴۷
- رزمندگان غواص: ۱۴۹
- سازمان رزم سپاه: ۵۲، ۵۵، ۷۲، ۷۸، ۱۳۹، ۱۴۳، ۲۰۳
- سپاه اهواز: ۳۱
- ستاد عملیات سپاه در جنوب: ۴۸
- فرمانده کل سپاه: ۸۴، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۹۱
- فرماندهان سپاه: ۷۷، ۹۸، ۱۲۰، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۶۰، ۱۷۳، ۲۰۸
- فرماندهی سپاه: ۵۴، ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۱۴۶
- قرارگاه خاتم‌الانبیاء: ۱۴۵
- قرارگاه رعد: ۱۴۶
- قرارگاه رمضان: ۱۴۸
- قرارگاه فتح: ۵۶
- قرارگاه قدس: ۵۶
- قرارگاه کربلا: ۷۷
- قرارگاههای سپاه: ۱۲۱
- لشکر ۱۴ امام حسین (ع): ۸۵
- لشکر ۷ ولیعصر (عج): ۸۵، ۱۱۵
- لشکر ۱۹ فجر: ۱۷۳
- مناطق پنج‌گانه سپاه: ۱۲۱
- نیروهای بسیجی: ۴۸، ۱۷۳، ۲۰۸، ۲۱۱
- نیروی زرهی: ۲۰۸
- نیروهای مردمی: ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۷۷، ۲۰۸
- نیروی دریایی سپاه: ۱۴۷، ۱۷۹
- نیروی زمینی سپاه: ۱۴۷
- نیروی هوایی سپاه: ۱۴۷
- یگان موشکی سپاه پاسداران: ۱۱۱
- یگانهای خط شکن سپاه: ۱۲۰
- یگانهای سپاه: ۸۴
- × **سایر نیروهای مسلح**
- سازمان رزم ایران: ۷۲، ۱۲۱
- ستاد فرماندهی کل قوا: ۲۰۴
- ژاندارمری: ۳۵
- قوای نظامی جمهوری اسلامی: ۸۴، ۸۶
- نیروهای مردمی: ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۷۷، ۲۰۸

**نیروهای مسلح عراق**

ارتش عراق: ۲۰، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۵۴، ۵۹، ۷۱، ۷۳، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۱۰۷، ۱۳۲، ۱۴۷، ۱۷۲، ۱۸۸، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۱۲

استخبارات عراق: ۱۹۳

استعداد ارتش عراق: ۱۳۵

بازسازی ارتش عراق: ۶۳، ۷۳

توپخانه عراق: ۵۵، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۹۰

تیپ ۱، ۲، ۱۰ گارد جمهوری: ۱۳۵

تیپ ۳۳ نیروی مخصوص عراق: ۳۱، ۳۳

تیپهای سه رقمی: ۷۳

روحیه سربازان عراقی: ۱۰۷

سازمان رزم ارتش عراق: ۷۳، ۸۹، ۱۹۰

سپاه سوم ارتش عراق: ۸۹، ۱۷۲

سپاه هفتم عراق: ۱۷۲

شبکه دفاع هوایی عراق: ۷۶

شورای فرماندهی عراق: ۱۹۴

فرماندهی نیروی هوایی عراق: ۱۶۹

قدرت تهاجمی هوایی عراق: ۷۶، ۱۳۲

گارد ریاست جمهوری: ۱۸۸، ۱۹۰

لشکرهای ۱ و ۵ مکانیزه ارتش عراق: ۳۰، ۳۱، ۳۵

لشکرهای ۲، ۴، ۷، ۸ و ۱۱ پیاده ارتش عراق: ۱۳۵

لشکرهای ۳، ۶، ۹، ۱۰، ۱۲ و ۱۷ زرهی عراق: ۱۳۵

ارتش عراق: ۱۳۵

لشکرهای ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۱ و ۳۵

ارتش عراق: ۱۳۵

لشکرهای ۹ و ۱۰ زرهی: ۳۰ و ۳۳

نیروهای مسلح عراق: ۱۹۹، ۲۰۰

نیروهای زرهی عراق: ۷۱، ۱۳۲

**نیروی زمینی عراق: ۱۹۰**

نیروی هوایی عراق: ۸۸، ۱۱۴، ۱۳۲، ۱۶۹، ۱۳۵

واحدهای ضد هوایی: ۷۶

**تجهیزات و تسلیحات نظامی**

آواکسهای آمریکایی: ۱۳۴

ارسال سلاح به ایران: ۱۶۶

ارسال سلاح به عراق: ۱۷۵

اسلحه تحکامات دشمن: ۶۵، ۷۱، ۷۹، ۹۶، ۱۱۴

بازارهای سیاه اسلحه: ۹۴

بمب خوشه‌ای: ۱۳۵

بوئینگ ۷۴۷: ۶۱

پل خیبری: ۱۱۳

تانک تی - ۵۵: ۷۵، ۱۳۳، ۲۰۲

تانک تی - ۷۲: ۷۵، ۱۷۵

تانک و نفربر زرهی: ۳۹، ۹۶

تجهیزات ارسالی شوروی به عراق: ۷۵

تجهیزات الکترونیکی: ۱۳۵

تجهیزات پیشرفته: ۲۰۲

تجهیزات دفاعی: ۱۱۵

تجهیزات رادار: ۱۳۵

تجهیزات کشتار جمعی: ۲۱۲

تجهیزات نظامی ایران: ۲۲، ۵۴، ۹۰، ۱۰۶، ۱۰۷

تجهیزات نظامی عراق: ۱۱۷

تحریم فروش تسلیحات به ایران: ۹۲، ۹۵، ۱۰۶، ۱۶۸، ۱۹۶

تکنولوژی ساخت سلاح: ۱۰۶

توپخانه: ۳۱، ۳۸، ۳۹، ۳۹، ۷۲، ۸۹، ۱۱۴، ۱۴۱

توان هوایی خودی: ۸۹، ۱۴۱



- جنگ‌افزار: ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۳۵
- دیوارهای دفاعی عراق: ۷۸، ۸۴
- رادار: ۵۵
- راکتور هسته‌ای ازیراک (عراق): ۷۶
- رزمناو آمریکایی وینسنس: ۲۰۴
- رفع تحریم تسلیحاتی عراق: ۳۷
- سایت موشکی: ۵۵
- سلاح ضدزره: ۱۴۴
- سلاحهای اتمی: ۲۱۲
- سلاحهای تهاجمی: ۹۶
- سلاحهای جدید عراق: ۱۱۰
- سلاحهای روسی: ۱۱۰
- سلاحهای سنگین: ۱۰۷
- سلاحهای شیمیایی: ۸۷، ۱۱۵، ۱۲۳
- سلاحهای غیرمتعارف: ۲۱۲
- سلاحهای فرانسوی: ۱۱۰
- سیستم پدافند ضد هوایی هاگ: ۱۴۴
- سیستم موشکی زمین به هوای سام ۲: ۱۱۲
- صنایع موشکی عراق: ۱۹۴
- صنایع نظامی: ۲۰۴
- عملیات استتاج (اقدامات آمریکا برای جلوگیری از رسیدن سلاح به ایران): ۹۰، ۹۵، ۱۳۳
- قایقهای تندرو: ۱۷۹
- قراردادهای تسلیحاتی فرانسه و عراق: ۲۱
- قطعات یدکی: ۱۰۷
- کاتیوشا: ۱۷۴
- گاز خردل: ۸۷، ۱۱۶، ۱۹۸
- گاز سازوین: ۱۱۶
- گاز سیانور: ۱۹۸
- گازهای تابون: ۱۱۶
- گازهای سمی: ۸۷
- گازهای شیمیایی: ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۱۶
- لغو قرارداد تسلیحاتی ایران: ۲۰
- موشک آگزوسه: ۹۲
- موشک انداز متحرک: ۷۶
- موشک اندازهای رولاند: ۷۶
- موشک برد بلند: ۱۷۶
- موشک تاو: ۱۴۴
- موشک زمین به زمین اسکاد - بی: ۹۶، ۱۱۱، ۱۷۵
- موشک کرم‌ابریشم: ۱۷۹
- موشک ماوریک: ۱۷۸
- موشکهای ایران: ۱۱۰
- موشکهای پیشرفته: ۱۲۲
- موشکهای روسی ارسالی به عراق: ۷۵
- موشکهای ساخت فرانسه: ۱۳۳، ۱۳۵
- موشکهای سی . سی . سی: ۱۲: ۱۹۴
- موشکهای فرانسه آرما: ۱۱۸
- مهمات شیمیایی: ۲۰۰
- میراژ (جنگنده بمبافکن): ۷۶
- میراژهای جنگنده: ۳۷
- مین دریایی: ۱۷۹
- نفربر پی . ام . پی: ۲۰۲
- نیروی (توان) زرهی: ۴۸، ۵۱، ۷۲، ۷۹
- واحد‌های ضد هوایی عراق: ۷۶
- وسایل عبور: ۹۷
- هلی کوپتر بل هاوک: ۱۲۲
- هلی کوپتر: ۳۱، ۸۶، ۸۷
- هلی کوپترهای توپدار: ۷۵، ۹۶
- هلی کوپترهای نیروی دریایی ارتش: ۱۷۸
- هواپیماهای عراقی: ۱۱۵، ۱۳۴
- هواپیمای آمریکایی تی - دبلو (T.W): ۱۲۵، ۱۶۲

- هوایمای اسرائیل: ۱۳۴
- هوایمای بمبافکن توپولف: ۱۰۶
- هوایمای توپولف ۷۲: ۱۷۵
- هوایمای جنگی اف - ۴: ۱۷۸
- هوایمای سوپراتاندارد: ۹۲، ۹۴، ۱۰۶
- هوایمای سوخوی ۷: ۱۰۶
- هوایمای سوخوی ۲۰: ۱۰۶
- هوایمای عراقی ساخت شوروی: ۱۳۳
- هوایمای میراژ اف - ۱: ۱۰۶
- هوایمای میگ ۲۱: ۹۶، ۱۰۶
- هوایمای میگ ۲۳: ۹۶، ۱۰۶، ۱۷۵
- هوایمای میگ ۲۵: ۷۵، ۱۰۶
- هوایمای میگ ۲۷: ۱۰۷، ۱۷۵
- هوایمای میگ ۲۹: ۹۶
- استراتژی جدید (ایران): ۴۸، ۵۱، ۵۳، ۱۰۷
- استراتژی جدید جنگ: ۱۴۳
- استراتژی جدید عراق: ۸۷
- استراتژی جنگ تا پیروزی: ۱۴۱
- استراتژی جنگ درازمدت: ۱۴۲
- استراتژی جنگ (ایران): ۴۶، ۴۷، ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۴۱
- استراتژی حرکت محدود و شتابزده: ۱۲۱
- استراتژی سازمان منافقین: ۲۱۰
- استراتژی صلح: ۷۳، ۱۷۷
- استراتژی عراق: ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۹۹، ۱۷۷، ۱۵۱، ۱۱۶
- استراتژی نظامی ایران: ۴۷، ۵۴، ۷۷، ۱۹۱، ۱۲۱، ۱۱۵
- استراتژی یک پیروزی: ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۵۰
- استمرار جنگ: ۱۳۸، ۱۴۳
- استمرار عملیات: ۱۴۰
- اشتباه استراتژیک عملیات: ۲۰۹
- (اصول) غافلگیری: ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۴۵
- اصول کلاسیک: ۷۸
- اعتبار نظامی: ۹۸
- افشای عملیات کربلای ۴: ۱۷۲
- اندیشه پدافندی (دفاعی): ۳۹، ۴۹
- انفجار: ۱۸، ۴۰، ۴۱، ۹۰، ۱۱۱
- اهداف استراتژیک عراق: ۱۱۷
- بسیج عمومی: ۲۰۵
- بن بست جنگ: ۳۹، ۴۶، ۸۰، ۸۴، ۸۷، ۱۳۹، ۱۱۳، ۹۳، ۸۸
- بن بست در جنوب: ۱۹۱
- بن بست نظامی: ۱۹۲
- بین‌المللی کردن جنگ: ۱۹۲
- آتش‌بس: ۳۵، ۴۰، ۶۲، ۷۰، ۹۷، ۱۹۴، ۲۰۹، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۳
- آتش‌بس رسمی: ۲۱۱
- آتش پشتیبانی: ۴۸، ۱۴۴، ۱۴۵
- آرایش دشمن: ۵۶، ۷۱
- آرایش دفاعی عراق: ۷۳
- آرایش دفاعی نیروهای ایران: ۳۱
- آرایش نظامی ایران: ۳۲، ۱۳۴
- آفند: ۱۹۳، ۲۰۴
- آمادگی برای تجاوز به ایران: ۲۴
- آمادگی دفاعی ایران: ۷۱
- آمادگی دفاعی: ۴۹
- اتمام سریع جنگ: ۷۲
- اختلاف نظر ارتش و سپاه: ۷۸
- استراتژی ادامه جنگ متناسب با توان: ۱۴۴
- استراتژی تصرف یک منطقه و برقراری صلح: ۱۴۴

- ۲۰۰
- تفکر کلاسیک: ۵۷، ۹۸
- تفوق روانی: ۱۴۹
- تفوق نظامی عراق: ۱۴۹
- تک پشتیبانی: ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷
- تک جبهه‌ای: ۱۷۴
- تک محلی: ۳۹
- تمرکز قوای دشمن: ۱۳۸
- توازن جنگ: ۱۷۳
- توازن سیاسی - نظامی: ۸۷، ۱۴۹
- توازن قوا، توازن قدرت: ۶۰، ۶۱، ۸۹، ۱۵۰
- توان دشمن: ۱۳۶
- توان دفاعی: ۲۱
- توان رزم: ۲۰۳
- توان نظامی ایران: ۱۷۷، ۱۹۲
- توان نظامی عراق: ۱۹۲
- توانایی دفاعی عراق: ۷۴، ۷۵
- توقف در جنگ: ۱۱۳
- تهاجم تعیین کننده: ۸۸
- جنگ انقلابی: ۴۷، ۱۳۷
- جنگ تمام عیار: ۱۸
- جنگ تهاجمی: ۸۴
- جنگ حزب‌اللهی: ۹۹
- جنگ درازمدت: ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۰
- جنگ سریع: ۲۱
- جنگ طولانی: ۷۳
- جنگ فرسایشی: ۸۴، ۸۶، ۹۰، ۱۰۹
- جنگ مردمی: ۳۴، ۵۵، ۱۳۷
- جنگ نابرابر: ۱۴۲
- جنگ نفتکشها: ۹۳، ۹۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۸۸، ۱۶۹
- حمایت تکنولوژیک غرب از عراق: ۲۰۴
- پدافند هوایی: ۱۴۷
- پدافند: ۶۴، ۱۴۷
- پشتیبانی هوایی: ۱۴۴
- پشتیبانی: ۱۱۴، ۱۴۷
- پوشش هوایی: ۱۱۴
- پیروزی استراتژیک: ۶۵
- پیروزی قاطع نظامی: ۱۰۸، ۱۱۳
- پیروزی مطلق: ۹۹، ۱۰۱
- پیشروی در عمق: ۴۸
- تاکتیک نظامی عراق: ۳۶
- تاکتیک ویژه عملیات بیت‌المقدس: ۵۸
- تاکتیک ویژه عملیات طریق القدس: ۵۳
- تاکتیک ویژه عملیات کربلای ۴: ۱۷۲
- تاکتیک ویژه عملیات کربلای ۵: ۱۷۴
- تاکتیکهای رزمی (جنگی) ایران: ۴۸، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۷۲، ۸۶
- تاکتیکهای موج انسانی: ۵۴
- تاکتیکهای نظامی ایران: ۸۶
- تجدید قوای دشمن: ۶۵
- تجدید قوای نیروهای مسلح ایران: ۵۹
- تجزیه قوای دشمن: ۷۷، ۱۵۱، ۱۹۳
- تحول در جنگ: ۴۶
- ترک مخاصمه: ۶۳
- تشدید جنگ: ۱۰۹
- تشدید حملات عراق: ۱۷۸
- تعقیب دشمن: ۶۴
- تعیین سرنوشت جنگ: ۱۶۰، ۱۷۳
- تغییر استراتژی عراق: ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۹
- تغییر تاکتیک عراق: ۲۰۱
- تغییر توازن به سود ایران: ۷۰، ۱۲۶، ۱۷۶، ۱۸۰
- تغییر توازن: ۱۳۶، ۱۶۰
- تغییر موازنه به سود عراق: ۱۹۲، ۱۹۷

|   |                                   |
|---|-----------------------------------|
| ۱۴۵، ۱۴۳                                    | حمله برق آسا: ۱۰۸                 |
| عملیات مستقل: ۷۹                            | خاتمه جنگ: ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۱     |
| عملیات نامنظم: ۱۴۰، ۱۳۹                     | ۲۰۲، ۱۹۸، ۱۹۰، ۱۷۰، ۱۶۸، ۱۶۶      |
| غافلگیری ایران: ۲۰۱، ۱۹۷                    | خط شکن: ۸۹، ۸۵                    |
| غافلگیری تاکتیکی عراق: ۱۷۴                  | دفاع: ۳۷، ۳۴، ۲۶، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۵  |
| غافلگیری در تاکتیک: ۸۵                      | ۲۰۶، ۱۱۲، ۸۹، ۸۸، ۴۶              |
| غافلگیری در زمان: ۸۵                        | روشهای (اصول) کلاسیک (نظامی): ۳۷، |
| غافلگیری در مکان: ۸۵                        | ۱۴۷، ۱۱۹، ۴۸، ۴۶                  |
| غافلگیری دشمن: ۵۷، ۵۳، ۴۹، ۴۸               | سازماندهی نیروهای ایران: ۱۷۴      |
| ۱۹۱، ۱۴۷، ۱۳۷، ۸۶، ۷۹، ۷۸                   | سرنوشت جنگ: ۹۱، ۷۷                |
| گرامت: ۷۰، ۳۵                               | شبیخون: ۱۴۹، ۳۳                   |
| فرماندهی، کنترل، هدایت: ۱۳۹، ۸۹، ۵۵         | شرایط خاتمه جنگ: ۱۸۰، ۱۵۰         |
| ۱۴۷   | شناسایی: ۱۹۴                      |
| لجستیکی: ۱۰۶                                | شیوه رزم: ۲۰۰                     |
| مانور زرهی: ۳۹                              | طرحریزی: ۱۴۷، ۹۰، ۸۹              |
| مرحله نهایی جنگ: ۲۰۳                        | عدم آمادگی: ۶۵                    |
| مستشاران نظامی شوروی: ۷۵                    | عدم الفتح: ۷۸                     |
| مقابله به مثل محدود، مقابله به مثل (ایران): | عقبه دشمن: ۱۳۷                    |
| ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۰۸، ۱۰۷، ۹۸                      | عملیات آبی - خاکی: ۱۴۹، ۸۹        |
| مقاومت: ۱۰۷، ۹۷، ۵۸، ۵۳، ۴۶، ۳۷             | عملیات آفندی: ۱۳۶، ۳۹، ۳۸         |
| ۲۱۱، ۲۰۹، ۱۹۵، ۱۱۷                          | عملیات استشهادی: ۹۰               |
| مقاومت نیروهای مردمی، مقاومت مردم:          | عملیات بزرگ، حمله بزرگ: ۱۴۰، ۷۹   |
| ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۲۶                              | ۱۹۶، ۱۴۷، ۱۴۵                     |
| مقاومت نیروهای نظامی ایران: ۳۰              | عملیات پیروز: ۱۰۰                 |
| موازنه نظامی به نفع عراق: ۱۹۰               | عملیات تهاجمی: ۱۰۶، ۸۶            |
| موازنه جنگ، موازنه نظامی: ۲۰۰، ۱۹۹          | عملیات در شب: ۴۸                  |
| موقعیت دفاعی عراق: ۷۹                       | عملیات دفاعی: ۸۶                  |
| نبرد توپخانه: ۳۸                            | عملیات فریب: ۱۴۸                  |
| نیروی داوطلب: ۱۱۰، ۱۰۷                      | عملیات گسترده: ۷۹، ۷۷، ۴۹، ۳۷     |
| وضعیت نظامی ایران: ۲۰                       | ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴      |
| هوشیاری ایران: ۲۰۱                          | ۱۹۵، ۱۹۳، ۱۴۵                     |
| هوشیاری دشمن: ۱۱۳، ۸۹، ۸۸، ۵۷               | عملیات محدود: ۷۷، ۴۸، ۴۷، ۳۹، ۳۸  |
| ۱۷۲   | ۷۹، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲       |

## اصطلاحات و مفاهیم سیاسی ،

## اقدامات سیاسی

- آزادی گروه‌گانه‌های آمریکایی در لبنان : ۱۶۷
- ابرقدرتها : ۱۴ ، ۴۸ ، ۵۸ ، ۱۹۲
- ارائه امتیاز : ۲۴ ، ۲۵
- ارتجاع عرب : ۱۲۲
- ارتش اسلامی : ۱۹
- ارتش طاغوتی : ۱۹
- استراتژی آمریکا : ۱۵ ، ۵۷
- استراتژی عراق : ۳۰ ، ۳۷ ، ۵۱ ، ۸۶
- استراق سمع : ۱۳۵
- اصل امید : ۹۰
- اطلاعات جاسوسی آمریکا به عراق : ۱۶۹ ، ۱۷۱
- افشای ماجرای مک‌فارلین : ۱۸۰
- امپریالیسم شوروی : ۶۰
- امپریالیسم : ۱۶
- انتخابات ریاست جمهوری آمریکا : ۲۲
- انتخابات ریاست جمهوری ایران : ۲۲
- انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی : ۱۹۵
- انحلال ارتش : ۱۹
- اندیشه استراتژیک امام : ۱۴۰
- انقلاب اسلامی : ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۲۱ ، ۲۶ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۵ ، ۲۰۶ ، ۲۱۲
- انهدام ایران : ۱۸
- بازدارندگی : ۲۴ ، ۲۶
- بحران جنوب لبنان : ۷۵
- بحران سیاسی ایران : ۳۶ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۹ ، ۵۰ ، ۵۲
- براندازی جمهوری اسلامی : ۱۹ ، ۴۰
- برگ برنده : ۲۰۸
- بسیج کشور : ۱۴۰
- بین‌المللی کردن مسئله جنگ : ۹۲
- پاکسازی ارتش : ۲۰
- پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت : ۲۰۵ ، ۲۰۶ ، ۲۰۷ ، ۲۰۸ ، ۲۱۰
- پناهندگی سیاسی ( بنی صدر ) : ۴۰
- پیروزی ایران : ۱۰۹
- تثبیت اوضاع داخلی ایران : ۵۹
- تجزیه استان خوزستان : ۳۰
- تجزیه ایران : ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۶۲
- تحریم اقتصادی ایران : ۲۲ ، ۱۸۷
- تحریم خرید نفت از ایران : ۱۸۷
- تحریم فروش تسلیحات به ایران : ۹۲ ، ۹۵ ، ۱۰۶ ، ۱۶۸ ، ۱۹۶
- ترور : ۱۸ ، ۴۰ ، ۴۱
- تروریسم بین‌المللی : ۹۵
- تروریسم دولتی : ۱۶۲
- تشدید فشار به ایران : ۸۰ ، ۹۰ ، ۹۵ ، ۱۰۸
- تصرف لانه جاسوسی : ۲۰ ، ۲۱
- تصمیم جهانی برای تقویت عراق : ۱۸۹
- تلاشها و تحرکات دیپلماتیک ( دیپلماسی )
- ایران : ۱۰۸ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۸۰ ، ۱۹۹ ، ۲۰۴
- تمامیت ارضی ایران : ۳۵
- تنبیه ایران : ۶۱
- توازن جنگ : ۱۷۳
- توازن سیاسی - نظامی : ۸۷ ، ۱۴۹
- توازن قوا : ۶۰ ، ۶۱ ، ۸۹ ، ۱۵۰
- تهدید منطقه‌ای : ۵۶
- ثبات منطقه : ۱۵
- جمهوری عربستان : ۲۳
- جنگ سرد : ۱۴
- حالت نه جنگ و نه صلح : ۶۳ ، ۱۰۹
- حامیان جهانی عراق : ۷۹

- حقوق بشر: ۴۰  
حمایت از عراق: ۱۰۹  
حمایت تکنولوژیک غرب از عراق: ۲۰۴  
حمله دیپلماتیک عراق: ۱۳۴  
خلأ قدرت: ۱۵  
خلع بنی صدر (سال ۱۳۶۰): ۴۰  
رابطه پنهانی ایران و آمریکا: ۱۲۵، ۱۶۱  
رادیکالیسم شیعه: ۶۰  
راه حل سیاسی: ۷۲  
رژیم شاه: ۱۴  
رفع تحریم تسلیحاتی عراق: ۳۷  
روابط ایران و آمریکا: ۲۰۷  
سال سرنوشت: ۱۶۰  
سقوط شاه: ۱۹، ۲۰، ۶۰  
سقوط صدام: ۹۳  
سیاست خارجی ایـران: ۱۰۱، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴  
سیاست درهای باز: ۱۲۲، ۱۲۴  
سیاست منزوی کردن ایران: ۱۲۴، ۱۲۵  
شرایط ایران برای صلح: ۳۵  
شکست آمریکا در درگیری با ایران: ۱۸۷  
شکست عراق: ۳۴، ۳۶  
صدور انقلاب: ۵۶، ۱۰۹  
صلح تحمیلی: ۳۶  
صلح شرافتمندانه: ۶۳، ۶۵  
صلح، مصـالحه: ۱۴، ۳۵، ۷۳، ۹۶، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۴، ۱۴۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۲۰۴  
صلح طلبی: ۲۰۹  
ضربه استراتژیک بر آمریکا: ۹۰  
طرح شکست ایران: ۱۷۰  
عقب نشینی آمریکا: ۱۸۶  
عملیات استـتانچ (اقدامات آمریکا برای
- جلوگیری از رسیدن سلاح به ایران): ۹۰، ۹۵، ۱۳۳  
غائله ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۹: ۳۹  
فرار بنی صدر: ۵۸  
فشار اقتصادی: ۱۰۷  
فشار بین المللی: ۱۱۰  
فشار روانی عراق: ۱۱۲  
فشار سیاسی: ۱۰۷  
فنا تیک: ۱۱۴  
قدرت بازدارندگی ایران: ۲۱  
قدرت منطقه ای: ۶۲  
قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت: ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۷، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۰  
کشتار حجاج ایرانی در مکه: ۱۷۹  
کشورهای تروریست: ۶۱، ۷۵  
کودتای نوژه: ۱۸، ۲۵  
گروگانگیری در لبنان: ۱۶۲  
ماجرای مک فارلین: ۱۲۵، ۱۶۰، ۱۸۰  
مارکسیسم: ۱۶  
مذاکرات خودمختاری فلسطین: ۶۰  
مذاکرات محرمانه آمریکا و عراق: ۲۲  
مذاکرات محرمانه ایران و آمریکا: ۱۶۲  
مذاکرات هیات آمریکایی در تهران: ۱۶۴  
مذاکره عراق با آمریکا: ۹۱  
مذاکره، مذاکرات صلح: ۳۴، ۴۰، ۴۱، ۵۱، ۵۹، ۶۳، ۷۲، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۶۶  
مقاومت جمهوری اسلامی: ۱۷  
ملاقات محرمانه صدام و برژینسکی: ۲۳  
منازعات سیاسی: ۳۹  
منافع غرب: ۱۵  
مناقشات داخلی: ۳۹  
موازنه نسبی قوا: ۱۵

- موج اسلامی: ۱۵  
 مهار ایران: ۱۶، ۶۲  
 مهار بحران در ایران: ۵۹  
 مهار جنگ: ۷۴  
 میانجیگری: ۳۵  
 نظریه توسعه و تکامل: ۱۵  
 نظم جهانی: ۱۵  
 نهادگرایی اسلامی: ۶۰  
 یارگیری سیاسی: ۲۵، ۳۴
- سایر اسامی و اصطلاحات**
- آموزه: ۴۷  
 اسلام: ۲۰۸  
 بازسازی مناطق مرزی: ۷۳  
 جام زهر: ۲۰۶  
 خط امام: ۳۷  
 خطوط هوایی بغداد - پاریس: ۱۳۵  
 دکترین (آموزه): ۴۷  
 دهه فجر: ۷۷  
 روز قدس: ۱۲۳  
 شهادت: ۲۰۸، ۲۰۶  
 شیعه‌گرایی: ۷۴  
 عاشورای حسینی: ۱۹۵  
 کفر: ۲۰۸  
 ماجرای مک فارلین: ۱۲۵، ۱۶۰، ۱۸۰  
 منابع اطلاعاتی غرب: ۸۸  
 مهندسی: ۱۴۶، ۸۹  
 نماز جمعه تهران: ۲۵، ۱۶۰، ۱۶۹
- ( جناح ) چپ ( ایران ) : ۱۰۱، ۵۹  
 جناح لیبرال ( لیبرالها ) ایران : ۱۹، ۲۵، ۵۹  
 ( جناح ) میانه‌رو ( ایران ) : ۱۰۱، ۱۲۵، ۱۶۲  
 جناح‌های داخلی: ۱۰۰  
 جناح‌های سیاسی ایران: ۱۶۲  
 چپ‌های آمریکایی: ۳۹  
 حزب توده: ۱۹۵  
 حزب‌الله لبنان: ۹۰  
 حزب‌الله مجلس: ۱۹۱  
 دانشجویان پیرو خط امام: ۳۸  
 کودتاچیان: ۲۵  
 گروه سرسخت (ایران): ۱۰۱  
 گروه‌های سیاسی: ۱۹  
 گروه‌های ضدانقلاب، ضدانقلاب (ایران):  
 ۱۹، ۲۰، ۳۴  
 مجاهدین افغانی: ۱۹۵  
 مجمع عقلا: ۱۲۴  
 معارضین کرد عراقی: ۱۹۳  
 منافقین، سازمان منافقین: ۳۹، ۴۰، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۲، ۲۱۰  
 نهضت آزادی: ۴۰  
 نیروهای شناسایی منافقین: ۱۹۳
- مسائل اقتصادی**
- افزایش تورم: ۱۷۱  
 اقتصاد عراق: ۹۱  
 بازار سیاه کالاهای اساسی: ۱۷۱  
 بازار نفت: ۹۴  
 برتری اقتصادی ایران: ۱۰۷  
 بنادر ایران: ۱۱۷  
 پایانه‌های صدور نفت ایران: ۹۴، ۱۷۰  
 تاسیسات نفتی ایران: ۱۹۹
- گروه‌های سیاسی و نظامی**
- افراطیون ایران: ۱۲۵  
 پناهندگان (عراقی): ۳۵  
 تندروهای اسلامی: ۱۷۶

- تحریم اقتصادی ایران : ۲۲ ، ۱۸۷  
 تحریم خرید نفت از ایران : ۱۸۷  
 درآمد ارزی ایران : ۱۱۰  
 درآمد نفت ایران : ۱۷۱  
 ساختار اقتصادی ایران : ۱۹۶  
 شاه‌رگ اقتصادی ایران : ۱۱۷  
 صادرات نفت عراق : ۹۱ ، ۹۲ ، ۱۷۰  
 صورت‌نقش ایران : ۹۲ ، ۹۳ ، ۹۴ ، ۹۷ ، ۱۱۸ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱ ، ۱۷۶ ، ۱۷۷ ، ۱۷۸  
 فشار اقتصادی بر ایران : ۱۱۸  
 قدرت خرید ایران : ۱۱۸  
 قرارداد یک میلیارد دلاری شرکت بختل با عراق : ۹۲  
 قطع نفت ایران : ۱۷۰  
 قیمت نفت : ۹۴ ، ۱۷۰ ، ۱۹۱  
 لوله نفتی عراق به بندر عقبه : ۹۲  
 محاصره اقتصادی : ۹۵  
 منابع ارزی ایران : ۹۰  
 منابع نفتی ایران : ۱۷۰  
 نفت ایران : ۹۱  
 نفت جهان : ۹۴  
 نفت : ۱۵  
 واردات ایران : ۱۷۱  
 وضعیت اقتصادی ایران : ۱۶۰ ، ۱۷۰  
 وضعیت اقتصادی عراق : ۹۰
- راديو استراليا : ۱۴۸  
 راديو اسرائيل : ۵۶  
 راديو بي بي سي ، راديو لندن : ۱۴۹ ، ۲۰۷ ، ۲۱۱  
 راديو صدای جمهوری اسلامی : ۲۰۵  
 راديو کويت : ۱۸۹  
 رسانه‌های غربی : ۱۰۱  
 روزنامه الشرق الاوسط : ۱۸۷  
 روزنامه الخلیج ( چاپ امارات ) : ۹۶  
 روزنامه جمهوری اسلامی : ۱۹۵  
 روزنامه دویچه سایتونگ : ۵۸  
 روزنامه کویته السیاسه : ۱۹۰  
 روزنامه کیهان : ۱۹۵  
 روزنامه گاردین : ۶۳  
 روزنامه لوموند : ۵۸ ، ۱۲۲  
 روزنامه معاریو : ۱۴۸  
 روزنامه نیویورک تایمز : ۲۳ ، ۸۷ ، ۹۳ ، ۱۰۷ ، ۱۹۹ ، ۲۰۲ ، ۲۰۹  
 روزنامه واشنگتن پست : ۹۱ ، ۱۶۹ ، ۱۹۵  
 روزنامه واشنگتن تایمز : ۱۷۰  
 روزنامه وال استریت ژورنال : ۹۳ ، ۱۱۰  
 روزنامه دی‌ولت ( چاپ آلمان ) : ۱۲۲  
 شبکه ان . بی . سی : ۱۴۸  
 فصلنامه اینتلجنت : ۱۷۰  
 کتاب درسهایی از جنگ مدرن ( جنگ ایران و عراق ) : ۱۹  
 کتاب سوداگری مرگ : ۶۱ ، ۱۱۶ ، ۱۴۹  
 مجله فیگارو : ۲۳ ، ۲۴  
 مجله میدل ایست : ۱۰۹ ، ۱۴۹  
 مجله تایمز لندن : ۱۹۸  
 نشریه اسپرسو : ۲۰۰  
 نشریه المجله ( چاپ انگلیس ) : ۱۰۶  
 نشریه ساندی تایمز : ۱۶۹
- رسانه‌ها**  
 خبرگزاری رویتر : ۲۲ ، ۹۳  
 خبرگزاری عراق : ۹۷  
 خبرگزاری فرانسه : ۱۲۳  
 خبرگزاری مصر : ۱۸۹  
 راديو آمریکا : ۸۶ ، ۱۰۶ ، ۱۱۰ ، ۱۴۹



- نشریه لوس آنجلس تایمز: ۱۴۸  
هفته‌نامه اکونومیست: ۱۷۰  
هفته‌نامه فارین ریپورت: ۹۳، ۱۶۲، ۱۷۳
- آمار و ارقام آماری**  
**آمار تجهیزات و تسلیحات**
- ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی ( موجودی ارتش عراق در آغاز تجاوز ): ۳۰  
۸۰۰ قبضه توپ ( توپهای عراق در آغاز تجاوز ): ۳۰  
۱۶۵ قبضه توپ ( از غنایم فتح‌المبین ): ۵۵  
۵۵۰۰ عراده توپ ( موجودی عراق در آوریل ۱۹۸۸ ): ۲۰۰  
یک میلیون گلوله توپ ( لازم برای عملیات گسترده ): ۱۴۴  
۲۰۰۰ تانک ( ارسالی از شوروی به عراق ): ۱۸۹  
۵۰۰۰ تانک ( موجودی عراق در آوریل ۱۹۸۸ ): ۲۰۰  
۲۵۰ تانک تی - ۷۲ ( ارسالی از شوروی به عراق در نوامبر ۱۹۸۲ ): ۷۵  
۴۰۰ تانک تی - ۵۵ ( ارسالی از شوروی به عراق در نوامبر ۱۹۸۲ ): ۷۵  
۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر ( توان زرهی عراق در آغاز تجاوز ): ۳۰  
۳۲۰ دستگاه تانک و نفربر ( از غنایم عملیات فتح‌المبین ): ۵۵  
۶۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر ( اسـتعداد یگانهای زرهی ارتش عراق ): ۱۳۶  
۴۵۰۰ نفربر زرهی ( موجودی عراق در آوریل ۱۹۸۸ ): ۲۰۰  
۵۰۰ قایق ( به‌کارگرفته‌شده در عملیات خیبر ): ۸۶
- ۲۰۰۰ قایق ( مورد نیاز برای عملیات خیبر ): ۸۶  
۲۰۰ قایق ( مورد نیاز برای ادامه عملیات بدر ): ۱۱۵  
۱۳ دستگاه موشک انداز متحرک ( ارسالی از فرانسه برای عراق ): ۷۶  
۳۵۰ موشک اسکاد - بی ( شوروی در اختیار عراق گذاشت ): ۹۶  
۱۳ فروند موشک زمین به زمین اسکاد ( شلیک شده به کرکوک و بغداد ): ۱۱۱  
۳۰۰۰ موشک تاو ( لازم برای عملیات گسترده ): ۱۴۴  
۳۰۰ موشک زمین به زمین ( رسالی از شوروی به عراق ): ۱۸۹  
۳۰۰ موشک زمین به زمین اسکاد ( موجودی عراق در آوریل ۱۹۸۸ ): ۲۰۰  
۳۶۶ فروند ( هواپیماهای ارتش عراق در آغاز تجاوز ): ۳۰  
۷۰ فروند ( تعداد هواپیماهای جنگی ایران ): ۱۰۶  
۶۰۰ فروند ( تعداد هواپیماهای بمبافکن و تهاجمی عراق ): ۱۰۶  
۴۰۰ فروند ( تعداد جنگنده‌های عراق ): ۱۱۱  
۶۰ هواپیمای میراژ ۲۰۰۰ ( دریافتی عراق از فرانسه ): ۱۲۲  
۳۰۰ هواپیمای جنگنده ( ارسالی از شوروی به عراق ): ۱۸۹  
۷۲۰ هواپیمای جنگی ( موجودی عراق در آوریل ۱۹۸۸ ): ۲۰۰  
۴۰۰ فروند ( هلی‌کوپترهای عراق در آغاز تجاوز ): ۳۰  
۲۰ هلی‌کوپتر بل‌هاوک ( دریافتی عراق از

۲ سال و سه ماه (مدت حضور ایران در  
فاو) : ۱۹۸

### نفرات

۷۲ نفر (شهادت هفتم تیر) : ۴۰  
۱۷۰۰۰ نفر (اسرای دشمن در عملیات فتح  
المبین) : ۵۵  
۱۹۰۰ نفر (اسرای دشمن در عملیات بیت  
المقدس) : ۵۷  
۱۲۰۰ مستشار نظامی شوروی (اعزامی به  
عراق) : ۷۵  
۴۸۰۰۰ سرباز (ظرفیت پناهگاههایی که  
برای عراق ساختند) : ۷۶  
۱۷۰۰۰ نفر (تعداد نیروهای ارتش ایران که  
عراق در پایان جنگ به اسارت گرفت) : ۲۰۵

### معاملات

یک میلیارد دلار (فروش سلاح به ایران توسط  
۱۵ کشور غربی در سال ۱۳۶۳) : ۱۹۶  
۲۰۰ میلیون دلار (فروش سلاح به ایران  
توسط ۶ کشور غربی در سال  
۱۳۶۳) : ۱۹۶  
۳۰۰ میلیون دلار (اعتبار امریکا به عراق برای  
خرید غله) : ۷۵  
یک میلیارد دلار (اعتبار امریکا به عراق برای  
خرید محصولات کشاورزی) : ۹۱، ۷۵  
۵/۷ میلیارد دلار (وام شوروی به عراق) : ۹۶  
۴/۵ میلیارد دلار (فروش سلاح شوروی به  
عراق) : ۹۶  
۲ میلیارد دلار (وام شوروی به عراق) : ۹۶  
۲۴ دلار (قیمت هر بشکه نفت در سال  
۱۳۶۳) : ۹۷  
۱۴ میلیارد دلار (میزان خرید سالانه جنگ  
افزار عراق) : ۱۰۶  
میلیاردها دلار (اسلحه دریافتی عراق از

امریکا) : ۱۲۲

۴۲۰ هلی کوپتر (موجودی عراق در آوریل  
۱۹۸۸) : ۲۰۰

۳۰ نوع (انواع سلاحهای شیمیایی که عراق  
در عملیات بدر استفاده کرد) : ۱۱۵  
۸ تن (تولید ماهانه گاز تابون و ساروبین  
توسط عراق) : ۱۱۶  
۶۰ تن گاز خردل (تولید ماهانه عراق) : ۱۱۶  
۱۶ رده (تعداد رده موانع در منطقه عملیاتی  
والفجرمقدماتی) : ۷۸  
۴۰٪ (افزایش سیستم تسلیحاتی عراق طی ۲  
سال) : ۲۰۰

### مدت

۴ روز (مدت پیشروی عراق در غرب  
رودخانه کرخه) : ۳۰  
۳۴ روز (مقاومت رزمندگان در خرمشهر) :  
۳۱  
سه روز (مدت پدافند فعال تیپ ۳ از لشکر  
۹۲ زرهی اهواز در برابر لشکر ۹ زرهی  
عراق) : ۳۲  
۳۴ روز جنگ و گریز (مقاومت  
خرمشهر) : ۳۳  
۴۸ ساعت (مدت عملیات ثامن  
الائمه) : ۵۰  
۱۳ روز (مدت هجوم دشمن به تنگه  
جزابه) : ۵۴  
۱ هفته (مدت عملیات فتحالمبین) : ۵۵  
۸ ماه (اجرای ۴ عملیات پیروز) : ۵۹  
۶ روز (حداکثر زمان توان مقابله با  
دشمن) : ۱۴۵  
۷۵ روز (مدت پاتکهای دشمن پس از  
والفجر ۸) : ۱۴۷  
۳۶ ساعت (مدت بازپس گیری فاو) : ۱۹۸

برزیل): ۱۲۲

۱/۵ میلیارد دلار (فروش تکنولوژی پیشرفته انگلیس به عراق): ۱۳۵

۱۰ دلار (قیمت هر بشکه نفت در سال ۱۳۶۶): ۱۷۰

۵۰٪ (کاهش درآمد نفت ایران در سال ۱۹۸۶): ۱۷۱

۲۸۹۶۰۰۰۰۰ دلار (درآمد نفت ایران در نیمه اول سال ۱۹۸۶): ۱۷۱

۱۰۰ میلیون دلار (خسارات حمله عراق به سکوی نفتی ایران): ۱۷۸

۵/۶ میلیارد دلار (تسلیحات ارسالی فرانسه به عراق طی دو سال): ۱۸۹

۹/۲ میلیارد دلار (تسلیحات ارسالی شوروی به عراق طی سالهای ۶۷-۱۳۶۵): ۱۸۹

۵۰ میلیارد دلار (میزان تسلیحات تحویلی به عراق در طول جنگ): ۱۸۹

۶۰ میلیارد دلار (کمکهای کویت و عربستان به عراق): ۱۸۹

۵ میلیارد دلار (درآمد ارزی ایران در سال ۱۹۶۵): ۱۹۱

۱۵ میلیارد دلار (فروش سلاح به عراق در سال ۱۳۶۶): ۱۹۶

### مساحت و مسافت

۲۰ نقطه مرزی (نقاط ایجاد درگیری در مرز همزمان با کودتای نوژه): ۲۴

۸۰ کیلومتر (فاصله مرز تا رودخانه کرخه): ۳۰

۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع (اراضی اشغالی توسط عراق): ۳۱

۵۰ کیلومتر (فاصله ارتش ایران تا صحنه جنگ): ۳۲

۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع (وسعت مناطق

آزاد شده در سالهای اول و دوم جنگ): ۷۰

۲ متر (عمق کانال پرورش ماهی): ۷۱

۱ کیلومتر (عرض کانال پرورش ماهی): ۷۱

۴۰ کیلومتر (طول کانال پرورش ماهی): ۷۱

۳۰ کیلومتر مربع (وسعت منطقه آزاد شده حاج عمران در عملیات والفجر ۲): ۷۹

۱۳ کیلومتر (پیشروی در عملیات خیبر): ۹۹

۵۰ کیلومتر (پیش‌بینی میزان پیشروی در عملیات خیبر): ۹۹

### آمار یگانهای نظامی

۴۸ یگان (تعداد یگانهای ارتش عراق در آغاز تجاوز به ایران): ۳۰

۲ لشکر (نیروهای مهاجم و اشغالگر خرمشهر): ۳۳

۱۵ گردان (استعداد قوای سپاه که برای اولین بار به صورت سازماندهی به کار گرفته شد): ۵۱

۱۰۰ تا ۱۲۰ گردان (مجموع قوای سپاه در عملیات بیت المقدس): ۵۸

۳ گردان (عملکننده در جزیره شمالی مجنون): ۸۶

۸ گردان (مورد نیاز برای عملیات در جزیره شمالی مجنون): ۸۶

۱۰ لشکر (افزایش یگانهای عراق در فاصله عملیتهای رمضان و خیبر): ۸۹

۱۲۰ گردان (مجموع توپخانه‌های ارتش عراق): ۱۳۶

۸۰ گردان (مجموع نیروهای که در اختیار سپاه بود): ۱۳۷

۳۰۰ گردان (نیروی آزاد ارتش عراق): ۱۳۷

۵۵۰ گردان (مجموع نیروهای پیاده ارتش

|  |   |
|--|---|
| اول اسفند ۱۳۵۷ (نصب بنی صدر به فرماندهی کل قوا): ۲۵  | عراق (۱۳۶، ۱۳۷)   |
| آبان ۱۳۵۸ (تصرف لانه جاسوسی آمریکا): ۲۰، ۲۱  | ۳۰۰ گردان (توان لازم سپاه برای ادامه جنگ): ۱۴۱                      |
| آذر ۱۳۵۸ (تشکیل بسیج): ۲۰  | ۱۵۰ گردان (حداقل نیروی لازم برای عملیات سپاه در جنوب): ۱۴۳          |
| بهمن ۱۳۵۸ (اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران): ۲۲  | ۲۶ لشکر (قوای شوروی مستقر در نزدیکی ایران): ۱۶۵                     |
| ۲۳ فروردین ۱۳۵۹ (۱۱ آوریل ۱۹۸۰) (تصویب عملیات آمریکا در طیس): ۲۲   | ۴۵ لشکر (تعداد لشکرهای عراق در سال ۱۳۶۷): ۱۹۰                       |
| فروردین ماه ۱۳۵۹ (قطع رابطه آمریکا با ایران): ۲۲   | ۲۶ لشکر (تعداد لشکرهای عراق در سال ۱۳۶۵): ۲۰۰، ۱۹۰                  |
| تیر ۱۳۵۹ (کودتای نوژه): ۲۰   | ۵۰ لشکر (تعداد لشکرهای عراق در سال ۱۹۸۸): ۲۰۰                       |
| تیر ۱۳۵۹ (مذاکره محرمانه آمریکا و عراق): ۲۲  | ۱۰ برابر (رشد توان رزمی سپاه طی ۹ ماه): ۵۸                          |
| تیر ۱۳۵۹ (ژوئن ۱۹۸۰) (ملاقات برژینسکی و صدام): ۲۳  | شش به یک (نسبت توان هوایی عراق به ایران): ۱۳۲                       |
| تیر ۱۳۵۹ (بررسی آمریکا در مورد تقدم و تأخر کودتا و جنگ): ۲۴  | <b>عملیات</b>   |
| ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (آغاز تهاجم سراسری): ۲۴   | ۲۰ عملیات محدود (طرحریزی و اجرا شده از اسفند ۵۹ تا مهر ۶۰): ۴۸      |
| ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) (اولین پیشنهاد دبیر کل سازمان ملل برای حل مسالمت آمیز برخورد دو کشور): ۳۴ | ۱۴ عملیات (عملیاتیهای طرحریزی شده بعد از عملیات ثامن الائمه): ۵۱    |
| ۱۹ مهر ۱۳۵۹ (عبور دشمن از کارون): ۳۱   | <b>نفت</b>  |
| ۲۳ مهر ۱۳۵۹ (عملیات ارتش در غرب کرخه): ۳۷  | نیم میلیون بشکه نفت (فروش روزانه عربستان و کویت به حساب عراق): ۹۲   |
| ۳ آبان ۱۳۵۹ (عملیات ارتش برای شکستن محاصره آبادان): ۳۸   | ۷۵۰ هزار بشکه نفت (صادرات روزانه عراق): ۹۲                          |
| ۴ آبان ۱۳۵۹ (اشغال خرمشهر): ۳۱   | کمتر از ۲ میلیون بشکه (میزان صدور روزانه نفت ایران در سال ۱۳۶۳): ۹۷ |
| ۱۴ آبان ۱۳۵۹ (فرمان امام برای شکستن محاصره آبادان): ۳۸   | <b>زمانها و رویدادها</b>  |
|  | سال ۳ - ۱۳۵۲ (۱۹۷۴) (درگیری سابق ایران و عراق): ۲۲                  |

- حصر آبادان ( : ۳۷
- آبان ۱۳۵۹ (اعلام تمایل صدام به تجزیه ایران) : ۱۸
- ۱۵ و ۱۶ دی ۱۳۵۹ [ عملیات نصر ( هویزه ) ارتش ] : ۳۸ ، ۵۷
- ۲۰ دی ۱۳۵۹ ( عملیات توکل ارتش ) : ۳۸
- بهمین ۱۳۵۹ ( آزادی گـ روگانهای آمریکایی ) : ۷۶
- بهمین ۱۳۵۹ ( تحویل اولین سـری میراژهای فرانسوی به عراق ) : ۷۶
- ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ ( غائله بنی صدر و منافقین ) : ۳۹
- اسفند ۱۳۵۹ تا مهر ۱۳۶۰ ( اجرای ۲۰ عملیات محدود ) : ۴۸
- فروردین ۱۳۶۰ ( تاکید بر ضرورت تغییر استراتژی جنگ ) : ۴۶
- فروردین ۱۳۶۰ ( آماده شدن طرح سپاه برای شکستن محاصره آبادان ) : ۵۰
- خرداد ۱۳۶۰ ( حادثه انفجار در دفتر حزب داخل ) : ۴۰
- ۷ تیر ۱۳۶۰ ( حادثه انفجار در دفتر حزب جمهوری اسلامی ) : ۴۰ ، ۵۰
- تیر ۱۳۶۰ ( تاکید ستاد عملیات سپاه در جنوب بر اتخاذ تاکتیکهای جدید ) : ۴۸
- ۸ شهریور ۱۳۶۰ ( انفجار ساختمان نخست وزیری ) : ۴۰
- ۵ مهر ۱۳۶۰ ( آغاز عملیات ثامن الائمه ) : ۵۰
- ۸ آذر ۱۳۶۰ ( آغاز عملیات طریق القدس ) : ۵۳
- ۱۳۶۰/۱۱/۱۷ ( آغاز هجوم دشمن به تنگه جزابه ) : ۵۴
- ۱۳۶۰/۱۲/۲۸ ( آغاز عملیات فتح المبین ) : ۵۵
- سال ۱۳۶۰ ( ۱۹۸۱ ) ( انهـدام راکـتور هسته ای عراق به دست اسرائیل ) : ۷۶
- ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ ( آغاز عملیات بیت المقدس ) : ۵۷
- خرداد ۱۳۶۱ ( ژوئن ۱۹۸۲ ) ( آغاز احداث پناهگاههای زیرزمینی در عراق ) : ۷۶
- ۲۳ تیر ۱۳۶۱ ( آغاز عملیات رمضان ) : ۶۵
- ۱۳۶۱/۷/۹ ( عملیات مسلم بن عقیل ) : ۷۷
- ۱۳۶۱/۸/۱۰ ( عملیات محرم ) : ۷۷
- آبان ۱۳۶۱ ( نوامبر ۱۹۸۲ ) ( مراجعت مستشاران شوروی به عراق ) : ۷۵
- آذر ۱۳۶۱ ( واگذاری اعتبار آمریکا به عراق برابر خریداری غله ) : ۷۵
- دی ۱۳۶۱ ( ژانویه ۱۹۸۳ ) ( دیدار وزیر خارجه فرانسه با طارق عزیز ) : ۷۶
- ۱۳۶۱/۱۱/۱۸ ( عملیات والفجر مقدماتی ) : ۷۸
- ۱۳۶۱/۱۲/۱۷ ( حمایت رسمی آمریکا از عراق ) : ۷۵
- سال ۱۳۶۱ ( ۱۹۸۲ ) ( اندیشه تسلط آمریکا بر لبنان ) : ۹۰
- سال ۱۳۶۱ ( ۱۹۸۲ ) ( آغاز مذاکره عراق با آمریکا ) : ۹۱
- ۱۳۶۲/۱/۲۱ ( عملیات والفجر ۱ ) : ۷۸
- ۲۹ تیر ۱۳۶۲ ( عملیات والفجر ۲ ) : ۷۹
- ۱۳۶۲/۵/۷ ( عملیات والفجر ۳ ) : ۷۹
- پاییز ۱۳۶۲ ( ۱۹۸۳ ) ( آغاز عملیات استانچ ) : ۹۰
- دی ۱۳۶۲ ( سفر معاون وزیر امور خارجه آمریکا به عراق ) : ۹۱
- ۱۳۶۲/۱۲/۳ ( آغاز عملیات خیبر ) : ۸۵
- اسفند ۱۳۶۲ ( سفر مورفی به خاورمیانه و بغداد ) : ۹۳

- سال ۱۳۶۲ ( سال موفقیت دفاعی عراق ) : ۷۲
- سال ۱۳۶۲ ( ۱۹۸۳ ) ( زمان سقوط احتمالی صدام ) : ۷۴
- سال ۱۳۶۲ ( درخواست ارتش برای استقرار سپاه در خطوط پدافندی ) : ۲۰۳
- ۱۳۶۱/۱/۱۰ ( صدور بیانیه شورای امنیت و محکوم کردن استفاده از گازهای سمی ) : ۸۷
- فروردین ۱۳۶۳ ( اعزام هیئت بلند پایه شوروی به عراق ) : ۹۵
- ۱۳۶۳/۲/۳ ( حمله به نفتکش‌های ایران ) : ۹۴
- ۱۳۶۳/۲/۷ ( ۲۷ آوریل ۱۹۸۴ ) ( سفر طه یاسین‌رمضان به مسکو ) : ۹۶
- ۱۷ خرداد ۱۳۶۳ ( اجلاس هفت کشور صنعتی ) : ۹۳
- تیر ۱۳۶۳ ( کنفرانس اثرات جنگ بر صلح و امنیت در بغداد ) : ۹۶
- مرداد ۱۳۶۳ ( سفر گنشر به ایران ) : ۱۰۰
- ۱۲۱
- آبان ۱۳۶۳ ( اعلام رسمی عراق مبنی بر حمله به اماکن غیرنظامی ) : ۱۰۹
- ۲۲ تا ۱۳۶۳/۱۲/۲۷ ( به کارگیری ۳۰ نوع سلاح شیمیایی ) : ۱۱۵
- ۱۳۶۳/۱۲/۲۳ ( شلیک اولین موشک ایران به بغداد ) : ۱۱۱
- سال ۱۳۶۳ ( سال موفقیت دفاعی عراق ) : ۷۲
- فروردین ۱۳۶۴ ( صدور بیانیه سازمان ملل در محکومیت به کارگیری سلاح شیمیایی ) : ۱۲۳
- ۵ اردیبهشت ۱۳۶۴ ( ۲۵ آوریل
- ۱۹۸۵ ) ( صدور بیانیه شورای امنیت در محکوم کردن سلاحهای شیمیایی ) : ۱۱۶
- ۸ اردیبهشت ۱۳۶۴ ( ۲۸ آوریل ۱۹۸۵ ) ( اعتراض به بیانیه شورای امنیت ) : ۱۱۶
- ۸ اردیبهشت ۱۳۶۴ ( اعلام آمادگی شوروی برای نظارت بر مذاکرات صلح ) : ۱۲۳
- ۲۴ خرداد ۱۳۶۴ ( ربوده شدن هواپیمای امریکایی تی . دبلیو ) : ۱۶۲
- ۴ خرداد ۱۳۶۴ ( آغاز مرحله دوم حمله هوایی عراق به شهرها ) : ۱۱۸
- ۴ خرداد ۱۳۶۴ ( برپایی تظاهرات حمایت از جنگ ) : ۱۲۳
- ۴ خرداد ۱۳۶۴ ( آغاز بررسی منطقه فاو برای عملیات ) : ۱۴۵
- تابستان ۱۳۶۴ ( سفر آقای هاشمی به سوریه ، لیبی ، چین و ژاپن ) : ۱۲۱
- تیر ۱۳۶۴ ( سفر آقای هاشمی به سوریه ) : ۱۶۲
- ۲۴ مرداد ۱۳۶۴ ( حمله عراق به پایانه‌های نفتی خارک ) : ۱۱۸
- ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ ( آغاز عملیات والفجریه ) : ۱۴۶
- ۱۳۶۴/۱۲/۱۶ ( آغاز عملیات والفجریه ) : ۱۵۱
- سال ۱۳۶۴ ( آزادی گروگانهای امریکایی در لبنان ) : ۱۶۲
- سال ۱۳۶۴ ( آغاز تماسهای ایران و آمریکا ) : ۱۶۳
- ۱۳۶۵/۲/۲۷ ( اشغال مجدد مهران ) : ۱۵۱
- ۴ خرداد ۱۳۶۵ ( ۲۵ مه ۱۹۸۶ ) ( سفر هیئت امریکایی به تهران ) : ۱۶۳

- ۷ خرداد ۱۳۶۵ (۲۸ مه ۱۹۸۶) (آخرین دور مذاکرات هیئت آمریکایی در تهران): ۱۶۷
- ۱۳ آبان ۱۳۶۵ (افشای ماجرای مک‌فارلین): ۱۶۱
- آبان ۱۳۶۵ (افشای مذاکرات پنهانی ایران و آمریکا): ۱۶۸
- آذر ۱۳۶۵ (بمباران نیروگاه نکا): ۱۶۹
- ۱۳۶۵/۱۰/۳ (آغاز عملیات کربلای ۴): ۱۷۲
- ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ (آغاز عملیات کربلای ۵): ۱۷۴
- دی ۱۳۶۵ (ژانویه ۱۹۸۷) (گسترش ارسال تجهیزات پیشرفته روسی به عراق): ۱۷۵
- ۱۴ اسفند ۱۳۶۵ (جلسه فرماندهان و مسئولین عراقی برای تغییر استراتژی): ۱۸۸
- سال ۱۳۶۵ (طراحی عملیاتهای کربلای ۱، ۲، ۳، ...): ۵۲
- سال ۱۳۶۵ (۱۹۸۶) (تولیدات نظامی در عراق): ۱۳۲
- سال ۱۳۶۵ (۱۹۸۶) (موافقت آمریکا برای کمک اطلاعاتی به عراق): ۱۳۲
- سال ۱۳۶۵ (۱۹۸۶) (افزوده شدن هواپیماهای غیرنظامی به هواپیماهای نظامی برای حمل تسلیحات از فرانسه به عراق): ۱۳۵
- سال ۱۳۶۵ (۱۹۸۶) (از بدترین سالهای اقتصاد ایران): ۱۷۱
- سال ۱۳۶۵ (به کارگیری توپخانه در تنگه هرمز برای مقابله با دشمن): ۱۷۸
- سال ۱۳۶۵ (اعزام کارشناسان شوروی به عراق): ۱۹۰
- فروردین ۱۳۶۶ (آغاز عملیات مقابله به مثل سپاه در خلیج فارس): ۱۷۹
- اردیبهشت ۱۳۶۶ (عملیات کربلای ۸): ۱۹۱
- ۳۰ مهر ۱۳۶۶ (اصابت موشک به اسکله الاحمدی کویت): ۱۸۶
- ۲ آبان ۱۳۶۶ (انفجار بمب در کویت): ۱۸۶
- ۱۳۶۶/۸/۲۹ (عملیات نصر ۸): ۱۹۳
- ۱۳۶۶/۱۰/۲۵ (عملیات بیت المقدس ۲): ۱۹۳
- ۱۳۶۶/۱۱/۲۳ (عملیات بیت المقدس ۳): ۱۹۳
- ۱۳۶۶/۱۲/۲۳ (عملیات والفجر ۱۰): ۱۹۳
- اسفند ۱۳۶۶ (حمله موشکی عراق به تهران): ۱۷۶
- اسفند ۱۳۶۶ (آغاز حملات موشکی عراق به تهران): ۱۹۴
- سال ۱۳۶۶ (درگیری ایران و آمریکا در خلیج فارس): ۱۸۰
- سال ۱۳۶۶ (اجرای تمرینهای گسترده آموزشی نیروهای عراقی): ۱۹۰
- سال ۱۳۶۶ (حضور نظامی آمریکا در منطقه): ۱۹۲
- سال ۱۳۶۶ (فشار آمریکا و شوروی به ایران): ۱۹۲
- سال ۱۳۶۶ (عدم اجرای عملیات گسترده در جبهه جنوب): ۱۹۵
- ۱۳۶۷/۱/۸ (حمله منافقین به فکه): ۲۰۲
- ۱۳۶۷/۱/۱۱ (تاکید امام خمینی بر مقاومت و هجوم به جبهه ها): ۱۹۵
- ۱۳۶۷/۱/۲۸ (حمله آمریکا به دو سکوی نفتی ایران): ۱۹۷

|                                    |                                      |
|------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱۳۶۷/۴/۲۷) پذیـرش قعـط نامـه ۵۹۸   | ۱۳۶۷/۱/۲۸) حمله عراق به فاو): ۱۹۷    |
| توسط ایران): ۲۰۵                   | ۱۳۶۷/۳/۴) حمله عراق به شلمچه):       |
| ۱۳۶۷/۴/۳۱) طراحـی و طـرحـریـزی     | ۲۰۱                                  |
| عملیات فروغ جاویدان توسط منافقین): | ۱۳۶۷/۳/۲۲) عملیات بیت المقدس (۷):    |
| ۲۱۰                                | ۲۰۲                                  |
| ۱۳۶۷/۵/۳) حمله منافقین - عملیات    | خرداد ۱۳۶۷) حمله منافقین به مهران و  |
| فروغ جاویدان): ۲۱۰                 | دهلران): ۲۰۲                         |
| ۱۳۶۷/۵/۲۹) برقراری آتش بس): ۲۱۱    | ۱۳۶۷/۴/۴) حمله عراق به جزایر مجنون): |
|                                    | ۲۰۳                                  |